چاپ دوم

حقوق بشر

و راهکارهای اجرای آن



دکتر حسین مهرپور

بسم الله الرحمن الرحيم

حقوق بشر

و راهکارهای اجرای آن

دکتر حسین مهرپور



انتشارات اطلاعات
تهران - ۱۳۸۸

سرشناسه: مهرپور، حسین، ۱۳۲۲ -
عنوان ونام پدیدآور: حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن / حسین مهرپور
مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸
مشخصات ظاهری: ۶، ۲۱۶ ص.
شابک: 978-964-423-439-2
یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: .HosseinMehrpour.Human rights and its implementation's intruments
یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۸ (فیپا)
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس
موضوع: حقوق بشر
موضوع: حقوق بشر - ایران
موضوع: حقوق بشر (اسلام)
شناسه افزوده: مؤسسهٔ اطلاعات
رده‌بندی کنگره: K۳۲۴۰/ ۹م ۷۵ح
رده‌بندی دیویی: ۳۴۱/۴۸۱
شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۴۹۳ - ۷۸م



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱

تلفن: ۶-۲۹۹۹۳۴۵۵ تلفن دفتر توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۲۴۲

فروشگاه مرکزی: خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن

نوشتهٔ دکتر حسین مهرپور

ویراستار: محمدحسین خسروانی حروف‌نگار: معصومه صفی صفحه‌آرا: فاطمه حلوائی

حروف‌نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

چاپ اول: ۱۳۷۸ چاپ دوم: ۱۳۸۸ شمارگان: ۲۱۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۳-۴۳۹-۲ **ISBN: 978-964-423-439-2**

فهرست مطالب

پیش گفتار

نوشته حاضر، مجموعه چند مقاله است که در زمینه‌های مختلف مربوط به حقوق بشر به رشته تحریر در آمده و در وقت خود در روزنامه کثیر الانتشار یا مجله‌ای انتشار یافته است، از آنجا که مقالات مزبور، عموماً، حاوی اطلاعات قابل توجهی در مورد برخی از عناوین حقوق بشری یا حقوق و آزادیهای اساسی و بعضی معاهدات و نهادهای بین‌المللی حقوق بشر و نیز تعهدات دولت جمهوری اسلامی ایران نسبت به آنهاست و می تواند منبع مفیدی برای علاقمندان به این مباحث خاصه دانشجویان و محققین و بسیاری از مسؤولین قضایی و اجرایی و تقنینی و حتی عموم مردم باشد، به‌صورت این مجموعه گردآوری و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت، امید است در این برهه از زمان که از سوی سازمان ملل به‌عنوان دهه آموزش حقوق بشر نامیده شده، انتشار این مجموعه نیز بتواند گامی کوچك در اطلاع‌رسانی و آموزشهایی در برخی زمینه‌های مربوط به حقوق بشر تلقی گردد و سهم ناچیزی در بهبود عملی وضعیت حقوق انسانها داشته باشد.

این مجموعه مشتمل بر شش گزارش و سه مقاله است. گزارشها به ترتیب تاریخ تدوین و انتشار در روزنامه، تنظیم شده‌اند و عبارتند از: گزارش مربوط به تشکیل اجلاس ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر آسیا و اقیانوسیه در کاتماندو مرکز نپال، گزارش پنجاه و چهارمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر، سمینار تقویت جهانی بودن حقوق بشر،

دیدگاههای اسلامی درباره اعلامیه جهانی حقوق بشر که به مناسبت پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در ژنو برگزار شد (آبان ماه ۱۳۷۷)، آخرین اجلاس کمیسیون حقوق بشر در قرن بیستم (اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۸ در ژنو)، سازمان بین‌المللی کار و موازین حقوق بشر در ارتباط با هشتاد و هفتمین اجلاس عمومی سازمان بین‌المللی کار که در خردادماه ۱۳۷۸ در ژنو برگزار شد. و سرانجام: کمیته رفع تبعیض نژادی و بررسی گزارش جمهوری اسلامی ایران که به مناسبت شرکت در اجلاس کمیته رفع تبعیض نژادی که در مردادماه سال ۱۳۷۸ در ژنو برگزار شد نگارش یافته و به‌طور مشروح کنوانسیون محو هرگونه تبعیض نژادی و وظایف و عملکرد کمیته رفع تبعیض نژادی و وضعیت ایران مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

سه مقاله به نامهای: پایداری در برابر ظلم و مبانی حقوق بشری آن ارائه شده به کنگره بین‌المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا در خردادماه ۱۳۷۵ و قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران و آزادیهای اساسی ارائه شده به همایش آزادی و تحقق آن در جمهوری اسلامی ایران، منعقده در دانشگاه تربیت مدرس در اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۸ و «حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی» ارائه شده به همایش یك روزه «قانون اساسی و حقوق ملت» منعقده، در تاریخ ۱۸ آذرماه ۱۳۷۸ در تهران از سوی هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی که مشخصاً به جنبه‌هایی از مسائل حقوق بشری پرداخته‌اند در این مجموعه درج شده است.

چنانکه اشاره شد، نگارش و طبع و نشر این گونه مقالات و گزارشها با هدف آموزش عمومی حقوق بشر و دادن آگاهیهای لازم در زمینه مفاهیم حقوق بشر، اسناد و ساز و کارهای اجرای اصول و قواعد حقوق بشری که بسیاری از آنها با مبانی اسلامی و قانون اساسی ما دارای وجه مشترك می‌باشند، صورت می گیرد و امید است نقشی ولو اندك در تثبیت روحیه احترام به حیثیت و کرامت انسانی و ترویج فرهنگ حقوق بشری و جلب توجه دست‌اندرکاران به رعایت حقوق انسانها داشته باشد و رضای خالق و خشنودی خلق را جلب نماید.

جهت سهولت دسترسی علاقمندان به مباحث مطروحه در دو مقاله سازمان

بین‌المللی کار و کمیته رفع تبعیض نژادی و تجزیه و تحلیل‌هایی که در مورد کنوانسیونهای مربوط به عمل آمده است، متن مقاوله‌نامه شماره ۱۱۱ سازمان بین‌المللی کار و کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی که به تصویب قوه مقننه ایران رسیده و قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی به عنوان ضمیمه چاپ شده است.

دکتر حسین مهرپور

آذر ماه ۱۳۷۸

حقوق بشر در سرزمین خدایان

«کاتماندو» شهر معبدها، محل اجلاس منطقه‌ای حقوق بشر

کاتماندو، پایتخت کشور نپال در روزهای هفتم تا نهم اسفندماه ۱۳۷۴ (۲۶ تا ۲۸ فوریه ۱۹۹۶) میزبان اجلاس بین‌المللی کوچکی بود که از سوی مرکز حقوق بشر سازمان ملل ترتیب یافته بود. نپال کشوری کوهستانی در دامنه سلسله جبال هیمالیا قرار دارد و با کشورهای هند و تبت هم‌مرز است. حکومت نپال در حال حاضر مشروطه سلطنتی است که قدرت حکومت در دست احزاب و دولت برگزیده آنهاست و شاه فقط یك مقام تشریفاتی است. کاتماندو چون دره‌ای در دامنه کوههای هیمالیا و قله معروف اورست قرار گرفته و معابد و بتخانه‌های متعددی در آن وجود دارد به گونه‌ای که این شهر به‌عنوان شهر معبدها (city of temples) شهرت دارد. انواع بتها و مجسمه‌های خدایان که هریك مظهر نعمت، حیات، قدرت، رحمت، غضب و... می‌باشند با نامهای گوناگون در این شهر به‌چشم می‌خورد، یك خدای زنده نیز در کاتماندو وجود دارد که مورد احترام و پرستش مردم است. دخترك ۶، ۷ ساله‌ای به‌عنوان «الهه زنده» (living godess) در خانه‌ای در مرکز شهر نزدیك یکی از مراکز مجموعه معابد و قصر قدیمی سلسله شاهان رانا که هم‌اکنون به‌صورت موزه در آمده، به‌سر می‌برد. مردم به زیارت او می‌روند و از پنجره برای زائرین ظاهر می‌شود و لحظاتی جلوه می‌نماید. گفته می‌شود پادشاه نپال نیز سالی یك‌بار به زیارت او می‌شتابد. این

خدای مؤنث همین که به سن بلوغ رسید، عنوان الوهیت را از دست می‌دهد و دختر بچه دیگری به جای او برگزیده می‌شود. الهه معزول تا پایان عمر باید دختر بماند و حق ازدواج ندارد و مستمری مختصری از دولت دریافت می کند.

باری با ابتکار مرکز حقوق بشر سازمان ملل و همکاری دولت نپال، چهارمین اجلاس یا جلسه کاری (Workshop) آسیا و اقیانوسیه در مورد ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر در کاتماندو تشکیل شد و نمایندگان کشورهای آسیا و اقیانوسیه و برخی سازمانهای مستقل حقوق بشری در این سرزمین خدایان گوناگون گرد هم آمدند تا در مورد حقوق انسان و راههای همکاری منطقه‌ای در زمینه ترویج و پیشبرد قواعد حقوق بشر و حمایت از آزادیهای سیاسی افراد بحث و تبادل نظر نمایند.

از جمهوری اسلامی ایران نیز دو نفر در این اجلاس شرکت داشتند از آنجا که بر این پندارم که آگاهی عموم و اطلاع مردم از مسائل و مباحث مربوط به حقوق بشر و آزادیهای اساسی امری لازم و مفید و مؤثر در اجرا و اعمال هرچه بهتر حقوق و آزادیهای افراد است، همچون رویه پیشین بر آن شدم، تا به‌طور اجمال گزارشی از این اجلاس و بحثهای مطرح شده در آن و اظهارات عنوان شده از سوی جمهوری اسلامی ایران را منتشر نمایم تا این گونه بحثها که مربوط به عموم است و هدف نهایی‌اش پیدا کردن راههایی برای تضمین هرچه بهتر رعایت حقوق انسانها در سراسر جهان می‌باشد صرفاً در سوابق واحدی از وزارتخانه‌ای بایگانی نشود. در این نوشته کوتاه نگاهی به سابقه تشکیل این اجلاس و هدف آن نموده مروری بر موضوعات مورد بحث می کنیم و اندکی پیرامون نهاد ملی حقوق بشر توضیحاتی داده و صحبت ارائه شده از سوی جمهوری اسلامی ایران در اجلاس را منعکس می کنیم.

هدف و سابقه تشکیل اجلاس

یکی از اقدامات نظام ملل متحد در زمینه حقوق بشر و تضمین اجرای اصول انسانی و آزادیهای اساسی گسترش مباحث حقوق بشری و نزدیک کردن نظرات دولتها و ملتهای مختلف در این زمینه است. در این راستا، سازمان ملل، علاوه بر ارگانهای رسمی ملل متحد، چون کمیسیون حقوق بشر و کمیته حقوق بشر و نهادهای مختلف دیگر اقدام به ترتیب و

سازماندهی ترتیبات منطقه‌ای و سازمانهای ملی حقوق بشر نموده است. با این هدف که کشورهای هر منطقه با توجه به نزدیک‌بودن عادات و آداب و احیاناً بینش و تفکر اگر گردهمایی‌هایی داشته باشند و قواعد حقوق بشری را مورد بررسی قرار دهند بهتر می‌توانند به نتیجه مطلوب برسند و حفظ حقوق و آزادیهای افراد را تضمین کنند. بند ۳۷ بخش اول اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین سال ۱۹۹۳ می گوید: «ترتیبات منطقه‌ای نقشی اساسی در ارتقاء و حفظ حقوق بشر بازی می کنند. آنها باید، معیارهای حقوق بشری اسناد بین‌المللی حقوق بشر را تقویت و حمایت کنند. کنفرانس جهانی حقوق بشر کوشش‌هایی را که به‌منظور تقویت این ترتیبات و افزایش کارایی این ترتیبات صورت می گیرد، تأیید می کند و در همان حال بر لزوم همکاری آنها با فعالیتهای حقوق بشری سازمان ملل تأکید می‌ورزد. کنفرانس جهانی حقوق بشر لزوم بررسی امکان استقرار ترتیبات منطقه‌ای را به‌منظور پیشرفت حقوق بشر و حمایت از آن در مناطقی که هنوز تشکیل نشده است تکرار می کند» و به‌هرحال تشکیل و ایجاد ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر بدین‌منظور است که بتوان با همکاری و همفکری، مکانیزمهای منطقه‌ای برای اجرای هرچه بهتر قواعد حقوق بشر برقرار نمود.

نخستین گام برای تشکیل ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر در آسیا و اقیانوسیه در سال ۱۹۸۲ برداشته شد. در آن سال از سوی مرکز حقوق بشر سازمان ملل سمیناری در زمینه ترتیبات ملی، محلی و منطقه‌ای برای تشویق و حمایت از حقوق بشر در ناحیه آسیا در کلمبو پایتخت سری لانکا برگزار شد. در پی آن سه جلسه کاری (Workshop) اجلاس اول در ۱۹۹۰ در مانیل پایتخت فیلیپین و اجلاس دوم در ۱۹۹۳ در جاکارتا پایتخت اندونزی و اجلاس سوم در ۱۹۹۴ در سئول پایتخت کره جنوبی برگزار گردید. و چهارمین اجلاس یا به تعبیری کارگاه (Workshop) همین اجلاس سال جاری بود که در کاتماندو برگزار شد.

آقای آلالاسو کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل در نطق افتتاحیه خود در این اجلاس گفت در مباحثات این اجلاس باید اصل همکاری منطقه‌ای آسیا و اقیانوسیه به‌منظور نیل به صلح و امنیت بین‌المللی حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و هویت انسانی تشریح گردد و در جهت ترویج و حمایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی تلاش

شود. وی خطاب به حاضرین در جلسه گفت: خانمها و آقایان امروز من و شما باید به استقبال مبارزه جدیدی برویم. ما باید در مورد برداشتن گام حیاتی دیگر در ساختن نظام بین‌المللی حقوق بشر که بتواند یك‌بار و برای همیشه تضمین کند که دیگر بحرانهای عظیم حقوق بشری وجود نداشته باشد کوشش کنیم. وی در بخشی از صحبتش با اشاره به‌منشور ملل متحد و پنجاه سال تلاش سازمان ملل در زمینه حقوق بشر گفت: تنها اعلامیه حقوق بشر، تدوین آن یا نظارت بر اجرای آن کافی نیست بلکه هدف از احترام جهانی به حقوق بشر مستلزم بنای ساختارهای مؤثری برای حمایت از حقوق بشر تحت حکومت قانون می‌باشد و مأموریت ما در مرحله بعدی جنبش حقوق بشر در آسیا و اقیانوسیه در این جهت می‌باشد.

برنامه اجلاس و اعضاء شرکت کننده

حدود ۳۰ کشور آسیایی و اقیانوسیه در این اجلاس شرکت داشتند که مهمترین آنها عبارتند از: ژاپن، چین، مالزی، جمهوری اسلامی ایران، اندونزی، هند، عربستان سعودی، سوریه، فیلیپین، استرالیا، زلاندنو و...

برخی سازمانها و کمیسیونهای ملی مربوط به حقوق بشر نیز شرکت داشتند که قابل ذکرتر از همه کمیسیون ملی حقوق بشر هند و کمیسیون ملی حقوق بشر فیلیپین است. تعدادی از سازمانهای تخصصی سازمان ملل مقیم در نپال مثل یونیسف و سازمان بهداشت جهانی و نیز برخی سازمانهای غیر دولتی مانند عفو بین‌الملل حضور داشتند.

در برنامه تنظیمی برای اجلاس به غیر از سخن افتتاحیه وزیر خارجه نپال و کمیسرعالی حقوق بشر سازمان ملل ارائه سه مقاله و سخنرانی از سوی سه تن از کارشناسان سازمان ملل و مشاورین مرکز حقوق بشر پیش‌بینی شده بود که پس از اتمام سخنرانی، نمایندگان دولتهای شرکت کننده نظر خود را در آن زمینه ابراز می‌داشتند و بحث و تبادل‌نظر به عمل می‌آوردند و آخرین دستور اجلاس، در واقع جمع‌بندی مطالب مطروحه و ارائه توافقات به عمل آمده بود.

نخستین سخنرانی در خصوص تجربیات مناطق دیگر (غیر از آسیا و اقیانوسیه) در مورد ترتیبات حقوق بشر بود که به‌وسیله پروفسور ریسمن (Reisman) استاد دانشگاه، در

آمریکا و مشاور سازمان ملل به‌عمل آمد و نظامهای حقوق بشری منطقه‌ای اروپا، آفریقا و قاره آمریکا را تشریح کرد سخنران دیگر آقای کلرنس دایس (Clorence J.Dias) مشاور مرکز حقوق بشر سازمان ملل بود که در زمینه پیشرفتهای به‌عمل آمده در مورد ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر در آسیا و اقیانوسیه سخن گفت و راههای همکاری منطقه‌ای در زمینه حقوق بشر را برشمرد و مخصوصاً پیشنهاداتی در خصوص تنظیم یك منشور حقوق بشری منطقه‌ای، ایجاد یك مکانیزم منطقه‌ای نظارت بر اجرای حقوق بشر، توسعه صلاحیت حقوق بشر منطقه‌ای از طریق قضایی، همکاری منطقه‌ای در مورد برخی از مسائل خاص حقوق بشری مشترك مانند: داد و ستد زنان، کارگران مهاجر، پناهندگان و مردم بومی، توسعه برنامه آموزش حقوق بشر زیر نظر سازمان ملل و... مطرح کرد.

سخنران دیگر آقای دکتر براین بردکین (Brian Bwrdekin) مشاور ویژه کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل در موضوع نهادهای ملی و ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر بود. وی در مقاله نسبتاً مفصل خود در خصوص نهادهای ملی حقوق بشر، تعریف نهاد ملی، مبنا و چگونگی تشکیل آن و عملکرد و همکاری آن با ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر بحث نمود.

نهاد ملی حقوق بشر

بدنیست یك نگاه اجمالی به نهاد ملی حقوق بشر و چگونگی تشکیل و وظایف مربوط به آن بیندازیم. نهاد ملی حقوق بشر (National Human Rights Institution) این گونه تعریف شده است[1] نهادی که به‌وسیله دولت طبق قانون اساسی یا قانون عادی یا فرمان، تشکیل شده و کارکرد آن مشخصاً در زمینه ترویج و حمایت از حقوق بشر است:

نخستین جلسه کاری در مورد نهاد ملی حقوق بشر در اکتبر ۱۹۹۱ در پاریس منعقد شد و تصمیمات و رهنمودهای آن طی قطعنامه ۱۹۹۳/۵۴ به تصویب کمیسیون حقوق بشر و سپس در بیست دسامبر ۱۹۹۳ طی قطعنامه ۴۸/۱۳۴ به تصویب مجمع عمومی

1. National Human Rights Institution (United Nations/New York and Geneva) Fact Sheet No. 19 / April 1993.

سازمان ملل رسید. بر طبق قطعنامه‌های مزبور نهاد ملی با صلاحیت اقدام در جهت ترویج و حمایت از حقوق بشر با اختیارات وسیعی در این زمینه در قانون اساسی یا قانون عادی کشور ذکر می‌شود. بر طبق اصول و قواعد مربوط به تأسیس نهاد ملی حقوق بشر نهاد مزبور وظایف و اختیارات ذیل را دارا می‌باشد.

۱ـ تقدیم توصیه، پیشنهاد و گزارش به دولت در هریك از زمینه‌های مربوط به حقوق بشر از جمله مقررات قانونی و اداری.

۲ـ تشویق انطباق قوانین ملی و رویه‌های عملی با معیارهای بین‌المللی حقوق بشر

۳ـ ترغیب به تصویب و اجرای معیارهای بین‌المللی حقوق بشر.

۴ـ کمك به تهیه گزارشات مربوط به اسناد بین‌المللی.

۵ـ معاضدت در تنظیم و اجرای برنامه‌های تحقیق و آموزش حقوق بشر و افزایش آگاهیهای عمومی در زمینه حقوق بشر.

۶ـ همکاری با سازمان ملل، نهادهای منطقه‌ای و نهادهای ملی دیگر کشورها، همچنین نهاد ملی حقوق بشر می‌تواند شکایت افراد مربوط به نقض حقوق بشر را دریافت نموده و در مقام حل مشکل برآید.

اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین سال ۱۹۹۳ نیز به اهمیت نقش نهادهای ملی حقوق بشر پرداخته و تشویق به تأسیس چنین نهادهایی نموده است. بند ۳۶ بخش یك اعلامیه کنفرانس می گوید: «کنفرانس جهانی حقوق بشر، نقش مهم و سازنده نهادهای ملی را برای ترویج و حمایت از حقوق بشر مخصوصاً در جهت مشورت دهی به مقامات دولتی، مورد تأیید قرار داده و تأثیر آنها را در جبران تخلفات حقوق بشری، اشاعه اطلاعات مربوط به حقوق بشر و آموزش حقوق بشر تصدیق می کند. کنفرانس جهانی حقوق بشر ایجاد و تقویت این گونه نهادهای ملی را تشویق می کند و حق هر دولت را در جهت انتخاب چهارچوب مناسب برای عملکرد بهتر و مناسب نهاد ملی با نیازهای آن کشور به رسمیت می شناسد.»

نطق نماینده جمهوری اسلامی ایران و معرفی کمیسیون حقوق بشر اسلامی به عنوان یک نهاد ملی

به مناسبت بحث مربوط به نهاد ملی حقوق بشر، از سوی جمهوری اسلامی ایران نیز

صحبت کوتاه زیر (که وضعیت جلسه کوتاه بودن سخن را اقتضا می کرد) القاء و کمیسیون حقوق بشر اسلامی که در اواخر سال ۱۳۷۳ از سوی رئیس قوه قضاییه در اجرای اصل ۱۵۶ قانون اساسی تأسیس شده بود. به عنوان نهاد ملی معرفی شد:

«آقای رئیس، خانمها و آقایان:

ابتدا لازم می‌دانم از آقای آلالاسو کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل و مرکز حقوق بشر به خاطر ترتیب دادن چنین اجلاسی تشکر کنم و نیز سپاس خود را از دولت نپال به لحاظ میزبانی این اجلاس ابراز دارم.

آقای رئیس:

رنجی که در طول تاریخ در اثر بی‌عدالتی، و تبعیض و نقض حقوق اولیه انسانی، بر جامعه بشریْ تحمیل شده، و متأسفانه در دوران حاضر نیز، چهره کریه خود را در گوشه و کنار جهان نشان می‌دهد، ایجاب می کند که انسان رشد یافته پایان قرن بیستم همه تلاش خود را برای از میان برداشتن این رنج کهن به کار گیرد و در آستانه ورود به قرن بیست و یکم کرامت انسانی و حرمت انسانیت را برای همه دارندگان سیرت انسانی تثبیت نماید و ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و تجاوز و نقض حقوق و آزادیها را از میان بردارد.

یکی از راههای رسیدن به این هدف، تعمیم مباحث حقوق بشری و آشنا کردن عموم به حقوق و آزادیهای اساسی بشر و لزوم احترام به آنهاست.

در سالهای اخیر، مرکز حقوق بشر سازمان ملل گامهای خوبی، در این زمینه برداشته و نوآوریهای جالبی داشته است که یکی از آنها اعلام دهه آموزش حقوق بشر است. از دیگر اقدامات مفید طرح تقویت ترتیبات منطقه‌ای و نیز تشویق به تأسیس نهادهای ملی مربوط به حقوق بشر است که در راستای توصیه‌های کنفرانس جهانی حقوق بشر وین سال ۱۹۹۳ صورت می گیرد(بند ۷۶ اعلامیه کنفرانس) تشکیل این گونه نهادها و در واقع درگیر کردن طبقات و مقامات مختلف ملتها و دولتها با بحثهای حقوق بشر، خود می تواند عامل مؤثر در ارتقاء حس حمایت از حقوق و آزادیهای بشری باشد. در همین روند بند ۷۸ اعلامیه کنفرانس وین می گوید:«کنفرانس جهانی حقوق بشر، آموزش، تربیت و اطلاع عموم را امری اساسی برای رشد و دستیابی به روابط ثابت و هماهنگ جوامع و

ترویج تفاهم متقابل، بردباری و صلح می داند.»

آقای رئیس:

کشور جمهوری اسلامی ایران به لحاظ سابقه ملی و تمدن کهن ایرانی و پیشینه پربار اسلامی، با مفاهیم راستین حقوق بشر و کوشش در راه استقرار عدالت و رفع تبعیض و ستم آشنایی کامل دارد. مردم ایران و همچنین دولت مردمی آن با الهام از مکتب اسلام و تعلیمات قرآنی که اساس دعوت پیامبران را، استقرار عدالت می داند (لقد ارسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط... سوره حدید آیه ۲۵) و نیز متأثر از منشور حقوق بشری کوروش کبیر که در قرن پنجم قبل از میلاد، فرمان آزادی و بردباری مذهبی و مراعات حقوق مردم را صادر کرد.[۱] و به عنوان نخستین سند حقوق بشری از آن یاد می شود از هر گونه ترتیبات و تشکیلاتی که به منظور کمک به احیاء عدالت پدید آید، استقبال می کند.

آقای رئیس:

با تکیه بر این فرهنگ پربار اسلامی و ملی و با استحضار از قطعنامه‌ها و توصیه‌های سازمان ملل و بخصوص قطعنامه ۴۸/۱۳۴ مجمع عمومی، اقدام به تشکیل نهادی به نام کمیسیون حقوق بشر اسلامی نمودیم که در اجرای مفاد بند ۸۵ اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین در مورد تبادل اطلاعات و تجربیات و همکاری بین نهادهای ملی وسازمانهای منطقه‌ای به طور اختصار به معرفی آن می پردازیم.

کمیسیون در اوایل سال ۱۹۹۵ تشکیل شد و اهداف آن به گونه‌ای که در شرح وظایفش پیش بینی شده عبارتند از: تبیین، آموزش و گسترش حقوق بشر از دیدگاه اسلام، نظارت بر چگونگی برخورداری و رعایت حقوق بشر، طرح و ارائه راه‌حل مناسب جهت اقدام و موضع گیری در قبال موارد نقض حقوق بشر اسلامی، رسیدگی و پیگیری موارد نقض

---

۱. بنگرید: جزوه جدید منتشره از سوی سازمان ملل (ژوئن ۱۹۹۹ نیویورک) با نام: این است سازمان ملل (This is the united nation)

فرمان کوروش کبیر در سال ۵۳۹ قبل از میلاد پس از فتح بابل صادر شد. قسمتی از فرمان تاریخی او با ترجمه انگلیسی در یکی از راهروهای ساختمان سازمان ملل در نیویورک نصب شده است.

حقوق بشر اسلامی، همکاری باسازمانهای ملی و بین‌المللی حقوق بشر و بررسی وضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به میثاقها و کنوانسیونهای بین‌المللی.

کمیسیون دارای یك شورای عالی سیاستگذاری است که مرکب از ۹ نفر از قضات و حقوقدانان با تجربه و نمایندگان مجلس و برخی مقامات دولتی است. این کمیسیون دارای پنج کمیته به نام: کمیته علمی، مراقبت، برنامه‌ریزی، امور زنان و پی گیری می‌باشد.

وظایف کمیته علمی عبارت است از:

۱ـ تبیین موازین حقوق بشر در اسلام، تهیه متون علمی مربوطه؛

۲ـ تبیین نقاط اشتراك و افتراق حقوق بشر در اسلام و موازین حقوق بشر بین‌المللی؛

۳ـ آموزش موازین اسلامی حقوق بشر؛

۴ـ پاسخ به سؤالات علمی مربوط به حقوق بشر.

کمیته مراقبت که دارای دوبخش داخلی و خارجی است نحوه برخورداری از کیفیت اعمال حقوق بشر در ایران و سایر کشورها رابه عهده دارد. کمیته برنامه‌ریزی عهده‌دار تدوین برنامه‌های مناسب برای اقدام و موضعگیریهای لازم در برابر مسائل مطروحه و تهیه برنامه اجرایی مصوبات شورای عالی سیاست گذاری می‌باشد.

کمیته امور زنان مسؤول طرح و بررسی مسائل و مشکلات مربوط به زنان می‌باشد و کمیته پیگیری رسیدگی به شکایات و کشف ماهیت امر و پیگیری امور محوله از سوی کمیسیون و گزارش نتیجه کار را انجام می‌دهد.

کمیسیون امیدوار است بتواند گامهای مؤثری در ارتقاء و حمایت مبانی حقوق بشر با توجه به مفاهیم عالیه اسلامی بردارد و خدماتی انسانی به جامعه ارائه دهد و البته از همکاری صمیمانه و تجربیات مفید دیگر نهادها استقبال و استفاده می کند.»

طبعاً نفس اعلام تشکیل نهاد ملی حقوق بشر، مورد استقبال بسیاری از کشورها واقع شد که نمایندگان آنها خواستار اطلاعات بیشتر در مورد چگونگی تشکیل و ترکیب آن و وظایف و عملکرد آن می‌شدند. نماینده فیلیپین در صحبت خود از جمهوری اسلامی ایران برای تشکیل چنین نهادهایی تشکر کرد. ولی آقای دکتر بردکین مشاور ویژه کمیسر عالی

حقوق بشر سازمان ملل در اظهارات خود به قید اسلامی بودن حقوق بشر ایراد کرد و تردید نمود که بتواند با موازین حقوق بشر سازمان ملل انطباق کامل داشته باشد. وی در صحبت جداگانه که با اینجانب داشت می گفت طرح عنوان کمیسیون حقوق بشر اسلامی، موهم این معنی است که این کمیسیون حقوق بشر را برای مسلمانان می خواهد و وقتی برای او توضیح دادم که نام اسلامی بر روی کمیسیون بدین منظور است که از جمله وظایف این کمیسیون بررسی دیدگاه و تلقی اسلام از حقوق بشر می باشد و تبیین و تشریح این دیدگاه و احیاناً بیان نقاط اختلاف است نه انحصار حقوق بشر به مسلمانها، چرا که اسلام طبعاً برای غیر مسلمانها و اقلیت‌ها نیز حقوق انسانی قائل است و مقررات جالبی هم در این زمینه دارد بعلاوه شما خود در نظام سازمان ملل، ترتیبات منطقه‌ای و ملی حقوق بشر را دارید و آنها را تشویق می کنید کمیسیون و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و منشور حقوق بشر اروپایی و آفریقایی و آمریکایی وجود دارد و برای آسیا هم با ترتیب دادن این گونه جلسات سعی دارید به توافقی در خصوص تنظیم یك منشور منطقه‌ای حقوق بشر و ایجاد مکانیزمهای اجرایی آن به دست بیاورید، گفت من تا حدودی این مطالب را درك می کنم و تا حدودی با حقوق اسلامی آشنا هستیم ولی به هر حال نفس این اسم، این شائبه را ایجاد می کند که گروهی هم به دنبال تشکیل نهادی مثلاً برای حقوق بشر مسیحیان و یا غیره باشند.

به هر حال، مشکلی که در این رابطه می تواند وجود داشته باشد این است که در اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین و دیگر اسناد بین المللی مبنا بودن و غیر قابل بحث و مفروغ عنه بودن اصول حقوق بشر عنوان شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین مورد تأکید قرار گرفته و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل نیز در نطق خود در همین اجلاس کاتماندو بر این نکته تصریح کرد و با این ترتیب ایجاد نهاد ملی حقوق بشری که از یك طرف در سیستم سازمان ملل جای داشته باشد و از سوی دیگر برخی معیارهای حقوق بشری شناخته شده در اسناد بین المللی را زیر سؤال ببرد و در پی تثبیت معیارهای دیگری باشد؛ قابل بحث و تأمل است که به هر حال باید روی آن کار کرد و مباحثات لازم را به عمل آورد جای مناسب این گونه بحثها و احیاناً رسیدن به یك نتیجه مفید می تواند اجلاسهایی باشد که از سوی سازمان کنفرانس اسلامی در رابطه با اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره ترتیب

می دهد ولی متأسفانه تاکنون چنین اجلاسهایی از سوی سازمان کنفرانس اسلامی پس از تصویب اعلامیه حقوق بشر اسلامی و بایگانی شدن آن برگزار نشده است.[1]

جمع بندی اجلاس

سرانجام نتیجه بحثهای سه روزه اجلاس به صورت یك جمع‌بندی و توافقهای کلی تنظیم شد. در این جمع‌بندی به لزوم استقرار یك ترتیب منطقه‌ای برای انجام مشورتهای گسترده بین کشورهای منطقه به منظور رسیدن به یك توافق باتوجه به اختلافات و پیچیدگیهای منطقه اشاره شده است. در بند ۵ آمده است در حالی که از تجربیات دیگر مناطق استفاده می‌شود باید این معنی را بروشنی دانست که هرگونه ترتیبات منطقه‌ای برای آسیا و اقیانوسیه باید بر اساس نیازها، اولویت‌ها و شرایط حاکم بر منطقه باشد.

تحت عنوان گامهایی برای همکاری منطقه‌ای گفته شده اجلاس کاتماندو در پی قطعنامه ۱۹۹۵/۴۸ کمیسیون حقوق بشر در منطقه آسیا و اقیانوسیه که دولتهای آسیایی و اقیانوسیه به تأسیس ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر دعوت شدند، موافقت کرد گام به گام در جهت تأسیس این نهاد حرکت کند و بر این مبنا موافقت شد گامهای زیر برداشته شود:

الف ـ اهمیت آموزش حقوق بشر و توسعه برنامه‌های ملی در جهت آموزش حقوق بشر در خلال دهه آموزش حقوق بشر که از سوی سازمان ملل اعلام شده مورد توجه قرار گیرد.

ب ـ اجلاس، دعوت دولتها را به تصویب اسناد بین‌المللی حقوق بشر آن گونه که در کنفرانس جهانی حقوق بشر وین آمده است مورد تأیید قرار داد.

ج ـ اجلاس، از توسعه برنامه‌های کاری ملی در زمینه حقوق بشر آن گونه که در

---

۱. لازم به یادآوری است که در هشتمین اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی در تهران در آذرماه ۱۳۷۶ بحثهایی در زمینه پیگیری اجرای اعلامیه قاهره صورت گرفت. در گردهمایی دوروزه کارشناسان فقهی و حقوقی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی که در اواخر مهرماه ۱۳۷۷ در جده تشکیل شد نیز برخی بحثهای مفیدی صورت گرفت و سرانجام سمینار مربوط به دیدگاه اسلام در مورد حقوق بشر که در آبان ماه همان سال در مقر سازمان ملل در ژنو برگزار شد بحثهایی به عمل آمد و پیشنهاد ادامه این بحثها و حل برخی از موضوعات داده شد ولی پیگیری لازم و مؤثر به عمل نیامده است.

اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین پیشنهاد شده حمایت می کند.

د ـ اجلاس، قطعنامه‌های مربوط مجمع عمومی سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر در رابطه بانهادهای ملی حقوق بشری را تأیید نموده و از جمله این اصل مندرج در اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین که هر دولت را محق دانسته چهارچوب مناسب نیازهای خود را در سطح ملی انتخاب کند تصدیق می نماید و بر این امر که توسعه نهادهای ملی باید بر طبق قوانین و اصول مندرج در قطعنامه ۴۸/۱۳۴ مجمع عمومی سازمان ملل باشد، صحه می گذارد.

هـ ـ اجلاس از تصمیم اخیر برخی از دولتهای منطقه مبنی بر تأسیس نهادهای ملی حقوق بشری استقبال می کند و دولتهای عضو را به برداشتن گامهای مناسب در جهت تسهیل همکاری و تبادل اطلاعات و تجربیات بین این نهادها تشویق می نماید.

در این جمع بندی اشاره شد که موضوعاتی از قبیل همکاری منطقه‌ای در مورد مسائل مشترك، رابطه بین توسعه، حقوق بشر و دموکراسی، موانع تحقق حق توسعه، مسأله منطقی کردن مکانیزمهای موجود حقوق بشری و امکان توسعه ترتیبات مربوط به ارتقاء فعالیتهای حقوق بشری مورد بحث قرار گرفت.[۱]

در پایان می خواهم این نکته را متذکر شوم که با وجود اختلاف دیدگاهی که وجود دارد و ایرادی که برخی از مقامات سازمان ملل وارد کردند، کمیسیون حقوق بشر اسلامی می تواند به عنوان یك نهاد ملی حقوق بشری به مردم خدمت کند و در نظام بین المللی حقوق بشری نیز جای خود را باز نماید. اما «بشرطها و شروطها» و از جمله مهمترین شروط این است که واقعاً این کمیسیون بدان گونه که در اهدافش آمده است جدی گرفته شود و مخصوصاً کمیته‌های علمی و مراقبت و پیگیری آن فعال عمل کنند و جایگاه قانونی آن تثبیت گردد.

۱. برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر در زمینه این اجلاس و بحثها و جمع‌بندی‌های آن رجوع شود به:
Fourth Workshop on Regional Human Rights Arrangements in the Asian and Pacific Region
Report: Kathmandu, 26-28 February 1996
United Nations, 1996.

گزارشی از پنجاه و چهارمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر

الف- اشاره‌ای به کمیسیون حقوق بشر و وظایف آن

کمیسیون حقوق بشر که اصلی ترین نهاد حقوق بشری سازمان ملل متحد است در سال ۱۹۴۶ توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (اکوسوك ECOSOC) تأسیس شد، کمیسیون حقوق بشر، ابتدا مرکب از ۱۸ عضو بود ولی در حال حاضر به موجب قطعنامه شماره ۱۹۹۰/۴۸ شورای اقتصادی و اجتماعی، ۵۳ عضو دارد که از بین کشورهای آفریقایی، آسیایی، اروپایی و آمریکایی، به مدت سه سال انتخاب می‌شوند. عمده‌ترین وظیفه کمیسیون حقوق بشر مطالعه و تحقیق در زمینه حقوق بشر و دادن توصیه‌ها و رهنمودهایی در جهت ارتقاء حقوق بشر و حفظ و حمایت از آن و تنظیم پیش‌نویس اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر برای طرح و تصویب در شورای اقتصادی و اجتماعی و مجمع عمومی سازمان ملل است. در این راستا، کمیسیون حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر را تنظیم نمود که در سال ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و نیز میثاقهای بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تهیه کرد که در سال ۱۹۶۶ مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل قرار گرفتند. اسناد مهم بین‌المللی حقوق بشر دیگری نیز طی سالیان متمادی توسط این کمیسیون تنظیم شده است.

کمیسیون حقوق بشر، دهه‌های اول عمر پنجاه و دوساله خود را وقف فعالیت‌های مربوط به ارتقاء حقوق بشر و تهیه پیش نویس اسناد بین‌المللی حقوق بشر نموده و از هر گونه اقدامی در رسیدگی به وضعیت حقوق بشر در کشورها و تخلفات دولتها از نقض تعهدات حقوق بشری خود امتناع می‌ورزید. ولی در سال ۱۹۶۷ با تصویب قطعنامه‌ای، تصمیم گرفت، سالانه موضوع نقض حقوق بشر و آزادیهای اساسی را مورد بررسی قرار داده، و هر ساله در دستور کار خود داشته باشد. مجمع عمومی سازمان ملل نیز با صدور قطعنامه‌های متعددی، کمیسیون حقوق بشر را در انجام این وظیفه مهم تشویق نمود.[۱]

کمیسیون وظیفه رسیدگی به نقض حقوق بشر در کشورهای مختلف را از طریق شبکه وسیعی از گروههای کاری (Working Croups) و گزارشگران موضوعی (Raporteur Themat-ic) و گزارشگران یا نمایندگان کشوری: (Special Representative Country) انجام می دهد و نظرات و تصمیمات خود را طی قطعنامه‌هایی اعلام می نماید. کمیسیون، سالانه یك اجلاس شش هفته‌ای دارد که در ژنو مقر اروپایی سازمان ملل تشکیل می شود. علاوه بر دولت‌های عضو، سایر دولتها نیز به عنوان ناظر (Observer) در اجلاس کمیسیون شرکت می نمایند، در زمینه‌های مختلف حقوق بشری صحبت می کنند و نظرات خود را ابراز می دارند. آژانس‌های تخصصی سازمان ملل، سازمانهای بین الدولی و تعداد کثیری از سازمانهای غیر دولتی نیز در اجلاس کمیسیون حضور می یابند و سخنرانی و برخی فعالیت‌های جنبی دارند. ولی تصمیم گیری و اتخاذ تصمیم و دادن رأی به قطعنامه‌ها با ۵۳ کشور عضو کمیسیون است که طبق دستور العمل مصوب شورای اقتصادی و اجتماعی کار خود را انجام می دهند.

ب ـ اجلاس پنجاه و چهارم و برخی ویژگی‌های آن

۵۳ دولت عضو کمیسیون حقوق بشر در اجلاس پنجاه و چهارم عبارت بودند از: آرژانتین، اتریش، بنگلادش، روسیه سفید، بوتان، بوتسوانا، برزیل، کانادا، دماغه سبز، شیلی، چین، کنگو، کوبا، چك، جمهوری دموکراتیك کنگو، دانمارك، اکوادور، السالوادور،

---

۱. بنگرید: نظام بین‌المللی حقوق بشر، دکتر حسین مهرپور، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۵۴.

فرانسه، آلمان، گواتمالا، گینه، هند، اندونزی، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، ماداگاسکار، مالزی، مالی، مکزیك، مراکش، موزامبیك، نپال، پاکستان، پرو، فیلیپین، لهستان، جمهوری کره، روسیه، روآندا، سنگال، آفریقای جنوبی، سری لانکا، سودان، تونس، اوگاندا، اوکراین، انگلستان، آمریکا، اروگوئه و ونزوئلا.

به غیر از دولت‌های ناظر و سازمانهای بین‌المللی و نهادهای مختلف وابسته به سازمان ملل حدود ۱۹۲ سازمان غیردولتی در اجلاس کمیسیون حضور داشتند. آفریقای جنوبی به عنوان رئیس دوره‌ای کمیسیون حقوق بشر برگزیده شد، نماینده آفریقای جنوبی و رئیس کمیسیون به نحو نسبتاً مطلوب و بانظم خاصی کمیسیون را اداره می کرد.

سخنرانی دبیر کل سازمان ملل متحد

اجلاس کمیسیون با سخنان آقای کوفی عنان (Kofi Annan) دبیر کل سازمان ملل در روز ۱۶ مارس (۲۵ اسفند ۱۳۷۶) افتتاح شد. دبیر کل، اجلاس پنجاه و چهارم کمیسیون حقوق بشر را به لحاظ تلاقی آن با پنجاهمین سالگرد تصویب «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و پنجمین سالگرد تصویب «اعلامیه و برنامه عمل کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین» اجلاسی تاریخی یاد کرد. وی اعلامیه جهانی حقوق بشر را ثمره کوشش خستگی‌ناپذیر زنان و مردان چهار گوشه جهان و اراده قاطع آنان دانست و آن را مورد قبول همه ساکنین زمین اعلام کرد و گفت اعلامیه حقوق بشر به عنوان مدل و نمونه برای قوانین اساسی و قوانین و مقررات عادی داخلی کشورها مورد استفاده قرار می گیرد. کوفی عنان در زمینه برخورداری همه مردم از حقوق و آزادیهای اساسی اظهار داشت: همه می خواهند آزاد از وحشت، خشونت، فقر، بیماری، شکنجه و تبعیض زندگی کنند؛ همه باور دارند که تمام افراد حق دارند آزادانه نظراتشان را ابراز کنند؛ استعداد خود را رشد دهند؛ آمال و آرزوهای خود و جامعه‌شان را دنبال کنند و می دانند که این حقوق فقط به تعداد اندکی از افراد برگزیده جامعه تعلق ندارد بلکه متعلق به همه مردم است. وی با اشاره به شعار پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه حقوق بشر: «همه حقوق بشر برای همه» (ALL HUMAN RIGHTS FOR ALL) گفت متأسفانه نقض حقوق بشر، همچنان به نحو گسترده‌ای وجود دارد که ما نتوانستیم و در برخی موارد نخواستیم آن را از بین ببریم. من امروز در اینجا آمدم تا به شما بگویم که قرن

آینده باید قرن ممانعت و جلوگیری از نقض حقوق بشر باشد.

سخنان کمیسر عالی حقوق بشر

خانم رابینسون (Mary Robinson) کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل نیز که به قول خودش برای نخستین بار در برابر کمیسیون حقوق بشر حاضر شده بود طی نطقی در مقام معرفی کمیساریای عالی حقوق بشر و ارائه گزارش عملکرد شش ماهه خود از زمان تصدی این سمت برآمد و دیدگاههای کلی خود را در مورد وضعیت حقوق بشر اعلام داشت: وی در نطق خود به پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و ارزش و اهمیت اعلامیه و اسناد تعهدآور بعدی حقوق بشر و سازوکار سازمان ملل بخصوص کمیسیون حقوق بشر در جهت ارتقاء حقوق و آزادیهای اساسی اشاره کرد ولی با تلخی و تأسف بسیار، از عدم موفقیت در اجرای مفاد اعلامیه و موازین حقوق بشری آن در طول پنجاه سال گذشته و بخصوص نقض فاحش حقوق انسانی در سالهای اخیر یاد نمود و اظهار داشت:

در این پنجاهمین سالگرد موردی برای جشن گرفتن، تبریك گفتن، و خوشحالی کردن وجود ندارد. ما نمی توانیم ادعا کنیم طی این پنجاه سال فعالیت در زمینه حقوق بشر، دستاورد قابل توجهی در کم کردن موارد نقض حقوق بشر داشته‌ایم، در همین دهه دو بار شاهد کشتار دسته‌جمعی (ژنوساید) علیه صدها هزار افراد انسانی بودیم، تجاوز به عنف به عنوان یك سلاح سیستماتیك در جنگ مورد استفاده قرار می گیرد و هیچ اعتنایی به اسناد حقوق بشری و حقوق بشردوستانه بین‌المللی نمی‌شود. صدها میلیون نفر در فقر شدید زندگی می کنند و از بدی تغذیه، بیماری و فقدان امید به زندگی، رنج می‌برند. میلیونها کودك به خاطر نداشتن آب سالم و یا ابتلاء به بیماریهایی که قابل پیشگیری هستند می‌میرند. ما هنوز شاهد اعمال تبعیض گسترده بر اساس جنس، نژاد، عقیده مذهبی و... هستیم، کشورهایی که به داشتن درهای باز و استقبال از مهاجرین بر خود می بالیدند هم اکنون دارند درهای خود را به مهاجرین، پناهندگان و پناه‌جویان می‌بندند عدم موفقیت در زمینه حقوق بشر، همه ما را شرمنده می‌سازد، حاصل پنجاه سال فعالیت، سازوکارهای مختلف حقوق بشری و اجرای برنامه‌هایی که میلیونها دلار هزینه داشته و برپا کردن تعداد بیشماری کنفرانسهای جهانی و ایراد بیانات و خطابه‌های گوناگون ناامید کننده،

نشان‌دهنده این امر است که نتایج به دست آمده تناسبی با سرمایه گذاری انجام‌شده ندارد.

کمیسر عالی حقوق بشر در عین ابراز این مطالب ناامید کننده گفت:

علی‌رغم آنچه گفته شد، پیام حقوق بشر پیام امید است، پیام امکان تغییر و تحول امور است و پیام‌دهنده این مطلب است که فعالیت افراد و سازمان ملل می تواند اثربخش باشد. تحقق مردم‌سالاری در آفریقای جنوبی که هم اکنون نماینده آن کشور به عنوان رئیس کمیسیون حقوق بشر کنار من نشسته است بزرگترین دلیل و قویترین پیام است که ما را تشویق می کند به تغییرات امیدوار باشیم.

خانم رابینسون آموزش حقوق بشر و ایجاد فرهنگ حقوق بشری را کلید ارتقاء و حمایت از حقوق بشر نامید و اهمیت درك و آگاهی مردم را از حقوق خود یادآور شد. وی آموزش حقوق بشر را همانند واکسنی علیه نابردباری، دشمنی، و منازعات داخلی کشورها و موجب ایستادگی افراد برای اعمال حقوق خود و دیگران اعلام کرد.

کمیسر عالی در پایان صحبت خویش توجه دولتها را به انجام امور زیر جلب نمود:

۱ـ پایان دادن به نقض حقوق زنان، کودکان، اقلیت‌ها و مهاجرین و پایان دادن به تبعیض نژادی

۲ـ تصویب اسناد بین المللی حقوق بشر

۳ـ تصویب برنامه ملی حقوق بشر و داخل کردن حقوق بشر در برنامه‌ریزی مربوط به اقتصاد ملی

۴ـ آموزش حقوق بشر برای همه

۵ـ ایجاد نهادهای ملی حقوق بشر

۶ـ پیشرفت به سمت از بین بردن فقر

و از سازمانهای غیردولتی نیز خواست که در زمینه آموزش و اطلاع‌رسانی و توسعه همکاری در زمینه حقوق بشر و هشداردادن به دولتها و سازمانها در مورد نقض حقوق بشر و احترام به حیثیت انسانی تلاشی مجدّانه نمایند.

ج- بررسی نقض حقوق بشر در کشورهای مختلف جهان

بحث‌انگیزترین مواد دستور کار اجلاس کمیسیون، ماده ۱۰ آن است که عنوان آن

مسأله نقض حقوق بشر و آزادیهای اساسی در سراسر دنیاست. تحت این عنوان کشورهای عضو و ناظر و سازمانهای غیر دولتی سخنرانی کرده و نظرات و انتقادات خود را از نقض حقوق بشر در کشورهای مختلف و گوشه و کنار دنیا ابراز می‌دارند، گزارشگران موضوعی و نمایندگان ویژه که گزارشهای خود را قبلاً تسلیم کرده‌اند و منتشر شده است در جلسه کمیسیون حضور یافته و خلاصه گزارش خود را عرضه می‌دارند و تحت همین ماده قطعنامه‌هایی مطرح و به رأی گیری گذاشته می‌شود. در اجلاس امسال، کشورهای افغانستان، روآندا، بروندی، میانمار (برمه)، نیجریه، عراق، کوبا، سودان، یوگسلاوی سابق و جمهوری اسلامی ایران گزارشگر ویژه داشتند که نمایندگان ویژه هریك به معرفی گزارش خود در جلسه کمیسیون پرداختند.

در این قسمت دو سه حادثه قابل توجه و شایان تأمل رخ داد که به آنها اشاره‌ای می نماییم.

۱ـ رد قطعنامه پیشنهادی علیه کوبا

واقعه کم‌نظیری که امسال در کمیسیون حقوق بشر اتفاق افتاد عدم تصویب قطعنامه پیشنهادی آمریکا و کانادا و تعدادی از کشورهای اروپایی علیه کوبا بود. سالیان متمادی است که وضعیت حقوق بشر کوبا زیر نظارت کمیسیون حقوق بشر قرار دارد و نماینده ویژه برای آن تعیین شده که هر سال گزارش خود را به کمیسیون می‌دهد و سرانجام هم قطعنامه‌ای علیه دولت کوبا مطرح و به تصویب می‌رسد. در سال جاری پیش‌نویس قطعنامه مطرح شد و آمریکا به عنوان یکی از بانیان قطعنامه آن را معرفی کرد و سرانجام به رأی گیری گذاشته شد ولی قطعنامه با ۱۹ رأی منفی، ۱۶ رأی مثبت و ۱۸ رأی ممتنع به تصویب نرسید و رد شد. با اعلام نتیجه رأی گیری عده کثیری از حضار در جلسه کمیسیون شروع به کف زدن و اظهار شادمانی کردند و این امر شکست بزرگی برای آمریکا به حساب می‌آمد، یکی از علل مهم این نتیجه تغییرات حادث در کوبا و بخصوص سفر پاپ به آن کشور بود، به هر حال با این ترتیبات وضعیت حقوق بشر کوبا فعلاً از تحت نظارت کمیسیون و بررسی نماینده ویژه خارج شد.

۲ـ رأی منحصر بفرد آمریکا در حمایت از اسرائیل

یکی از قطعنامه‌های مطروحه در کمیسیون، قطعنامه شماره ال ۸۰ (L.80) در رابطه با

وضعیت حقوق بشر در جنوب لبنان و ساحل غربی بود که طی آن شدیداً از اعمال خلاف انسانی و ناقض حقوق بشر اسرائیل در جنوب لبنان و سرزمین‌های اشغالی ابراز نگرانی شده است. هنگامی که این قطعنامه به رأی گذاشته شد، از ۵۳ عضو کمیسیون، ۵۲ عضو، به قطعنامه رأی مثبت دادند و آن را تصویب کردند و تنها آمریکا به حمایت از اسرائیل به قطعنامه رأی منفی داد.

۳ـ واکنش آمریکا نسبت به گزارش اعدامهای غیرقانونی، اختصاری و خودسرانه

گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در خصوص اعدامهای غیرقانونی، اختصاری و خودسرانه، گزارش مفصلی را در این زمینه در مورد تعداد زیادی از کشورها منتشر کرده است که به برخی از آنها مسافرت نیز نموده و مشاهدات و یافته‌های خود را در این خصوص بیان کرده است. از جمله این کشورها ایالات متحده آمریکاست که از آن بازدید نموده و در گزارش خود ادعاهایی مبنی بر زیاد بودن اعدامها، اعدام افراد کمتر از ۱۸ سال، فقدان دفاع کافی برای متهم، صدور حکم اعدام علی‌رغم عقب‌افتادگی ذهنی متهم و نظایر آن را عنوان کرده بود.

نماینده دولت آمریکا در واکنش نسبت به این گزارش، انتقاداتی وارد کرد و اظهار داشت آمریکا، نقش مهمی در ایجاد و حمایت از سیستم گزارشگری ویژه سازمان ملل داشته و از مسافرت گزارشگر ویژه اعدامها به آمریکا استقبال کرده است. ما ترتیب ملاقات او را با مقامات و کارشناسان قضایی و دیدار از زندان‌ها داده و سیستم قضایی آمریکا را برای او توضیح دادیم معذالك وقتی نتیجه این دیدار را در گزارش گزارشگر ویژه دیدیم متأثر شدیم. نماینده آمریکا اظهار داشت گزارش گزارشگر ویژه در مورد آمریکا شدیداً مخدوش است، نماینده ویژه، اعمال مجازات اعدام و اعدام افراد زیر ۱۸ سال در آمریکا را مخالف ضوابط بین‌المللی شمرده است در حالی که ممنوعیت مجازات اعدام به صورت قواعد عرف بین‌المللی درنیامده و دولت آمریکا نیز عضو هیچیك از قراردادهای منع مجازات اعدام نیست. وی همچنین ادعا کرد آمریکا یکی از عادلانه‌ترین سیستم‌های محاکماتی را دارد و برخوردار از قدیمی‌ترین قانون اساسی مدون است وی گفت ما معتقدیم گزارشگر ویژه می‌بایست وقت خود را بیشتر مصروف کشورهایی می‌نمود که اعدامهای اختصاری و خودسرانه مسأله جدی آنهاست و اضافه کرد از آنجا که ما به سیستم گزارشگری سازمان

ملل ارج می‌نهیم درصدد هستیم پاسخ مناسب و مشروحی برای گزارش این گزارشگر تهیه کنیم و تسلیم کمیسیون نماییم تا کمیسیون دریافت روشن‌تری از عملکرد قانونی موفقیت‌آمیز آمریکا نسبت به حمایت از حقوق متهمان داشته باشد.

د- بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

چنانکه یادآور شدیم، جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که وضعیت حقوق بشر آن تحت نظارت کمیسیون حقوق بشر است و نماینده ویژه برای آن تعیین شده است. بنابراین همه ساله در جریان اجلاس کمیسیون بویژه در هنگام بحث تحت عنوان ماده ۱۰ هم سخنرانان مطالبی در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران بیان می کنند و احیاناً انتقادات و ایراداتی را ذکر می‌نمایند و هم گزارش نماینده ویژه توزیع می‌شود. نماینده ویژه نیز شخصاً در کمیسیون حضور یافته، توضیحاتی پیرامون گزارش خود می‌دهد، همچنین پیش‌نویس قطعنامه‌ای به کمیسیون ارائه می‌شود تا به رأی گیری گذاشته شود، ذیلاً به هریك از سه موضوع یادشده اشاره می گردد.

۱- سخنرانی

می توان گفت جو و فضای کمیسیون حقوق بشر و لحن صحبت سخنرانان، امسال تفاوت بسیار محسوس و چشمگیری نسبت به سالهای گذشته داشت، واقعه انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ و عزم رئیس جمهوری اسلامی ایران جناب آقای خاتمی به برقراری حکومت قانون و اجرای اصول قانون اساسی بویژه اصول مربوط به حقوق و آزادیهای عمومی تأثیر شگرفی از خود برجای نهاده و فضای بسیار مثبت و مساعدی نسبت به جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده بود به گونه‌ای که فعالیت‌ها و تبلیغات گسترده و مخرّب مخالفین و معاندین و حتی نمایش فیلم «سنگسار» نتوانست این فضای مثبت را تحت‌الشعاع قرار دهد. شاید هیچ سخنرانی از نمایندگان دولتها که به وضعیت حقوق بشر در ایران اشاره‌ای داشت از بیان عبارات تحسین‌آمیز نسبت به پدیده انتخابات ریاست جمهوری دوم خردادماه و شخص آقای خاتمی رئیس جمهور و دیدگاهها و اقدامات قابل توجه او فروگذار نکرد. حتی نماینده دولت آمریکا در سازمان ملل در ژنو نیز در نطق

۱۴ آوریل خود در کمیسیون حقوق بشر ضمن انتقاد از برخی مسائل حقوق بشری اظهار داشت آمریکا با علاقه‌مندی، پیامهای واصله از ایران را پس از انتخابات ریاست جمهوری آقای خاتمی مورد توجه قرار می‌دهد.

فضای مثبت و مساعد کمیسیون حقوق بشر نسبت به جمهوری اسلامی ایران و دولت آقای خاتمی به گونه‌ای بود که اگر یکی دو مانع اصلی وجود نداشت و از لحاظ سیاسی قبلاً تفاهمهایی با برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا که بانیان اصلی قطعنامه علیه ایران‌اند، به عمل آمده بود، ما می‌بایست به جای کوبا و یا همانند کوبا شاهد عدم تصویب قطعنامه و خروج از نظام نظارت کمیسیون حقوق بشر باشیم. زیرا خارج از زدوبندها و بازیهای سیاسی، وجود این باور که دولت جمهوری اسلامی ایران حقیقتاً خواهان حکومت قانون و برخورداری مردم از آزادیهای اساسی خود و ارتقاء وضعیت حقوق بشر است، در اعضای کمیسیون بخوبی قابل مشاهده بود.

سخنرانی نماینده جمهوری اسلامی ایران

نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در دفتر سازمان ملل در ژنو نیز ذیل عنوان ماده ۱۰ سخنرانی کوتاهی ایراد نمود (هریك از نمایندگان دولتهای عضو ده دقیقه و نمایندگان دولتهای ناظر ۵ دقیقه وقت برای سخنرانی در کمیسیون دارند).

وی سخنرانی خود را با نقل فرازی از نهج البلاغه و دستور العمل حکومتی حضرت علی(ع) به مالك اشتر آغاز کرد و در آن قسمت که امام(ع) می‌فرماید: «با مردم به مهربانی رفتار کن و چون حیوان درنده به جان آنها نیفت چرا که مردم دو دسته‌اند یا برادران دینی تو هستند و یا همانند تو انسانند» اظهار داشت این عبارت امام علی(ع) که بروشنی رابطه بین حکومت و مردم را تشریح می کند اصلی است که دولت جمهوری اسلامی ایران در تلاشی برای ارتقاء حقوق بشر از آن رهنمود می گیرد.

نماینده جمهوری اسلامی ایران آنگاه به سخنان آقای خاتمی رئیس جمهور در مراسم افتتاحیه اجلاس سران کنفرانس اسلامی در آذرماه سال ۱۳۷۶ در تهران اشاره و با نقل قسمتی از سخنان ایشان در مورد تبیین جامعه مدنی و حقوق اقلیت و اینکه دولت، خادم مردم است نه ارباب آنها و اینکه تنها مسلمانان نیستند که در این جامعه دارای حقند بلکه تمام

افراد ملت در چهارچوب قانون برخوردار از حقوق هستند، تأکید کرد که رئیس جمهوری تنها به بیان این مطالب اکتفا نکرده بلکه از هنگام در دست گرفتن زمام حکومت اقدامات عملی برای استحکام بنیانهای مردمسالاری و ایجاد زمینه مشارکت بیشتر مردم در امور سیاسی و تقویت حکومت قانون و ارتقاء حقوق زنان و تأمین آزادی بیان انجام داده است.

وی یادآور شد ما مدعی نیستیم به همه اهداف بلند خود دست یافتیم و می توانیم تصویر شفاف و بی‌عیب و نقصی از وضعیت کشورمان ارائه دهیم ما هم مانند بسیاری از کشورهای دیگر باید راهی طولانی برای رسیدن به اهداف عالی تحقق کامل حقوق بشر برای همه بپیماییم ولی در عین حال می توانیم بگوییم کارهای زیادی انجام دادیم و عزم قوی داریم که این روند رو به پیشرفت را ادامه دهیم.

وی در پایان خطاب به کمیسیون گفت باید این اقدامات مورد توجه قرار گیرد و برخورد تشویق‌آمیز با آن صورت گیرد، رفتار دیگر نشان‌دهنده این امر است که ملاحظات سیاسی و اقتصادی بر جوّ کمیسیون حاکم می‌باشد.

۲ـ گزارش نماینده ویژه

آقای کوپیترن (Copitorn) نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سومین گزارش خود را در ۱۷ صفحه تسلیم کمیسیون حقوق بشر نمود وی در اظهارات شفاهی در حضور کمیسیون در مقام معرفی گزارش خویش اعلام کرد: میل دارم سومین گزارش خود را به شما معرفی نمایم و این فرصت را برای اضافه کردن چند جمله کوتاه مغتنم می‌شمرم. جوهر گزارش من این است که دولت، کوشش قابل توجهی برای ارتقاء حقوق بشر در کشور به عمل می آورد البته مقاومت‌هایی هم در برابر این کوشش وجود دارد. وی اضافه کرد من قویّاً معتقدم که در این مقطع زمانی رئیس جمهور آقای خاتمی و وزرای او قصد دارند وضعیت حقوق بشر در ایران را تغییر دهند. و به نظر من باید قوه مجریه به خاطر تلاشهایش در این زمینه مورد ستایش قرار گیرد البته کارهای زیادی باید انجام گیرد و این هنوز آغاز کار است. ولی از سوی دیگر همان‌طور که در گزارش خود نیز گفتم گروههای ذی‌نفع نیرومندی در کشور وجود دارند که به نظر می‌رسد مصمم‌اند در برابر تغییر اوضاع در زمینه حقوق بشر مقاومت کنند و من معتقدم که رئیس جمهور در استراتژی تغییرات

خود این موانع را در نظر خواهند گرفت ولی کاملاً روشن است که قوه مجریه در برخی زمینه‌ها مواجه با عناصری است که مخالف تغییر وضع اند.

وی اظهار داشت با همه آنچه که گفته شد نمی توان انکار کرد که نقض حقوق بشر در ایران ادامه دارد که بسیاری از آنها ظاهراً قابل توجیه نیستند و من تعدادی از آن موارد را در گزارش خود ذکر کرده‌ام. آقای کوپیترن در پایان اظهارات خود خطاب به اعضاء کمیسیون حقوق بشر گفت می خواهم نکته‌ای را یادآور شوم و آن اینکه امیدوارم قطعنامه‌ای را که شما اعضاء کمیسیون سرانجام در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران و تمدید مأموریت من صادر می کنید از ورود در جزییات اجتناب کند و منعکس کننده دورنمای تغییرات ماهوی که هم اکنون بوضوح در این جامعه پویا مشاهده می‌شود، باشد.

نگاهی به گزارش مکتوب نماینده ویژه ـ آقای کوپیترن در گزارش کتبی خود به کمیسیون به موضوعاتی از قبیل آزادی بیان، وضعیت زنان، اعدامها، شکنجه، فتوای قتل سلمان رشدی، وضعیت بهائیان، کمیسیون حقوق بشر اسلامی، وضعیت برخی اقلیت‌های مذهبی و مخالفین مذهبی پرداخته و در پایان جمع‌بندی و نتیجه گیری خود را اعلام کرده است.

نماینده ویژه در مقدمه گزارش خود می گوید: پیشرفت چشمگیر و قابل توجهی که در فاصله زمانی بین گزارش قبلی و این گزارش در جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته تلاشهای دولت جدید رئیس جمهور آقای خاتمی است که کوشش می کند به وعده‌های قبل و بعد از انتخابات ریاست جمهوری در زمینه گسترش آزادیهای اساسی و جامعه مبتنی بر احترام به حکومت قانون جامه عمل بپوشاند. طرح جامعه مدنی اسلامی به عنوان يك فضای آزادفکری، سیاسی و فرهنگی يك گام مثبت و مهم تلقی می‌شود. وی می گوید: به موازات این پیشرفت و شاید در مقابله با آن، نقض حقوق بشر ادامه دارد و یادآوری می کند که گزارش او به هر دو جنبه مثبت و منفی وضعیت حقوق بشر می‌پردازد. وی با گلایه از عدم دعوت به ایران می گوید نتیجه مستقیم این امر عدم دسترسی او به اطلاعات دست اول است.

در خصوص آزادی بیان می گوید: اطلاعاتی که به نماینده ویژه رسیده نشان می دهد

که حداقل قوه مجریه تلاش واقعی برای تأمین آزادی بیان در ایران به عمل می آورد. هر چند مشکل و شاید زود باشد که در ارزیابی این روند قضاوت کرد ولی قدر مسلم می توان گفت تغییرات اساسی در حال وقوع است. به نظر نماینده ویژه، جدیترین مسأله، هماهنگ کردن فعالیتهای عناصر مختلف در قوه قضائیه و سرویس‌های امنیتی و گروه‌های غیرقانونی با سیاستهای اعلام شده دولت است که به نظر می‌رسد در مقابل تغییرات و در نتیجه تقویت حقوق بشر در ایران مقاومت می کنند.

آقای کوپیترن در زمینه وضعیت زنان می گوید: وضعیت زنان یکی از مواردی است که از دولت جدید انتظار می‌رود تغییرات قابل توجهی در آن ایجاد کند. وی سپس به بحث‌های داغی که در مورد وضعیت زنان از لحاظ مبانی فقهی و شرعی بین علما رواج پیدا کرده است اشاره می کند و به عنوان نمونه نظرات ابرازی آیت الله بجنوردی را که معتقد است بسیاری از مقررات فقهی مخصوصاً مقررات مربوط به حقوق زن و مرد که ذاتاً تبعیض آمیز به نظر می‌رسند بایستی مورد تجدیدنظر قرار گیرند (از قبیل مسأله ارزش شهادت زنان، ارث، قصاص، دیه و ازدواج دختر به وسیله پدر یا پدربزرگ) نقل کرده و می گوید البته برخی از روحانیون هم با این نظریات مخالفت دارند. همچنین به سخنان آقای خاتمی رئیس جمهور که باید ارزیابی مجددی نسبت به دیدگاههای مذهبی در مورد زنان نمود اشاره کرده و برخی جملات ایشان را عیناً نقل می کند. وی در ادامه می گوید با اینکه مجلس شورای اسلامی علی الاصول تحت سلطه محافظه کاران است مع ذالك برخی قوانین جدید به نفع زنان از جمله دادن حق حضانت فرزندان به آنان در صورت ناصالح بودن شوهر را تصویب کرده است. ولی متذکر می‌شود که نظام جمهوری اسلامی همچنان نسبت به زنان نظامی تبعیض آمیز است.

در بخش مسائل قضایی در ذیل عنوان اعدامها، نماینده ویژه می گوید تعداد اعدامها نسبت به سال قبل نه تنها تقلیل نیافته بلکه افزایش چشمگیری داشته و به ۱۹۵ فقره رسیده که ۹۵ فقره آن در ملاء عام بوده است.

در قسمت مربوط به شکنجه و مجازاتهای بیرحمانه غیرانسانی و تحقیر آمیز به وقوع چند فقره رجم و قطع دست اشاره می کند و با محکوم کردن آنها از دولت ایران می خواهد سریعاً این نوع مجازاتها را الغو نماید.

آقای کوپیترن تأسف خود را از اینکه دولت ایران حاضر نشده تضمین کتبی بر عدم اجرای حکم قتل سلمان رشدی بدهد ابراز نموده و همچون گزارشهای قبلی خود، تهدید نسبت به جان سلمان رشدی را محکوم کرده است.

در خصوص وضعیت بهائیان و نقض حقوق آنها و اعمال تبعیض نسبت به آنان نیز انتقاداتی وارد کرده و ادعاهایی را مطرح نموده است.

نماینده ویژه، از کمیسیون حقوق بشر اسلامی و برخی فعالیتهای آن بخوبی یاد کرده و توجه کمیسیون را به قطعنامه اخیر کمیسیون حقوق بشر در خصوص نهادهای ملی حقوق بشر (قطعنامه ۱۹۹۷/۴۰) جلب و توصیه نموده که «اصول پاریس در خصوص نهادهای ملی» مدنظر قرار گیرد.

سرانجام نماینده ویژه در جمع‌بندی و نتیجه گیری خود در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران می گوید: به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران مراحل اولیه انتقال را طی می کند؛ فضای بحث عمومی گسترش یافته، برخی از اصول انقلاب آزادانه مورد بحث و مشاجره قرار می گیرد؛ جامعه مدنی اسلامی اعلام شده از سوی دولت، آینده روشن‌تری را برای حقوق بشر افراد در کشور نوید می‌دهد. ولی با وجود اینکه دولت نماینده اکثریت عظیم مردم است با مخالفت‌هایی روبه‌روست و برخی گروههای نیرومند در مقابل سیاست‌های دولت مقاومت می‌نمایند و نتیجه امر این است که آهنگ پیشرفت در این زمینه کندتر از آن است که انتظار می‌رود. وی ادامه می‌دهد که به هر حال نقض حقوق بشر در ایران ادامه دارد که موارد عمده آن در این گزارش و در گزارش قبلی ذکر شده است و رهنمود می‌دهد که هم دولت و هم مردم ایران باید بیش از پیش پذیرای تنوع و تکثر جامعه باشند و به کرامت ذاتی انسان و حکومت قانون احترام بگذارند، رسیدن به این هدف به این معنی نیست که باید درها را به روی فردگرایی یا سکولاریسم افراطی باز کرد بلکه همان‌طور که در سخنان دبیر کل سازمان ملل در تهران آمده است می‌تواند با سنتها و معیارهای مختلف هماهنگ باشد.

۳ـ قطعنامه کمیسیون حقوق بشر در مورد جمهوری اسلامی ایران

با توجه به جو عمومی مساعد و دیدگاه مثبتی که نسبت به تحولات جدید جمهوری

اسلامی ایران بر کمیسیون حاکم بود، انتظار می‌رفت در مورد صدور قطعنامه نیز تحول چشمگیری صورت گیرد. حتی بحث عدم طرح قطعنامه و اکتفا به صدور یك بیانیه از سوی رئیس کمیسیون حقوق بشر نیز مطرح بود ولی سرانجام بانیان سنتی قطعنامه یعنی اتحادیه اروپا و دولت آمریکا و کانادا پیش‌نویس را توزیع کرده و به رأی گیری گذاشتند. بانیان و یا پیشنهاددهندگان قطعنامه عبارت بودند از: اتریش، کانادا، جمهوری چك، دانمارك، فرانسه، آلمان، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، لهستان، آمریکا، انگلستان(اعضاء کمیسیون)، استرالیا، بلژیك، بلغارستان، کاستاریکا، استونی، فنلاند، لیختن اشتاین، لیتونی، هلند، نروژ، پرتغال، رومانی، اسلواکی، اسلوونی، اسپانیا، سوئد و سوئیس (دولتهای ناظر). دولت ژاپن که هر سال جزء بانیان قطعنامه بود، امسال در ردیف بانیان نبود البته مانند سالهای گذشته به قطعنامه رأی مثبت داد.

قطعنامه نسبت به سال گذشته مفصل‌تر بود و بندهایی از آن به بیان تحولات و پیشرفتهای مثبت در زمینه حقوق بشر اختصاص داشت. پس از بیان مقدمه، مطالب قطعنامه تحت پنج عنوان: خوش آمدگویی و استقبال، با علاقه‌مندی توجه کردن، اظهار نگرانی، دعوت از دولت به انجام اموری و اتخاذ تصمیم بیان شده است. جهت آگاهی علاقه‌مندان و جلب توجه صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران، متن قطعنامه که با عنوان: «وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران» و با شماره ال ۱۰۰ (E/CN.4/1998/L.100) به تصویب کمیسیون حقوق بشر رسید ذیلاً نقل می‌شود:

«کمیسیون حقوق بشر، با تأکید بر اینکه همه دولتهای عضو سازمان ملل متحد به ارتقاء و حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی آن گونه که در منشور ملل متحد آمده و در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای بین‌المللی و دیگر اسناد بین‌المللی لازم‌الاجرای حقوق بشر مقرر شده، متعهد هستند. و با خاطرنشان ساختن اینکه جمهوری اسلامی ایران عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد. با توجه به قطعنامه‌های پیشین مجمع عمومی سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر در این زمینه که آخرین آنها قطعنامه شماره ۵۲/۱۴۲ مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۹۷ مجمع عمومی و قطعنامه شماره ۱۹۹۷/۵۴ مورخ ۱۵ آوریل ۱۹۹۷ کمیسیون حقوق بشر می‌باشد؛

۱ـ استقبال می کند از :

الف ـ گزارش نماینده ویژه کمیسیون به شماره (E/CN.4/1998/59 CORR.1)؛

ب ـ اعلام تعهد دولت جمهوری اسلامی ایران به تقویت احترام به حکومت قانون، و تأکید بر گسترش جامعه‌ای که در آن حقوق بشر به طور کامل محترم شمرده شده و جامعه مدنی رشد پیدا می کند؛

ج ـ پیشرفت در زمینه آزادی بیان، خصوصاً در زمینه‌های فرهنگی و تمایل مقامات حکومت به اجازه برگزاری تظاهرات عمومی.

۲ـ با علاقه‌مندی توجه می کند به :

الف ـ برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۷ و در این رابطه از دولت می‌خواهد که انتظارات مربوط به پیشرفت محسوس در ارتباط با حقوق بشر و آزادیهای اساسی افراد را برآورده کند؛

ب ـ تأسیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی که صلاحیت رسیدگی به هرگونه کوتاهی در اجرای قانون اساسی یا نقض اصول قانون اساسی را دارد؛

ج ـ اظهارات مثبت دولت جمهوری اسلامی ایران در خصوص لزوم بازنگری قوانین و دیدگاههای تبعیض آمیز در مورد زنان و تعیین نخستین زن به عنوان معاون رئیس جمهوری و چهار زن به عنوان قاضی؛

د ـ ملاحظه نماینده ویژه در خصوص تمایل روزافزون مقامات ایرانی به انتقاد و مهار کردن گروههای غیرقانونی که کوشش می کنند مانع آزادی بیان شوند؛

هـ ـ ابتکار کمیسیون حقوق بشر اسلامی در بررسی وقایع نگران کننده و دیدگاه نماینده ویژه که این حرکتها نشان‌دهنده برداشتن گامهای مهمی در تقویت حقوق بشر در ایران می‌باشد؛

و ـ به ثبت رساندن برخی سازمانهای غیردولتی همچون انجمن روزنامه‌نگاران.

۳ـ نگرانی خود را ابراز می دارد نسبت به :

الف ـ اینکه علی‌رغم این پیشرفتها، همچنان حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران نقض می‌شود خصوصاً تعداد زیاد اعدامها با عدم رعایت تضمین‌های شناخته شده بین‌المللی،

وجود موارد شکنجه، مجازاتها یا رفتار خشن غیر انسانی و تحقیر کننده از جمله قطع دست، سنگسار و اعدامهای در ملأعام، عدم رعایت استاندارد های بین المللی در محاکمات و فقدان روند لازم قانونی؛

ب ـ شفاف نبودن سیستم قضایی که در نتیجه هم برای ایرانیان و هم ناظرین خارجی مشکل است وضعیت افراد را به درستی تشخیص دهند؛

ج ـ ادامه نقض حقوق بشر بهائیان و نیز اعمال تبعیض علیه اعضاء اقلیت‌های مذهبی از جمله مسیحیان، علی رغم تضمینات قانون اساسی، فشار روزافزون روی جوامع مذهبی و افرادی که در معرض انجام تبلیغات مذهبی (تبشیر) هستند و صدور احکام اعدام برای ذبیح‌الله محرمی و موسی طالبی به اتهام ارتداد و بهمن میثاقی و کیوان خلج آبادی به علت اعتقاداتشان؛

د ـ فقدان ادامه همکاری دولت با مکانیزم کمیسیون حقوق بشر مخصوصاً خودداری از دعوت نماینده ویژه برای دیدار از ایران و پایین بودن سطح جوابهای دولت به اعلامات و سؤالات نماینده ویژه؛

هـ ـ ادامه تهدید نسبت به جان سلمان رشدی و کسانی که با او در این زمینه مشارکت دارند که به‌نظر می‌رسد دولت جمهوری اسلامی ایران نیز از این تهدید حمایت می کند و عمیقاً نسبت به‌خودداری دولت ایران از محکوم کردن تعیین جایزه برای قتل سلمان رشدی از سوی بنیاد ۱۵ خرداد اظهار تاسف می‌نماید؛

و ـ بی‌میلی آشکار مقامات ایرانی به تعقیب و مجازات کسانی که نسبت به منتقدین دولت، اعمال خشونت می کنند؛

ز ـ ادامه آزار و تهدید نسبت به برخی از روزنامه‌نگاران و نویسندگان و مخالفین سیاسی و مذهبی که می‌خواهند آزادی بیان داشته باشند؛

ح ـ ادامه فقدان برخورداری کامل و مساوی زنان از حقوق بشر.

۴ـ دولت جمهوری اسلامی ایران را به انجام امور زیر فرا می خواند:

الف ـ ادامه تلاشهای مثبت و تحکیم تعهد خود نسبت به احترام به حکومت قانون و دادن آزادی بیان بیشتر؛

ب ـ انجام تعهدات خود در رابطه با اسناد بین‌المللی حقوق بشر و تضمین اینکه همه افراد داخل در سرزمین و قلمرو صلاحیت خود از جمله اعضاء گروهها و اشخاص متعلق به اقلیت‌ها از همه حقوق شناخته شده در این اسناد بهره‌مند گردند؛

ج ـ برداشتن گامهای لازم به منظور پایان دادن به اعمال شکنجه، و اجرای قطع دست، سنگسار، و دیگر اشکال مجازاتهای خشن غیر انسانی و تحقیر کننده؛

د ـ تجدید همکاری خود با مکانیزم کمیسیون حقوق بشر مخصوصاً نماینده ویژه و اجازه دادن به او برای به دست آوردن اطلاعات دست اول و انجام گفتگو با دولت؛

هـ ـ اجرای کامل توصیه‌های گزارشگر ویژه در مورد نابردباری مذهبی در رابطه با بهاییان، مسیحیان و دیگر گروههای اقلیت مذهبی؛

و ـ افزایش تلاش برای هماهنگ کردن فعالیت‌های عناصر مختلف در قوه قضائیه و نیروهای امنیتی و نیز گروههای غیرقانونی که در مقابل تغییرات مثبت مقاومت می کنند با سیاست‌های دولت در زمینه آزادی بیان؛

ز ـ انجام اقدامات بیشتر برای محو تبعیض و نقض حقوق بشر علیه زنان از جمله محو هر گونه تبعیض در قانون و در عمل مثلاً اصلاح ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی که اشتغال زنان را موکول به اجازه قبلی شوهر می نماید و این ماده مورد انتقاد سازمان بین‌المللی کار (I.L.O) نیز قرار گرفته است؛

ح ـ خودداری از اعمال خشونت علیه ایرانیان مخالف که در خارج زندگی می کنند و همکاری صمیمانه با مقامات دیگر کشورها در بررسی و تعقیب جرایم؛

ط ـ ارائه تضمین‌نامه قانع کننده کتبی که از تهدید نسبت به جان سلمان رشدی حمایت و تشویق ننماید؛

ی ـ اطمینان دادن به اینکه مجازات اعدام در مورد جرایم غیرشدید، ارتداد و در هر حال بدون رعایت مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و تضمینات سازمان ملل اجرا نمی‌شود؛

ك ـ اطلاعات دقیق در زمینه حفظ و رعایت حقوق بشر در رابطه با سیاست مبارزه با مواد مخدر را در اختیار نماینده ویژه قرار دادن؛

ل ـ اقدام به انطباق دادن کمیسیون حقوق بشر اسلامی با اصول ۱۹۹۳ پاریس در ارتباط با وضعیت نهادهای ملی که ضوابطی برای صلاحیت نهادهای ملی، ترکیب اعضاء و انتصاب آنها، تضمین استقلال و کثرت گرایی آنها و روشهای کاری آنها تعیین کرده است.

۵ـ تصمیم می گیرد:

الف ـ مأموریت نماینده ویژه را چنانکه در قطعنامه ۱۹۸۴/۵۴ مورخ ۱۴ مارس ۱۹۸۴ ذکر شده برای یکسال دیگر تمدید کند و از نماینده ویژه می خواهد، که گزارش مقدماتی خود را به اجلاس ۵۳ مجمع عمومی و گزارش نهایی خود را به اجلاس ۵۵ کمیسیون حقوق بشر تسلیم نماید. و هنگام بررسی و تحلیل اطلاعات، دیدگاه جنسیتی را در نظر بگیرد؛

ب ـ از دبیر کل بخواهد که همچنان کمکهای لازم را در اختیار نماینده ویژه بگذارد تا بتواند مأموریت خود را به طور کامل انجام دهد؛

ج ـ بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از جمله وضعیت گروههای اقلیت مذهبی همچون بهاییان و مسیحیان را در اجلاس ۵۵ خود ادامه دهد».

در پایان قطعنامه تحت شماره ۶ از شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل خواسته شده که پیش نویس قطعنامه کمیسیون مبنی بر تمدید مأموریت نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر در ایران و تهیه و تسلیم گزارش به جلسات آینده مجمع و کمیسیون را تصویب نماید.

تصویب قطعنامه و آراء موافق و مخالف ـ قطعنامه ایران با ۲۳ رأی مثبت از ۵۳ کشور عضو کمیسیون حقوق بشر به تصویب رسید، ۱۴ کشور رأی منفی دادند و رأی ۱۶ کشور نیز ممتنع بود و چون طبق قواعد رسیدگی کمیسیون ملاك تصویب تصمیمات و قطعنامه‌ها بیشتر بودن آراء مثبت نسبت به آراء منفی است و آراء ممتنع از این حیث به حساب نمی آید، این قطعنامه نیز تصویب شده محسوب می شود.

برای آشنایی خوانندگان با مواضع کشورها نسبت به جمهوری اسلامی ایران نوع رأی کشورها را نیز ذیلاً ذکر می کنیم:

الف ـ کشورهایی که به قطعنامه رأی مثبت دادند عبارتند از: آمریکا، انگلیس، روسیه،

ژاپن، ونزوئلا، لهستان، پرو، لوکزامبورگ، ایتالیا، ایرلند، گواتمالا، آلمان، فرانسه، السالوادور، اکوادور، دانمارك، جمهوری چك، شیلی، کانادا، برزیل، اتریش، آرژانتین و بوتسوانا.

ب ـ کشورهایی که به نفع ایران به قطعنامه رأی منفی دادند عبارتند از: بنگلادش، بوتان، چین، کنگو، هند، اندونزی، گینه، مالزی، مالی، مراکش، پاکستان، فیلیپین و سودان.

ج ـ کشورهایی که رأی ممتنع دادند عبارتند از: روسیه سفید، دماغه سبز، ماداگاسکار، مکزیك، موزامبیك، نپال، جمهوری کره، رواندا، سنگال، آفریقای جنوبی، سریلانکا، تونس، اوگاندا، اوکراین، اروگوئه و جمهوری دموکراتیك کنگو.

اضافه می نماید که در سال گذشته قطعنامه ایران با ۲۶ رأی مثبت در مقابل ۷ رأی منفی و ۱۹ رأی ممتنع تصویب شد، یك کشور هم غایب بود.

آنچه در این مقال آمد، در واقع گزارش کوتاهی از حضور چندروزه در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و مشاهده بررسی وضعیت حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران در آن کمیسیون بدون هر گونه تحلیل و اظهار نظر بود، تجزیه و تحلیل مسأله و جمع بندی و نتیجه گیری لازم را به عهده خوانندگان علاقه‌مند و دلسوز به دین و دولت و ملت وا می گذارم و فقط در یك جمله می گویم حداقل فضای موجود اجلاس امسال کمیسیون حقوق بشر نشان داد علی رغم همه سیاسی کاری و زدوبندهایی که متأسفانه در این نهاد مهم حقوق بشری وجود دارد و در موضع گیری کشورهای عضو اثر می گذارد، و با وجود برخی اختلافهای مبنایی و ریشه‌ای که در بعضی دیدگاهها وجود دارد، حکومت کارهای زیادی را می تواند انجام دهد که ضمن تأمین بهتر حقوق مردم و جلب رضای خالق که هدف اصلی هم همین است، چهره شفاف تری از نظام جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین المللی ارائه دهد و دیدگاههای منفی را به مثبت تبدیل نماید.

باش تا صبح دولتت بدمد　　　کاین هنوز از نتایج سحر است

همایش دیدگاههای اسلامی در مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر

تمهیدات مربوط به تشکیل همایش

در آستانه پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر همایش دو روزه‌ای در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه ۱۸ و ۱۹ آبان ۱۳۷۷ (۹ و ۱۰ نوامبر ۱۹۹۸) تحت عنوان: «تقویت جهانی بودن حقوق بشر: دیدگاههای اسلامی در مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر» ‹‹Enriching the Universality of Human Rights, Islamic Perspectives on the Universal Declaration of Human Rights›› در دفتر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو برگزار شد. آقای دکتر خرازی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در نطق خود در آغاز اجلاس پنجاه و چهارم کمیسیون حقوق بشر که در ۱۷ مارس ۱۹۹۸ (فروردین ۷۷) در ژنو ایراد کرد، ضمن بحث در مورد دیدگاههای مختلف در خصوص مبانی حقوق بشر و حقوق و مسؤولیت فرد و جامعه از کمیسر عالی حقوق بشر درخواست کرد ترتیبی دهد که صاحب‌نظران گردهم آیند و تفاسیر و برداشتهای خود در مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر را ابراز دارند. وی گفت: گفتگوهای حقوق بشری یك وسیله مهم و حیاتی برای گفتگو و تبادل‌نظر وسیع‌تر بین تمدنهاست...

در پی این پیشنهاد با پی گیری کمیسر عالی حقوق بشر و برنامه‌ریزی سازمان کنفرانس اسلامی این همایش تشکیل شد. گرداننده و اداره کننده همایش، کمیساریای

عالی حقوق بشر و افراد شرکت کننده در همایش نیز شخصاً از سوی کمیسر عالی حقوق بشر دعوت شده بودند.

شرکت کنندگان در همایش که هر کدام در یکی از موضوعات مطروحه مقاله‌ای ارائه داده و در بحث شرکت داشتند، ۲۰ نفر از صاحب‌نظران و کارشناسان حقوق اسلامی و آشنا به موازین حقوق بشر در نظام بین‌المللی از کشورهای مختلف اسلامی بودند. تعداد قابل توجهی از نمایندگان سیاسی کشورها و نیز اعضاء سازمانهای غیر دولتی بدون شرکت در بحث، در جلسات حضور داشتند.

کارشناسان اسلامی شرکت کننده در همایش از کشورهای: مغرب، مصر، فلسطین، کویت، سوریه، توگو، تونس، الجزایر، بوسنی، گینه، لبنان، سودان، اردن، اندونزی، سنگال، جمهوری اسلامی ایران، کنیا، مالزی، بنگلادش و عربستان سعودی بودند که اسامی برخی از شرکت کنندگان بدین‌شرح است: دکتر احمد کمال ابوالمجد از مصر، دکتر محمد سعید البوطی از سوریه، خانم واسیلابن حمدا از تونس، آقای صاحب بن شیخ از الجزایر، دکتر مصطفی شریك از بوسنی، دکتر عدنان بن محمدالوزان از عربستان و اینجانب (حسین مهرپور) از ایران.

از ۲۰ نفر کارشناسان شرکت کننده ۳ نفر زن و بقیه مرد بودند. دو نفر هم به‌عنوان میهمان ویژه کمیسر عالی حقوق بشر دعوت شده و در جلسه شرکت نموده و نطقی ایراد کردند که عبارت بودند از: آقای دکتر ظریف معاون امور حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه و آقای شیخ احمد زکی یمانی وزیر اسبق نفت عربستان سعودی و رئیس فعلی یك مؤسسه تحقیقاتی اسلامی در لندن بنام «بنیاد میراث اسلامی الفرقان».

زمینه‌های اصلی که مقالات و بحث شرکت کنندگان روی آن دور می‌زد عبارت بود از:

۱ـ اسلام، اصل عدم تبعیض و اعلامیه جهانی حقوق بشر ۲ـ اسلام، حقوق مدنی، سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر ۳ـ اسلام، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اعلامیه جهانی حقوق بشر. جلسات صبح و عصر روز اول به ارائه مقالات و بحث پیرامون موضوع اول و دوم و صبح روز دوم به موضوع سوم اختصاص داشت و جلسه بعدازظهر روز

دوم یعنی آخرین جلسه نیز برای تبادل‌نظر کلی کارشناسان پیرامون اعلامیه جهانی حقوق بشر در نظر گرفته شده بود.

قرار شد، مجموعه مقالات ارائه شده و بحث‌ها و اظهارنظرهای مطرح شده، جمع‌آوری و از سوی کمیساریای عالی حقوق بشر منتشر گردد.

اظهارات کمیسر عالی حقوق بشر در افتتاح همایش

خانم مری رابینسون در مراسم افتتاح همایش سخنان کوتاهی ایراد کرد و ضمن خوشامدگویی به کارشناسان و صاحب‌نظران اسلامی و دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی و حضار، خوشحالی خود را از برپایی چنین سمیناری ابراز داشت و گفت: پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر مردم سراسر دنیا را تشویق کرده است که در مورد مفهوم و منظور اعلامیه تأمل کنند و نسبت به سهمی که تمدن و سنت می‌تواند در فهم بهتر و تحقق کامل‌تر حقوق اعلام شده در اعلامیه داشته باشد بیاندیشند. اعلامیه حقوق بشر، سندی است که هر انسان می‌تواند از دریچه فرهنگ و سنت خود با آن برخورد نماید و برای هر کس پیامی از کرامت انسانی دارد.

وی در بخشی از اظهارات خود گفت: مجمع عمومی سازمان ملل هفته پیش با اعلام سال ۲۰۰۱ به عنوان «سال گفتگوی تمدنها» در واقع به اهمیت تفاهم بین تمدنها اذعان کرد و من معتقدم بحثهایی را که هم‌اکنون آغاز می‌کنیم، سهم بسزایی در گفتگوی بین تمدنها و ایجاد تمدن جهانی بر پایه احترام به حقوق بشر دارد.

خانم رابینسون در قسمتی دیگر از سخنانش گفت: ما همه به عظمت اسلام واقفیم، تمدن اسلامی و سهم برجسته آن در غنا بخشیدن به تجربیات بشری از طریق علوم، ادبیات، هنر و ایمان عمیق و مکتب الهی اسلام را بخوبی می‌شناسیم. وقتی ما از اسلام صحبت می‌کنیم، در واقع از مذهب بیست درصد از خانواده بشری که در سراسر دنیا و با فرهنگهای مختلف پخش شده‌اند سخن می‌گوییم. سازمان کنفرانس اسلامی با داشتن ۵۵ دولت عضو، نقش رهبری را در امور بین‌المللی ایفا می‌کند.

به همین جهات من با خوشحالی دعوت وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران را

برای تسهیل روند دستیابی به تفاسیر و دیدگاههای اسلامی در مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر پذیرفتم و سمینار امروز کلید اصلی این روند محسوب می‌شود.

کمیسر عالی در مورد چگونگی دعوت از کارشناسان اسلامی گفت: در پی مشورت با سازمان کنفرانس اسلامی و دیگران، از جمله همکاران سازمان ملل، ۲۰ کارشناس برگزیده را بر مبنای عمق اطلاعات آنها از حقوق اسلامی و آگاهی‌شان از نظام بین‌المللی حقوق بشر و آشنائی‌شان با دیگر نظامها و فرهنگهای حقوقی دعوت کردم، من از کارشناسان دعوت می‌کنم که خلاصه مقالات خود را ارائه دهند و در بحث و تبادل نظر علمی روی موضوعات مطروحه شرکت نمایند. و البته فعلاً هدف این نیست که در روند عملی جاری در زمینه حمایت از حقوق بشر تجدید نظر شود یا به یك جمع‌بندی مشخص برسند یا وضعیت خاص را تصویب کنند و در واقع مهم، بحث و تبادل‌نظر و ارائه دیدگاههاست.

طبعاً عقاید و نظریات مختلف است و این خود امر مطلوبی است. من مطمئن هستم که این کار، تجربه پرباری خواهد بود، من در طول مدت آماده‌سازی این سمینار و ملاحظه مقالات دریافت شده چیزهای زیادی آموختم.

سخنان افتتاحیه دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی

دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی نیز در سخنان کوتاهی از تشکیل این همایش ابراز خرسندی کرد و از کسانی که در برپایی این همایش در پی پیشنهاد آقای دکتر خرازی به‌عنوان نماینده آقای خاتمی رئیس جمهور اسلامی ایران و رئیس سازمان کنفرانس اسلامی تلاش کردند سپاسگزاری نمود. و اظهار داشت، این فرصت بسیار خوب و مغتنمی است که کارشناسان و صاحب‌نظران اسلامی طی بحثهای خود دیدگاه اسلام در مورد حقوق بشر و سهمی که اسلام در پی‌ریزی پایه‌های این حقوق برای رهاندن مردم از تاریکی به نور و تضمین زندگی شرافتمندانه آنها و ترك بندگی هر کس و هر چیز جز خدا و تثبیت حق آزادی، عدالت و مساوات داشته است بیان کنند. بدون‌شك تشکیل سمینار در این موقعیت زمانی یعنی پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر در این محل یعنی مقر سازمان

ملل در ژنو، اثر مثبتی در تبیین رسالت اسلام در زمینه حقوق بشر و بیان ویژگیهای فرهنگی و دین اسلام و مشارکت فعال آن در حمایت از حقوق بشر خواهد داشت.

این اقدام، می‌تواند گامی در ایجاد تفاهم بین ملتها و یکی از پایه‌های بنیانِ در حال ایجاد گفتگوی بین تمدنها محسوب شود.

عناوین مقالات ارائه شده در همایش

عناوین بیست گانه مقالات ارائه شده در همایش از سوی کارشناسان اسلامی بدین‌شرح است:

۱ـ *عدم تبعیض*: دکتر احمد کمال ابوالمجد از مصر

۲ـ *زنان و اسلام*: خانم واسیلا بن حمدا از تونس

۳ـ *حقوق بشر در احکام جهاد و زن*: دکتر محمد سعید رمضان البوطی از سوریه

۴ـ *اسلام و حقوق زن*: مامادو بوبود یالو از گینه

۵ـ *حقوق غیر مسلمین در جامعه اسلامی*: دکتر عدنان الوزان از عربستان سعودی

۶ـ *اسلام، حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر*: مصطفی شریك از بوسنی

۷ـ *اسلام و آزادی مذهبی*: صاحب بن شیخ از الجزایر

۸ـ *اسلام، حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر*: دکتر مجید از اندونزی

۹ـ *آزادی عقیده و بیان در اسلام*: دکتر حسین مهرپور از جمهوری اسلامی ایران

۱۰ـ *نظام عدالت کیفری*: عبدالله یایایاوا از توگو

۱۱ـ *عدالت کیفری*: الحاجی راوان مبایه از سنگال

۱۲ـ *نظام عدالت کیفری در اسلام*: حافظ الشیخ زکی از سودان

۱۳ـ *حمایت از حقوق بشر*: اسلام و اصل همبستگی اجتماعی: پروفسور الوئی عبداللاوی از مراکش

۱۴ـ *تضمین جمعی بین‌المللی حقوق بشر*: دکتر محمد انصاری از کویت

۱۵ـ *حق توسعه با تمرکز روی حقوق اجتماعی و فرهنگی و وظایف فرد نسبت به جامعه*: دکتر عظیم ناجی از کنیا

۱۶ـ *حق خودمختاری*: دکتر احمد کمال ابوالنصر از فلسطین

۱۷ـ *حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با تمرکز روی حقوق زنان*: خانم خاتون شفالی از بنگلادش

۱۸ـ *اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر*: دکتر کمال‌الشریف از اردن

۱۹ـ *مسأله حقوق بشر در تفکر اسلامی معاصر*: رضوان‌السیّد از لبنان

۲۰ـ *حقوق بشر به‌عنوان یك مفهوم جهانی در اسلام*: خانم نورانی عثمان از مالزی

اشاره‌ای به محتوای مقالات

سعی هر یك از سخنرانان این بود که در طی مقالات کوتاه خود، دیدگاههای اسلامی در مورد یکی از موضوعات مهم حقوق بشری را که در اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته تبیین کنند و بدون اینکه مستقیماً مقایسه‌ای بین موازین اسلامی و مبانی اعلامیه جهانی حقوق بشر بنمایند، تقدم اسلام و تعالیم اسلامی را در پرداختن به موضوعات مهم امروزین حقوق بشر و عنایت و توجه خاص آن را به این مسائل توضیح دهند و با اینکه قرار بود از موضع انفعالی و دفاعی با دیدگاههای اسلامی در مورد مسائل حقوق بشری برخورد ننمایند ولی عملاً به دفاع از اسلام در خصوص شبهات مطروحه در این زمینه برآمدند و در خصوص برخی از احکام و تعالیم اسلامی که با مبانی حقوق بشری ناسازگار بنظر می‌رسید یا توجیه می‌کردند و یا در مقام تأویل بر می‌آمدند و یا لزوم اجتهاد جدیدی را در فهم احکام اسلامی با توجه به مصالح جامعه و مقتضیات زمان و مکان یادآور می‌شدند.

کارشناسان عموماً در مقالات، سخنرانیها و بحثها و تفسیرهای خود به عنایت و توجه اسلام به کرامت و حیثیت ذاتی انسان، مسؤولیت وی و در عین‌حال آزادی او در انتخاب عقیده و اصل تساوی انسانها در کرامت و ارزش انسانی بدون توجه به رنگ، نژاد و جنس اشاره داشتند و پیشقدمی اسلام را در عدالتخواهی و رفع ظلم و رفع تبعیض با استناد به آیات قرآنی و احادیث و سیره نبوی، مورد تأکید قرار می‌دادند.

در زمینه مسأله مهم آزادی عقیده و مذهب، عموماً نظر اسلام در خصوص آزادی مسؤولانه انسان در اختیار عقیده و ایمان را تبیین می کردند و به آیات قرآنی که حکایت از عدم اکراه و اجبار در دین و آزادی انسان در پذیرش راه هدایت و رستگاری یا راه گمراهی و شقاوت دارند استناد می کردند، در خصوص ارتداد و ممنوعیت و مجازات آن و حدیث معروف نبوی که: «هر کس دین خود را تغییر داد او را بکشید ـ من بدّل دینه فاقتلوه» عموماً چنین اظهار عقیده می کردند که صرف تغییر دین و عقیده، و حتی ابراز ساده آن موجب مجازات و کیفر قتل نیست و در هیچیك از آیات قرآنی نیز با وجود تقبیح شدید ارتداد و برگشت از اسلام به کفر و تهدید به عذاب اخروی و خشم الهی، مجازات دنیوی برای آن در نظر گرفته نشده است، آنچه می تواند مجازات قتل مرتد و خارج از اسلام را توجیه کند و به حدیث نبوی معنی ببخشد، اقدامات عملی مرتدّ علیه نظام اسلامی است و یا اینکه ارتداد و خروج او از دین اسلام و نحوه اعلام این کار به گونه‌ای باشد که خروج بر نظام اسلامی تلقی شود. به نظر یکی از سخنرانان بین خروج از اسلام و خروج بر اسلام فرق است (من خرج من الاسلام و من خرج علی الاسلام) و آنچه موجب مجازات است خروج بر اسلام است نه خروج از اسلام.

در خصوص دیدگاه اسلام در مورد موقعیت و حقوق زن نیز عموماً با توجه به بیان آیات قرآنی در مورد خلقت زن و مرد و حقوق و تکالیف آنان و تساوی آنان در دستیابی به مدارج عالی معنوی و انسانی بر نظر اسلام بر تساوی زن و مرد در ارزش و کرامت انسانی و اصل حق و تکلیف تأکید داشتند و در خصوص بعضی تفاوتها مانند سهم الارث، حق طلاق، دیه، ارزش شهادت و مسأله تعدد زوجات توجیهاتی می نمودند که مغایر با اصل تساوی نباشد. یکی از سخنرانان در بحث مربوط به ارزش شهادت زن و مرد که ارزش شهادت دو زن برابر با شهادت یك مرد دانسته شده (آیه ۲۸۲ سوره بقره قرآن مجید)، با تبیین و توجیه این حکم و تناسب آن با زمان نزول قرآن به لحاظ وضعیت خاص زنان و با توجه به فلسفه و حکمتی که برای این حکم در قرآن بیان شده است (که اگر یکی از دو شاهد فراموش کرد دیگری یادآوری کند ـ ان تضلّ احدیهما فتذکر احدیهما الاخری) مسأله لزوم توجه به مصالح احکام و پرهیز از جزمیّت بر ظواهر الفاظ را مطرح کرد.

از آنجا که قرار بر این بود سمینار جمع‌بندی و نتیجه گیری نداشته و صرفاً نقطه

آغازی برای بیان دیدگاه اسلامی در زمینه موضوعات مهم حقوق بشری در یك مرجع بین‌المللی باشد، اینجانب نیز به همین اشارات کلی در مورد مقالات ارائه شده بسنده می کنم. مقالات و بحثهای حاشیه‌ای آنها چاپ می‌شود و علاقه‌مندان صاحب‌نظر می توانند با مطالعه آن نتیجه گیری خود را داشته باشند.

آقای دکتر البوطی از سوریه پیشنهاد کرد برای تداوم بحث و روشن شدن بیشتر موضوعات با تشکیل کمیته ویژه‌ای از سوی کمیساریای عالی حقوق بشر بحث و تبادل‌نظر در خصوص موضوعات مهم دنبال شود. و اینجانب نیز با حمایت از پیشنهاد آقای البوطی، پیشنهاد ادامه جلسات را از سوی سازمان کنفرانس اسلامی و در بین کارشناسان اسلامی و با حضور خود آنها دادم تا مسائل و موضوعات مورد اختلاف و بحث‌انگیز به صورت علمی و در فضایی آزاد و باز و صریح مطرح و مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد و نتایج آن در جلسات عمومی جهانی ارائه گردد.

چکیده مقاله: آزادی عقیده و بیان در اسلام

در پایان گزیده‌ای از مقاله «آزادی عقیده و بیان» که از سوی نگارنده در سمینار ارائه شد نقل می‌شود. با اشاره‌ای به مفهوم آزادی و اهمیت آن و بخصوص آزادی عقیده و بیان، مطالب خود را تحت عناوین ذیل ادامه دادم:

هدف‌دار بودن خلقت و مسئولیت انسان؛ دفاع از توحید و نفی شرك و کفر؛ ترغیب به تفکر و آزاداندیشی؛ آزادی عقیده و نفی اکراه در دین؛ جنگهای اسلام و ارتباط آنها با آزادی عقیده.

بیان مطلب در ذیل موضوعات فوق‌الذکر مبتنی بر آیات قرآن کریم است و چکیده مطلب به شرح زیر نقل می‌شود:

اسلام انسان را مسؤول می‌داند که برای کشف حقیقت و پیداکردن عقیده صحیح و پی بردن به راه راست کوشش نماید و به فکر سعادت جاوید و زندگی سعادتمند جاودان خود باشد. انسان به خود واگذار نشده است، خلقت او عبث نیست و زندگی او به همین چند روزه حیات مادی محدود نمی‌شود.

آدمی دارای فکر و اندیشه است و باید آزادانه فکر خود را به کار بیندازد. در آفرینش تعقل کند، در آیات الهی تدبر و تفکر نماید، مطالب و حرفها و عقاید و مکاتب را بررسی نماید و با عقل و منطق و برهان و استدلال عقیده‌ای را بپذیرد.

اسلام، عقیده صحیح را دین توحید و اعتقاد به مبدأ و معاد می‌داند و انسان را به این راه سوق می‌دهد و هدایت می کند و معتقد است اگر انسان لختی بیندیشد و فکر و اندیشه خود را به کار بیندازد به دین توحید گرایش پیدا خواهد کرد. اسلام تمام هم و کوشش خود را بر این مصروف داشته که انسان را متوجه این راه صحیح و صراط مستقیم بنماید، به گونه‌ای که خود از جان و دل آن را باور کند و بپذیرد.

از لحاظ فردی هر شخص نزد خداوند مسؤول است و باید سعی کند دین توحید را بپذیرد و از شرك و کفر دوری جوید. عقیده کفرآمیز داشتن و مبدأ و معاد را منکر بودن موجب عقوبت و کیفر الهی است و همواره این هشدار به کافرین داده می‌شود. بنابراین اسلام نمی‌تواند بی‌تفاوتی و بی‌توجهی به این امر را بپذیرد ولی هیچگونه اکراه و اجبار نیز برای دست برداشتن از یك عقیده و گرایش به عقیده خاصی وجود ندارد. تلاش عمده پیامبر اسلام و قرآن کریم بر این است که دین حق را تبیین کند و به طرق مختلف راه هدایت و راه ضلالت را تشریح نماید و مردم را به روی آوردن و پذیرفتن دین حق و برگزیدن راه رشد و هدایت ترغیب نماید، ولی نمی‌خواهد به زور، این عقیده را به افراد تحمیل کند چرا که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لا اکراه فی الدین قدتبین الرشد من الغی»

طبیعی است اسلام برای پیش بردن کلمه حق و دین توحید و رساندن پیام خود به گوش مردم از هیچگونه کوششی فروگذار نمی کند و طبعاً اگر کسانی بخواهند مانع گسترش آن شوند و در مقام مقابله و مبارزه درآیند با آنان مقابله خواهد کرد و در صورت لزوم به پیکار با آنان می‌پردازد.

وقتی هم که حکومت اسلامی تثبیت شد و استقرار پیدا کرد، بنا را بر تحمیل عقیده و اجبار و فشار بر پذیرفتن آن و مجازات افراد به خاطر داشتن عقیدهٔ خلاف ننهاد، بلکه با آنها که معتقد به ادیانی بودند که ریشه توحیدی داشت، ولو مسلمان هم نشدند، برقراری معاهده ذمه را پیش‌بینی کرد که موافق آن نه تنها آزادانه مراسم مذهبی خود را بتوانند انجام دهند

بلکه در برخی از مسائل حقوقی و اجتماعی برخلاف مقررات حاکم بر جامعه اسلامی بتوانند مقررات خاص خویش را مورد عمل قرار دهند. چنانکه مثلاً در احوال شخصیه چنین است.

در مورد کفاری هم که عقیده توحیدی ندارند، هرچند آن را به رسمیت نمی‌شناسد و از لحاظ مقررات باید از نظم حاکم در جامعه اسلامی تبعیت کنند ولی اگر در مقام مبارزه و مقابله با اسلام برنخیزند علی الاصول به عقیده آنها کاری ندارد نه در مقام تفتیش عقیده برمی‌آید و نه آنها را به خاطر صرف عقیده مخالف مجازات می‌نماید.

اصولاً اگر سیری در آیات قرآنی بکنیم خواهیم دید هرجا مجازات و کیفر دنیوی پیش‌بینی شده که به‌وسیله حکومت اسلامی باید اجرا گردد صرفاً در برابر اعمال و رفتار و اقدامات مخالف نظام اسلامی یا گفتارها و فتنه‌انگیزی‌هایی که نظم جامعه را برهم می‌زند یا ارتکاب اعمالی که جرم و خلاف شناخته شده، می‌باشد. اعتقادات خلاف اسلام و شرك آمیز هرچند که بسیار مورد تقبیح قرار گرفته ولی دربارهٔ آنها مجازات قانونی که به وسیله دستگاه حاکم اعمال شود پیش‌بینی نشده، اگرچه دربارهٔ کفار همواره از عذاب اخروی و عقوبت الهی و محروم ماندن از سعادت جاوید سخن رفته است.

از آنچه در مورد آزادی عقیده گفته شد تا حدودی مسألهٔ آزادی بیان نیز روشن می‌شود زیرا وقتی گفتیم شخص در انتخاب عقیده آزاد است و کسی را نمی‌توان به داشتن عقیده خاصی مجبور کرد و یا برای داشتن عقیده بخصوصی او را مجازات نمود بنابراین ابراز و اعلام آن عقیده نیز باید آزاد باشد و به گفته جان استوارت میل «هرگز نمی‌توان آزادی فکر را از دو آزادی همزاد دیگر یعنی آزادی گفتار و آزادی نگارش مجزا کرد».

از نظر اسلام انسان آزاد است عقیده خود را اعلام و نظر خویش را ابراز دارد و حتی در مورد عقیده خود به بحث و استدلال بپردازد.

قرآن در مقام تمجید بندگان خوب خدا آنها را بدین گونه می‌ستاید که حرفها را می‌شنوند و بهترین آن را انتخاب می‌کنند و این مطلب را هنگامی بیان می‌نماید که پیش از آن مشرکان را به خاطر پرستش غیرخدا سرزنش کرده و زیانکار شمرده و بندگان خوب را بدین جهت که از عبادت طاغوت دوری جسته و به خداوند روی آورده‌اند تجلیل کرده

است. «والذین اجتنبوا الطاغوت ان یعبدوها و انابوا الی الله لهم البشری فبشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئك الذین هدیهم الله و اولئك هم اولوا الالباب» (زمر: ۱۷ و ۱۸).

پیداست که لازمه تحقق این امر آزاد بودن اظهار عقیده و تحمل شنیدن بحث و استدلال نظرات گوناگون می‌باشد.

البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که ترویج و نشر عقاید مشرکانه و برخلاف توحید در جامعه اسلامی نمی‌تواند آزاد باشد زیرا معقول نیست دینی که برای ریشه کن کردن کفر و شرك مبارزه می کند و دین توحید را مطابق فطرت بشری می‌داند و معتقد است که سرانجام باید عالم را فرا گیرد در برابر تبلیغ و ترویج عقاید ضدتوحیدی خاموش بنشیند و با آنها موافقت نماید.

و اما در رابطه با مسائل اجتماعی نیز اسلام برای آزادی بیان اهمیت زیاد و احترام فراوانی قائل است. از نظر اسلام مردم می‌توانند در امور مربوط به جامعه و طرز اداره آن و حکومت اظهارنظر کنند و به بحث و انتقاد بپردازند و تا آنجا که به مصالح مهم جامعه لطمه وارد نیاید، کسی حق ندارد جلوی این آزادی را بگیرد. اسلام با قراردادن اصل امر به معروف و نهی از منکر در واقع آزادی بیان را جهت تأمین مصالح جامعه و جلوگیری از فساد و تباهی برای همه آحاد ملت تضمین کرده و حتی وظیفه قرار داده است. «ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئك هم المفلحون» (آل عمران: ۱۰۴).

روش خود پیامبر اکرم(ص) و خلفای راشدین نیز احترام گذاشتن به آرای مردم و استماع نظرات آنان و دادن آزادی بیان بوده است و حتی امیر المؤمنین علی(علیه السلام) در هنگام خلافت و حکومت خطاب به مردم، آنان را دعوت می کند که اگر حرف حقی دارند، نظر خود را بگویند و نپندارند که شنیدن حرف حق برای او ناگوار و سنگین است و خطاب به آنها می‌فرماید چنین نیست که من به عنوان یك انسان اشتباه نکنم، اشتباه در کارهای من نیز راه می‌یابد، مگر اینکه خداوند مرا حفظ نماید.

از خلیفه اول نیز نقل شده که پس از انتخاب شدن به خلافت در نخستین خطبه خود

خطاب به مردم گفت: «ای مردم من بر شما حاکم شدم در حالی که از شما بهتر نیستم اگر وظیفه‌ام را خوب انجام دادم مرا کمك کنید و اگر بد عمل کردم مرا به راه راست بدارید... تا خدا و پیامبر را اطاعت کردم از من پیروی کنید و هر گاه نافرمانی خدا و پیامبر نمودم اطاعت از من بر شما لازم نیست».

متأسفانه بر جوامع اسلامی نیز در طول تاریخ افرادی مستبد و خودخواه حکومت کردند که اصول و تعلیمات اسلام را زیرپا نهادند و جلوی آزادیهای مشروع مردم را گرفتند ولی از دوران اولیه برقراری نظام اسلامی تاکنون هروقت و هرجا که افرادی و گروهی آشنا و پای‌بند به اصول اسلامی حکومت را به دست گرفتند آن دوره، دوره شکوفایی آزادی مردم نیز بوده است و آزادی بیان و اظهار عقیده و رأی مردم در امور جامعه و مسائل مملکتی بیشتر رعایت می‌شده است.

بارزترین نمونه این حکومت دوران خلافت پنج ساله علی بن ابی طالب (علیه السلام) است که به بهترین وجهی حق آزادی بیان و سایر آزادیهای مشروع رعایت می‌شد و شیوه برخورد علی(ع) با متعصب‌ترین و بی‌منطق‌ترین مخالفان حکومتش یعنی گروه خوارج، آن گونه که تاریخ شهادت می‌دهد، گواه این مدعاست.

اظهارات پایانی کمیسر عالی حقوق بشر

خانم رابینسون کمیسر عالی حقوق بشر در پایان سمینار نطق کوتاهی ایراد کرد و برداشت شخصی خود را از سمینار و مباحث مطروحه در آن بیان داشت که حاوی نکات جالبی بود و خلاصه‌ای از آن در اینجا نقل می‌شود. وی خطاب به حاضرین و مخصوصاً کارشناسان اسلامی شرکت کننده در سمینار گفت: «این دو روز، روزهای فوق‌العاده‌ای بود، ما به مقالات شما کارشناسان عالی‌رتبه گوش فرا دادیم و بحث گسترده شما را نسبت به موضوعات حیاتی حقوق بشر و دیدگاه اسلام در این زمینه شنیدیم. من شخصاً چیزهای زیادی آموختم، و از این فرصت به دست آمده برای شنیدن بحثها و تبادل نظریات متمتّع شدم.

همان‌طور که می‌دانید وقتی تشکیل این سمینار برنامه‌ریزی می‌شد، ما توافق کردیم

که به خاطر پیچیدگی موضوع، علمی بودن بحثها و کم بودن وقت، در مقام تصویب جمع‌بندی نهایی یا ارائه توصیه‌هایی بر نیائیم، این تصمیم درستی بود. فرصتهای دیگر وطرح مباحث دیگر با شرکت کنندگان دیگری در آینده خواهد بود، این سمینار فقط آغاز کار بود و آغازی پربار. ولی در هر حال، اهمیت مباحث مطروحه در سمینار و تفاهمی که به‌دست آمد باید به نحوی انعکاس پیدا کند و باز گو شود. من به سهم خود می‌خواهم برداشت خویش را از این تبادل‌نظرها و مباحث به عمل آمده بیان کنم بدون اینکه اظهارات من الزاماً مبین نظرات شخصی شما یا سمینار باشد.»

کمیسر عالی در خصوص برداشت خود از مباحث سمینار اظهار داشت: من از وجود اصول و قواعد بنیادین اسلام در رابطه با کرامت انسانی، برقراری عدالت، حمایت از ضعیف، تعاون و همبستگی، احترام به دیگر فرهنگها و عقاید، آگاهی پیدا کردم... اصول اسلام در رابطه با کرامت انسانی و همبستگی اجتماعی منبعی غنی برای مواجهه با بحثهای امروزین حقوق بشر است توجه اسلام به کرامت انسانی سابقه‌ای دیرینه دارد و آنچنان پویا و زنده است که می‌تواند با چالشهای امروز حقوق مواجهه نماید.

خانم رابینسون ادامه داد که: من با تشکیل این سمینار خواستم نشان بدهم که درهای سازمان ملل برای انجام گفتگو باز است و آماده است به مطالب کسانی که در جستجوی پیداکردن راههای بهتری برای حمایت از حقوق بشر هستند گوش فرا دهد. این سمینار، در واقع بخشی از روندی است که در سازمان ملل، که کانالی را برای اطلاع‌رسانی و تبادل نظریات باز کرده است، این کانال همچنان باز باقی خواهد ماند و ما باید تلاش کنیم که به بهترین وجهی آن را به جلو ببریم.

آخرین اجلاس کمیسیون حقوق بشر در قرن بیستم

پنجاه و پنجمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر که آخرین اجلاس آن در قرن بیستم است در سال جاری از ۲۲ مارس تا ۳۰ آوریل ۱۹۹۹ (۲ فروردین تا ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۷۸) در مقر اروپائی سازمان ملل در ژنو برگزار شد و موضوعات مختلف حقوق بشر از جمله وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داد. برای آگاهی خوانندگان و بخصوص علاقه‌مندان مسائل حقوق بشری و دست اندرکاران امور قضائی و حقوقی گزارشی از نحوه کار و موضوعات مورد بحث و تصمیمات متخذه و قطعنامه صادره در مورد ایران را در این نوشته ارائه داده و تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری را به عهده خوانندگان می گذارم.

ترکیب کمیسیون و مراسم افتتاحیه آن

کمیسیون حقوق بشر مرکب از ۵۳ کشور است که در سال جاری کشورهای عضو عبارت بودند از: آرژانتین، اتریش، بنگلادش، بوتان، بوتسوآنا، کانادا، دماغه سبز، شیلی، چین، کلمبیا، کنگو، کوبا، چك، جمهوری دموکراتیك کنگو، اکوادور، السالوادور، فرانسه، آلمان، گواتمالا، هند، اندونزی، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، لاتویا، لیبریا، لوکزامبورگ، ماداگاسکار، موریس، مکزیك، مراکش، موزامبیك، نپال، نیجر، نروژ، پاکستان، پرو، فیلیپین،

لهستان، قطر، جمهوری کره، رومانی، روسیه، رو آندا، سنگال، آفریقای جنوبی، سری لانکا، سودان، تونس، انگلستان، آمریکا، اروگوئه و ونزوئلا.

اجلاس پنجاه و پنج کمیسیون روز دوشنبه دوم فروردین (۲۲ مارس) با نطق خانم رابینسون کمیسر عالی حقوق بشر افتتاح شد و سفیر ایرلند در دفتر سازمان ملل در ژنو به عنوان رئیس کمیسیون انتخاب گردید. نمایندگان نپال، لاتویا و گواتمالا به عنوان نایب رئیس و نماینده تونس به عنوان مخبر انتخاب شدند.

اجلاس کمیسیون حقوق بشر امسال همزمان با اوج گیری تجاوزات صربها و نیروی مسلح یوگسلاوی به مردم کوزوو و نقض وسیع حقوق انسانی و قتل و غارت و آواره کردن آنها بود که طبعاً در مباحث کمیسیون نیز بازتاب داشت.

کمیسر عالی حقوق بشر در نطق افتتاحیه خود به مخاصمات مسلحانه در سراسر دنیا در داخل کشورها و بین دولتها اشاره کرد و گفت نود درصد قربانیان این مخاصمات مردم غیر نظامی هستند. و گفت: درگیریهای مسلحانه امروز آن قدر از لحاظ آثار و تبعات بزرگ و از نظر مقیاس و اندازه وسیع است که احساس عجز و درماندگی را در انسان پدید می آورد در عین حال گفت: باید مسأله حمایت از حقوق بشر و جلوگیری از نقض آن چارچوب کاری کمیسیون حقوق بشر را در سالهای آتی تشکیل دهد.

نکته مهمی که کمیسر عالی حقوق بشر در این سخن افتتاحیه خود به آن اشاره کرد این بود که گفت: امروز نیاز مهم و اولیه ایجاد مکانیزمها و وضع قواعد جدید در زمینه حقوق بشر نیست بلکه مهم اجرای قوانین و مکانیزمهای موجود است و کمیسیون باید نقش خود را در این زمینه تکامل بخشد و مکانیزمهای موجود را برای تأثیر گذاری بیشتر بر جلوگیری از نقض حقوق بشر اصلاح نماید. وی به تصویب اساسنامه رم در مورد تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی در سال گذشته اشاره کرد و نیاز مبرم به تأسیس چنین دادگاهی را که بتواند جنایتکاران و متجاوزین به حقوق انسانی را محاکمه نماید و به مصونیت آنها پایان دهد، مورد تأکید قرار داد و از دولتها خواست هر چه زودتر اساسنامه مزبور را تصویب کنند تا دادگاه بین‌المللی بتواند کار خود را آغاز نماید. و سرانجام تهیه و تصویب اعلامیه مربوط به مدافعین حقوق بشر را که در دسامبر گذشته (۱۹۹۸) در مجمع عمومی سازمان ملل

تصویب شد و موجب می‌شود مبارزین حقوق بشر با علاقه‌مندی و احساس امنیت بیشتر، وظیفه خود را انجام دهند، از دستاوردهای برجسته کمیسیون حقوق بشر دانست.

رئیس منتخب کمیسیون حقوق بشر نیز ضمن بیان مطالبی از جمله اظهار داشت اجلاس سال گذشته کمیسیون همزمان با پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر بود و کمیسیون شاهد سخنرانیهای شیوای نمایندگان دولتها بود که تعهد مجدد خود را به اعلامیه و تقویت روح و هدف اعلامیه اظهار می‌داشتند و امسال باید این روند پیگیری و دنبال شود. وی گفت در اجلاس امسال دستورالعمل جامع و کاملی از مسائلی که جامعه در آستانه قرن بیست و یکم با آن مواجه است از قبیل توسعه، نژادپرستی، فقر، حقوق زنان و کودکان وجود دارد و وظیفه کمیسیون، اعمال دیدگاه شفاف حقوق بشری در این مسائل و کار مستمر و صحیح برای حمایت و ترویج کامل حقوق بشر است. و در پایان اعلام کرد کسانی که به سازمان ملل می‌آیند، می‌توانند سری هم به ساختمان مقابل سازمان ملل یعنی موزه صلیب سرخ بزنند در آنجا یك جمله ساده و کوتاهی را از داستایوفسکی می‌بینند که گفته است: «هر کس در برابر همه مسؤول همه است»، (Chacun est responsable de tout devant tout) نقطه آغاز کار امسال کمیسیون باید پذیرش و به رسمیت شناختن این مسؤولیت باشد.

سخنان دبیر کل سازمان ملل متحد

در طول اجلاس کمیسیون شخصیت‌ها و مقامات بین‌المللی و دولتهای مختلف نیز حضور یافتند و سخنرانیهایی داشتند از جمله آنها کوفی انان دبیر کل سازمان ملل متحد بود که در یکی از جلسات کمیسیون حضور یافت و سخنانی بسیار جالب و دلنشین و متین ایراد نمود و اهمیت فراوانی را که سازمان ملل متحد بخصوص در دوران دبیر کلی او برای پیشرفت حقوق بشر قائل است بیان کرد. و با اظهار تأسف از تهدیدات جدیدی که در آستانه ورود به قرن جدید نسبت به حقوق بشر به عمل می‌آید تصمیم کمیسیون را برای تضمین یك بنیاد محکم برای حقوق بشر نسل آینده ستود.

کوفی عنان گفت: «من به عنوان دبیر کل سازمان ملل متحد، حقوق بشر را در همه

برنامه‌های مربوط به سازمان ملل و مأموریتهای آن در اولویت قرار دادم، چون ترویج و دفاع از حقوق بشر در قلب همه کارهای ما و در همه مواد منشور ما قرار دارد. بعلاوه من معتقدم حقوق بشر محور میثاق مقدس ما با مردم ملل متحد را تشکیل می‌دهد. هنگامی که مردم غیرنظامی به خاطر نژاد و قومیتشان در کوزوو مورد حمله و قتل عام قرار می گیرند دنیا نگاهش به سازمان ملل متحد است که از جانب آنها سخن بگوید و رنجشان را باز گوید و وقتی مردان و زنان و کودکان در سیرالئون مورد هجوم قرار می گیرند و قطعه قطعه می‌شوند باز دنیا نگاهش به سازمان ملل است. و هنگامی که در افغانستان حقوق زنان و دختران به‌رسمیت شناخته نمی‌شود باز دنیا نگاهش به سازمان ملل متحد است که موضعگیری نماید. شاید بتوان گفت مبارزه برای حقوق بشر بیش از هر نوع کار دیگر ما را به جامعه جهانی و اعضاء سازمان ملل پیوند می‌دهد و حقیقتاً با زندگی خیل کثیری از شکنجه‌شدگان، ستمدیدگان، فراموش شدگان و قربانیان پاك‌سازی نژادی و بیعدالتی ارتباط پیدا می کند. و اگر در برابر يك چنين تجاوزی به حقوق انسانها نتوانیم فریاد بزنیم و سخن بگوئیم و نتوانیم از حقوق بشر و جهان شمولی آن دفاع کنیم چگونه می توانیم پاسخگوی مردم عضو ملل متحد و در واقع موکلین خود باشیم»؟

دبیر کل سازمان ملل گفت: «آیا ما می توانیم بگوئیم حقوق بشر نسبی است یا آنچه در داخل مرزها اتفاق می‌افتد به سازمان ملل مربوط نمی‌شود؟، خیر؟ ما چنین چیزی نمی گوئیم و نمی توانیم بگوئیم، زیرا در پایان قرن بیستم، يك چیز روشن است و آن اینکه سازمان مللی که از حقوق بشر حمایت نکند، سازمانی است که نمی تواند از خودش حمایت نماید و خود را نگه دارد. در آستانه هزاره جدید ما می‌دانیم که وظیفه‌مان نسبت به حقوق بشر از کجا آغاز می گردد و کجا پایان می‌یابد حقوق بشر با فرد و حقوق جهانی و انفكاك ناپذیر او آغاز می‌شود. برای هر حقی که ما اعلام می کنیم صدها مورد سوءاستفاده روزانه صورت می گیرد برای هر صدائی که ما در مقام تأمین آزادی آن هستیم، عده زیادی تهدید می‌شوند و برای هر زن و دختری که ما از تساوی حقوق او دفاع می کنیم هزاران زن و دختر از تبعیض و تجاوز رنج می‌برند و براستی ما هرگز مأموریت و وظیفه خود را انجام ندادیم».

کوفی عنان با اشاره به فعالیتهای کمیسیون حقوق بشر گفت:«کمیسیون می‌تواند با افتخار ادعا کند که معمار ساختار بین‌المللی حقوقی است که ما امروز داریم، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای الزام‌آوری که بعداً تصویب شدند از این کمیسیون نشأت گرفتند و امروز، در واقع مجموعه مدون حقوق بشر را تشکیل می‌دهند».

وی با اشاره به توجه کمیسیون به حقوق اقتصادی و اجتماعی و حق توسعه و گشودن افق جدیدی در زمینه حقوق بشر گفت با تصدیق اینکه حقوق بشر به هم مرتبط، غیرقابل تجزیه و به یکدیگر وابسته است، کمیسیون به تثبیت این معنی کمك کرد که اجرای حقوق اقتصادی و اجتماعی باید به موازات حقوق سیاسی و مدنی صورت گیرد.

دبیر کل ادامه داد:«همان طور که همه حضار بهتر می‌دانند هنوز نقض وسیع و هولناك حقوق بشر، روزانه در سراسر دنیا ادامه دارد که وجدان جهانی را جریحه‌دار و همه مردم خوب را برآشفته می‌کند و عمیق‌ترین حس مشترك انسانی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر ما نتوانیم پاسخ این اعمال را بدهیم، اگر نتوانیم این درد و رنج عظیم را از میان برداریم، در آن صورت بنیادهائی را که ما برپا کردیم زیر فشار این همه تجاوز و نقض حقوق فرو خواهد ریخت.»

وی در قسمت دیگری از سخنانش در ارتباط با جهان شمول بودن حقوق بشر و اینکه هیچ فرهنگی و تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند خود را از رعایت آنها معاف بدارد گفت:«چه کسی در اینجا و در هر جای دنیا زشت بودن شکنجه را منکر است؟ چه کسی می‌تواند پاکسازی نژادی را توجیه کند و چه کسی از بردگی دفاع می‌کند یا از نژادپرستی و تبعیض جنسی و مذهبی حمایت می‌کند؟ و چه کسی از احکام خودسرانه یا خارج از رویه قضائی دفاع می‌نماید؟ شما ممکن است بگوئید خوب چنین افرادی در دنیا وجود دارند درست است ولی بیائید یکصدا بگوئیم: آنها نباید پیروز شوند».

کوفی عنان دربخش دیگری از سخنانش گفت:«این آخرین اجلاس کمیسیون حقوق بشر در قرن بیستم زیر ابرهای سیاه جنایت نسل کشی تشکیل شده است. و با اشاره به قتل دو میلیون نفر در کامبوج در دهه هفتاد به وسیله رژیم پل‌پوت گفت در این دهه نیز از بوسنی تا روآندا هزاران هزار انسان فقط به خاطر تعلق به قومیت قتل‌عام شدند و نشانه‌های

روشن حکایت از آن دارد همین تراژدی یك بار دیگر در کوزوو دارد اتفاق می افتد. عملیات بیرحمانه و سیستماتیك پاکسازی نژادی مقامات صرب در کوزوو تنها یك هدف را دنبال می کند و آن اخراج و یا کشتار هرچه بیشتر آلبانیائی تبارها یعنی انکار حق حیات برای یك ملّت».

کوفی عنان در بخش پایانی سخنان خود به مسأله اقلیت‌ها و حفظ حقوق آنها اشاره کرد و گفت: «اصل و قاعده این است که اقلیت و همچنین اکثریت را باید در مقابل نقض حقوق حمایت کرد و گفت بگذارید صریح بگویم هرچند سازمان ملل از دولتهای عضو تشکیل شده است ولی حقوق و اهداف ملل متحد که ملل متحد برای حمایت از آنها ایجاد شده، حقوق ملتهاست. و تا وقتی من دبیر کل هستم، سازمان ملل، نهادی خواهد بود که حقوق بشر را همواره در مرکز فعالیتهای خود قرار خواهد داد. هیچ دولتی حق نخواهد داشت برای نقض حقوق و آزادیهای اساسی ملت خویش، خود را پشت حاکمیت ملی مخفی نماید. هر فرد چه متعلق به اکثریت و چه وابسته به اقلیت باشد، حقوق و آزادیهای اساسی اش مقدس است».

موضوعات مورد بحث کمیسیون

طبق دستور العمل منتشره از سوی کمیسیون در مجموع ۲۱ موضوع در دستور کار اجلاس امسال کمیسیون قرار داشت که عبارتند از:

۱ـ انتخاب هیأت رئیسه

۲ـ تصویب برنامه کاری

۳ـ سازمان دهی کار اجلاس

۴ـ گزارش کمیسر عالی حقوق بشر

۵ـ حق ملتها برای خودمختاری و اجرای آن در سرزمینهای مستعمره یا تحت اشغال نیروهای خارجی

۶ـ نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و تمام اشکال تبعیض

۷ـ حق توسعه

۸ـ مسأله نقض حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی عرب و از جمله فلسطین

۹ـ موضوع نقض حقوق بشر و آزادیهای اساسی در هر بخش از جهان

۱۰ـ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

۱۱ـ حقوق مدنی و سیاسی از جمله مباحث ذیل:

الف: شکنجه و توقیف

ب: ناپدیدشدگی و اعدامهای اختصاری

ج: آزادی بیان

د: استقلال قضائی، اداره دادگستری، مصونیت

هـ: نابردباری مذهبی

و: وضعیت‌های اضطراری

ز: اعتراض آگاهانه به خدمت نظام وظیفه

۱۲ـ حقوق بشر زنان و دیدگاه جنسیتی

الف: خشونت علیه زنان

۱۳ـ حقوق کودک

۱۴ـ گروهها و افراد خاص

الف: کارگران مهاجر

ب: اقلیت‌ها

ج: مهاجرت دسته جمعی

د: دیگر گروهها و افراد آسیب‌پذیر

۱۵ـ بومیها

۱۶ـ گزارش کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها

الف: گزارش و پیش‌نویس تصمیمات

ب: انتخاب اعضاء

۱۷ـ ترویج و حمایت از حقوق بشر

الف: وضعیت میثاقهای بین‌المللی حقوق بشر

ب: مدافعین حقوق بشر

ج: اطلاع و آموزش

د: علم و محیط زیست

۱۸ـ کارکرد مؤثر مکانیسم‌های حقوق بشر

الف: نهادهای ناشی از معاهده

ب: ترتیبات ملی و منطقه‌ای

ج: روزآمد کردن و تقویت ابزار حقوق بشری سازمان ملل

۱۹ـ خدمات مشاوره‌ای و همکاری فنی در زمینه حقوق بشر

۲۰ـ منطقی کردن کار کمیسیون

۲۱ـ پیش‌نویس مقررات مربوط به اجلاس کمیسیون و گزارش تصمیمات اجلاس به شورای اقتصادی، اجتماعی سازمان ملل

طبعاً بیشترین بحثها و سخنرانیها و احیاناً تصمیم گیریها مربوط به بندهای ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و بخش ب بند ۱۴ یعنی حقوق اقلیت‌ها بود. بحث مربوط به نقض حقوق بشر در کشورها و بررسی وضعیت حقوق بشر در کشورهائی که تحت نظارت ویژه قرار دارند ذیل بند ۹ صورت می گرفت که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

قطعنامه مربوط به اهانت به ادیان

یکی از کارهای جدیدی که برای نخستین بار، امسال در دستور کار کمیسیون قرار گرفت، پیش نویس قطعنامه‌ای بود تحت عنوان: اهانت به ادیان که پس از بحث و مجادلات زیاد سرانجام در آخرین جلسه کمیسیون حقوق بشر با اجماع و بدون رأی گیری تصویب شد. قطعنامه مزبور، ابتدا تحت عنوان: اهانت به اسلام (Defamation of Islam) از سوی سازمان کنفرانس اسلامی مطرح شد ولی پس از بحث زیاد با کشورهای غربی و بخصوص اتحادیه اروپا سرانجام با تغییر عنوان آن از: «اهانت به اسلام» به: «اهانت به ادیان» (Defamation of Religion) و برخی اصلاحات در متن به تصویب و تأیید کمیسیون حقوق بشر رسید.

قطعنامه ابتدا به تعهد دولتها طبق منشور ملل متحد به ترویج و تشویق رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی بدون هر گونه تبعیض بر اساس جنس، نژاد، زبان و مذهب اشاره کرده و تأکید نموده که تبعیض بر اساس مذهب و اعتقاد، توهین آشکار به کرامت انسانی و نقض اصول منشور ملل متحد است و نسبت به نمونه‌ها و موارد جدی نابردباری، تبعیض و ارتکاب اعمال خشونت بار بر اساس مذهب یا عقیده که در بخش‌های زیادی از جهان توسط افراطیون مذهبی رخ می‌دهد هشدار داده و اهمیت ایجاد شرایطی که موجب تقویت هماهنگی و تسامح و تحمل بیشتر بین جوامع می‌شود را یادآوری نموده است. و از تلاش مشترك سازمان کنفرانس اسلامی و کمیساریای عالی حقوق بشر در تشکیل سمینار مربوط به دیدگاههای اسلامی در زمینه اعلامیه جهانی حقوق بشر در نوامبر ۱۹۹۸ قدردانی کرده است و آنگاه نگرانی عمیق کمیسیون حقوق بشر را از دیدگاه کلیشه‌ای منفی نسبت به مذاهب و بخصوص از اینکه اغلب و به غلط اسلام همراه با نقض حقوق بشر و تروریسم آورده می‌شود ابراز داشته و نیز نگرانی عمیق کمیسیون را از نقشی که نشریات و کتب و ابزار صوتی و تصویری و کامپیوتری در تحریك اعمال خشونت بار، بیگانه ستیزی، یا عدم تحمل و تبعیض نسبت به اسلام و یا مذاهب دیگر دارند اعلام داشته است و از تلاش بسیاری از کشورها و جوامع که با جهل و عدم تحمل نسبت به اسلام مبارزه می‌کنند قدردانی نموده است. در قطعنامه از دولتها خواسته شده که در چارچوب سیستم حقوقی داخلی خود، طبق اسناد بین‌المللی حقوق بشر همه اقدامات لازم را برای مبارزه با تبعیض، عدم مدارا، اعمال خشونت بار تهدید و فشار و از جمله حمله به اماکن مذهبی به عمل آورند و تفاهم، مدارا، و احترام به مسائل مربوط به آزادی مذهب و عقیده را تشویق نمایند. همچنین قطعنامه از کمیسر عالی حقوق بشر خواسته است که در رابطه با آمادگی برای سال گفتگوی تمدنها، سمینارهائی به منظور ترویج گفتگو بین فرهنگها و درك جهان شمولی حقوق بشر ترتیب دهد.

گزارشگران ویژه موضوعی و کشوری

یکی از راهکارهائی که در سالهای اخیر، کمیسیون حقوق بشر، جهت ارتقاء حقوق

بشر ایجاد کرده، تأسیس سیستم گزارشگری است کمیسیون حقوق بشر، طی قطعنامه‌هائی که صادر می کند کارشناسان و خبرگانی را در زمینه مسائل مربوط به حقوق بشر منصوب می کند که نسبت به برخی موضوعات مهم و وضعیت آنها مثل حق آزادی بیان، آزادی مذهبی، خشونت علیه زنان و امثال آنها در سراسر دنیا تحقیق نمایند و یا وضعیت حقوق بشر در زمینه‌های مختلف در کشور خاصی را مورد بررسی قرارداده و گزارش خود را به اجلاس کمیسیون حقوق بشر ارائه دهند.

الف: گزارشگران موضوعی

مهمترین موضوعاتی که کمیسیون حقوق بشر برای آنها گزارشگر ویژه تعیین نموده عبارتند از:

۱ـ اشکال معاصر نژادپرستی، تبعیض نژادی و بیگانه ستیزی
۲ـ اعدامهای خارج از رویه قضائی، اختصاری یا خودسرانه
۳ـ آزادی عقیده و بیان
۴ـ استقلال قضات و وکلا
۵ـ نابردباری مذهبی
۶ـ فروش کودکان، فحشاء و پورنوگرافی کودك
۷ـ شکنجه و دیگر رفتارها و مجازاتهای بیرحمانه، غیرانسانی یا تحقیر کننده
۸ـ خشونت علیه زنان، علل و پی آمدهای آن

نظام گزارشگری موضوعی یکی از تأسیسات بسیار خوب و مفید کمیسیون حقوق بشر است که گزارشگران مربوطه ضمن بررسی حقوقی و علمی موضوعات در دست بررسی و ارائه اظهارنظرها وضعیت را در کشورهای مختلف جهان بدون هیچگونه محدودیت بررسی می کنند و با مسافرت به برخی از کشورها و مشاهده موضوع مورد بحث از نزدیك گزارش تهیه می کنند و گاه گزارشهای مبسوط و مفصلی در چند جلد به کمیسیون ارائه می‌دهند. مثلاً گزارشگر نابردباری مذهبی علاوه بر گزارش کلی خود گزارش خاصی نیز در خصوص دیدارش از ایالات متحده آمریکا و مشهودات و اطلاعاتی که در این رابطه از نزدیك از آن کشور به دست آمده به کمیسیون ارائه داد. همچنین گزارشگر ویژه خشونت

علیه زنان بغیر از گزارش کلی خود گزارشی نیز از وضعیت زنان در آمریکا که از آنجا دیدار کرده و برخی کشورهای دیگر ارائه داده است. این گزارشها علاوه بر استفاده عملی که کمیسیون حقوق بشر امیدوار است بتواند از آن بگیرد، منبع غنی علمی و تحقیقاتی در موضوعات مختلف حقوق بشری است که می تواند برای محققین رشته حقوق بشر سودمند افتد.

در سیستم گزارشگری موضوعی هر کشوری قطع نظر از اینکه عضو میثاقهای بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دیگر کنوانسیونهای حقوق بشری هست یا خیر و یا گزارشگر خاصّ خود را دارد یا نه ممکن است وضعیت آن در مورد موضوعات خاصی مورد نقادی و بررسی قرار گیرد، چنانکه مثلاً گزارشگر ویژه نابردباری مذهبی وضعیت این موضوع را در کشور عربستان و یا کشورهائی نظیر آن نیز مورد بررسی قرار می دهد و یا کشور ایران که گزارشگر خاصّ خود را دارد هریك از گزارشگران ویژه آزادی عقیده و بیان، نابردباری مذهبی، شکنجه، استقلال قضات و... نیز در گزارشهای خود وضعیت موضوع را در این کشور مورد بررسی قرار می دهند.

ب: گزارشگران کشوری یا نمایندگان ویژه

وضعیت حقوق بشر در برخی از کشورها تحت نظارت و رسیدگی ویژه کمیسیون حقوق بشر قرار دارد و برای آنها گزارشگر ویژه تعیین شده تا در طول سال وضعیت حقوق بشر در زمینه‌های مختلف را در آن کشور بررسی نماید و گزارش مربوط به نقض حقوق بشر یا پیشرفتهائی که در این زمینه به عمل آمده را به کمیسیون ارائه دهد. کمیسیون پس از ملاحظه گزارش گزارشگر ویژه یا آن گونه که در این زمینه بیشتر متداول شده: نماینده ویژه و احیاناً اطلاعات واصله دیگر یا ملاحظات لازم طی قطعنامه‌ای تصمیم می گیرد نظارت ویژه خود را بر وضعیت حقوق بشر در آن کشور ادامه دهد و یا باتوجه به پیشرفت حاصله به دوران نظارت ویژه خود بر آن پایان بخشد.

اسامی کشورهای تحت نظارت ویژه

در سال جاری ۱۲ کشور وضعیت حقوق بشرشان تحت نظارت ویژه قرار داشت و گزارشگر ویژه داشتند که عبارتند از: افغانستان، یوگسلاوی، بروندی، جمهوری

دموکراتیك کنگو، گینه استوائی، عراق، جمهوری اسلامی ایران، میانمار، نیجریه، سرزمینهای اشغالی فلسطین، روآندا و سودان.

خروج نیجریه از نظارت ویژه

کشور نیجریه توانست پس از انجام یك سری اصلاحات و در پی مذاکرات و توافقاتی که با کشورهای غربی انجام داد امسال از نظارت ویژه کمیسیون خارج شود. کارهای مقدماتی در جریان اجلاس مجمع عمومی انجام گرفته بود.

مجمع عمومی در قطعنامه مصوب ۹ دسامبر ۱۹۹۸(A/53/625/Add.3) با استقبال از اقدامات مثبت دولت نیجریه در زمینه ساختن یك جامعه باثبات و آرامش و مبتنی بر حکومت قانون و دموکراسی و رعایت حقوق بشر و آزاد کردن زندانیان سیاسی، و تعهد دولت به عمل کردن به مقررات میثاقهای بین‌المللی حقوق بشر و دعوت از نماینده ویژه و توافقهائی که با اتحادیه اروپا و کشورهای مشترك المنافع و ایالات متحده به عمل آورده و تحریمها را از او برداشته‌اند تصمیم گرفت نظارت خود را بر وضعیت حقوق بشر ادامه دهد با این دیدگاه که در اجلاس پنجاه و چهار خود در پرتو پیشرفتهای به عمل آمده، این نظارت را پایان دهد و از کمیسیون حقوق بشر نیز خواست که در اجلاس ۵۵ با همین دید گام بردارد.

سرانجام کمیسیون حقوق بشر طی قطعنامه شماره (E.CN.4/1999/L.24) اعلام کرد باتوجه به گزارش مثبتی که نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر در مورد نیجریه داده و با عنایت به تغییرات و اصلاحات عمیقی که پس از انتخاب و شروع بکار ژنرال عبدالسلام ابوبکر در نیجریه صورت گرفته و با ملاحظه اقداماتی که از سوی دولت در جهت ارتقاء حقوق بشر و تقویت قوه قضائیه و حکومت قانون به وقوع پیوسته و نظر به اصلاحات به عمل آمده در وضع زندان‌ها و محاکمات و دادن آزادی عقیده، و بیان و برگزاری موفقیت آمیز انتخابات آزاد و عادلانه و... تصمیم می گیرد که به نظارت خود بر وضعیت حقوق بشر در نیجریه خاتمه دهد.

وبدین ترتیب نیجریه با انجام یك سلسله اقدامات اصلاحی و تدابیر و توافقات سیاسی از جرگه کشورهای تحت نظارت کمیسیون و دارای نماینده ویژه خارج شد.

گزارش نماینده ویژه جمهوری اسلامی ایران

آقای موریس دان بی - کوپیترن نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر در مورد ایران نیز گزارش مشروح کتبی و نیز خلاصه گزارش خود را به صورت شفاهی به کمیسیون حقوق بشر ارائه داد.

گزارش کتبی کوپیترن جمعاً در ۲۶ صفحه در ۲۸ دسامبر ۱۹۹۸ منتشر شد.

وی در این گزارش در زمینه‌های مختلف بررسی و اظهارنظر نموده است. در بررسی نسبتاً مفصلی که از وضعیت آزادی بیان نموده سرانجام گفته است، نماینده ویژه ضمن اینکه می‌پذیرد پیشرفتهای قابل توجهی در این زمینه به دست آمده و این روند ادامه دارد ولی معتقد است هنوز ضعفهای جدی مخصوصاً در مورد نظام کنترل مطبوعات وجود دارد. در بحث مربوط به وضعیت زنان نیز نسبتاً به تفصیل بحث کرده و به برخی پیشرفت‌ها و بعضی تبعیض‌ها در قانون و عمل از جمله مسأله قصاص و دیه اشاره نموده و گفته است علی رغم سیاستهای با حسن نیت و تبلیغات چشمگیری که وجود دارد عملاً بهبود چندانی در وضعیت زنان به عمل نیامده است.

در بخش مربوط به اقلیت‌ها، نماینده ویژه اشاره کرده است که در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به نظر می‌رسد وضعیت مساوی اقلیت‌ها تضمین شده است و اصول ۱۴، ۱۵، ۱۹ و ۲۰ در این زمینه مقررات مناسبی دارد ولی در قوانین عادی برخی مقررات تبعیض آمیز وجود دارد، دولت جمهوری اسلامی ایران باید تعهد خود را به اجرای اصول قانون اساسی و معیارهای بین المللی اعلام دارد و آنها را اجرا نماید. مقداری هم به وضعیت اهل سنت و بخصوص مردمان بلوچ در استان سیستان و بلوچستان و وضع اقتصادی، فرهنگی آنها پرداخته است و خواستار توجه و اعتنای بیشتر دولت به مسأله توسعه و حقوق بشر آنها شده است.

در بخش مربوط به اقلیت‌ها، بحثی به وضعیت بهائیت اختصاص داده و اظهار داشته بر اساس گزارشهای جدیدالوصول تبعیض علیه آنها و احیاناً تعقیب و بازداشت آنان ادامه دارد و در نتیجه گیری اعلام داشته: وضعیت بهائیها در مجموع بهتر نشده و بلکه در برخی موارد بدتر شده است و از جمهوری اسلامی ایران خواسته است که به درخواستهای او و نیز

درخواستهای گزارشگر ویژه نابرُدباری مذهبی توجه نماید.

کوپیترن در بخش مربوط به مسائل قضائی، چهارعنوان: دادگاهها، کانون وکلا، شکنجه و اعدام را مورد بحث قرار داده است.

در خصوص دادگاه، می گوید مدتی است بحث و جدل در مورد سیستم قضائی و اصلاح دادرسی وجود دارد و بر حسب اطلاعاتی که معاون رئیس دادگستری در اختیار من قرار داده لایحه ۸۰۰ ماده‌ای آئین دادرسی در مجلس مطرح و تحت بررسی است. اصلاحیه مربوط به محاسبه هر روز زندان به ازای پنجاه هزار ریال جزای نقدی بجای ۵۰۰ ریال نیز به عنوان یکی از اصلاحات معرفی شده است.

نماینده ویژه در گزارش امسال خود به مسأله دادگاه ویژه روحانیت پرداخته و با بیان موارد صلاحیت دادگاه و نحوه و مبنای احکام صادره آن به اختلاف نظرهائی که در زمینه قانونی بودن دادگاه وجود دارد اشاره کرده و گفته است برخی معتقدند این دادگاه خلاف قانون اساسی است و باید برچیده شود ولی مقامات بلندپایه قضائی بر مشروعیت وجود این دادگاه به برخی قوانین مصوب که به وجود این دادگاه اشاره دارد، استدلال می کنند و می گویند به‌هرحال تأسیس این دادگاه در صلاحیت رهبری است وی اظهار عقیده می کند که در این مقطع از تاریخ جمهوری اسلامی ایران مشکل است وجود چنین دادگاهی را که جنبه علنی ندارد و مقید به رعایت قوانین موضوعه نیست توجیه کرد و رهنمود می‌دهد که خوب است این دادگاه برچیده شود یا اقلاً تبدیل شود به کمیسیونی که موظف به حلّ و فصل اختلافات مذهبی و عقیدتی در مقیاس محدودتری باشد. و می گوید از نظر نماینده ویژه، تجربه بسیاری از کشورها که دارای چنین دادگاههای اختصاصی بودند نشان می‌دهد که این نوع دادگاهها بلحاظ ماهیّت خاصشان به نحو اجتناب ناپذیری حقوقی را که امروزه جهت تحقق یك محاکمه عادلانه برای متهم شناخته شده به او نمی‌دهند و به این ترتیب وسیله‌ای برای عدم رعایت حقوق بشر هستند.

در مورد کانون وکلا نماینده ویژه می گوید: سرانجام پس از سالها انتخابات کانون وکلا انجام شد و هیأت مدیره کانون انتخاب شدند. وی با رئیس جدید کانون وکلا ملاقات کرده و او صریحاً مسائل و مشکلات کانون را بازگو نموده است و اظهار داشته وکلا

می توانند نقش مهمی در اجرای دیدگاه رئیس جمهور برای تحقق جامعه مدنی به عهده داشته باشند. نماینده ویژه می گوید هنوز کارهای زیادی باید صورت گیرد تا وکلا بتوانند نقش برجسته‌ای را به عنوان مدافعین حقوق بشر ایفا نمایند. یکی از کارهای مهم این است که مقامات مختلف حکومت و از جمله قوه قضائیه برای کار وکلا احترام قائل شوند. نامه سرگشاده کانون وکلا (اوت ۱۹۹۸) که در آن کمبودهای سیستم فعلی دادگاهها بصراحت بیان شده بود آغاز خوبی است.

نماینده ویژه در مورد شکنجه و مجازاتهای بیرحمانه و غیر انسانی می گوید: همچنان گزارشهای مربوط به انجام شکنجه در ایران را دریافت می کند و به طور قطع می توان گفت که مدتهای طولانی شکنجه در ایران اعمال می‌شده و با وجود مقررات روشنی که در قانون اساسی در مورد منع شکنجه وجود دارد مع ذالك شکنجه اعمال می‌شود. مثبت ترین چیزی که در این زمینه می توان به آن اشاره کرد همانا اعتراف برخی مقامات رسمی به وجود شکنجه و مورد بحث قرار گرفتن آن در مطبوعات است. و از حکومت ایران خواسته است همان‌طور که برای بررسی بازداشتگاههای غیر قانونی و پایان دادن به آنها کمیته‌ای تشکیل داده، برای بررسی وضع شکنجه و پایان دادن به آن نیز اقدام سریع بنماید.

وی به یك مورد رجم که در لاهیجان واقع شد و محکوم‌علیه توانست از گودال فرار کند و خود را نجات دهد نیز اشاره می کند.

کوپیترن در این قسمت به مسأله اعدامها نیز اشاره کرده و می گوید: به نظر می‌رسد آمار اعدامها همچنان بالاست و طبق گزارشهایی که از مطبوعات ایران به دست آمده از ژانویه تا نیمه دسامبر ۱۹۹۸ حدود ۱۵۵ اعدام صورت گرفته که ۶۰ تای آن در ملأعام بوده است.

در بخش مربوط به دموکراسی، جامعه مدنی، نماینده ویژه به برگزاری انتخابات مجلس خبرگان و نقش مهمی که نمایندگان مجلس خبرگان در تعیین رهبر و نیز عزل او دارند اشاره کرده است، وی همچنین به انتخابات شوراها اشاره کرده و کوشش دولت را برای مشارکت دادن بیشتر مردم در حکومت و دادن مسؤولیت بیشتر به آنها ستوده است.

وی در همین بخش می گوید: پیشرفت مهم دیگری که‌رخ داده تأسیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی از سوی رئیس جمهور است. به گفته‌وی وظیفه

این هیأت بسیار مهم است و می تواند تضادها و مغایرتهای بین قانون اساسی و قوانین و رویّه‌های جاری را مشخص کند. یکی از موضوعاتی که طبق گزارش، این هیأت در دست رسیدگی دارد تعریف جرایم سیاسی و دیگری بررسی آینده دادگاه روحانیت است. در همین قسمت به گزارشهای مربوط به بحث سامان‌دهی سیاسی و تشکیل احزاب جدید سیاسی اشاره کرده است. در عین حال افزایش اعمال خشونت و قتل فروهرها و نویسندگان و بازتاب آن را ذکر کرده و محکوم کردن این وقایع به وسیله دولت و رئیس جمهوری و تلاش برای بررسی و روشن شدن موضوع را متذکر شده است. و از دولت خواسته بررسی خود را ادامه داده و نتیجه را به اطلاع عموم برساند.

نماینده ویژه سرانجام به بیانیه مطبوعاتی وزرای امور خارجه ایران و انگلیس در مورد سلمان رشدی در سپتامبر ۱۹۹۸ در نیویورك اشاره کرده، و از اقدام بنیاد پانزده خرداد به افزایش جایزه برای قتل سلمان رشدی پس از این موافقتنامه ابراز تأسف کرده است.

آقای کوپیترن به‌عنوان نماینده‌ویژه کمیسیون حقوق بشر گزارش خود را با این جمع‌بندی و نتیجه گیری به‌پایان برده که: علی‌رغم تلاشهایی که برای ارتقاء آزادی بیان صورت گرفته‌هنوز ابهاماتی در اجرای قانون مطبوعات وجود دارد که باید از میان برداشته شود.

در رابطه با وضعیت زنان، باید تمرکز و توجه بیشتری در جهت رفع تبعیض قانونی و عملی که زنان با آن مواجهند مبذول داشت اقلیت‌ها باید در برنامه توسعه حکومت جائی داشته باشند. وضعیت بهائیها نیز باید در جامعه مدنی مشخص شود. اصلاح دادگاهها باید سریعاً صورت گیرد و دادگاه ویژه روحانیت برچیده شود. معضل شکنجه نیز باید در دستور کار دولت قرار گیرد و حل شود. و سرانجام می گوید: دولت هم اکنون ۱۸ ماه از دوره ۵ ساله (۴ ساله به اشتباه ۵ سال گفته است) خود را پشت سر گذاشته، برنامه‌های دولت برای تغییرات که بتدریج معلوم می‌شود اگر نگوئیم عظیم و ماندنی است قابل توجه است. پیشرفت در برنامه ناهموار و مورد اعتراض عده‌ای بوده است، دولت باید راهی را بیابد که اعتماد مردم را نسبت به برنامه‌هایش در مقابل تلاشهائی که برای به هم زدن کوشش‌های اصلاح طلبانه صورت می گیرد جلب نماید. دولت باید در راه خود استقامت ورزد و نمی تواند فرصت را از دست بدهد.

نماینده ویژه در گزارش کوتاه شفاهی خود به کمیسیون حقوق بشر به انتخابات شوراها اشاره کرد که از جمله پیشرفتهای مهم در جهت برقراری دموکراسی محسوب می‌شود. در مورد وضعیت زنان و اقلیت‌ها گفت پیشرفت محتوایی قابل توجهی صورت نگرفته است در خصوص قتلها، به اطلاعیه وزارت اطلاعات و پذیرش دست داشتن برخی از کارمندان آن در این جنایات و دستگیری حدود ده نفر از آنان و ادامه تحقیقات و استعفای وزیر اطلاعات اشاره کرده و گفته است به نظر می‌رسد که این خشونتها کار عده کمی از اعضاء تندرو و خام شامل افرادی از مقامات وزارت اطلاعات بوده است. طبعاً کارهای زیادی باید دولت انجام دهد تا این وضعیت بخوبی روشن شود و مخصوصاً متهمین این اعمال وحشتناك را محاکمه نماید.

وی در پایان به ادامه مبارزه برای آزادی بیان اشاره کرده و مواردی از بستن روزنامه‌ها و نیز دستگیری یك مدرس و معلم دانشگاه از سوی دادگاه ویژه روحانیت (قاعدتاً منظور آقای کدیور است) متذکر شده است و در جمع‌بندی گفت: خلاصه بخش اجرایی حکومت جمهوری اسلامی ایران تحت رهبری آقای خاتمی مسیری راطی می کند که اگر موفق شود نه تنها مشروعیت مردمی حکومت را در جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت بلکه احترام جدیدی برای کرامت و حیثیت شهروندان را به همراه دارد. ولی در عین حال پیداست که این روند، روندی سخت و دشوار است.

قطعنامه کمیسیون حقوق بشر در مورد ایران

سرانجام پیش‌نویس قطعنامه‌ای در مورد وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران طبق سنت معمول از سوی دولتهای عضو اتحادیه اروپا و برخی دولتهای دیگر در تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۹۹ (۳۰ فروردین ماه) به کمیسیون ارائه شد. به کسانی که پیش‌نویس قطعنامه را امضاء و به کمیسیون ارائه می دهند بانیان قطعنامه می گویند.

بانیان قطعنامه

دولتهای زیر بانیان قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران بودند: استرالیا، اتریش،

بلژیك، بلغارستان، کانادا، جمهوری چك، دانمارك، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایسلند، ایرلند، ایتالیا، لاتویا، لیختن اشتاین، لیتوانی، لوکزامبورگ، هلند، نروژ، لهستان، پرتغال، رومانی، سن مارینو، اسلواکی، اسلوونی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، آمریکا و انگلستان.

چنانکه ملاحظه می‌شود ۳۳ کشور اروپائی و آمریکایی و استرالیا از بانیان قطعنامه بودند البته همه این کشورها عضو کمیسیون نبودند و نمی‌توانستند در رأی گیری شرکت نمایند. بلکه ۱۴ کشور از کشورهای فوق عضو کمیسیون بودند ولی بقیّه هم می‌توانستند در بانی بودن قطعنامه شرکت کنند و از این فیض محروم نمانند.

محتوای قطعنامه

قطعنامه مشتمل بر یك مقدمه و ۵ بند است، بخشی از قطعنامه، اقدامات مثبت انجام شده در جمهوری اسلامی ایران را بیان داشته و از آنها استقبال نموده و بخشی از آن به بیان نگرانیها از برخی موارد نقض حقوق بشر پرداخته است و سرانجام تصمیم به ادامه نظارت بر وضعیت حقوق بشر در ایران گرفته است. و اینك مفاد کامل قطعنامه که با شماره (E/CN.4/1999/L.27) در روز جمعه ۲۰ آوریل ۱۹۹۹ (سوم اردیبهشت ماه ۷۸) با ۲۳ رأی مثبت در مقابل ۱۶ رأی منفی و ۱۴ رأی ممتنع به تصویب رسید به شرح زیر نقل می‌شود:

کمیسیون حقوق بشر

با رهنمود گرفتن از : منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقهای بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و دیگر اسناد حقوق بشری،

با تأکید بر اینکه همه دولتهای عضو ملل متحد نسبت به ارتقاء و حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی و انجام تعهداتی که طبق اسناد مختلف بین‌المللی به عهده گرفته‌اند، ملزم می‌باشند.

با یادآوری اینکه جمهوری اسلامی ایران عضو میثاقهای بین‌المللی حقوق بشر است.

باتوجه به قطعنامه‌های پیشین مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر که آخرین آنها

قطعنامه شماره ۵۳/۱۵۸ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۸ مجمع عمومی و قطعنامه شماره ۱۹۹۸/۸۰ مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۹۸ کمیسیون است:

۱ـ استقبال می کند از:

الف ـ گزارش نماینده ویژه کمیسیون (شماره E/CN.4/1999) که خاطر نشان می سازد برنامه‌های دولت برای ایجاد جامعه مبتنی بر مدارا، تکثر و قانونمندی همچنان رو به شکوفائی است و اجرای کامل آنها می تواند تأثیر مهمی روی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران داشته باشد.

ب ـ اظهارات دولت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ترویج احترام به حکومت قانون، از بین بردن توقیف و بازداشت خودسرانه و اصلاح سیستم حقوقی و کیفری و قرار دادن آن در خط معیارهای بین‌المللی حقوق بشر.

ج ـ بحث و گفتگوی باز در جمهوری اسلامی ایران در زمینه مسائل مربوط به حکومت و حقوق بشر، همچنین تلاشهای دولتی برای نیل به پیشرفت در زمینه آزادی بیان. در عین حال که برخی موارد نگران کننده از بستن خودسرانه تعدادی نشریات و اذیت و آزار و تهدید روزنامه نگاران همچنان باقی است.

د ـ متعهد شدن دولت جمهوری اسلامی ایران به تلاش برای بررسی موج ناپدیدشدگی و مرگهای مشکوك اخیر و قتل روشنفکران و فعالان سیاسی و از دولت می خواهد که مرتکبین این قتلها را محاکمه نماید.

هـ ـ برگزاری نخستین انتخابات شوراها برای اولین بار در جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۹۹ که بیانگر تلاش دولت در جهت دادن اختیار و مسؤولیت بیشتر و شفافتر به مقامات محلی است.

و ـ تضمین دولت جمهوری اسلامی ایران که به هیچ وجه قصد انجام هیچ نوع عملی که جان سلمان رشدی و همکاران او را تهدید نماید، ندارد و به هیچ‌وجه در مقام تشویق و یا کمك به کسانی که بخواهند چنین کاری انجام دهند برنخواهد آمد و خود را از تعیین جایزه برای انجام این کار مبرّا دانسته و از آن حمایت نخواهد کرد.

ز ـ دعوت دولت جمهوری اسلامی ایران از گروه کاری ناپدیدشدگان اجباری یا

غیر ارادی برای بازدید از ایران که امید است در آینده نزدیکی این دیدار صورت گیرد.

۲ـ با علاقه‌مندی توجه دارد به:

الف ـ اقدامات مثبت دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه لزوم تجدیدنظر در قوانین و دیدگاههائی که نسبت به زنان تبعیض آمیز است و افزایش تدریجی حضور زنان در زندگی عمومی در ایران.

ب ـ گزارش مربوط به رفع تبعیض علیه جوانان بهائی برای ثبت نام کردن در دورهٔ پیش‌دانشگاهی دبیرستان، در حالی که همچنان نسبت به ممنوعیت ورود آنها در دانشگاه نگران است.

ج ـ توجه روزافزون کمیسیون حقوق بشر اسلامی به وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران و اظهار امیدواری می کند که کمیسیون، خود را با اصول ۱۹۹۳ پاریس مربوط به وضعیت نهادهای ملی برای ترویج و حمایت از حقوق بشر تطبیق دهد.

د ـ آغاز بحث عمومی در ایران نسبت به متناسب بودن مجازات مرگ برای جرایم مربوط به مواد مخدر.

۳ـ نگرانی خود را ابراز می دارد از:

الف ـ این مطلب که تاکنون دولت جمهوری اسلامی ایران از نماینده ویژه برای بازدید از کشور دعوت نکرده و از دولت می خواهد که نماینده ویژه را دعوت نماید و همکاری کامل خود را در جهت انجام وظیفه‌اش عملی سازد.

ب ـ ادامه نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران همان گونه که در گزارش نماینده ویژه آمده است مخصوصاً تعداد زیاد اعدامها، موارد شکنجه، و رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر کننده، از جمله احکام مربوط به سنگسار و اعدام در ملأ عام، عدم انطباق با معیارهای بین‌المللی در اداره دادگستری و فقدان روند عمل به قانون و نیز عدم احترام و توجه به تضمین‌های قضائی شناخته شده بین‌المللی و استفاده از قوانین امنیتی برای محروم کردن مردم از حقوق فردی خود.

ج ـ ادامه تبعیض علیه اقلیت‌های مذهبی بخصوص کم نشدن بلکه در مواردی بدتر شدن برنامه فشار بر بهائیها از جمله صدور احکام مرگ، اجرای اعدام، بازداشتها و بستن

مؤسسه آموزش عالی آنها.

د ـ ادامه فقدان برخورداری کامل و مساوی زنان از حقوق بشر چنانکه در گزارش نماینده ویژه است.

هـ ـ ادامه تهدید جان سلمان رشدی از سوی بنیاد پانزده خرداد از جمله افزایش جایزه و اعلام آن پس از تضمین دولت ایران در نیویورك در سپتامبر ۱۹۹۸.

۴ـ دولت جمهوری اسلامی ایران را فرا می خواند که:

الف ـ تلاشهای مثبت خود را برای تحکیم احترام به حکومت قانون، و انجام تعهداتی که طبق میثاقهای بین‌المللی حقوق بشر و دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر به عهده دارد، ادامه دهد.

ب ـ تضمین کند که مجازات اعدام جز در مورد جدی ترین جرایم اجرا نخواهد شد همچنین اطمینان دهد که در مورد ارتداد و موارد دیگری که با مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و تضمین‌های ملل متحد مغایرت دارد، مجازات اعدام اعمال نخواهد شد. و از دولت می خواهد آمار مربوط به اعدامها را در اختیار نماینده ویژه قرار دهد.

ج ـ به طور کلی جمع‌بندی و درخواستهای نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر در مورد نابردباری مذهبی در مورد بهائیان و دیگر اقلیت‌های مذهبی را اجرا نماید تا اینکه آنها به‌طور کامل آزاد شوند.

د ـ گامهای لازم را برای پایان دادن به استفاده از شکنجه و اجرای قطع دست، سنگسار و دیگر انواع مجازاتهای خشن، غیر انسانی و تحقیر کننده بردارد.

هـ ـ اقدامات بیشتری در زمینه از بین بردن تبعیض موجود در عمل و قانون علیه زنان انجام دهد.

و ـ از برنامه‌های همکاری فنی در زمینه حقوق بشر استفاده کامل بنماید و در این رابطه از تمایل دولت به گنجاندن موازین بین‌المللی حقوق بشر در برنامه درسی دانشگاهها استقبال می کند.

۵ـ تصمیم می گیرد:

الف ـ مأموریت نماینده ویژه کمیسیون را همان گونه که در قطعنامه ۱۹۸۴/۵۸ مورخ

۴ مارس ۱۹۸۴ آمده است یك سال دیگر تمدید نماید و از نماینده ویژه می خواهد گزارش مقدماتی خود را به پنجاه و چهارمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل تقدیم دارد و گزارش نهائی را به پنجاه و ششمین اجلاس کمیسیون ارائه دهد. و هنگام بررسی یا تجزیه و تحلیل اطلاعات دیدگاه جنسیتی را به خاطر داشته باشد.

ب- از دبیر کل می خواهد که همه نوع کمك لازم را به نماینده ویژه مبذول دارد تا قادر باشد، مأموریت خود را به طور کامل انجام دهد.

ج- بررسی خود را نسبت به وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از جمله وضعیت بهائیان و دیگر گروههای اقلیتی را در اجلاس ۵۶ خود تحت همین عنوان ادامه دهد.

کشورهای رأی دهنده

۲۳ کشوری که به قطعنامه رأی مثبت دادند عبارت بودند از: اتریش، شیلی، کانادا، کنگو، چك، اکوادور، السالوادور، فرانسه، آلمان، گواتمالا، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، لیتوانی، لیبریا، لوکزامبورگ، موریس، نروژ، لهستان، رومانی، روآندا، انگلستان و آمریکا و ۱۶ کشوری که رأی منفی دادند عبارت بودند از:

بنگلادش، بوتان، چین، کلمبیا، کوبا، هند، اندونزی، مراکش، پاکستان، فیلیپین، قطر، سنگال، سری لانکا، سودان، تونس و ونزوئلا و بالاخره ۱۴ کشوری که رأی ممتنع دادند بدین شرحند:

آرژانتین، بوتسوآنا، دماغه سبز، کنگو (زئیر)، ماداگاسکار، مکزیك، موزامبیك، نپال، نیجر، پرو، کره جنوبی، روسیه، آفریقای جنوبی و اروگوئه.

این گزارش را بدین امید به پایان می بریم که حکومت اسلامی ایران در همه أبعاد خود تلاش بیشتری در جهت هر چه بهتر اجرای اصول قانون اساسی و رعایت حقوق شهروندان و حکومت قانون بنماید تا ضمن تحصیل رضای خالق و خلق، زمینه سیاسی صدور قطعنامه نیز از میان برداشته شود و جمهوری اسلامی ایران که به ابتکار رئیس جمهور خود، پرچمدار گفتگوی تمدنها و قراردادن منطق گفتگو به جای منطق برخورد است و به گفته

گزارشگر ویژه نابردباری مذهبی در کمیسیون حقوق بشر وارث تمدن بزرگی است که بخصوص مبتنی بر مدارا، بینش خلاق و روحیه بزرگ و پرظرفیت است، جایگاه عزتمند خود را در عرصه مجامع بین‌المللی حقوق بشری به دست آورد و از لیست کشورهای نشان‌دار ناقض حقوق بشر خارج شود. می‌خواهم خوش‌بین باشم و ختام‌المسك سخن خود را این کلام امیدوارکننده الهی قرار دهم که: انّهم یرونه بعیدا و نریه قریبا.

گزارش به رئیس جمهور و درخواست اقدام جدّی برای پایان دادن به نظارت

در اینجا بی فایده نیست یادآوری نمایم که پس از بازگشت از اجلاس کمیسیون حقوق بشر، گزارش کوتاهی در تاریخ ۱۳۷۸/۲/۸ خدمت آقای رئیس‌جمهور دادم و شرح ماوقع را به اختصار به اطلاع ایشان رساندم و توجه ایشان را به لزوم اقدام جدّی برای خارج کردن جمهوری اسلامی ایران از این وضعیّت جلب نمودم و پیشنهاداتی کلّی را مطرح کردم. بخشی از آن گزارش بدین شرح است:

جناب آقای رئیس جمهور، هم‌اکنون ۱۶ سال است وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران تحت نظارت ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل قرار دارد و هر سال گزارش نماینده ویژه در مورد ایران در مجمع عمومی سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر مطرح می‌شود و از هر دو مرجع قطعنامه صادر می‌گردد. طبق معمول، پس از صدور قطعنامه واکنشی از سوی دولت نشان داده می‌شود و با سیاسی خواندن اقدام کمیسیون یا مجمع عمومی و مغرض بودن دولتهای غربی و عدم توجه آنها به ارزشهای اسلامی، موضوع خاتمه می‌یابد تا فصل دیگر. و اقدام اساسی لازم برای از بین بردن زمینه صدور قطعنامه و خارج کردن جمهوری اسلامی ایران از لیست کشورهای دارای وضعیت ویژه صورت نمی‌گیرد، در صورتی که فکر می‌کنم غیرت و حمیت اسلامی و ایرانی ما نمی‌تواند قرار گرفتن ایران را در کنار کشورهایی چون افغانستان، روآندا، میانمار، گینه استوایی و امثال آنها به‌عنوان ناقض حقوق بشر برتابد، و صرف سیاسی خواندن موضوع نیز تکلیف را ساقط نمی‌کند.

به‌نظر اینجانب در درجه اول باید در سطح مسؤولین تصمیم گیر رده اول نظام،

مخصوصاً مقام معظم رهبری و شخص حضرتعالی به‌عنوان رئیس جمهور و مقامات مؤثر دیگر این معنی مشخص و معلوم گردد که آیا حساسیتی نسبت به صدور قطعنامه نقض حقوق بشر علیه جمهوری اسلامی ایران وعزم جزمی برای پایان دادن به این وضع وجود دارد یا خیر؟ اگر حقیقتاً مسأله از حساسیتی برخوردار نیست وعزم جزمی وجود ندارد، بسیاری از اقدامات سیاسی که بطور پراکنده و گاه فشرده، مخصوصاً حول و حوش صدور قطعنامه صورت می‌گیرد، چندش‌آور و زاید و گاه مغایر با عزّت نظام جمهوری اسلامی به‌نظر می‌رسد و باید از صرف اعتبار، وقت و هزینه برای آنها خودداری کرد، چون در نتیجه تغییری حاصل نمی‌شود. ولی اگر براستی این حساسیت و عزم وجود دارد، بهترین فرصت برای خروج از این وضع ناخوشایند و پایان دادن به صدور قطعنامه همین دوران و فرصت کنونی است که اگر زود اقدام نشود ممکن است فرصت از دست برود.

برای رسیدن به نتیجه، اجمالاً می‌توان گفت هم اقدام حقوقی و ماهوی و هم اقدام سیاسی معقول و فعال لازم است صورت گیرد که زمینه هر دو هم‌اکنون بیش از سابق فراهم است.

در قسمت اول، با اینکه برخی اختلافهای اساسی و ماهوی بین دیدگاه نظام اسلامی و نگرش حاکم بر اسناد و نهادهای حقوق بشری سازمان ملل وجود دارد و دشواریهایی در کار است، معذالك به حکم تجربه چندین ساله، اینجانب بر این باورم که اگر حکومت بویژه در بعد دستگاه امنیتی و قضایی واقعاً تلاش کند طبق اصول قانون اساسی عمل کند و حقوق ملت را بدانگونه که در قانون اساسی آمده است رعایت کند و همانگونه که شعار جاافتاده دولت حضرتعالی است حقیقتاً حکومت قانون برقرار شود و در فهم و استنباط و اجرای موازین شرعی روشن‌بینی و ظرافت لازم صورت گیرد، ضمن اینکه هدف اصلی یعنی رعایت حقوق شهروندان برآورده شده، بازتاب گسترده‌ای در محافل حقوق بشری سازمان ملل نیز خواهد داشت و بر روند تصمیم برای صدور قطعنامه اثر خواهد گذاشت. چنانکه همین مقدار کارهای انجام شده بازتاب خود را داشته است و امسال اتحادیه اروپا پذیرفت که حداقل مذاکره‌ای در مورد پایان دادن به قطعنامه با نمایندگی جمهوری اسلامی ایران صورت دهد، هر چند به نتیجه نرسید. در این گزارش کوتاه طبعاً مجال پرداختن به تفصیل موضوع نیست.

در قسمت دوم، حقیقتاً باید دیپلماسی فعالی به راه بیافتد و در بُعد سیاسی این امر را به سامان برساند. بنده صلاحیت اظهار نظر سیاسی ندارم ولی به‌نظرم می‌رسد این امر بسیار شگفت‌انگیز است که پیشنهاد رئیس جمهور ایران برای تعیین سال ۲۰۰۱ به‌عنوان سال گفتگوی تمدنها با اجماع مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب برسد و عمده مجامع و مقامات بین‌المللی از آن استقبال کنند، یونسکو از آن تجلیل و برایش برنامه‌ریزی نماید، گزارشگر کمیسیون حقوق بشر آقای آمور در گزارش خود به کمیسیون (که خودم حضور داشتم) از قطعنامه سازمان ملل به قطعنامه تاریخی که با ابتکار و پیشنهاد آقای خاتمی منطق گفتگوی بین تمدنها را جایگزین منطق برخورد تمدنها نمود، یاد نماید و این امر را نشانه رسمی علاقه‌مندی ایران به ارزشهای انسانی بداند، در عین حال همان مجمع عمومی و بعداً کمیسیون حقوق بشر به‌عنوان نقض حقوق بشر علیه دولت ایران قطعنامه صادر کند. سال گذشته دیپلماسی کوبا توانست از فرصت ملاقات کاسترو با پاپ و مسافرت پاپ به کوبا استفاده کند و مانع تصویب قطعنامه علیه خود شود (البته امسال باز با اکثریت ضعیف قطعنامه علیه کوبا صادر شد) و نیجریه با انجام یك انتخابات و قولِ برخی اصلاحات و دعوت نماینده ویژه به کشور، خود را از تحت نظارت کمیسیون خارج کرد ولی ما نتوانستیم از فرصتهایی چون حل مسأله سلمان رشدی و صدور بیانیه رسمی وزرای امور خارجه ایران و انگلستان، تصویب پیشنهاد رئیس جمهوری در مجمع عمومی، مسافرت موفقیت‌آمیز رئیس جمهور به ایتالیا و ملاقات خوب وی با پاپ و روابط گرمی که با اتحادیه اروپا برقرار شده و این همه اصلاحاتی که به گفته خود غربیان صورت گرفته، در جهت لغو قطعنامه یا حتی کم کردن آراء اتحادیه اروپا نسبت به آن استفاده کنیم. اگر واقعاً حساسیت وعزم قاطعی برای پایان دادن به این وضع وجود دارد لازم است از هم‌اکنون فعالیت سیاسی و مذاکره مفید و سازنده در این زمینه شروع شود.

سازمان بین‌المللی کار و موازین حقوق بشر

هشتادو هفتمین اجلاس سازمان بین‌المللی کار (International Labour Organisation) I.L.O از اول تا ۱۷ ژوئن ۱۹۹۹ (۱۱ تا ۲۷ خرداد ماه ۱۳۷۸) در ژنو برگزار شد و به بحث پیرامون مسائل مختلف مربوط به کار و اشتغال پرداخت و تصمیماتی اتخاذ نمود، از جمله مسائلی که سازمان بین‌المللی کار در اجلاس سالانه خود توجه وافری به آن مبذول می‌دارد رعایت موازین اصلی حقوق بشر در روابط کار و اشتغال است و کمیته‌ای به نام کمیته اجرای استانداردها به بررسی اجرای قراردادها و مقاوله‌نامه‌های کار از سوی دولتهای عضو می‌پردازد و از دولتهائی که ابهامات و اشکالاتی در مورد انجام تعهداتشان وفق کنوانسیونهای مورد تصویب آنها وجود دارد، می‌خواهد که در کمیته گزارش بدهند و به سؤالات اعضاء کمیته پاسخ دهند و در صورتی که اطلاعات داده شده و پاسخهای ارائه شده، قانع کننده نباشد، تصمیماتی را اتخاذ می‌نماید. جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله کشورهائی است که اجرای تعهداتش طبق برخی کنوانسیونهای بین‌المللی کار مورد سؤال کمیته بوده و در بیشتر سالها و از جمله سال جاری از او خواسته شده توضیحات و اطلاعات لازم را در اختیار کمیته قرار دهد.

در این نوشته، ابتدا جهت آشنایی علاقه‌مندان به این مباحث، کلیاتی در مورد این سازمان و اهداف و نحوه فعالیت آن داده خواهد شد و آنگاه در ارتباط با اجلاس سال جاری

سازمان و مباحث مطروحه در آن و وضعیت جمهوری اسلامی ایران اطلاعاتی در اختیار خوانندگان قرار خواهد گرفت.

۱ـ تأسیس سازمان بین‌المللی کار، اهداف و تشکیلات آن

الف ـ تأسیس:

سازمان بین‌المللی کار یکی از نهادهای بازمانده از دوران جامعه ملل است و هم اکنون یکی از مهمترین سازمانهای تخصصی سازمان ملل به شمار می‌رود.[۱] سازمان مزبور در سال ۱۹۱۹ با الهام از ماده ۲۳ میثاق جامعه ملل تأسیس شد در قسمتی از ماده مزبور آمده است: «... اعضای جامعه (ملل) تعهد می‌نمایند که: اولاً سعی نمایند برای کار مردان و زنان و اطفال در حدود مملکت خودشان و ممالکی که روابط تجاری و صنعتی ایشان بر آنها بسط دارد شرایط منصفانه و نوع پرورانه برقرار و نگهداری کنند و برای نیل به این مقصد مؤسسات بین‌المللی لازمه را تأسیس و حفظ نمایند.»

سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۱۹ تأسیس شد و طبق اساسنامه خود که در همان سال تصویب گردید و در سالهای بعد بویژه پس از تشکیل سازمان ملل متحد اصلاحاتی در آن به عمل آمد اداره می‌شود. اساسنامه مشتمل بر یك مقدمه و ۴۰ ماده است که اهداف سازمان بین‌المللی کار و تشکیلات و نحوه کار و تصمیم گیری آن را بیان می‌دارد، می‌توان گفت اساسنامه مزبور با اعلامیه معروف به اعلامیه فیلادلفیا که در دهم ماه مه ۱۹۴۴ در بیست و ششمین اجلاس سازمان بین‌المللی کار در ۵ ماده به تصویب رسید تکمیل شده است. یك آئین‌نامه اجرایی (Standing Orders) نسبتاً مفصل نیز در ۷۶ ماده روشهای اجرائی و ترتیبات عملی سازمان بین‌المللی کار و کنفرانس آن را بیان می‌دارد.[۲] در سال گذشته (۱۹۹۸) به مناسبت پنجاهمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، اجلاس هشتاد و ششم سازمان بین‌المللی کار در ۱۸ ژوئن اعلامیه‌ای را به نام: اعلامیه حقوق و

---

۱. نظام بین‌المللی حقوق بشر، ص ۲۶.

۲. برای ملاحظه اساسنامه بین‌المللی کار و آئین‌نامه اجرایی آن بنگرید:
Constitution of the International Labour Organisation، چاپ دفتر سازمان بین‌المللی کار، ژنو، فوریه ۱۹۹۸.

اصول بنیانی کار و پیگیری آنها تصویب کرد که اجراء مفاد آن برای کلیه اعضای سازمان بین‌المللی کار الزامی دانسته شده است.[۱] (ماده ۲ اعلامیه)

از آنجاکه طبق مواد ۵۷ و ۶۳ منشور سازمان ملل متحد مؤسسات تخصصی که در اثر توافق بین دولتها به وجود آمده و مسؤولیتهای وسیع بین‌المللی در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و . . . دارند طبق توافقنامه‌ای که با شورای اقتصادی و اجتماعی (اکوسوك) منعقد می نمایند وابسته سازمان ملل می‌شوند توافقنامه‌ای در نوامبر ۱۹۴۵ بین سازمان بین‌المللی کار و سازمان ملل متحد در ۲۰ ماده تنظیم و به تصویب بیست و هفتمین اجلاس سازمان بین‌المللی کار و مجمع عمومی سازمان ملل رسید. به موجب ماده ۱ این موافقتنامه: سازمان ملل متحد، سازمان بین‌المللی کار را به عنوان یك مؤسسه تخصصی که مسؤول اتخاذ اقدامات مناسب طبق اساسنامه خود برای اجرای اهداف مقرر در منشور در زمینه مطالعه و ارائه گزارش و دادن توصیه برای مسائل اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و امثال آنهاست به رسمیت می‌شناسند.[۲]

در مواد دیگر این موافقتنامه نحوه و ترتیبات همکاری و تبادل اطلاعات و اسناد، ارتباط با دیوان دادگستری بین‌المللی و شورای امنیت و مجمع عمومی، و خدمات اداری، فنی و پرسنلی بیان شده است. مقر سازمان بین‌المللی کار شهر ژنو سوئیس است. هم‌اکنون ۱۷۴ کشور عضو سازمان بین‌المللی کار هستند.

ب ـ اهداف:

اهداف بیان شده در اساسنامه سازمان بین‌المللی کار و اعلامیه فیلادلفیا و دیگر اسناد مربوطه رابطه تنگاتنگ این سازمان جهانی را با موازین حقوق بشر نشان می‌دهد.

در مقدمه اساسنامه سازمان بین‌المللی کار اشاره شده که صلح جهانی و پایدار صرفاً بر مبنای عدالت اجتماعی محقق می‌شود و با اصلاح شرایط کار و تنظیم مقررات و ضوابط مربوط به ساعت کار و دستمزد، جلوگیری از بیکاری، حمایت کارگر در برابر بیماری و

1. I.L.O Declaration on fundamental principles and rights at work and its follow - up

از انتشارات I.L.O سال ۱۹۹۸، سوئیس.

۲. ضمیمه اساسنامه سازمان بین‌المللی کار، ص ۷۳.

صدمات ناشی از کار، حمایت از کودکان، جوانان، زنان و سالمندان و به رسمیت شناخته شدن اصل تساوی فرد در برابر کار مساوی و اصل آزادی اجتماعات و تشکل‌ها، این امر امکان‌پذیر است. در اعلامیه فیلادلفیا به نحو مشروحتری اهداف سازمان بین‌المللی کار و تلاشهای آن جهت رسیدن به این اهداف بیان شده است. در ماده یك اعلامیه چهار اصل بنیادی را که سازمان بین‌المللی کار باید به آن بذل توجه نماید بخصوص مورد توجه قرار گرفته که عبارتند از:

۱ـ کار یك کالا نیست

۲ـ آزادی بیان و اجتماع امری اساسی است

۳ـ فقر در هر کجا باشد خطری برای رفاه همگی است

۴ـ باید با شدت در سطح ملی و بین‌المللی علیه فقر جنگید و نمایندگان کارگران، کارفرمایان در وضعیت مساوی به همراه نمایندگان دولتها با انجام بحثهای آزاد و دموکراتیك باید تصمیماتی به منظور ارتقاء رفاه اتخاذ نمایند.

ماده ۲ اعلامیه بر مطلب ذکر شده در مقدمه اساسنامه سازمان بین‌المللی کار که صلح پایدار فقط بر مبنای عدالت اجتماعی تحقق می‌پذیرد تأکید می کند که: همه انسانها بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب و عقیده یا جنس حق دارند از رفاه مادی و رشد معنوی برخوردار بوده، در شرایط آزادی و کرامت انسانی از امنیت اقتصادی و فرصت مساوی بهره‌مند باشند.

اعلامیه حقوق و اصول بنیادین در کار مصوب سال ۱۹۹۸ نیز با اشاره به اینکه هر چند رشد اقتصادی لازم و مفید است ولی برای تأمین عدالت، پیشرفت اجتماعی و محو فقر کافی نیست و سازمان بین‌المللی کار نیازمند ارتقاء سیاستهای اجتماعی قوی و نهادهای عادلانه و دموکراتیك است در ماده ۲ اعلام می کند که همه اعضاء سازمان حتی آنها که کنوانسیونهای مربوطه را تصویب نکردند به حکم عضویت در این سازمان و پذیرفتن اساسنامه آن مکلفند اصول مربوط به حقوق اساسی را که موضوع کنوانسیونهای مختلف است محترم شمرده در راه اجراء و پیشبرد آنها کوشش نمایند. و مخصوصاً حقوق ذیل نامبرده شده‌اند:

۱ـ آزادی اجتماع و به رسمیت شناختن حق مذاکره دسته جمعی

۲ـ محو همه اشکال کار اجباری

۳ـ لغو کامل کار کودك

۴ـ محو تبعیض درزمینه کار و اشتغال

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود تحقق احترام به حقوق انسانی افراد در زمینه کار و رعایت حقوق و آزادیهای اساسی که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر آمده است هدف عمده سازمان بین‌المللی کار را تشکیل می‌دهد و البته هدف غائی آن چنانکه در مقدمه اساسنامه آمده است تحقق صلح پایدار می‌باشد. ولی در طی سالهای متمادی فعالیت سازمان بین‌المللی کار و مخصوصاً در دهه اخیر که عنایت به رعایت موازین حقوق بشر درمرکز مسائل مهم سازمان ملل قرار گرفته، شاید بتوان گفت اصل بودن توجه به رعایت حقوق انسانی و موازین حقوق بشر در رابطه کار و مسائل کارگری بیشتر مورد نظر سازمان بین‌المللی کار قرار گرفته است. وظیفه سازمان بین‌المللی، بهبود وضعیت انسانها در دنیای کار است و هدف اولیه این سازمان، امروزه بالا بردن فرصتها برای زنان و مردان، به هدف به دست آوردن کار شایسته و سازنده در شرایط آزادی، عدالت، امنیت و کرامت انسانی است. امروزه هدف اصلی سازمان بین‌المللی کار، همین است.[۱]

قطعاً سازمان بین‌المللی کار سهم قابل توجهی در روند ارتقاء حقوق بشر داشته[۲] و به‌طوری که خواهیم دید بسیاری از کنوانسیونهائی که تصویب نموده و پیگیر اجرای آن است در واقع در جهت تحقق برخی از اصول و حقوق اساسی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد حتی می‌توان گفت سازمان بین‌المللی کار در تاریخ فعالیتهای بین‌المللی حقوق بشر قبل از تشکیل سازمان ملل و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، از نهادهای پیشگام در زمینه حقوق بشر بوده و چنانکه گفتیم در دوران جامعه ملل به هدف ارتقاء شرایط عادلانه کار و به نوعی رعایت حقوق بشر تشکیل شده است.[۳] ولی مدیریت جدید سازمان بین‌المللی کار معتقد است سازمان باید تلاشهای خودرا در این زمینه

---

۱. Decent Work، انتشارات سازمان بین‌المللی کار، ژنو ۱۹۹۹، ص ۳.

۲. همان، ص ۱۴.

۳. نظام بین‌المللی حقوق بشر، ص ۲۵.

متمرکز و بیشتر نموده و از ابزارهای بهتری استفاده نماید و از جمله اعلامیه اصول و حقوق بنیادین کار را ارتقاء دهد، برای از بین بردن کار کودك مبارزه نماید و در مورد استانداردهای کار تجدیدنظر کند و همه اینها به منظور ارتقاء توسعه و رشد همراه با کرامت انسانی و عدالت اجتماعی صورت می گیرد.[۱]

مصوبات سازمان بین‌المللی کار در جهت تحقق اهداف خود

از تاریخ تأسیس سازمان بین‌المللی کار، تاکنون (تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۸) کنوانسیونها و مقاوله‌نامه‌های زیادی در زمینه‌های مختلف مربوط به کار و در جهت بهبود شرایط کار و کارگر تصویب شده و با امضاء و تصویب دولتهای عضو به مرحله اجرا گذاشته شده است. مجموعاً تاکنون ۱۸۱ کنوانسیون در سازمان بین‌المللی کار به تصویب رسیده و ۶۴۷۷ مورد الحاق به این کنوانسیونها در اسناد رسمی I.L.O به ثبت رسیده است البته برخی از این کنوانسیونها هنوز لازم‌الاجرا نشده‌اند.[۲] هریك از این کنوانسیونها علاوه بر عنوان با شماره مصوب خود مشخص می‌شوند. برخی از مهمترین مقاوله‌نامه عبارتند از: کنوانسیونهای مربوط به ساعت کار، حداقل سن، کار اجباری، کار شب، بازرسی کار، آزادی اجتماع و حمایت از حق ایجاد قرارداد، منع تبعیض استخدام و اشتغال و ...

برخی از این کنوانسیونها بارها مورد تجدید نظر قرار گرفته‌اند. نخستین کنوانسیونی که از سوی سازمان بین‌المللی کار تصویب شد کنوانسیون مربوط به محدود کردن ساعت کار در مشاغل صنعتی است. این کنوانسیون در نخستین اجلاس I.L.O که در واشنگتن تشکیل شد در ۲۹ اکتبر ۱۹۱۹ به تصویب رسید و طبق آن حداکثر ساعت کار چه در کارگاههای عمومی و چه خصوصی ۸ ساعت در روز و ۴۸ ساعت در هفته تعیین گردید، کنوانسیون مزبور در تاریخ ۳۱ ژوئن ۱۹۲۱ لازم‌الاجرا شد.[۳]

---

۱. Decent Work، ص ۱۴.

۲. برای ملاحظه لیست مصوبات I.L.O و کشورهای تصویب کننده بنگرید:
Lists of Ratifications by Conventions and Recommendations by Country، انتشارات سازمان بین‌المللی کار، ژنو، ۱۹۹۹.

۳. International Labour Conventions and Recommondations 1919 - 1951، جلد ۱، انتشارات دفتر بین‌المللی کار، ژنو. ۱۹۹۶، ص ۱ به بعد.

و آخرین کنوانسیون را می‌توان کنوانسیون مربوط به منع و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودك دانست که در اجلاس سال جاری سازمان بین‌المللی کار (اجلاس ۸۷ ژوئن ۱۹۹۹) تصویب شد.

یکی از مهمترین مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار مقاوله‌نامه شماره ۱۱۱ در خصوص منع تبعیض در استخدام و اشتغال است که بعداً به تفصیل بیشتر درباره آن بحث خواهیم کرد دولتهایی که به هریك از مقاوله‌نامه‌ها پیوسته و آنها را به تصویب مراجع ذی‌صلاح داخلی خود رسانده‌اند، موظف‌اند ضوابط و معیارهای مندرج در آن کنوانسیونها را به مرحله اجرا درآورند و سازمان بین‌المللی کار مکانیزمهائی برای نظارت بر اجرای تعهد دولتها ایجاد کرده که به آنها اشاره خواهیم کرد.

ج- تشکیلات:

طبق ماده ۲ اساسنامه سازمان بین‌المللی کار، سازمان مزبور عبارت خواهد بود از:

۱- کنفرانس عمومی متشکل از نمایندگان کشورهای عضو

۲- هیأت مدیره

۳- دفتر بین‌المللی کار که زیر نظر هیأت مدیره اداره می‌شود

کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار حداقل سالی یك بار باید تشکیل جلسه دهد که در آن نمایندگان دولت، کارگر و کارفرما حضور دارند (ماده ۳ اساسنامه) هیأت مدیره طبق ماده ۷ اساسنامه مرکب از ۵۶ نفر است که ۲۸ نفر نماینده دولت، ۱۴ نفر نماینده کارگر و ۱۴ نفر نماینده کارفرما هستند. از ۲۸ عضو نماینده دولت، ده نفر به‌وسیله کشورهای صنعتی مهم تعیین می‌شوند و ۱۸ نفر از اعضای منتخب نمایندگان دولت‌های عضو کنفرانس بغیر از اعضاء ده کشور فوق‌الذکر برگزیده می‌شوند. نمایندگان کارگر و کارفرما نیز از سوی نمایندگان کارگر و کارفرما در کنفرانس انتخاب خواهند شد. (ماده ۴) دوره هیأت مدیره سه سال است، و در بین خود یك رئیس و دو نایب رئیس تعیین می کند و حسب مورد جلسات خود را تشکیل می‌دهند.

ماده ۸ اساسنامه می گوید یك نفر به‌عنوان مدیر کل سازمان بین‌المللی کار از سوی هیأت مدیره انتخاب می‌شود که مسؤول دفتر بین‌المللی کار است و در همه جلسات هیأت

مدیره شرکت می کند، کارمندان دفتر سازمان بین المللی کار از سوی مدیر کل تعیین می‌شوند و طبق مقررات مصوب از سوی هیأت مدیره انجام وظیفه می‌نمایند مدیر کل باید حتی‌الامکان کارمندان دفتر را از ملیت‌های مختلف تعیین کند و تعدادی از آنها باید زن باشند. (ماده ۹) مدیر کل نقش مهمی در اجرای وظایف سازمان بین‌المللی کار دارد و از جمله تهیه و آماده کردن اسناد مربوط به موضوعات مختلف، دستور کار کنفرانس عمومی سازمان، کمك به کشورهای عضو جهت اصلاح سیستم اداری و اجرائی خود در انطباق با مقررات I.L.O، نظارت مؤثر نسبت به اجرای کنوانسیونها طبق مقررات اساسنامه به عهده مدیر کل است. و به هر صورت وظایف مختلف دیگری نیز ممکن است از سوی هیأت مدیره یا کنفرانس بر دوش او گذاشته شود. (ماده ۱۰)

۲ـ شیوه عمل سازمان بین المللی کار

بغیر از هیأت مدیره و دبیر کل که وظایف اداری سازمان بین‌المللی کار را بر عهده دارند، مهمترین رکن سازمان، کنفرانس عمومی سازمان است که طبق اساسنامه هر موقع لازم باشد تشکیل می گردد و حداقل سالی یك بار باید تشکیل شود و مدتهاست رویه چنین است که سالی یکبار از اول ژوئن به مدت دو الی سه هفته تشکیل می گردد. کنفرانس هر سال که تشکیل می‌شود یك رئیس و سه نایب رئیس برای خود انتخاب می کند یکی از نایب رئیس‌ها نماینده دولت، یکی نماینده کارگر و دیگری نماینده کارفرما می‌باشد. کنفرانس می تواند کمیته‌هائی را تعیین کند که در مورد دستور کار کنفرانس بحث و بررسی نموده و گزارش کار خود را به کنفرانس ارائه دهند. (ماده ۱۷ بند ۱)

تصمیمات متخذه از سوی کنفرانس جز در مواردی که به گونه دیگری در اساسنامه یا مقررات مربوطه دیگر تصریح شده باشد، با اکثریت عادی حضّار معتبر است. (بند ۲ ماده ۱۷) در مورد تصویب کنوانسیونها و توصیه‌نامه‌ها، رأی اکثریت دوسوم حاضرین لازم است. (بند ۲ ماده ۱۹ اساسنامه) کنفرانس عمومی سازمان بین المللی کار دو کار عمده انجام می دهد:

الف ـ طرح موضوعات و تصویب کنوانسیونها

کار اول: طرح و بحث و بررسی موضوعات مختلف در زمینه مسائل مربوط به کار و

بخصوص بهبود روابط کار و شرایط انسانی حاکم بر آن و تصویب کنوانسیونها (convention) یا توصیه‌نامه‌ها (recommendation) است. کنفرانس یك جلسه علنی (plenary) دارد که محل ایراد سخنرانی وزرای کار و نمایندگان دولتهای عضو و نماینده کارگر و کارفرما و طرح و تصویب تصمیمات است. کمیته‌ها و جلسات جانبی نیز در کنار آن تشکیل می‌شود که موضوعات مورد بحث را بررسی می‌کنند و پس از تهیه و تنظیم به جلسه علنی کنفرانس ارائه می‌دهند تا در آنجا به تصویب برسد.[۱] هم در جلسه علنی کنفرانس (plenary) و هم در کمیته‌ها نمایندگان سه گروه دولت، کارگر و کارفرما حضور دارند و در سخنرانی و بحث و بررسی و اظهارنظر شرکت می‌نمایند. سنت این است که در کمیته‌ها جایگاه نمایندگان کارفرما در سمت راست، نمایندگان دولت وسط و نمایندگان کارگر در سمت چپ قرار دارد، معمولاً نمایندگان کارگر فعالتر در ارائه پیشنهادها و بحثها شرکت دارند.

طبق بند ۱ ماده ۱۹ اساسنامه مصوبات کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار ممکن است به یکی از دو صورت زیر باشد:

۱ـ کنوانسیون بین‌المللی

۲ـ توصیه نامه، توصیه‌نامه هنگامی است که موضوع مورد بحث هنوز در وضعیتی قرار ندارد که بتواند عنوان کنوانسیون بخود بگیرد. طبعاً توصیه‌نامه (recommendation) همان‌طور که از نام آن پیدا است جنبه توصیه و مشورتی دارد و دارای طبیعت الزام‌آور نیست.[۲]

آن گونه که از بندهای ۵ و ۶ ماده ۱۹ اساسنامه سازمان بین‌المللی کار بر می‌آید تفاوتی که بین کنوانسیون و توصیه‌نامه وجود دارد این است که کنوانسیون برای تصویب به دولتهای عضو ارسال می‌شود تا از سوی مراجع ذی‌صلاح داخلی خود آن را تصویب کنند و وقتی تصویب شد به عنوان یك قرارداد بین‌المللی لازم‌الاجرا تلقّی می‌شود ولی توصیه‌نامه

---

۱ . برای اطلاع از جزئیات امر بنگرید:
Standing Orders of the International Labour Conference، مخصوصاً ماده ۴۰ .

۲ـ Black's Law Dictionary ذیل کلمه recommendation .

برای دولتهای عضو فرستاده می‌شود تا مفاد آن را وارد قوانین داخلی خود نموده و آن را تصویب و اجرا نمایند. کنوانسیون در صورتی که به وسیله مراجع ذی‌صلاح داخلی به تصویب رسید دولت مربوطه باید رسماً تصویب آن را به دبیر کل سازمان بین‌المللی کار اعلام دارد و اقدامات لازم را جهت به اجرا گذاردن مقررات آن به عمل آورد (شق د بند ۵ ماده ۱۹ اساسنامه) و درمورد توصیه‌نامه دولت مربوطه صرفاً باید دبیر کل را از اقدامات مربوط به تسلیم توصیه نامه نزد مقامات ذی‌صلاح و اقدامات انجام شده بعدی مطلع نماید (شق ج بند ۶ ماده ۱۹) به تعبیر دیگر کنوانسیون در معرض تصویب قرار می گیرد و با تصویب آن تعهد قانونی ایجاد می‌شود ولی توصیه‌نامه در معرض تصویب قرار نمی گیرد بلکه رهنمودی است برای سیاستگزاری، قانونگذاری و رویّه عملی.[1]

به هر صورت وقتی دولتی کنوانسیون مصوب کنفرانس سازمان بین‌المللی کار را تصویب نمود در سطح بین‌المللی رسماً طرف قرارداد شناخته می‌شود و التزام قراردادی بین‌المللی به اجرای مفاد آن دارد. و بهرحال، طبق ماده ۲۰ اساسنامه هر کنوانسیونی که به تصویب می‌رسد از سوی مدیر کل طبق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد[2] برای ثبت به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم می‌شود البته کنوانسیون فقط در مورد دولتهایی که آن را تصویب کرده‌اند لازم‌الاجرا است.

ب ـ نظارت بر اجرای کنوانسیونها از سوی دول عضو

کار مهم دیگری که به عهده سازمان بین‌المللی کار و کنفرانس عمومی آن گذاشته شده نظارت و مراقبت در اجرای قراردادهای بین‌المللی است که به تصویب رسانده و دولتهای عضو آن را تصویب کرده‌اند. در این راستا ماده ۲۲ اساسنامه دولتها را مکلف کرده است نسبت به اقداماتی که درمورد اجرای مقاوله‌نامه‌هائی که عضو آن هستند به عمل

---

1. Handbook of Procedures relating to International Labour Conventions and Recommendations. p:3
انتشارات دفتر سازمان بین‌المللی کار، ژنو، ۱۹۹۸

۲. ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد:

«۱ـ هر عهدنامه و هر موافقتنامه بین‌المللی که پس از لازم‌الاجرا شدن این منشور توسط هر یک از اعضاء ملل متحد منعقد گردد باید هر چه زودتر در دبیرخانه ثبت و توسط آن منتشر گردد. ۲ـ هیچیک از طرفهای هر عهدنامه یا موافقتنامه بین‌المللی که بر طبق مقررات بند اول این ماده به ثبت نرسیده باشد نمی‌تواند در مقابل ارکان ملل متحد به آن عهدنامه یا موافقتنامه استناد جوید.»

آوردند گزارش سالانه‌ای به دفتر سازمان بین‌المللی کار بدهند. شکل و محتوای این گزارش از سوی هیأت مدیره تعیین می‌شود.

طبق ماده ۲۴ اساسنامه هریك از گروههای کارگری یا کارفرمائی ممکن است به دفتر سازمان بین‌المللی کار اعلام نمایند که دولتی در قلمرو خود مقررات کنوانسیونی را که به آن پیوسته است بدرستی اجرا نمی‌کند در این صورت هیأت مدیره ممکن است از دولت مربوط بخواهد که توضیحات لازم را بدهد. همچنین طبق ماده ۲۶ اساسنامه هریك از اعضاء سازمان بین‌المللی کار حق دارد در صورتی که معتقد باشد دولت دیگر، کنوانسیونی را که هر دو عضو آن هستند بدرستی اجرا نمی‌کند، شکایتی تسلیم دفتر بین‌الملل کار نماید.

در اساسنامه سازمان بین‌المللی کار و آئین‌نامه اجرایی آن و آئین رسیدگی به کنوانسیونهای بین‌المللی مکانیزمها و نهادهایی برای نظارت و بررسی عملکرد دولتهای عضو نسبت به کنوانسیونها پیش‌بینی شده است که به اختصار به آنها اشاره می‌شود.

طبق قطعنامه مصوب هشتمین اجلاس کنفرانس سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۲۶ مسؤولیت نظارت بر اجرای تعهدات مربوط به استانداردها از سوی دولتهای عضو به عهده کمیته کارشناسان و کمیته اجرای استانداردها گذاشته شده است:[1]

۱ـ *کمیته کارشناسان*

طبق ماده ۵۳ آئین رسیدگی به کنوانسیونهای بین‌المللی کار[2]، اعضای کمیته کارشناسان با پیشنهاد دبیر کل به وسیله هیأت مدیره برای مدت سه سال تعیین می‌شوند. اعضای این کمیته بر مبنای صلاحیت شخصی از بین افراد صالح، بیطرف، مستقل و برخوردار از شایستگی فنی از مناطق مختلف دنیا انتخاب می‌گردند. کمیته کارشناسان باید به صورت مستقل، بیطرفانه و عینی وضعیت دولتها را در ارتباط با تعهداتشان نسبت به کنوانسیونهای بین‌المللی کار که بدان پیوسته‌اند رسیدگی کنند و در این رابطه وظیفه‌شان

---

۱ . . Hand book of Procedures.....، ص ۲۱.

۲ . همان، ص ۲۲-۲۱.

بررسی گزارش سالانه تقدیمی از سوی دولتهای عضو طبق ماده ۲۲ اساسنامه و اطلاعات و گزارشهای مربوط به کنوانسیونها و توصیه‌نامه‌ها که طبق ماده ۱۹ به دولتهای عضو ابلاغ شده و برخی موارد دیگر می‌باشد. جلسات این کمیته خصوصی و غیرعلنی است و معمولاً هر سال اوایل دسامبر تشکیل می‌شود مذاکرات آن نیز محرمانه است، اطلاعات لازم از سوی دفتر بین‌المللی کار در اختیار کمیته قرار می گیرد. کمیته ممکن است گروههای کاری مختلف برای بررسی موضوعات و کنوانسیونهای گوناگون تشکیل دهد و سرانجام گزارش خود را به هیأت مدیره تقدیم می‌دارد. گزارش نهائی کمیته کارشناسان مشتمل بر دو بخش است بخش اول حاوی اطلاعات کلی در مورد کار کمیته و جلب توجه هیأت مدیره و دولتهای عضو به مسائل و موضوعات لازم می‌باشد و بخش دوم به بررسی موردی کنوانسیونهای مختلف و نحوه اجرای آنها از سوی دولتهای عضو می‌پردازد. البته بخش سومی هم گزارش کارشناسان دارد که به بررسی کلی قوانین و رویه‌های داخلی نسبت به کنوانسیون‌های تصویب نشده از سوی دولتها می‌پردازد.

گزارش کمیته کارشناسان که بخش اول و دوم آن در یك جلد می آید هر سال در ماه مارس، (قبل از اجلاس عمومی) منتشر می‌شود و برای دولتهای عضو ارسال می گردد.

۴ـ کمیته اجرای استانداردها

این کمیته که یکی از کمیته‌های مهم کنفرانس سازمان بین‌المللی کار است، طبق ماده ۷ آئین‌نامه اجرائی (Standing Orders) در جنب کنفرانس تشکیل می‌شود و وظیفه اصلی آن بررسی اجرای تعهدات دولتهای عضو نسبت به کنوانسیونها است به همان صورت که برای کمیته کارشناسان ذکر شد. کمیته استاندارد از نمایندگان دولتها، کارگران و کارفرمایان تشکیل می‌شود جلسات آن علنی است و مذاکرات و بحثها به صورت سه جانبه صورت می گیرد گزارش کارشناسان در کمیته استاندارد مورد بررسی قرار می گیرد.

کمیته از نمایندگان دولتها دعوت می کند که در جلسه کمیته حضور یابند و نسبت به ملاحظات و بررسیهائی که در مورد نحوه اجرای تعهداتشان در گزارش کارشناسان آمده پاسخ گویند. پس از پاسخگویی و توضیحات نماینده دولت نمایندگان کارگر و کارفرما و دولتها می توانند بحث کنند و سؤالاتی را مطرح نمایند که نماینده دولت مربوطه می تواند

پاسخ آنها را بدهد و سرانجام کمیته جمع‌بندی خود را از مباحث مربوطه اعلام و به کنفرانس عمومی سازمان منعکس می‌نماید که ممکن است در جلسه عمومی (plenary) مورد بحث قرار گیرد.[۱]

در صورتی که دولت مربوطه توضیحات کافی و قانع کننده ندهد و یا عملکرد او برای کمیته روشن نباشد، کمیته سعی می‌کند با اقداماتی از قبیل دادن کمك فنی، یا تماس مستقیم (direct contact) و سرانجام تعیین کمیسیون تحقیق، وضعیت را مشخص و دولت را وادار به انجام تعهداتش نماید.

تماس مستقیم (direct contacts)

روش تماس مستقیم که یکی از طرق بررسی و نظارت بر وضع اجرای تعهدات بین‌المللی یك کشور در مورد کنوانسیونهای مربوط به کار است امکان خواهد داد که نماینده مدیر کل سازمان بین‌المللی کار و نمایندگان کشور مربوط، مشکلات و مسائل مربوط به تصویب یا اجرای کنوانسیون‌ها را مورد بررسی قرار دهند ترتیب طرح تماس مستقیم ممکن است از سوی کمیته کارشناسان یا کمیته استاندارد یا هیأت مدیره و یا احیاناً از سوی دولت مربوط پیشنهاد شود. دبیر کل موضوع را با دولت ذی‌ربط مطرح می‌کند و موافقت دولت باید اخذ شود در روش تماس مستقیم، مدیر کل یك نماینده که یا فردی مستقل است یا یك مقام رسمی سازمان بین‌المللی کار است که کاملاً با موضوع آشناست تعیین می‌کند وی با توافق دولت مربوطه از کشور بازدید خواهد کرد، با نمایندگان دولت ملاقات نموده و اطلاعات مشروح و کامل از موضع دولت و ماهیت دقیق و کامل مشکلاتی را که با آن مواجه است به دست خواهد آورد و تمام اطلاعات دریافتی را به نهادهای نظارتی سازمان بین‌المللی کار منتقل خواهد کرد. نماینده مدیر کل در دوره مأموریت خود با سازمانهای کارگری و کارفرمائی نیز تماس خواهد داشت تا آنها را در جریان بحثهای خود قرار داده و نظرات آنان را نیز جویا شود.[۲]

---

۱. همان منبع، ص ۲۴ـ۲۳.

۲. همان منبع، ص ۳۴ـ۳۳.

کمیسیون تحقیق

کمیسیون تحقیق را شاید بتوان گفت مهمترین و آخرین روش نظارتی سازمان بین‌المللی کار می‌باشد که طبق ماده ۲۶ اساسنامه سازمان از سوی هیأت مدیره تعیین می‌شود. وقتی شکایت مربوط به عدم رعایت مقاوله‌نامه بین‌المللی کار از سوی یك دولت عضو مطرح است و دولت مربوط توضیح قانع کننده‌ای نداده است، هیأت مدیره می‌تواند کمیسیون تحقیقی را تعیین کند که به موضوع رسیدگی نماید. در آئین‌نامه اجرائی ضوابط و چگونگی تعیین کمیسیون تحقیق پیش‌بینی نشده است بنابراین ترتیب تعیین و انجام وظیفه آن با توجه به مواد اساسنامه به عهده هیأت مدیره و خود کمیسیون تحقیق است طبق ماده ۲۸ اساسنامه، کمیسیون تحقیق پس از بررسی کامل موضوع گزارشی تنظیم خواهد کرد که در آن نظرات خود را نسبت به موضوعات مورد بحث ارائه می‌دهد و اقداماتی را که باید انجام گیرد و ظرف زمانی که باید اقدامات مزبور در آن مدت انجام گیرد اعلام می‌دارد. مدیر کل سازمان بین‌المللی کار گزارش کمیسیون تحقیق را به اطلاع هیأت مدیره و دولتهای ذی‌ربط می‌رساند و موجبات انتشار آن را فراهم می‌آورد. دولت ذی‌نفع می‌تواند ظرف سه ماه دبیر کل را از تصمیم خود مبنی بر پذیرش توصیه‌های کمیسیون تحقیق یا عدم پذیرش آن و شکایت به دیوان دادگستری بین‌المللی مطلع سازد (ماده ۲۹ اساسنامه) در صورت ارجاع موضوع به دیوان بین‌المللی دادگستری، تصمیم دیوان مزبور قطعی خواهد بود (ماده ۳۱ اساسنامه) دیوان بین‌المللی دادگستری ممکن است توصیه‌های کمیسیون را تأیید نماید یا آنها را تغییر دهد و به هر حال طبق ماده ۳۳ اساسنامه اگر دولت ظرف مهلت تعیین شده توصیه‌های مندرج در گزارش کمیسیون تحقیق یا رأی دیوان بین‌المللی را اجرا نکند، هیأت مدیره می‌تواند اقداماتی را که عاقلانه و به صلاح می‌داند به کنفرانس عمومی توصیه نماید. (ماده ۳۳ اساسنامه) نوع این اقدامات در اساسنامه تعیین نشده است.

معمولاً وقتی برای یك کشوری کمیسیون تحقیق تشکیل شود معلوم می‌شود وضع آن کشور در ارتباط با اجرای تعهدات بین‌المللی اش نسبت به کنوانسیون‌های کار به مرحله حاد و بحرانی رسیده است. چنانکه دولت میانمار در ارتباط با کنوانسیون منع کار اجباری به چنین مرحله‌ای رسیده و سخت مورد حمله و انتقاد دیگر اعضاء سازمان

مخصوصاً گروههای کارگری و کافرمائی قرار دارد.

۳ـ جمهوری اسلامی ایران و سازمان بین‌المللی کار

الف ـ عضویت ایران در سازمان بین‌المللی کار و کنوانسیونهای آن

دولت ایران از سال ۱۹۱۹ یعنی سال تأسیس سازمان بین‌المللی کار به عضویت این سازمان درآمده و در حال حاضر نیز (در انتخابات اجلاس ۸۷ سال جاری) از اعضاء اصلی هیأت مدیره این سازمان است. تاکنون ۱۱ کنوانسیون بین‌المللی کار را تصویب نموده[۱] که عبارتند از: کنوانسیونهای شماره ۱۴ (تعطیلی هفتگی)، ۱۹ (تساوی رفتار)، ۲۹ (کار اجباری)، ۹۵ (حمایت از دستمزد)، ۱۰۰ (مزد مساوی)، ۱۰۴ (لغو ضمانت اجراهای کیفری در مورد نقض قرارداد کار از سوی کارگران بومی)، ۱۰۵ (لغو کار اجباری)، ۱۰۶ (تعطیلی هفتگی در مورد کار تجاری و اداری)، ۱۰۸ (اسناد هویت دریانوردان)، ۱۱۱ (تبعیض در استخدام و اشتغال) و ۱۲۲ (سیاست اشتغال).

مهمترین و بحث‌انگیزترین آنها کنوانسیون یا مقاوله‌نامه شماره ۱۱۱ می‌باشد که به‌خاطر آن سالهاست موضوع ایران در کمیته استاندارد و دستگاه نظارتی سازمان بین‌المللی کار مطرح و مورد بحث است و لذا قبل از پرداختن به وضعیت ایران و مخصوصاً وضعیت سال جاری (اجلاس ۸۷) اندکی پیرامون مقاوله‌نامه ۱۱۱ و تعهداتی که دولت ایران طبق آن دارد بحث خواهیم کرد.

مقاوله‌نامه مزبور که از مهمترین مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی کار به‌حساب می‌آید در چهل و دومین اجلاس سازمان بین‌المللی کار در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۸ به تصویب کنفرانس عمومی سازمان رسید و در ششم ژوئن ۱۹۶۰ قدرت اجرایی پیدا کرد هم‌اکنون (تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۸) تعداد ۱۳۱ کشور آن را تصویب نموده و به عضویت آن درآمده‌اند[۲]. عنوان این مقاوله‌نامه چنین است: مقاوله‌نامه (کنوانسیون) مربوط به تبعیض در امور استخدام و اشتغال:

---

۱. Lists of Ratifications.....، ص ۲۲۹.

۲. همان منبع، ص ۱۳۳.

(convention concerning discrimination in respect of employment and occupation)

دولت ایران با تصویب این مقاوله‌نامه از سوی مجلس شورای ملی در تاریخ هفدهم اردیبهشت ماه ۱۳۴۳ رسماً به عضویت آن درآمده و متعهد به اجرای مفاد آن می‌باشد.[۱]

ب- اشاره‌ای به محتوای مقاوله‌نامه ۱۱۱

مقاوله‌نامه ۱۱۱ مشتمل بر یك مقدمه و ۱۴ ماده است.

در مقدمه آن آمده است: کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار با توجه به اینکه اعلامیه فیلادلفیا اعلام می‌دارد کلیه افراد بشر صرف نظر از نژاد، عقیده و جنسیت حق دارند در پی دستیابی به رفاه مادی و رشد معنوی در عین آزادی و احترام با برخورداری از امنیت اقتصادی و تساوی احتمال موفقیت برآیند و به علاوه با توجه به اینکه تبعیض، بدان گونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر تشریح شده، نقض حقوق بشر محسوب می گردد این کنوانسیون را با عنوان: تبعیض (در استخدام و اشتغال) به تصویب می‌رساند.[۲]

بند ۱ ماده ۱ تبعیض را معنی کرده و می گوید: از نظر این مقاوله‌نامه (تبعیض) عبارت است از هر گونه تفاوت، محرومیت، یا مزیت که بر پایه نژاد، رنگ پوست، جنسیت، مذهب، عقیده سیاسی و یا سابقه ملیّت یا طبقه اجتماعی برقرار گردد و در امور مربوط به استخدام و اشتغال، تساوی احتمال موفقیت و رعایت مساوات در شرایط رفتار با کارگر را بکلی از میان بردارد و یا به آن لطمه وارد سازد. در بند ۲ این ماده اشاره شده تفاوت و محرومیت و امتیازی که برپایه صلاحیتهای حرفه‌ای جهت اشتغال به حرفه معینی لازم شناخته شده، تبعیض محسوب نخواهد شد. طبق ماده ۲ هر یك از دولتهای عضو که این مقاوله را تصویب نموده‌اند مکلفند با روشهایی که مناسب با شرایط و اوضاع و احوال داخلیشان باشد، یك سیاست ملی را با هدف استقرار تساوی احتمال موفقیت در استخدام و اشتغال و شرایط رفتار با کارگر و از بین بردن هر گونه تبعیض اعلام و پیگیری نماید.

---

۱ . مجموعه قوانین سال ۱۳۴۳ چاپ روزنامه رسمی، ص ۳۸۶ـ ۳۸۱.

۲ـ برای ملاحظه متن مقاوله نامه بنگرید: ....International Convention، جلد دوم ۱۹۷۶ـ ۱۹۵۲، ص ۱۷۶.

در ترجمه‌ای که از متن مقاوله نامه به عمل آمده و در مجموعه قوانین روزنامه رسمی چاپ شده پاراگراف دوم (توجه به اینکه تبعیض نقض حقوق بشر محسوب می شود) وجود ندارد.

ماده ۳ مقاوله نامه دولت عضو را مکلف می‌نماید که مقررات و قوانین و آموزشهای لازم را جهت تأمین رعایت سیاست عدم تبعیض وضع کند و کلیه قوانین و رویه‌های عملی مغایر با این اصل و سیاست را الغو یا اصلاح نماید. و سرانجام در گزارش سالانه خود به سازمان بین‌المللی کار در مورد اجرای این مقاوله‌نامه اقداماتی را که جهت اجرای سیاست فوق انجام داده ذکر نماید.

به طوری که ملاحظه می‌شود طبق این مقاوله نامه هر گونه تبعیض که براساس جنسیت، داشتن عقیده مذهبی یا سیاسی، رنگ، نژاد یا ریشه ملیت یا طبقه اجتماعی در زمینه استخدام، دستیابی به مشاغل و شرایط و رفتارهای کاری و استخدامی صورت گیرد ممنوع است و دولتهای عضو این مقاوله‌نامه موظف و متعهدند سیاست روشن و برنامه کاری مشخصی برای برقراری این تساوی و رفع تبعیض به عمل آورند و هر گونه قانون یا رویّه عملی که به شرح فوق بر مبنای تبعیض وجود دارد را لغو و از میان بردارند. لازمه این امر آن است که دولتهای عضو این مقاوله‌نامه نمی‌توانند در مقررات استخدامی و شرایط مربوط به اشتغال، داشتن یك عقیده خاص مذهبی و یا سیاسی را از جمله شرایط احراز شغلی قرار دهند و یا داشتن عقیده خاص مذهبی یا سیاسی یا وابستگی به یك فرقه یا گروه یا طبقه خاصی را از موانع استخدام و اشتغال به حساب بیاورند. در مقاوله‌نامه ۱۱۱ سه مورد استثناء شده و اعمال روش متفاوت در این سه مورد تبعیض محسوب نگردیده است:

۱ـ همان طور که گفته شد درنظر گرفتن صلاحیتهایی که برای داشتن حرفه و شغلی لازم است تبعیض محسوب نمی‌شود. (بند ۲ ماده ۱)

۲ـ طبق ماده ۴ مقاوله‌نامه اقداماتی که علیه شخصی که طبق قرائن مظنون به انجام فعالیتهائی علیه امنیت ملی است یا درگیر چنین فعالیتهائی است به عمل می آید تبعیض محسوب نمی‌شود یعنی محرومیتهای شغلی که مثلاً نسبت به چنین فردی اعمال می گردد مشمول عنوان تبعیض نخواهد بود، البته همان‌طور که معلوم است این اقدام جنبه موردی و فردی دارد و نمی تواند به صورت یك قاعده عام و کلی علیه یك گروه و طبقه اعمال شود بعلاوه طبق ذیل ماده ۴ فردی هم که این محدودیتها و محرومیتها در مورد او اعمال می‌شود

باید حق داشته باشد به مقام صلاحیتدار داخلی شکایت نماید و نسبت به تصمیم اتخاذ شده اعتراض کند.

۳- طبق ماده ۵ مقاوله‌نامه اقدامات ویژه حمایتی که به منظور مساعدت به اشخاص از لحاظ جنسیت، یا سن یا ناتوانی یا مسؤولیتهای خانوادگی یا وضعیت‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی به عمل می آید و در دیگر کنوانسیونها و توصیه‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار تصویب شده، تبعیض محسوب نمی‌شود.

و سرانجام طبق ماده ۹ مقاوله‌نامه هر یکی از دولتهای عضو می تواند پس از انقضای ده سال از تاریخ الحاق خود به این مقاوله‌نامه، با ارسال اعلامیه‌ای به دفتر بین‌المللی کار خروج خود را از این مقاوله اعلام نماید و اگر در ظرف یك سال از تاریخ انقضاء ده ساله الحاق، خروج خود را اعلام ننمود تا ده سال دیگر نمی تواند از آن خارج شود و به هر حال در هر مقطع ده ساله هر دولت عضو اگر مایل باشد می تواند الحاق خود را لغو و از آن خارج شود. تاکنون گزارش نشده که دولتی خروج خود را از این مقاوله نامه اعلام نموده باشد.

قابل ذکر است که از بین کشورهای مهم صنعتی غرب، دولتهای آمریکا و انگلیس هنوز به این مقاوله‌نامه نپیوسته‌اند.

ج- هشتاد و هفتمین اجلاس سازمان بین‌المللی کار و موقعیت جمهوری اسلامی ایران

۱- *دستور العمل اجلاس ۸۷*

می توان گفت در مجموع ۶ موضوع در دستور کار اجلاس ۸۷ سازمان بین‌المللی کار قرار داشت که عبارت بودند از:

۱- گزارشهای مدیر کل و رئیس هیأت مدیره

۲- برنامه و بودجه و دیگر مسائل مالی

۳- اطلاعات و گزارشهای مربوط به اجرای مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌ها

۴- کنوانسیون کار کودك

۵- کنوانسیون حمایتهای مربوط به دوران بارداری و زایمان

۶- نقش سازمان بین‌المللی کار در همکاریهای فنی

در گزارش گروه کاری هیأت مدیره در رابطه با برنامه اجلاس به نکات قابل توجهی

اشاره شده که ذکر برخی از آنها خالی از فایده نیست.

در این گزارش آمده است: آزادی بیان، جوهر و مایه حیات سازمان بین‌المللی کار است، اعلامیه فیلادلفیا بر این اصل که: آزادی بیان و انجمن برای توسعه و پیشرفت پایدار حیاتی است، تصریح نموده است در نظام سازمان بین‌المللی کار، برای انتقاد اصولی از دولت، کارگر و کارفرما هیچگونه استثناء و مصونیتی وجود ندارد، آزادی بیان، آزادی پاسخگویی را در پی خواهد داشت، انتقاد کننده می‌باید استماع نظریات و دفاعیات انتقادشونده را پذیرا بوده و به علاوه برای انتقادی مشابه از عقاید و عملکرد خود نیز آمادگی داشته باشد، اهداف مبنائی سازمان بین‌المللی کار چنانکه در اساسنامه و اعلامیه فیلادلفیا بر آن تصریح شده در گستره‌ای وسیع دربرگیرنده اصول عدالت اجتماعی برای رسیدن به صلح پایدار و احقاق حقوق تمامی انسانها، صرفنظر از نژاد، عقیده و جنسیت است. سازمان بین‌المللی کار در تلاش برای تأمین رفاه مادی و معنوی انسانها، در شرایط آزادی، برابری، رفاه اقتصادی و حفظ شأن و منزلت انسانی است.

در هر صورت، بغیر از جلسه عمومی و علنی (plenary) که گزارش مدیر کل و رئیس هیأت مدیره در آن ارائه می‌شود و نمایندگان دولتها (معمولاً وزرای کار) و نمایندگان کارگران و کارفرمایان به ایراد سخنرانی پرداخته و دیدگاههای خود را بیان می‌داشتند سه کمیته فعال و مهم در اجلاس سال جاری وجود داشت: یکی کمیته بررسی کار کودك، دیگری کمیته بررسی مقاوله‌نامه مربوط به حمایت از دوران بارداری و سوم کمیته اجرای استانداردهاست.

کمیته حمایت از دوران بارداری (maternity protection) در واقع به تجدیدنظر در مقاوله‌نامه ۱۰۳ مصوب سال ۱۹۵۲ می‌پرداخت که شور اول آن را به پایان رساند و شور دوم آن به اجلاس آینده موکول شد.

کنوانسیون جدید کار کودك

کمیته کار کودك کار شور دوم کنوانسیون مربوط به کار کودك را به پایان برد و مقاوله نامه‌ای را تحت عنوان: «کنوانسیون مربوط به منع و اقدام فوری برای از بین بردن بدترین اشکال کار کودك» به تصویب رساند و به تصویب نهایی کنفرانس عمومی سازمان رساند که

در نتیجه کنوانسیونهای سازمان بین‌المللی کار به ۱۸۲ کنوانسیون رسید.

کنوانسیون مزبور مشتمل بر یك مقدمه و ۱۶ ماده است.

طبق ماده ۲، از نظر این کنوانسیون منظور از کودك، کسی است که به سن ۱۸ سال نرسیده باشد. و در ماده ۳ آمده است که منظور از بدترین اشکال کار کودك (the worst forms of child labour) عبارت است از:

الف: هر نوع شکل بردگی یا اعمالی نظیر بردگی چون فروش و قاچاق کودکان، کار اجباری، بکارگیری اجباری آنها در جنگ

ب: استفاده از کودك برای فحشاء، تولید صور قبیحه و اعمال پورنوگرافی

ج: استفاده از کودك برای فعالیتهای غیرقانونی مخصوصاً قاچاق مواد مخدر

د: کاری که برای سلامت، امنیت یا اخلاق کودك زیان آور باشد.

ماده ۱ کنوانسیون دولتهایی را که این کنوانسیون را تصویب می کنند ملزم نموده است اقدامات فوری و مؤثر برای تأمین و تضمین منع و محو بدترین اشکال کار کودك به عمل آورند.[1]

همراه با کنوانسیون یك توصیه‌نامه نیز در یك مقدمه و ۱۶ ماده تصویب شد که مشتمل بر رهنمودهایی بصورت مکمل کنوانسیون می‌باشد.

راجع به کار کمیته استاندارد قبلاً اشاره کردیم و هم‌اکنون نیز با اندکی تفصیل وضعیت جمهوری اسلامی ایران را در این کمیته در رابطه با مقاوله نامه شماره ۱۱۱ توضیح خواهیم داد.

۲ـ موقعیت ایران در کمیته استاندارد و تصمیم کمیته

همان‌طور که گفتیم دولت ایران مقاوله‌نامه شماره ۱۱۱ را تصویب کرده و مکلف است در مقررات و رویه عملی، اصول مربوط به رفع تبعیض در استخدام و اشتغال را رعایت نموده و گزارش اقدامات خود را به سازمان بین‌المللی کار بدهد و سازمان به‌وسیله دستگاههای نظارتی خود که مهمتر از همه کمیته استاندارد است نحوه اجرای

---

1. Provisional Record. 19 A I.L.O. eighty - seventh session, Geneva, 1999.

تعهدات دولت را مورد بررسی قرار می‌دهد.

سالهاست در کمیته استاندارد موضوع ایران و میزان اجرای تعهداتش نسبت به مقاوله‌نامه شماره ۱۱۱ بویژه در خصوص رفع تبعیض در استخدام و اشتغال بر اساس جنس و مذهب مورد بحث است، گزارش کمیته کارشناسان مطرح می‌شود و در جلسات کمیته استاندارد نمایندگان کارگران و کارفرمایان و دولتها در این خصوص بحث می‌نمایند و تاکنون پاسخها و توضیحات دولت ایران به طور کامل قانع کننده تلقی نشده و کمیته در پی استفاده از ابزار تماس مستقیم(Direct Contacts) برآمده است و سرانجام تصمیم خاصی گرفته شده که جهت آگاهی علاقه‌مندان خلاصه‌ای از ماوقع را بیان می‌کنیم.

گزارش کمیته کارشناسان

گزارش امسال (۱۹۹۹) کمیته کارشناسان در بخش مربوط به مقاوله‌نامه شماره ۱۱۱ حدود سه صفحه و نیم را به جمهوری اسلامی ایران اختصاص داده[1] و دو مسأله تبعیض بر اساس جنسیت و تبعیض بر اساس مذهب را مورد بررسی قرار داده است.

در قسمت مربوط به جنسیت، گزارش تقدیمی از سوی دولت در زمینه روند افزایش مستمر اشتغال زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی و همچنین افزایش اشتغال در امر آموزش و پرورش و نیز تعداد قابل توجه فارغ‌التحصیلان و نیز محصلین زن در مقطع آموزش عالی را مورد توجه قرار داده و آمارهای داده شده از سوی دولت را نقل کرده و به افزایش میزان مشارکت زنان در این زمینه‌ها تصدیق نموده است.

در این قسمت کمیته از دولت خواستار اطلاعات بیشتر در زمینه اقدامات مربوط به پیشرفت زیادتر در دستیابی زنان به فرصتهای شغلی و آموزشی و نیز تعداد زنان شاغل در مناصب قضایی شده است. همچنین به مسأله الزامی بودن داشتن حجاب و اثری که عدم رعایت حجاب از لحاظ اشتغال در بر دارد اشاره کرده و خواستار توضیح بیشتر در این زمینه شده است. نکته دیگری که کمیته در این قسمت به آن پرداخته مقررات ماده ۱۱۱۷ قانون

1 . Report of the Committee of Experts on the application of conventions and recommendations report 111 (part 1A) pp. 457 - 460.

مدنی است که به مرد اجازه می‌دهد همسر خود را از اشتغال به شغل و حرفه‌ای که منافی مصلحت خانوادگی یا مغایر حیثیت خود یا زن می‌داند بازدارد و اطلاعات بیشتری در مورد اصلاح و تجدیدنظر نسبت به این ماده را خواسته است.

در بخش مربوط به تبعیض بر اساس مذهب یادآوری نموده که بر اساس اطلاعات داده شده از سوی دولت تلاشهایی برای بهبود وضعیت اشتغال اقلیتهای مذهبی رسمی (مسیحی، یهودی، زرتشتی) به عمل آمده است.

ولی کمیته گزارش و اطلاعات دولت را در مورد اقلیت‌های غیر رسمی قانع کننده ندانسته و به گزارش نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران و نیز قطعنامه کمیسیون حقوق بشر که در آنها به تداوم نقض حقوق بشر در مورد بهائیان تأکید شده استناد می‌نماید و مقداری در مورد مسأله به رسمیت شناخته نشدن بهائیت به عنوان یك مذهب از سوی دولت ایران بحث مجادله می کند و به هر حال باز هم اطلاعات بیشتر و روشن‌تری را درباره اشتغال آنان از دولت می‌خواهد و اظهار نظر می کند که در جمهوری اسلامی عدم استخدام این گروهها در مشاغل عمومی بر مبنای اعتقاد مذهبی آنان است که به رسمیت شناخته نشده است. و به هر حال سرانجام با اشاره به اینکه دولت ایران تمایلی به پذیرش هیأت تماس مستقیم نشان نداده، مجدداً اظهار امیدواری نموده که دولت پیشنهاد پذیرش هیأت تماس مستقیم را با نظر مساعد مورد بررسی قرار دهد و پاسخ مثبت بدهد تا کمیته بتواند به اطلاعات کامل در مورد وضعیت اقلیت‌های مذهبی و دیگر گروههای مشخص دست یابد.

با توجه به گزارش کمیته کارشناسان در مورد وضعیت کنوانسیون‌های بین‌المللی کار و وضعیت کشورهای عضو نسبت به اجرای تعهداتشان، کمیته استاندارد اسامی دولتهایی را که لازم است در جلسات کمیته حضور یابند و نسبت به وضعیت خود توضیح داده و سؤالات و اظهارات اعضاء کمیته را استماع نموده و پاسخ لازم را بدهند، اعلام می‌نماید. در اجلاس سالجاری، اسامی ۲۳ کشور که هر کدام در خصوص یك یا چند مقاوله‌نامه می‌بایست در کمیته استاندارد توضیح دهند اعلام شد. در ارتباط با کنوانسیون ۱۱۱ دو کشور افغانستان و جمهوری اسلامی ایران دعوت شدند که با حضور در کمیته

استاندارد توضیحات تکمیلی خود را به کمیته بدهند.[1] افغانستان به خاطر اقداماتی که دولت طالبان در مورد زنان به عمل آوردند و مخصوصاً آنها را از مشاغل و تحصیل باز داشتند در گزارش کمیته کارشناسان سخت مورد انتقاد قرار گرفتند ولی البته از سوی افغانستان کسی در کمیته استاندارد حضور نیافت.

ولی جمهوری اسلامی ایران همان طور که قبلاً ذکر شد می‌بایست در خصوص تبعیض بر اساس جنسیت و بخصوص تبعیض بر اساس مذهب توضیحات بیشتری به کمیته استاندارد بدهد و موضع خود را در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش هیأت تماس مستقیم (direct contact mission) روشن نماید.

اظهارات نماینده ایران در کمیته استاندارد و پیشنهاد دیدار هیأت فنّی از ایران

به هر حال در تاریخ تعیین شده از سوی کمیته، نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران که نماینده دائم وزارت کار در دفتر سازمان بین‌المللی کار است در کمیته حضور یافت و توضیحات خود را در مورد مسائل مورد اشاره در گزارش کمیته کارشناسان ارائه داد. وی توضیحات و اطلاعات جدیدی در خصوص پیشرفت وضع زنان ارائه داد و تلاشهائی را که در زمینه اشتغال و آموزش آنها به عمل آمده و به نحو روزافزون در حال انجام است تشریح کرد، در رابطه با شغل قضائی زنان نیز با بیان تعداد بانوان شاغل در مناصب قضائی به احراز مشاغل گوناگون قضائی از جمله معاونت رئیس دادگستری استان، عضویت در دادگاه تجدیدنظر و دادیاری دیوان عالی کشور از سوی خانمها اشاره کرد و متذکر شد که دانشکده علوم قضائی نیز که دانشجویان آن متعهد به خدمت در دستگاه قضائی هستند هم اکنون دانشجوی دختر پذیرفته و مشغول تحصیل و آماده شدن برای احراز مناصب قضائی هستند.

در ارتباط با ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی نیز اظهار داشت که این ماده در واقع با ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده که در سال ۱۳۵۳ تصویب شده و هم اکنون به قوت خود باقی است و قدرت اجرایی دارد اصلاح شده است. طبق ماده ۱۸ مزبور اولاً تشخیص منافی بودن شغل همسر یا مصالح خانوادگی و مغایرت آن با حیثیت و شئون زن و شوهر که موجب منع زن از

1 . Committee on the Application of Standards, Geneva, june 1999, c. App., D. 5.

اشتغال به حرفه یا صنعتی می‌شد بعهدهٔ دادگاه گذاشته شده و تشخیص شوهر کافی نیست، ثانیاً همین حکم در مورد شوهر نیز پیش‌بینی شده یعنی زن هم می‌تواند با تشخیص دادگاه مانع اشتغال شوهر به حرفه یا صنعتی شود که آن را منافی مصالح خانوادگی و یا مغایر شئون و حیثیت خود یا شوهر می‌داند.[۱] و در واقع تبعیض از این حیثیت بین زن و مرد وجود ندارد.

در ارتباط با مسأله تبعیض بر اساس مذهب نماینده ایران اظهار داشت همان‌گونه که قبلاً هم بارها اعلام داشته هیچیك از اصول قانون اساسی و مواد قانون کار دلالتی بر تبعیض در اشتغال بر اساس مذهب ندارند. تصمیمات مربوط به استخدام افراد در دستگاههای عمومی و دولتی نیز بر مبنای نیاز هر دستگاه و صلاحیت‌های لازم برای احراز شغل و ملاحظه رعایت امنیت ملی اتخاذ می‌شود. عضو یك مذهب رسمی نبودن، شخصی را از برخورداری از حقوقی که هر کس به عنوان یك شهروند دارد محروم نمی کند. قانون اساسی صریحاً اعلام می کند که: هر کس حق دارد شغلی را برگزیند و دولت مکلف است شرایط مساوی را برای افراد جهت دستیابی به شغل فراهم نماید.[۲] و اضافه کرد که دولت هم اکنون قویاً خود را متعهد می‌داند که قانون اساسی را بطور کامل اجرا نماید.

نماینده ایران آنگاه آماری در مورد وضعیت اشتغال اقلیت‌های مسیحی، یهودی و زرتشتی ارائه داد. و در پایان با اشاره به دیدار موفقیت آمیز دو گروه کارگری و کارفرمائی سازمان بین‌المللی کار اعلام داشت که ایران آماده است یك هیأت فنی را (Technical Mission) از سازمان جهت بازدید از کشور و بحث و مذاکره در مورد اجرای مقاوله‌نامه ۱۱۱ دعوت

---

۱ . ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی که از سوی کمیته کارشناسان تبعیض آمیز شناخته شده بدین شرح است: «شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.»
و ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده چنین است:
«شوهر می تواند با تأیید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می تواند از دادگاه چنین تقاضائی را بنماید. دادگاه در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می کند.»

۲ . اشاره است به اصل ۲۸ قانون اساسی که به طور مطلق اعلام می‌دارد: «هر کسی حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند، دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.»

نماید و بزودی دعوت نامه کتبی آن نیز ارسال خواهد شد. لازم به یادآوری است که «هیأت فنی» (Technical Mission) اصطلاح و عنوان جدیدی است که می توان گفت در پی مذاکرات زیاد بین ایران و مسؤولین دستگاه نظارتی سازمان بین‌المللی کار اختراع و وارد ساز و کارهای نظارتی سازمان گردید، می توان آن را یك روش بینابین دانست یعنی نه صرفاً یك هیأت معاضدت و کمك‌رسانی است که تحت عنوان (Technical Assistence) وجود داشته و نه یك هیأت کاملاً نظارتی و بازرسی است که تحت عنوان هیأت تماس مستقیم در مکانیزم سازمان بین‌المللی کار وجود دارد و کمیته کارشناسان توصیه می کردند که ایران از چنین هیأتی دعوت به‌عمل آورد. در هر صورت باید منتظر دعوت و حضور هیأت فنی[1] بود و در عمل نحوه کار آن را دید، در صورتی که این کار انجام شود از این پس در روند رسیدگی سازمان بین‌المللی کار این مرحله از بررسی نیز جای خود را باز خواهد کرد.

باری، پس از سخنان نماینده دولت ایران، نمایندگان گروههای کارگری و کارفرمائی و نمایندگان برخی دولتها صحبت کردند و نظرات خود را ارائه دادند برخی به طول مدت مطرح بودن موضوع ایران در ارتباط با کنوانسیون ۱۱۱ که از ۱۹۸۰ تاکنون ادامه داشته و ۷ بار تحت پاراگراف ویژه قرار داشته و اینکه موضوع دارد به مراحل مثبتی می رسد اشاره کردند. در مجموع می توان گفت کسانی که پس از گزارش نماینده ایران به اظهار نظر پرداختند، از توضیحات نماینده ایران تشکر نمودند و پذیرفتند که در زمینه مسائل مربوط به اشتغال زنان و اقلیت‌های مذهبی شناخته شده در خصوص رفع تبعیض و اجرای کنوانسیون ۱۱۱ گامهای مثبتی برداشته شده و پیشرفتهائی حاصل شده است هر چند هنوز بعضی تأمّلات داشتند ولی در خصوص اقلیت‌های غیر رسمی و مخصوصاً فرقه بهائی توضیحات ارائه شده را کافی و قانع کننده ندانستند و عموماً از پیشنهاد دعوت هیأت فنی برای بازدید از ایران استقبال نموده یا مخالفتی ننمودند.

جمع بندی کمیته استاندارد

پس از پایان بحث نماینده ایران و اعضای کمیته، رئیس کمیته استاندارد جمع‌بندی

---

۱. یك هیأت سه نفره از سازمان بین‌المللی کار در هفته دوم آبان ماه ۱۳۷۸ تحت عنوان «هیأت فنّی» از ایران بازدید نموده و با مقامات مختلف دولتی و کارگری و کارفرمائی و حقوق بشری و زنان و اقلیتهای مذهبی ملاقات و درباره مسائل مربوطه مذاکره نمودند.

کمیته را بدین شرح اعلام داشت: کمیته اطلاعات مشروح شفاهی را که از سوی نماینده ایران داده شد و نیز بحثهائی که متعاقب آن صورت گرفت را مورد توجه قرار داد. کمیته یادآوری می‌نماید که در این کمیته موضوع ایران سالهاست که فراوان مورد بحث قرار گرفته است. کمیته تلاشهایی را که جهت ارتقاء وضع اشتغال زنان و اقلیت‌های مذهبی شناخته شده به عمل آمده مورد توجه قرار می‌دهد ولی با نگرانی به این معنی نیز توجه دارد که جنبه عملی این اقدامات همچنان مبهم بوده و مسائل و مشکلات قابل ملاحظه‌ای در اجرای کنوانسیون (شماره ۱۱۱) هنوز پابرجاست.

کمیته از تمایل دولت برای دعوت از هیأت فنی (Technical Mission) جهت بررسی مسائلی که در گزارش کمیته کارشناسان و در مباحث کمیته استاندارد در ارتباط با اجرای کنوانسیون ۱۱۱ مطرح شده استقبال می کند. کمیته همچنین به تمایل دولت ایران به بهبود اجرای کنوانسیون توجه دارد. کمیته امیدوار است که بازدید هیأت فنی هرچه زودتر صورت پذیرد تا نتایج بازدید آن بتواند مورد بررسی کمیته کارشناسان در اجلاس آینده‌شان قرار گیرد. کمیته همچنین از دولت ایران درخواست می نماید که اطلاعات کامل در زمینه اقداماتی که برای محو هر نوع تبعیض در اشتغال که در کنوانسیون ممنوع شده و تمهیداتی که در قانونگذاری و رویه عملی برای دستیابی بدون تبعیض به مشاغل اندیشیده است را در اختیار کمیته کارشناسان قرار دهد. و سرانجام، کمیته امیدواری قاطع خود را ابراز می‌دارد که دولت ایران بزودی در وضعیتی باشد که به کمیته کارشناسان گزارش دهد قوانین و رویّه‌های عملی‌اش در همه زمینه‌ها منطبق با کنوانسیون شماره ۱۱۱ می‌باشد.[۱]

---

۱. مذاکرات کمیته استاندارد از خلاصه مذاکرات منتشره از سوی کمیته استاندارد، شماره ۲۳، بخش ۲ نقل شده است.
Provisional Record / 23 part two, eighty seventh session, Geneva 1997.

کمیته رفع تبعیض نژادی
و بررسی گزارش جمهوری اسلامی ایران

پنجاه و پنجمین اجلاس کمیته رفع تبعیض نژادی از تاریخ ۲ تا ۲۷ اوت ۱۹۹۹ (۱۱ مرداد تا ۵ شهریور ماه ۱۳۷۸) در مقر دفتر اروپائی سازمان ملل در ژنو تشکیل شد و ضمن رسیدگی به مسائل مختلف مربوط به رفع تبعیض نژادی گزارش دوره‌ای ۱۳ کشور از کشورهای عضو کنوانسیون رفع تبعیض نژادی را مورد بررسی قرارداد.

جمهوری اسلامی ایران نیز از زمره کشورهائی بود که در این اجلاس به گزارش دوره‌ای آن رسیدگی می‌شد و در دو جلسه سه ساعته عصر و صبح چهارشنبه و پنجشنبه ۱۳ و ۱۴ مرداد ماه سال جاری (۱۳۷۸) با حضور هیأت ایرانی، این گزارش مورد رسیدگی قرار گرفت، به روال همیشگی که اطلاع‌رسانی در زمینه مسائل مربوط به حقوق بشر و دیدگاههای مجامع بین‌المللی و تعهدات جهانی جمهوری اسلامی ایران را در حد مقدور وظیفه خویش می‌دانم بر آن شدم که در این زمینه نیز با نگارش مقاله‌ای اطلاعاتی را در اختیار علاقه‌مندان این مباحث و مسئولین ذی‌ربط قرار دهم. مطالب این مقاله در سه بخش: ۱ـ معرفی کنوانسیون رفع تبعیض نژادی ۲ـ مکانیزم نظارت بر اجرای کنوانسیون ۳ـ بررسی گزارش جمهوری اسلامی ایران و جمع‌بندی کمیته، ارائه خواهد شد.

بخش اول: کنوانسیون رفع تبعیض نژادی

الف ـ تاریخ تصویب

این کنوانسیون در ۲۱ دسامبر سال ۱۹۶۵ طی قطعنامه شماره A(XX) ۲۱۰۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، طبق ماده ۱۹، سی روز پس از تودیع بیست و هفتمین سند تصویب یا الحاق به دبیر کل سازمان ملل، کنوانسیون قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد و هر دولتی که بعد از تاریخ مزبور آن را تصویب نماید، سی روز پس از توديع سند الحاقی یا تصویب برای آن دولت لازم‌الاجرا خواهد بود. کنوانسیون مزبور با توجه به تحقق شرط مندرج در ماده ۱۹ در تاریخ ۴ ژانویه ۱۹۶۹ قدرت اجرایی پیدا کرد.[۱]

تا این تاریخ تعداد ۱۵۰ دولت به عضویت این کنوانسیون در آمده‌اند.[۲] دولت ایران نیز در تاریخ ۱۷ اسفندماه ۱۳۴۵ آن را امضا و در تاریخ ۳۰ تیرماه ۱۳۴۷ با تصویب مجلس شورا و سنا رسماً به عضویت آن در آمده و به اجرای مفادش متعهد گردیده است.[۳]

ب ـ سابقه و هدف تدوین کنوانسیون

علاوه بر منشور ملل متحد که در آن بر منع تبعیض نژادی اشاره شده، در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقهای بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و اقتصادی ـ اجتماعی و فرهنگی، دولتها پذیرفته‌اند که همه اعضای خانواده بشری، حقوق مساوی و غیرقابل سلب دارند و متعهد شدند که این حقوق را تأمین و از آنها دفاع کنند.

در عین حال، تبعیض نژادی، مانعی برای تحقق کامل حقوق بشر بود و علیرغم اینکه در برخی زمینه‌ها پیشرفت‌هایی حاصل شده بود، تفاوتها، محدودیتها، محرومیتها و امتیازات مبتنی بر نژاد، رنگ، اصل و نسب، ملیت و قومیت همچنان موجب نزاع و مسبب رنج و صدمه فوق‌العاده به زندگی بشری می‌شد و از این رو سازمان ملل متحد، محو تبعیض نژادی را هدف کار خویش قرار داد، و نخستین گام را مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۳ با تصویب اعلامیه محو تبعیض نژادی در این زمینه برداشت.

---

۱. نظام بین‌المللی حقوق بشر، ص ۸۳.

۲. گزارش کمیته رفع تبعیض نژادی به مجمع سازمان ملل، سند شماره A/53/18، سال ۱۹۹۸، ص ۱۰۳.

۳. مجموعه قوانین سال ۱۳۴۷، چاپ روزنامه رسمی، ص ۸۴.

اعلامیه محو تبعیض نژادی به چهار نکته مهم اشاره داشت:

۱ـ هر گونه دکترین و نظریه مبتنی بر اختلاف نژادی یا برتری نژادی، از نظر علمی غلط، از لحاظ اخلاقی محکوم، و از لحاظ اجتماعی غیرعادلانه و خطرناك است و هیچگونه توجیه علمی و عملی ندارد.

۲. تبعیض نژادی، حقوق اساسی بشر را نقض می کند، روابط دوستانه بین افراد، همکاری ملتها و صلح جهانی را به خطر می اندازد.

۳ـ تبعیض نژادی نه تنها به کسانی که مورد تبعیض قرار می گیرند، صدمه می‌زند بلکه برای مرتکبین تبعیض نیز زیان آور و خطرناك است.

۴ـ هدف اساسی سازمان ملل متحد، ذاشتن یك جامعه جهانی است. که از جدایی و تبعیض نژادی که عوامل دشمنی و تفرقه هستند آزاد باشد.[۱]

و سرانجام چنانکه گفتیم در سال ۱۹۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل موفق شد یك سند تعهدآور یعنی کنوانسیون رفع تبعیض‌نژادی را تصویب کند که از آن به عنوان جامع ترین و واضح ترین معاهده برای بیان اندیشه تساوی نژادی توصیف شده است.[۲]

ج‌ـ محتوای کنوانسیون

کنوانسیون رفع تبعیض نژادی مشتمل بر یك مقدمه نسبتاً طولانی و ۲۵ ماده است[۳] که مواد ۱ تا ۷ آن مسائل محتوائی مربوط به رفع تبعیض و تکلیف دولتها در اندیشیدن تمهیدات لازم برای این منظور را بیان کرده‌اند.

در مقدمه به مقررات منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر مبنی بر تساوی کلیه افراد انسانی و رفع هر نوع تبعیض اشاره شده و همانند مفاد اعلامیه رفع تبعیض نژادی

---

۱. نظام بین‌المللی حقوق بشر، ص ۸۴ و Fact Sheet. no.12.P:6 و برای ملاحظه متن اعلامیه رجوع کنید به: A Compilation of International Instruments چاپ سازمان ملل متحد، نیویورك، سال ۱۹۸۸، ص ۵۲.

2. Buergenthal: International Human Rights
چاپ دوم، از شرکت انتشارات غرب، ایالات متحده آمریکا، سال ۱۹۹۵، ص ۶۱

۳. برای ملاحظه متن فارسی کنوانسیون رجوع کنید به: مجموعه قوانین سال ۱۳۷۴، چاپ روزنامه رسمی، ص ۳۴۳ به بعد و برای متن انگلیسی بنگرید: A Compilation of International Instruments P: 56

این مطلب تصریح شده که فرضیه سیادت و حقوق مبتنی بر اختلاف بین نژادها عملاً مردود و اخلاقاً محکوم و از نظر اجتماعی غیرعادلانه و خطرناك است، و تبعیض نژادی سدی در برابر وجوه روابط دوستانه و مسالمت آمیز میان ملل بوده و با آرمانهای جامعه بشری قابل جمع نیست.

مواد ۱ تا ۷ به موضوعات زیر پرداخته‌اند:

۱ـ تعریف تبعیض نژادی

۲ـ تعهد دولتها به محکوم نمودن تبعیض نژادی و جرم دانستن فعالیتهای مربوط به تبعیض نژادی

۳ـ تعهد دولتها به رعایت حقوق اساسی همه افراد بدون تبعیض

که ذیلاً توضیح کوتاهی نسبت به آنها خواهیم داد:

۱ ـ تعریف تبعیض نژادی

ماده ۱ کنوانسیون، تبعیض مورد نظر این کنوانسیون را چنین تعریف کرده است: «اصطلاح تبعیض نژادی از نظر این کنوانسیون به معنای هر گونه تبعیض، محرومیت، محدودیت یا امتیاز بر مبنای نژاد، رنگ، اصل و نسب، یا ریشه ملی یا قومی است که در شناسایی، برخورداری یا اجرای مساوی حقوق بشر و آزادیهای اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر زمینه‌های مربوط به زندگی عمومی لطمه وارد می‌سازد».

در بندهای ۲ و ۳ ماده یك به این معنی اشاره شده که مقررات این کنوانسیون در مورد تفاوتها، محدودیتها و امتیازاتی که یك دولت عضو کنوانسیون بین اتباع خود و اتباع کشورهای دیگر قائل می‌شود، اجرا نخواهد شد، همچنین مقررات این کنوانسیون تأثیری بر قواعد مربوط به تابعیت و پذیرش تابعیت دولتهای عضو ندارند مشروط بر اینکه این مقررات ملت خاصی را مورد تبعیض قرار ندهد.

طبق بند ۴ همین ماده اگر با هدف تسریع در وصول به تساوی و رفع تبعیض، حمایتهای خاصی از گروهی به عمل آید، این امر، تبعیض محسوب نمی‌شود، مشروط بر اینکه پس از رسیدن به هدف، با همه یکنواخت رفتار شود و حقوق ویژه‌ای برای افراد و یا گروههای خاصی به وجود نیاید.

کنوانسیون و تبعیض مذهبی

نکته ظریف و مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا تبعیض مذهبی نیز مشمول تعریف تبعیض موضوع این کنوانسیون قرار می گیرد و در نتیجه کمیته رفع تبعیض نژادی که به گزارش دولتهای عضو در زمینه اجرای مفاد کنوانسیون می‌پردازد، صلاحیت دارد که در خصوص رفع تبعیض مذهبی نیز توضیح بخواهد و در این زمینه بررسی کند یا خیر؟

در اینکه در اسناد حقوق بشری سازمان ملل از قبیل منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مقاوله نامه شماره ۱۱۱ سازمان بین‌المللی کار، اعلامیه محو انواع نابردباری و تبعیض مذهبی (مصوب مجمع عمومی سازمان ملل سال ۱۹۸۱) بر رفع تبعیض مذهبی تأکید شده و دولتهای عضو اسناد تعهدآور از قبیل مقاوله‌نامه شماره ۱۱۱ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، باید نسبت به عملکرد خود در این زمینه به نهادهای مربوط چون کمیته حقوق بشر و کمیته استاندارد سازمان بین‌المللی کار پاسخگو باشند. تردیدی نیست ولی در اینجا بحث این است که کنوانسیون رفع تبعیض نژادی با تعریفی که در ماده ۱ آن شده قابل تسری به تبعیض مذهبی نیز هست یا خیر؟ و در نتیجه کمیته رفع تبعیض نژادی صلاحیت بررسی مسأله رفع تبعیض مذهبی در مورد دولت عضو را دارد یا خیر؟

چنانکه دیدیم تعریف ماده ۱ کنوانسیون از تبعیض نژادی صرفاً شامل رنگ، نژاد، قومیت، ملیت و اصل و نسب می‌باشد و اشاره‌ای به مبنای مذهبی در آن نشده، تاکنون هم تفسیر معتبری از مرجع صلاحیت‌دار از این ماده به عمل نیامده که آن را به تبعیض مذهبی نیز تسری بدهد ولی آن طور که از اظهارات برخی از اعضای کمیته رفع تبعیض نژادی برمی‌آید، این است که تعدادی از آنها بر این باورند چون تبعیض مذهبی نیز در بسیاری از اسناد بین‌المللی حقوق بشر در ردیف تبعیضات قومی، نژادی، و زبانی ذکر شده و اصولاً افراد متعلق به یك مذهب نیز بگونه‌ای خود یك قوم به حساب می آیند باید کنوانسیون را شامل تبعیض مذهبی نیز دانست و به کمیته رفع تبعیض نژادی این حق را داد که در این خصوص نیز بررسی نماید چنانکه در رسیدگی به گزارش ایران این مسأله را مطرح

می کردند ولی این نظر مورد اتفاق اعضای کمیته نبود. چنانکه در همین اجلاس سال جاری، رئیس کمیته شدیداً نسبت به اظهارات یکی از اعضاء کمیته که در مورد وضع اقلیت‌های مذهبی سؤال می کرد، عکس العمل نشان داد و اظهار داشت ما باید در محدوده صلاحیت خودمان عمل کنیم و بررسیهایمان محدود به تبعیض نژادی و قومی باشد، مسائل مربوط به تبعیض مذهبی در جای دیگر باید مورد رسیدگی قرار گیرد. به هر حال بلحاظ گزارشات مربوط به وجود قوانین و رویه‌های تبعیض آمیز بین مسلمانان و غیر مسلمانان در جمهوری اسلامی ایران، همواره این چالش بین کمیته رفع تبعیض نژادی و هیأت نمایندگی ایران وجود داشته است و تا وقتی مرجع ذیصلاحی (که می تواند طبق ماده ۲۲ کنوانسیون، دیوان بین المللی دادگستری باشد،) تفسیر معتبری را ارائه نداده است، این چالش باقی است.

۲ـ تعهد دولتها

طبق ماده ۲، دولتهای عضو متعهدند تبعیض نژادی را محکوم نموده و با توسل به کلیه وسائل مقتضی و بدون درنگ، سیاستی را دنبال کنند که هدف آن از بین بردن هر نوع تبعیض نژادی و تسهیل توافق و تفاهم در بین کلیه نژادها باشد و به حکم ماده ۳ دولت عضو باید هر گونه جداسازی نژادی و آپارتاید را تقبیح و محکوم نموده در کلیه سرزمینهای تحت قلمرو صلاحیت آنها انجام این قبیل اعمال و روشها را ممنوع ساخته و آن را از بین ببرند.

طبق ماده ۴ کنوانسیون، دولتهای عضو باید هر نوع تبلیغات و تشکیلات مبتنی بر نظریه برتری یك نژاد یا گروه را محکوم نموده و هر نوع تلاش برای توجیه و تشویق تنفر و تبعیض نژادی را تقبیح نمایند و مخصوصاً باید هر نوع اشاعه و نشر اندیشه‌های مبتنی بر برتری یا نفرت نژادی و تحریك به تبعیض نژادی و نیز هر گونه عمل خشونت بار یا تحریك به تبعیض نژادی را قانوناً جرم و مستوجب مجازات اعلام نمایند و هر نوع مساعدت و کمك مالی به فعالیتهای تبعیض نژادی و عضویت در سازمانهای مشوق تبعیض نژادی را نیز قانوناً جرم و قابل مجازات بدانند.

ماده ۶ کنوانسیون، دولتهای عضو را متعهد می نماید از کلیه افراد داخل در قلمرو قضائی خود در برابر هر نوع تبعیض نژادی که حقوق بشر و آزادیهای اساسی آنها را برخلاف مقررات این کنوانسیون مورد تجاوز قرار دهد حمایت نموده و حق افراد را در مطالبه غرامت

و جبران عادلانه و متناسب خساراتی که بر اثر اعمال تبعیض نژادی وارد می‌شود تضمین نمایند.

و ماده ۷ به دولتها گوشزد می‌نماید که باید اقدامات مؤثر فرهنگی و آموزشی را برای مبارزه با نژادپرستی و تعمیم و بسط روحیه تفاهم و گذشت و سازش و مودت در میان ملل و گروهها و اقوام و نژادها به عمل آورند.

۳- حقوق اساسی لازم‌الرعایه برای همه بدون تبعیض

ماده ۵ کنوانسیون بر تعهد دولتهای عضو به رفع هر گونه تبعیض نژادی در تمام اشکال آن و تضمین برقراری حقوق برای هر فرد و تساوی همه افراد در برابر قانون بدون تبعیض و تمایز از حیث نژاد، رنگ، یا ریشه ملی و قومی تأکید نموده و مشخصاً حقوق اساسی لازم‌الرعایه زیر را که دول عضو مکلف به اجرای آنها درباره افراد هستند بدین شرح برمی‌شمارد:

الف- حق برخورداری از رفتار مساوی در برابر محاکم.

ب- حق برخورداری از امنیت شخصی و حمایت دولت در برابر تجاوز و صدمه جسمی از ناحیه مأمورین دولت و یا هر فرد، دسته یا تشکیلات.

ج- حقوق سیاسی و بخصوص حق شرکت در انتخابات و رأی دادن و نامزد شدن بر اساس سیستم اخذ رأی همگانی و یکسان و حق مشارکت در حکومت و اداره امور عمومی و حق نیل به مشاغل عمومی و دولتی به هر رتبه و مقام در شرایط مساوی.

د- سایر حقوق مدنی خصوصاً:

۱- حق رفت و آمد آزاد و انتخاب اقامتگاه در داخل کشور

۲- حق ترك هر کشور و منجمله کشور خود و بازگشت به آن

۳- حق داشتن تابعیت

۴- حق ازدواج و انتخاب همسر

۵- حق تملك

۶- حق توارث

۷- حق آزادی فکر و وجدان و مذهب

۸ـ حق آزادی عقیده و بیان
۹ـ حق آزادی اجتماع و تشکیل جمعیت‌های مسالمت آمیز
هـ ـ حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خصوصاً:
۱ـ حق کار کردن و انتخاب آزاد شغل
۲ـ حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی و عضویت در آنها
۳ـ حق مسکن
۴ـ حق استفاده از بهداشت عمومی
۵ـ حق تحصیل
۶ـ حق مشارکت در فعالیتهای فرهنگی
۷ـ حق دسترسی به کلیه اماکن خدماتی عمومی مانند پارکها، سینماها، هتلها و...

چنانکه ملاحظه می‌شود همه حقوق سیاسی، مدنی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) ذکر شده و دولتهای عضو موظف به رعایت و اجرای آنها در مورد اتباع خود شده‌اند، در این کنوانسیون، مورد تعرض واقع شده و دولتهای عضو مکلف شده‌اند نسبت به همه اتباع از هر نوع نژاد، رنگ، قبیله و زبان بدون تبعیض اجرا نمایند.

نحوه الحاق به کنوانسیون و خروج از آن

طبق ماده ۱۷، کنوانسیون رفع تبعیض نژادی برای امضاء هر دولت عضو سازمان ملل یا یکی از مؤسسات تخصصی آن یا هر دولتی که اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری را امضاء کرده یا دولتی که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل برای عضویت در کنوانسیون دعوت شود مفتوح است و باید به تصویب مراجع ذی‌صلاح دولت مربوط برسد و سند تصویب به دبیر کل سازمان ملل تسلیم شود، بر اساس ماده ۱۹، این کنوانسیون سی روز پس از تاریخ تسلیم بیست و هفتمین سند تصویب یا الحاق به دبیر کل سازمان ملل متحد لازم‌الاجرا خواهد شد و برای دولی که پس از تسلیم بیست و هفتمین سند بدان ملحق می‌شوند، سی روز پس از تاریخی که سند تصویب یا الحاق خود را به دبیر کل تسلیم نمایند،

لازم‌الاجرا خواهد بود. و همان‌طور که گفتیم در تاریخ ۴ ژانویه ۱۹۶۹ با تحقق شرط مندرج در ماده ۱۹، کنوانسیون قدرت اجرائی پیدا کرد.

خروج از کنوانسیون

ماده ۲۱ می گوید: هریك از دول عضو می تواند این کنوانسیون را با اطلاع کتبی به دبیر کل سازمان ملل متحد فسخ کند و از تعهدات مربوط به آن خود را آزاد نماید. فسخ کنوانسیون یك سال پس از تاریخ وصول اعلامیه مربوط به فسخ به دبیر کل، نافذ خواهد بود.

حل اختلافات

مرجع حل اختلافات در مورد تفسیر و یا اجرای این کنوانسیون دادگاه بین‌المللی دادگستری است، طبق ماده ۲۲: اختلافات بین دو یا چند دولت عضو، راجع به تفسیر و یا اجرای کنوانسیون که از طریق مذاکره یا از طرق دیگر مقرر در این کنوانسیون حل و فصل نشود، بنا به درخواست هریك از طرفین اختلاف به دادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد تا در مورد آن تصمیم گیری نماید.

حق شرط

دولتها می توانند هنگام امضا یا تصویب کنوانسیون آن را با قیود و شروطی قبول کنند و نسبت به برخی از مواد آن اعلام تحفظ نمایند. دبیر کل سازمان ملل شروط اعلام شده از سوی هریك از دولتها را به اطلاع سایر دولتهای عضو می‌رساند و آنها می توانند نسبت به این شروط اعتراض نمایند.

طبق بند ۲ ماده ۲۰ شروط و قیودی که با موضوع و هدف کنوانسیون مغایر باشد و یا فعالیت یکی از ارگانهای مولود کنوانسیون را فلج سازد مجاز نخواهد بود. چنانچه دوسوم کشورهای عضو نسبت به شرطی اعتراض نمایند آن شرط غیرقابل قبول خواهد بود.

قابل ذکر است که تعدادی از دولتها هنگام تصویب کنوانسیون نسبت به برخی از مواد اعلام حق شرط نموده‌اند و مخصوصاً بسیار از دولتها نسبت به ماده ۲۲ که مقرر می‌دارد در صورت اختلاف در تفسیر کنوانسیون، به درخواست هریك از دولتهای دیگر، حل اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع می‌شود اعلام حق شرط و تحفظ کرده‌اند.

به عنوان نمونه دولت آمریکا هنگام تصویب کنوانسیون در اکتبر ۱۹۹۴ آن را با قیود (reservation) زیادی پذیرفته است که اجمالاً بدین شرح است:

۱ـ باتوجه به اینکه در قانون اساسی آمریکا به نحو گسترده‌ای از آزادی نطق، بیان و اجتماعات یاد شده است بنابراین دولت ایالات متحده هیچ نوع تعهدی را طبق این کنوانسیون مخصوصاً طبق مواد ۴ و ۷ از طریق وضع قانون یا هر ترتیب و اقدام دیگر در جهت محدود کردن این آزادیهای فردی مورد حمایت قانون اساسی خود، تقبل نخواهد کرد.

۲ـ قانون اساسی و قوانین دیگر ایالات متحده آمریکا تمهیدات زیادی را علیه تبعیض نژادی اندیشیده‌اند ولی باید توجه داشت که حرمت زندگی خصوصی افراد و عدم دخالت دولت در رفتار خصوصی مردم به هر حال از جمله ارزشهای اساسی شناخته شده است که جامعه آزاد و دموکراتیك آمریکا را شکل می‌دهد، بنابراین مقررات کنوانسیون تا آن حدّ که دولتها را متعهد می‌کند مقررات محدود کننده رفتار شخصی افراد را گسترش دهند، دولت آمریکا نمی‌تواند آنها را قبول نماید و از این رو هیچگونه تعهدی برای وضع قوانین یا اتخاذ اقدامات دیگر طبق پاراگراف ۱ ماده ۲ و بند ج و د آن و ماده ۳ و ۵ در ارتباط با رفتار شخصی افراد نمی‌پذیرد مگر در حدی که در خود قانون اساسی ایالات متحده آمریکا آمده باشد.

در ارتباط با ماده ۲۲ نیز اعلام می‌دارد که ارجاع مورد اختلاف به دیوان بین‌المللی دادگستری بدون موافقت قبلی دولت آمریکا در هر مورد قابل قبول نیست.

همچنین دولت آمریکا اعلام می‌دارد که مقررات کنوانسیون خودبخود قابل اجرا نیست. یعنی برای اجرای مقررات آن باید قوانین داخلی وضع گردد.[1]

همچنین برخی از دولتها نسبت به ماده ۱۷ از این جهت که پیوستن به کنوانسیون را محدود به دولتهای عضو سازمان ملل یا عضو یکی از مؤسسات تخصصی یا دولتی که اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری را امضاء کرده باشد نموده، نوعی تبعیض دانسته و نسبت به آن اعلام تحفظ کرده‌اند.[2]

---

1. Multilateral Treaties:
Deposited with the Secretary - General Status as at 31 Decemrber 1996.p:101

2. Status of International Instruments/United Nations, New York .1987. P:99

دولت ایران بدون هیچگونه قید و شرطی کنوانسیون مزبور را تصویب کرده، و به عضویت آن در آمده است.

بخش دوم: نظارت بر اجرای مفاد کنوانسیون و کمیته رفع تبعیض نژادی

برای تضمین حسن اجرای مقررات کنوانسیون از سوی دولتهای عضو، در خود کنوانسیون، ساز و کار مشخصی پیش‌بینی شده است، نهادی به نام کمیته رفع تبعیض نژادی (the committee on the elimination of racial discrimination) طبق کنوانسیون تأسیس می‌شود که به روشهای مختلف تعیین شده ناظر بر حسن اجرای مقررات کنوانسیون باشد. عبارت اختصاری که برای این کمیته به کار برده می‌شود «سرد CERD» می‌باشد.

کمیته رفع تبعیض نژادی و وظایف آن

ماده ۸ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «کمیته‌ای به منظور رفع تبعیضات نژادی (که از این پس کمیته نامیده می‌شود) مرکب از هجده نفر کارشناس واجد صفات عالی اخلاقی و بیطرفی که از باب اهلیت و مقام شخصی خود انجام وظیفه خواهند نمود و از طرف دول عضو با توجه به لزوم توزیع جغرافیایی عادلانه و در برگرفتن اشکال مختلف تمدن و سیستم‌های عمده قضایی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد».

برای انتخاب اعضاء کمیته، هریك از دول عضو یکی از اتباع خود را نامزد می‌کند و دبیر کل سازمان ملل همه دول عضو را دعوت می‌کند که در جلسه‌ای در مقر سازمان ملل حضور یابند، جلسه با حضور دو سوم دول عضو رسمیت خواهد داشت و انتخابات صورت می‌گیرد، نامزدهائی که اکثریت مطلق آراء و بیشترین رأی را بدست آورند، انتخاب خواهند شد. مدت عضویت اعضاء کمیته چهار سال است ولی عضویت نه نفر از اعضاء (نصف اعضاء) در نخستین دوره پس از دو سال منقضی می‌شود و رئیس کمیته بلافاصله پس از انجام نخستین انتخابات، اسامی این نه عضو را به حکم قرعه تعیین می‌نماید (بندهای ۳ تا ۵ ماده ۸). هزینه اعضای کمیته در حین انجام وظیفه از سوی دولتهای عضو تأمین می‌شود. (بند ۶ ماده ۸)

طبق ماده ۱۰ کنوانسیون، آئین‌نامه و مقررات داخلی کمیته به وسیله خود اعضاء کمیته تعیین و تصویب خواهد شد. کمیته هیأت رئیسه‌ای دارد که برای مدت دو سال

انتخاب می‌شوند، دبیرخانه کمیته به عهده دبیر کل سازمان ملل متحد است، و جلسات کمیته عادتاً در مقر سازمان ملل و معمولاً دو نوبت در سال به مدت حدود سه هفته تشکیل می‌شود.

برنامه کار و مقررات رسیدگی طبق آیین نامه اجرایی ۹۹ ماده‌ای که به وسیله کمیته تدوین و تصویب شده، انجام می‌گیرد.[۱]

قابل توجه است که کمیته رفع تبعیض نژادی نخستین کمیته از سری نهادهای ناشی از معاهدات (treaty bodies) است که در سازمان ملل تصویب و تشکیل شده است. کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد هنگام بحث و بررسی پیرامون کنوانسیون رفع تبعیض با این دیدگاه که تصویب کنوانسیون بدون پیش‌بینی ابزار اجرائی برای آن نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت، مقررات مربوط به تأسیس این کمیته را در آن درج کرد. کمیته رفع تبعیض نژادی سابقه‌ای برای تأسیس نهادهای مشابه دیگر در کنوانسیونهای دیگر حقوق بشری شد. پس از کمیته رفع تبعیض نژادی پنج نهاد دیگر ناشی از معاهدات (treaty body) به ترتیب به وجود آمد که عبارتند از: کمیته حقوق بشر در رابطه با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی کمیته رفع تبعیض علیه زنان، کمیته ضدشکنجه، کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و کمیته حقوق کودک.[۲]

کمیته رفع تبعیض نژادی به سه طریق نظارت خود را برای اجرای مقررات کنوانسیون از سوی دول عضو اعمال می‌نماید که عبارتند از: بررسی گزارشهای دول عضو، شکایت دولت از دولت و شکایت افراد از دولت خود.

۱ـ *بررسی گزارشهای دولتها*

مهمترین و عمومی‌ترین روش انجام وظیفه کمیته بررسی گزارشهای دوره‌ای دولتهای عضو در زمینه اجرای مقررات کنوانسیون است.

---

1. CERD/C/35/RFV.3
Rules of Procedure of the Committee on the Elimination of Racial Discrimination
چاپ نیویورک ۱۹۸۶

2. Fact Sheet.No.12p:3

طبق ماده ۹ کنوانسیون دولتهای عضو متعهدند گزارشی درباره اقدامات قانونی و قضایی و اداری و غیره که به منظور اجرای مقررات و مفاد این قرارداد معمول داشته‌اند در مواعد زیر به دبیر کل تسلیم نمایند که مورد مطالعه و بررسی کمیته قرار گیرد:

الف ـ ظرف یك سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قرارداد در مورد هر یك از دول

ب ـ متعاقباً هر دو سال یك بار و بعلاوه هر وقت که کمیته چنین تقاضائی بنماید.

گزارش اول به عنوان گزارش مقدماتی و گزارشهای بعدی، به گزارش ادواری یا دوره‌ای موسومند.

طبق ماده ۶۳ آیین نامه داخلی، کمیته می‌تواند از طریق دبیر کل سازمان ملل نظرات خود را نسبت به شکل و محتوای گزارشهائی که دول عضو طبق ماده ۹ کنوانسیون باید تقدیم نمایند به دولتهای مربوطه اعلام نماید. همچنین طبق ماده ۴۶ آیین‌نامه هنگام رسیدگی به گزارش تقدیمی یك دولت، تاریخ رسیدگی به اطلاع او می‌رسد تا اگر مایل باشد نماینده یا نمایندگان دولت در جلسه رسیدگی حاضر شوند و توضیحات و اطلاعات لازم را پیرامون گزارش در اختیار کمیته قرار دهند و به سؤالات مطروحه پاسخ گویند.

معمولاً وقتی گزارش یك دولت عضو به کمیته تقدیم می‌شود، کمیته در یکی از اجلاسهای خود وقتی را برای رسیدگی به گزارش تعیین می‌کند و به دولت مربوطه اطلاع می‌دهد. نماینده یا نمایندگان دولت در جلسه رسیدگی حضور پیدا می‌کند. رئیس جلسه ضمن خوشامدگویی به نمایندگان دولت موضوع رسیدگی به گزارش را اعلام می‌نماید و به نماینده دولت فرصت می‌دهد که توضیحاتی پیرامون گزارش تقدیمی خود ارائه دهد. پس از ایراد سخنان نماینده دولت، به یکی از اعضاء کمیته که نسبت به گزارش سمت گزارشگر را دارد فرصت داده می‌شود که در مورد گزارش تقدیمی و چگونگی آن و نکات مثبت و منفی آن مطالبی ارائه دهد و نقطه نظرهای خود را اعلام نماید سپس به هر یك از اعضاء کمیته که سؤال یا نقطه نظری داشته باشند فرصت داده می‌شود مطالب خود را ابراز نموده و سؤالاتشان را مطرح کنند، پس از آن باز به نماینده دولت فرصت داده می‌شود که به سؤالات مطروحه پاسخ داده و اگر توضیح و یا اطلاعات اضافی در مورد نقطه نظرات ابراز شده دارد بیان نماید. بعد از آن گزارشگر گزارش جمع‌بندی خود را اعلام می‌دارد و سرانجام در پایان اجلاس،

کمیته جمع‌بندی خود را از گزارش تقدیمی و وضعیت اجرای کنوانسیون و همچنین توصیه‌های خود را برای اجرای بهتر کنوانسیون به دولت ذی‌ربط اعلام می‌دارد و جمع‌بندی خود را نسبت به هریك از گزارشهای تقدیمی، طی گزارش سالانه از طریق دبیر کل سازمان ملل به مجمع عمومی ارسال می‌دارد. بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «کمیته هر سال گزارش اقدامات و فعالیتهای خود را توسط دبیر کل به مجمع عمومی تسلیم می‌دارد و می‌تواند بر اساس مطالعه و بررسی گزارشها و اطلاعات واصله، از دول عضو، پیشنهادها و توصیه‌هایی که دارای جنبه عمومی است بنماید، این پیشنهادها و توصیه‌های عمومی در صورت لزوم همراه با ملاحظات دول عضو به مجمع عمومی گزارش خواهد شد.»

کمیته معتقد است کلید اصلی نظارت بر اجرای کنوانسیون، همانا گزارش تقدیمی دولتهاست و لذا اصرار دارد که دولتها در گزارشهای دوره‌ای خود دقیقاً و به طور مشروح نسبت به اجرای مواد یك تا هفت کنوانسیون توضیحات لازم را بدهند حتی دولتهائی که معتقدند تبعیض نژادی در قلمرو آنها وجود ندارد موظفند گزارشهای دوره‌ای جامع و کامل ارائه دهند. کمیته با سازمان بین‌المللی کار و سازمان یونسکو که آنها هم در زمینه رفع تبعیض در کار و اشتغال و تعلیم و تربیت فعالیت دارند همکاری دارد و نیز از گزارشهای دیگر نهادهای حقوق بشری چون کمیته حقوق بشر، در مباحث خود بهره گیری می کند.

نفس این مطلب که هر دولت عضو باید نسبت به سیاستهای ضدتبعیض نژادی خود در برابر یك نهاد بین‌المللی پاسخگو باشد وسیله خوبی است برای اینکه قوانین و رویه‌های عملی داخلی دولت در راستای مقررات کنوانسیون قرار گیرد. برخی از دولتها به وضع قوانین ضدتبعیض نژادی خود اکتفا می کنند ولی کمیته اصرار دارد که از رویه عملی و اجرای قوانین ضدتبعیض در ارگانهای مختلف حکومتی اطمینان حاصل نماید. و در این زمینه با طرح سؤالات ریز و جزئی تلاش می کند واقعیت عملی را کشف نماید و اگر مواردی از قانون داخلی و یا رویه اجرائی برایش روشن نیست خواستار رفع ابهام گردد.

۲ـ شکایت دولت از دولت

هریك از دول عضو می تواند به کمیته اعلام نماید که فلان دولت عضو مقررات مربوط به کنوانسیون را اجرا نمی نماید و کمیته به این اعلام رسیدگی می نماید.

هر دولت با تصویب کنوانسیون رفع تبعیض نژادی در واقع صلاحیت کمیته را برای رسیدگی به این نوع شکایت و اعلام پذیرفته است و نیازی به اعلام جداگانه صلاحیت کمیته نیست.

طبق بند ۱ ماده ۱۱ هر گاه یکی از دول عضو، چنین تشخیص دهد که یکی دیگر از دول عضو مقررات کنوانسیون را اجرا نمی کند، می تواند توجّه کمیته را به موضوع جلب کند، کمیته مراتب را به اطلاع دولت مربوطه می‌رساند، دولت مربوطه ظرف سه ماه توضیحات کتبی برای روشن شدن قضیه و عنداللزوم اقداماتی که ممکن بوده به عمل آید تسلیم کمیته می کند. مواد ۱۱، ۱۲ و ۱۳ به تفصیل نحوه و سیر رسیدگی به این نوع اعلام را بیان می‌دارد. تاکنون موردی که از این طریق استفاده شده و دولتی علیه دولت دیگر شکایت کرده باشد مشاهده نشده است.

۳- شکایت اشخاص

در ماده ۱۴ کنوانسیون پیش بینی شده که افراد یا گروههائی از اشخاص می توانند علیه دولت متبوع خود به نقض حقوق مصرحه در کنوانسیون رفع تبعیض نسبت به آنها به کمیته شکایت نمایند. ولی کمیته هنگامی صلاحیت دارد به این شکایات رسیدگی نماید که دولت عضو طی اعلامیه جداگانه‌ای صلاحیت کمیته را برای رسیدگی به این نوع شکایات به رسمیت شناخته باشد، شکایت افراد علیه دولتی که چنین اعلامیه‌ای را صادر نکرده است در کمیته قابل پذیرش و رسیدگی نیست. بعلاوه کمیته در صورتی شکایت افراد را مورد بررسی قرار می‌دهد که اطمینان حاصل کرده باشد شاکی کلیه طرق دادخواهی داخلی ممکن را مورد استفاده قرار داده و نتیجه نگرفته است. (بند ۷ ماده ۱۴)

طبق بند ۶ ماده ۱۴ کمیته شکایتی را که به آن ارجاع می‌شود محرمانه به نظر دولت عضو که شاکی مدعی است مقررات کنوانسیون را نقض کرده می‌رساند. دولت مربوطه ظرف سه ماه پس از اطلاع از شکایت، توضیحات لازم را به اطلاع کمیته می‌رساند کمیته با توجه به اطلاعات دریافتی از شاکی و دولت مشتکی عنه شکایات را مورد بررسی قرار می‌دهد رسیدگی به شکایات محرمانه و در جلسات غیرعلنی صورت می گیرد و کمیته پیشنهادها و توصیه‌های خود را به اطلاع دولت مربوطه و شاکی می‌رساند و خلاصه

شکایات و توضیحات و توصیه‌های خود را در گزارش سالانه منتشر می‌نماید.

لازم به یادآوری است که طبق بند ۹ ماده ۱۴ کمیته در صورتی صلاحیت دارد به شکایت اشخاص رسیدگی نماید و به وظایف مقرره در ماده ۱۴ عمل نماید که حداقل ده دولت عضو صلاحیت کمیته را برای این منظور به رسمیت شناخته باشند.

در سال ۱۹۸۲ با اعلام ده دولت عضو، کمیته صلاحیت رسیدگی به شکایت اشخاص را پیدا کرد[۱] و عملاً در سال ۱۹۸۴ در این زمینه شروع بکار نمود. و تاکنون به شکایات متعددی رسیدگی نموده است.[۲] تا آگوست سال ۱۹۹۸، تعداد ۲۵ دولت اعلامیه مربوطه به صلاحیت کمیته به رسیدگی به شکایت اشخاص را صادر نموده‌اند.[۳]

دولت ایران تاکنون اعلامیه بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون را صادر نکرده است و صلاحیت کمیته را برای رسیدگی به شکایت اشخاص به رسمیت نشناخته است.

بخش سوم: وضعیت دولت ایران نسبت به کنوانسیون و بررسی پانزدهمین گزارش ادواری

چنانکه گفتیم دولت ایران جزء نخستین دولتهایی بود که کنوانسیون رفع تبعیض را امضاء و تصویب کرد. در ارتباط با تکلیف ماده ۹، دولت ایران تاکنون ده گزارش به کمیته تقدیم داشته است پنج گزارش قبل از انقلاب و پنج گزارش بعد از انقلاب که آخرین آن همین گزارش بود که تحت شماره CERD/C/338/Add.8/28October 1998 ثبت شد و در اجلاس ۵۵ مورد رسیدگی قرار گرفت.

دولت ایران در اجرای ماده ۴ کنوانسیون، قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی را تصویب کرد قانون فوق مشتمل بر دو ماده و یك تبصره است و در آن تبلیغ و اشاعه افکار تبعیض نژادی جرم شناخته شده و برای آن مجازات تعیین شده است.

به موجب ماده ۱: نشر هر نوع افکار مبتنی بر تبعیض بر اساس نژاد و یا جنس و نفرت نژادی و تحریك به تبعیض بر اساس نژاد و یا جنس از طریق یکی از وسائل تبلیغ

---

۱. همان، ص ۷.

۲. گزارش کمیته رفع تبعیض نژادی، ص ۸۰ و ۱۰۷.

۳. گزارش کمیته رفع تبعیض نژادی، ص ۱۰۷.

عمومی علیه هر گروه که از حیث نژاد، جنس و رنگ و قومیت متفاوت باشند و نیز هر نوع مساعدت منجمله کمك مالی به فعالیتهای تبعیض نژادی ممنوع است و مرتکب به حبس جنحه‌ای تا شش ماه یا به پرداخت جزای نقدی از ده هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد مگر اینکه عمل به موجب قوانین دیگر مستوجب مجازات شدیدتری باشد که در این صورت مجازات اشد قابل اعمال خواهد بود.

تبصره ـ منظور از وسایل تبلیغ عمومی در این ماده عبارت از نطق در مجامع عمومی یا رادیو یا تلویزیون، انتشار اعلامیه، چاپ و نشر کتاب و روزنامه و مجله، نمایش فیلم و امثال آنهاست.

ماده ۲ ـ هر کس به منظور تبلیغ تبعیض بر اساس نژاد یا قوم و یا جنس یا بمنظور ایجاد نفرت یا دشمنی و یا به منظور ایجاد نفاق بر اساس نژاد و قوم و یا جنس جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یك سال یابه پرداخت جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال محکوم می‌شود. مجازات قبول عضویت در جمعیت فوق حداقل مجازات مذکور خواهد بود.[1]

دولت ایران همواره چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب به عنوان دولت جمهوری اسلامی ایران مدعی و معتقد بوده است که مسأله تبعیض نژادی و قومی در ایران وجود ندارد و بخصوص هیچگونه مقرراتی که مبتنی بر تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، زبان و قومیت باشد وجود نداشته و ندارد، اقوام مختلف تابع حکومت ایران در برخورداری از حقوق مساوی اند و موردی وجود ندارد که کسی بلحاظ تعلق داشتن به نژاد یا زبان یا قوم خاص از دستیابی به حقی از حقوق اساسی محروم شده باشد و لذا همواره در مقابل این پرسش کمیته که دولت ایران موارد رویه عملی شکایت به محاکم یا دستگاههای دیگر حکومتی به استناد کنوانسیون از سوی وابستگان به قومیت‌های مختلف و رسیدگی و اتخاذ تصمیم دادگاه یا دستگاه مربوطه بر اساس مقررات کنوانسیون را ارائه دهد پاسخ دولت این بوده که مورد عملی وجود نداشته که ارائه شود و البته از سوی کمیته هم بر اساس اطلاعاتی که به طرق

---

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۵۶، چاپ روزنامه رسمی، ص ۲۰۳.

مختلف ممکن است دریافت کند موارد مشخصی از ارتکاب تبعیض بر اساس نژاد و زبان و قومیت و امثال آنها مطرح نشده است. (مسأله اقلیت‌های مذهبی که گاهی برخی از اعضاء کمیته هم به آن پرداخته‌اند بحث جداگانه‌ای دارد و مرجع رسیدگی به آن می‌تواند کمیته حقوق بشر در ارتباط با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی باشد.)

حتی قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی مصوب سال ۱۳۵۶ که دولت ایران به لحاظ انجام تکلیف موضوع ماده ۴ کنوانسیون تصویب نمود به نظر نمی‌رسد هیچ مورد عملی داشته باشد و مصداق خارجی مشخصی از تبلیغ تبعیض نژادی از رسانه‌های عمومی و یا تشکیل سازمان و جمعیت‌هائی به منظور اشاعه افکار نژادپرستی تحقق پیدا کرده باشد ولی اعضاء کمیته همواره اصرار داشتند که هیچ کشوری نیست که در آن تبعیض نژادی وجود نداشته باشد و دولت ایران هم نباید بر ادعای خود مبنی بر عدم وجود تبعیض نژادی و قومی اصرار ورزد بلکه باید نمونه‌های خارجی وقوع این جرم و برخورد دولت با آن طبق کنوانسیون و قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی مصوب خود را نشان دهد. هیأت ایرانی در این جلسه اخیر در مقابل اصرار کمیته اظهار داشت تلاش می‌کند با مراجعه دقیق‌تر به مراجع قضائی و اداری و توجه و عنایت بیشتر به این موضوع اگر موردی وجود داشت بعداً ارائه دهد، یا در گزارش بعدی آن را درج نماید.

نگاهی به پانزدهمین گزارش دوره‌ای ایران

پانزدهمین گزارش ادواری ایران که به لحاظ گذشتن ۶ سال از تقدیم آخرین گزارش در سال ۱۳۷۲ جای سه گزارش (هر دو سال یك گزارش) را گرفته و گزارشهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم محسوب می‌شد، در ۱۲۴ پاراگراف و ۳۰ صفحه انگلیسی به صورت گزارش نسبتاً مشروح و منظم تقدیم کمیته شد.

گزارش مشتمل بر دو بخش عمده است.

بخش اول شامل اطلاعات کلی در مورد موضع جمهوری اسلامی ایران و سیاست کلی آن و قانون اساسی در قبال مسأله تبعیض نژادی و محکوم نمودن آن است. و اطلاعاتی در زمینه جمعیت ایران و ترکیب جمعیتی و قومیتها و زبانهای مختلف و پناهندگان خارجی را ارائه می‌دهد.

بخش دوم بر اساس رهنمود کمیته و عرف موجود در زمینه گزارش دهی به تفکیک مواد محتوایی ۲ تا ۷ کنوانسیون را مورد بررسی قرار داده و نحوه اعمال و اجرا و انعکاس آنها را در مقررات و سیاستها و موضعگیریها و رویه‌های عملی جمهوری اسلامی ایران بیان می کند.

ذیل ماده ۲ شرح مبسوطی نسبت به اقداماتی که به منظور رفع تبعیض از مناطق دارای گروههای نژادی و قومی و به تعبیر کلی تر مناطق محروم صورت گرفته داده شده و آمار و ارقام قابل توجهی از تخصیص بودجه و اقدامات عمرانی و آموزشی و سوادآموزی و تأسیس مدارس و دانشگاهها و دادن سهمیه تحصیلی و فعالیتهای بهداشتی و غیره در مناطق کردستان، سیستان و بلوچستان و دیگر مناطق محروم ارائه شده و همچنین اقداماتی که جهت بهبود وضعیت عشایر و اسکان آنها صورت گرفته با تفصیل کارهای انجام شده و بودجه‌های هزینه شده تشریح شده است.

ذیل ماده ۳ به موضع گیری و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در محکوم کردن آپارتاید و تبعیض نژادی در سطح جهانی و جرم دانستن آن و تحریم نفتی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی و الحاق به کنوانسیونهای بین‌المللی منع و مجازات آپارتاید و آپارتاید در ورزش اشاره شده است.

ذیل ماده ۴ به اقدام قانونگذاری ایران برای جرم و قابل مجازات دانستن تبلیغ تبعیض نژادی اشاره و در این رابطه قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی مصوب سال ۱۳۵۶، بند ز ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب مصوب سال ۱۳۶۰ و بند ج ماده ۲ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ ذکر شده است.

ذیل ماده ۵ به تفصیل و با استناد به اصولی از قانون اساسی و برخی قوانین عادی موضوعاتی چون حق مساوات در برابر محاکم و مراجع دادگستری، امنیت شخصی، شرکت در انتخابات (حق انتخاب کردن و انتخاب شدن)، حق آزادی رفت و آمد و خروج از کشور، تابعیت، ازدواج، مالکیت، ارث، آزادی اندیشه و مذهب، آزادی عقیده و بیان، اجتماع مسالمت آمیز، حق کار، مسکن، استفاده از بهداشت عمومی، تحصیل، شرکت در فعالیتهای فرهنگی، دسترسی به اماکن و تسهیلات عمومی و برنامه‌های رادیویی به زبانهای مختلف

محلی غیرفارسی مورد بحث قرار گرفته و تأکید شده در برخورداری از حقوق مزبور اصولاً هیچ تفاوت و تبعیضی بین اقوام و نژادها و تیره‌های مختلف ایرانی وجود ندارد.

ذیل ماده ۶ باز به مقررات قانونی مربوط به منع تبعیض نژادی اشاره شده و قانون مسؤولیت مدنی و آئین دادرسی کیفری که در صورت ارتکاب جرم، مجنی علیه می‌تواند درخواست ضرر و زیان ناشی از جرم (از جمله جرم تبعیض نژادی) نماید مورد استناد قرار گرفته و مراجع و نهادهایی که وظیفه‌شان رسیدگی به نقض حقوق افراد است چون دیوان عدالت اداری، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی، بازرسی کل کشور، کمیسیون حقوق بشر اسلامی و هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی تشریح شده است.

ذیل ماده ۷ نیز اقدامات مربوط به آموزش تفاهم و بردباری و همزیستی بین اقوام مختلف و ارتقاء سطح معلومات افراد، دانش آموزان، دانشجویان و کارمندان و آگاهی دادن عمومی از طرق مختلف بیان شده است.

جلسات رسیدگی به گزارش ایران

چنانکه قبلاً گفتیم گزارش تقدیمی ایران در دو جلسه روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۳ و ۱۴ مرداد ماه سال جاری مورد رسیدگی قرار گرفت.

اعضای کمیته در این اجلاس هجده نفر از کارشناسان از کشورهای: مصر، انگلیس، هلند، رومانی، پرو، بلغارستان، فرانسه، کوبا، آمریکا، سوئد، روسیه، هند، پاکستان، قبرس، اکوادور، آلمان، آرژانتین و چین بودند.

سه نفر از کارشناسان زن و بقیه مرد بودند قدر مسلم دو نفر از آنها یعنی نماینده مصر و نماینده پاکستان (آقای آقاشاهی وزیر خارجه سابق پاکستان) مسلمان بودند. ریاست اجلاس با آقای محمد ابوالنصر از مصر بود.

هیأت ایرانی شرکت کننده در اجلاس نیز مرکب بود از نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل در ژنو و نمایندگانی از وزارت امور خارجه، قوه قضائیه، وزارت ارشاد و وزارت کشور.

پس از افتتاح جلسه به وسیله رئیس کمیته ابتدا نماینده دائم ایران حدود نیم ساعت به معرفی گزارش تقدیمی و توضیحاتی پیرامون آن و برخی توضیحات اضافی پرداخت،

سپس مخبر گزارش ایران که فردی هلندی بود، برداشت و نظر خود را در مورد گزارش ایران به کمیته ارائه داد و برخی سؤالات و ابهاماتی را که نیاز به پاسخگویی و توضیح داشت بیان نمود، پس از ایشان ۸، ۹ نفر از اعضاء کمیته نیز صحبت کردند و سؤالات و نقطه نظرات خود را در مورد گزارش و وضعیت جمهوری اسلامی ایران نسبت به کنوانسیون بیان کرده و سؤالاتی را مطرح نمودند، در اینجا به عمده سؤالات اعضاء کمیته که در بیان اکثر آنها آمده بود اشاره می‌شود:

اشاره‌ای به نظرات و سؤالات اعضای کمیته

عمده اظهارات و سؤالات اعضاء کمیته را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱ـ تقریباً همه کسانی که صحبت کردند از گزارش تقدیمی ابراز رضایت کردند و از اطلاعات خوب و نسبتاً جامعی که در همه زمینه‌ها در گزارش قید شده و تنظیم گزارش طبق رهنمود و خط مشی کمیته تقدیر و تشکر نمودند. یکی از اعضاء کمیته گفت من مخبر گزارش قبلی جمهوری اسلامی ایران (گزارش سال ۱۹۹۳) بودم این گزارش بسیار بهتر و کاملتر از گزارش قبلی است. انتقادات کمیته نسبت به گزارش قبلی مورد لحاظ قرار گرفته و گزارش کامل‌تری تقدیم شده است.

۲ـ جایگاه قانونی کنوانسیون رفع تبعیض نژادی در نظام حقوقی ایران چیست و آیا افراد می‌توانند مستقیماً به آن استناد کنند و بر مبنای مواد آن نسبت به نقض حقوق شناخته شده خود طبق این کنوانسیون به مراجع قضایی شکایت کنند و آیا مراجع قضایی می‌توانند مستقیماً به مواد کنوانسیون استناد کرده و براساس آن اتخاذ تصمیم نمایند یا خیر؟

۳ـ اعضاء کمیته از وجود نهادهایی چون کمیسیون حقوق بشر اسلامی و هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی بسیار استقبال نموده و خواستار توضیحات و ارائه اطلاعات بیشتری در مورد جایگاه و عملکرد آنها مخصوصاً هیأت پیگیری که آن را نهاد نوظهور می‌دانستند شدند و مخصوصاً خواهان روشن شدن این امر بودند که آیا این نهادها شکایات و تظلمات اقلیت‌ها را نیز دریافت و مورد رسیدگی قرار می‌دهند یا خیر؟

۴ـ به گزارش آقای کوپیتورن نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر در مورد ایران مخصوصاً گزارشهای اخیر او به مجمع عمومی و کمیسیون حقوقی بشر که در آن از وجود

شکنجه و مجازاتهای سخت در ایران اشاره شده و نیز وضعیت بهایی‌ها که طبق گزارش وی وضعشان بهتر نشده بلکه بدتر شده است اشاره داشتند و خواستار توضیح در این زمینه بودند.

۵ـ در خصوص حق شرکت در مسائل سیاسی و شرکت مردم در انتخابات موضوع برایشان جالب بود و می گفتند تعداد شرکت کنندگان در انتخابات و دادن رأی بسیار جالب است، عضو هلندی کمیته می گفت در کشور من در انتخابات مربوط به الحاق به اتحادیه اروپا فقط ۳۰٪ دارندگان حق رأی شرکت داشتند در حالیکه می بینم در ایران حدود ۹۰٪ در انتخابات شرکت داشتند و این بسیار جالب است. و کارشناس دیگری که اهل پرو بود می گفت می خواهم بدانم چگونه این همه آمار شرکت در انتخابات بالا است؟ آیا شرکت در انتخابات اجباری است، در کشور ما شرکت در انتخابات اجباری است و هر کس شرکت نکند جریمه می شود، معذالك بیش از ۳۰٪ در انتخابات شرکت نمی کنند. در عین حال خواستار توضیح در مورد شرایط انتخاب کننده و انتخاب شونده و وضعیت اقلیت‌های قومی و نژادی در رابطه با انتخابات و دست یافتن به مشاغل عمده کشور بودند.

۶ـ در خصوص آزادی عقیده، دین و بیان و مفاد قیودی که در برخی اصول قانون اساسی آمده است چون مغایر نبودن با موازین اسلامی و حقوق عمومی یا مصالح عمومی توضیح می خواستند. یکی از اعضاء کمیته به تفصیل در مورد ادیان رسمی و غیررسمی که در قانون اساسی آمده صحبت کرد و اظهار داشت وضعیت اقلیت‌های دینی که به رسمیت شناخته نشدند چه می‌شود؟ وی گفت در گزارش مربوط به وضع حقوق بشر در ایران آمده است که قوانین تبعیض آمیز نسبت به اقلیت‌های مذهبی وجود دارد مثلاً در قانون مجازات آمده است که اگر مسلمانی کشته شود قاتل، قصاص می شود یعنی اگر مقتول مسلمان نباشد مجازاتی برای قاتل وجود ندارد و یا اگر غیر مسلمانی با زن مسلمانی زنا کند، اعدام می شود پس تبعیض بین مسلمان و غیر مسلمان وجود دارد؟ در مورد آزادی بیان همواره مقید به حدودی شده به اینکه مخالف موازین اسلام نباشد مغایر حقوق عمومی نباشد، این محدودیتها یعنی چه؟

رئیس کمیته که خود مسلمان بود سخنان این عضو کمیته را قطع کرد و گفت ما در

اینجا در مورد دین اسلام و مقررات آن بحث نمی کنیم اینگونه که شما دارید پیش می‌روید دستورات قرآن را هم می خواهید مورد بحث و سؤال قرار دهید و من این اجازه را نمی دهم، این مطلب بحثش در جای دیگر است ما باید در محدوده کنوانسیون بحث کنیم و کنوانسیون مربوط به تبعیض نژادی و قومی است و از دین و مذهب بحثی به میان نیاورده است. راجع به محدودیت آزادی بیان هم که این گونه انتقاد کردید می دانید همه جا محدودیت هست و آزادی مطلق و بدون قید وجود ندارد در همین کنوانسیون مورد بحث خودمان نیز محدودیت برای آزادی بیان وجود دارد و تصریح دارد که تبلیغ و اشاعه افکار تبعیض نژادی ممنوع است و دولتها باید آن را عمل مجرمانه و قابل مجازات محسوب نمایند. پس بیایید در محدوده کنوانسیون و در حد صلاحیت کمیته بحث نماییم و بحث مربوط به مذهب را به محل مناسب خودش موکول نماییم.

۷ـ توضیح و شرح بیشتری در مورد گروههای مختلف قومی و درصد اقلیت‌های قومی مخصوصاً کردها و بلوچها و محل استقرار و تجمع آنها و میزان شرکت گروههای قومی در انتخابات خواسته شد.

۸ـ با اشاره به حضور تعداد زیادی از پناهندگان و آوارگان کشورهای دیگر مخصوصاً افغانیها در ایران از اقدامات انسان‌دوستانه دولت ایران قدردانی ولی سؤال می کردند در مورد مشکل ازدواج افغانیها با زنان ایرانی و عدم ثبت ازدواج آنان و به تبع آن وضع فرزندانشان چه اقدامی شده است و چرا ازدواجشان ثبت نمی‌شود و بخصوص سرنوشت بچه‌هایی که از طریق این ازدواجهای غیررسمی به وجود می آیند چه می‌شود؟

۹ـ یکی از اعضای کمیته با اشاره به اصل ۳۰ قانون اساسی که در گزارش آمده و حاکی از رایگان بودن تحصیل برای همه تا پایان دوره متوسطه است سؤال می کرد، و می گفت این مسأله بسیار جالبی است ولی من می خواهم بدانم در عمل چگونه این اصل پیاده شده و واقعیت امر چگونه است چون تا آنجا که من اطلاع دارم در کشورهای در حال توسعه بندرت توانسته‌اند در این امر توفیق یابند و معمولاً تا حد سیکل توانسته‌اند تحصیل رایگان را ارائه دهند.

۱۰ـ سؤالاتی هم در مورد آموزش حقوق بشر و فعالیتهایی که برای آگاهی عموم

نسبت به اسناد بین‌المللی حقوق بشر و مخصوصاً کنوانسیون رفع تبعیض نژادی به عمل آمده و نیز مطالبی در خصوص نوع برخورد با مطبوعات و توقیف و تعطیل آنها داشتند که البته پس از بیان مطالب و سؤالات خود به نحوی آن را به وضعیت اقلیت‌ها و حقوق آنها در این رابطه مربوط می‌ساختند.

۱۱ـ آقای آقاشاهی وزیر خارجه اسبق پاکستان و عضو کمیته ضمن تشکر از حضور هیأت ایرانی، اظهار داشت، بحث درباره گزارش مرا به یاد صحبت آقای خاتمی می‌اندازد که گفتگوی بین تمدنها را مطرح کرده است، گزارش ایران اطلاعات خوبی مخصوصاً در مورد قانونگذاری در اختیار ما قرار می‌دهد. ایران بدون هیچ رزرو و حق شرط کنوانسیون رفع تبعیض را پذیرفته است. وی اظهار داشت کمتر کشوری مثل ایران است که در پی کمك به محرومین و از بین بردن عدم توازن بین طبقات مختلف باشد، من اطلاعاتی در این زمینه دارم، از بعضی قوانین ایران انتقاد شده است ولی این، انتظار بیجایی است که بخواهیم ایران همه قوانین خود را اصلاح کند، باید در نظر داشت در این کشور جنگ بوده است و کشورهایی می‌خواستند نظام جمهوری اسلامی را براندازند و ایران سعی کرده خود را حفظ کند، طبعاً برای حفظ خود ناچار بوده محدودیتهایی داشته باشد البته باید این محدودیتها در محدوده میثاق باشد. آنگاه وی با عنایت به بندهایی از گزارش در مورد سازمان بازرسی کل کشور و کمیسیون حقوق بشر اسلامی و اداره حقوق بشر وزارت امور خارجه و نحوه کار آنها خواستار توضیحات بیشتری شد.

توضیحات هیأت ایرانی

پس از طرح سؤالات و نقطه نظرات اعضای کمیته، می‌بایست هیأت ایرانی توضیحات لازم را در اختیار کمیته قرار دهد ولی وقت بسیار محدود در اختیار هیأت قرار داشت و چون با توجه به برنامه‌های پیش‌بینی شده، امکان تمدید وقت نیز وجود نداشت، بناچار هیأت ایرانی فرصت داشت خیلی فشرده به برخی از سؤالات مطروحه پاسخ گوید.

سفیر جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل از روی نقشه ایران توضیحاتی در مورد ترکیب جمعیت و وضعیت و محل عمده اقامت قومیتهایی چون کرد، آذری، بلوچ و

لر ارائه داد و آنگاه به تعدادی از سؤالات مطروحه حقوقی پاسخ گفته شد و شرح مختصری از وظایف و عملکرد کمیسیون حقوق بشر اسلامی و هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی داده شد و مقرر شد توضیحات بیشتر بعداً برای کمیته ارسال شود.

و در پایان مخبر گزارش ایران، جمع‌بندی کوتاه خود را از مباحث مطروحه ارائه داد و اظهار داشت تحولات خوبی در ایران صورت گرفته است و اطلاعات مفیدی در این دو جلسه در اختیار ما قرار گرفت و از اینکه وقت کافی برای هیأت ایرانی نبود که توضیحات خود را نسبت به همه سؤالات مطروحه ارائه دهد اظهار تأسف کرد. و اظهار امیدواری کرد که اطلاعات اضافی بعداً یا در گزارش آتی در اختیار کمیته قرار گیرد. وی به مسأله اختلاف نظر اعضاء کمیته در مورد محدوده صلاحیت کمیته و طرح مسأله تبعیض مذهبی اشاره کرد و گفت باید بین خودمان بحث کنیم و در مورد تعریف ماده ۱ کنوانسیون و محدوده شمول آن تعیین تکلیف نماییم.

به هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و اهمیت و نقشی که می‌تواند در کشور داشته باشد اشاره کرد و گفت جمع‌بندی نهایی کمیته در روزهای آینده اعلام خواهد شد.

جمع بندی نهایی کمیته

سرانجام کمیته رفع تبعیض نژادی در ۱۸ آگوست ۱۹۹۹ جمع بندی و نقطه‌نظرات خود را در مورد گزارش جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل اعلام کرد:

۱ـ کمیته گزارشهای دوره‌ای سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم جمهوری اسلامی ایران به شماره (CERD/C/338/Add.8) را در جلسات ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ خود که در روزهای ۴ و ۵ آگوست ۱۹۹۹ منعقد شد مورد بررسی قرار داد و در جلسه ۱۳۵۷ خود منعقده در ۱۸ آگوست ۱۹۹۹ جمع‌بندی زیر را مورد تصویب قرار داد:

الف: مقدمه

۲ـ کمیته از تقدیم گزارش دوره‌ای و ادامه گفتگو با دولت استقبال می‌نماید و از حضور هیأت عالی‌رتبه که نشان‌دهنده اهمیت دادن دولت ایران به تعهداتش طبق کنوانسیون می‌باشد قدردانی می‌کند. کمیته همچنین با رضایتمندی، خاطرنشان می‌سازد که گزارش

فعلی هم در شکل و هم در محتوا به نحو قابل ملاحظه‌ای نسبت به گزارشهای قبلی بهتر و پیشرفته‌تر است.

ب: جنبه‌های مثبت گزارش

۳ـ کمیته خاطرنشان می‌سازد که دولت ایران در تعیین ترکیب قومیتی جمعیت درحد قابل ملاحظه‌ای مطابق درخواستهای پیشین کمیته، آمار و اطلاعات مشروحی را داده است که از این حیث تلاشهایش برای اینکه بتوان به وضعیت گروههای مختلف قومی ایران از جمله آذریها، عربها، کردها، بلوچها، لرها و ترکمن‌ها پی برد، قابل ستایش است.

۴ـ کمیته با قدردانی یادآوری می‌نماید که دولت برای مدت طولانی پذیرا و میزبان تعداد زیادی از پناهندگان مخصوصاً افغانهاست و از تلاشهای دولت برای تأمین غذا، مسکن و خدمات بهداشتی پناهندگان تقدیر می‌نماید.

۵ـ در ارتباط با بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون، کمیته از اقدامات صورت گرفته از سوی دولت ایران برای رفع تبعیض در مناطق محروم که محل سکونت اقلیت‌های قومی است استقبال می‌کند. بخصوص از افزایش سهمیه دانشجویان برای دانشگاه در استانهای محروم، تخصیص منابع برای ارتقاء تحقیق در زمینه علل و عوامل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق محروم، و طرحهای تحقیقاتی مانند بررسی علل بازماندگی از تحصیل دختران در این مناطق و یا عدم تکمیل تحصیل آنها موفقیت‌آمیز بودن نهضت سوادآموزی، که از سال ۱۹۷۹ شروع شد و منجر به رشد قابل ملاحظه تعداد باسوادان مخصوصاً در بین زنان مناطق محروم گردید و اقدامات انجام شده از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای بهبود عدم تبعیض در مراقبت‌های بهداشتی، قدردانی می‌نماید.

۶ـ کمیته از برنامه هیأت دولت برای توسعه جامعه مناطق عشایرنشین و اقدامات اتخاذ شده، برای بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عشایر همچون تأسیس مدارس سیار و در دسترس قرار دادن خدمات بهداشتی کافی برای آنها استقبال می‌نماید.

۷ـ در رابطه با ماده ۵ کنوانسیون، کمیته از اطلاعات داده شده که نشانگر شرکت وسیع مردم در انتخابات محلی و ملی از جمله شرکت اقلیت‌های قومی و ملی است تقدیر

می کند. بعلاوه با قدردانی یادآوری می نماید که اقلیت‌های قومی و ملی، مخصوصاً کردها به نسبت ترکیب جمعیت خود، در مجلس نماینده دارند.

۸ـ کمیته تأسیس نهادهای ملی بمنظور اصلاح، بررسی و نظارت بر اجرای موازین حقوق بشر مندرج در اسناد بین‌المللی و قانون اساسی مخصوصاً کمیسیون حقوق بشر اسلامی و هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی را ارج می نهد.

ج ـ موضوعات عمده مورد نگرانی

۹ـ کمیته نسبت به تعریف رفع تبعیض نژادی در مقررات قانونی جمهوری اسلامی ایران از جمله اصل ۱۹ قانون اساسی و قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی از این جهت که در انطباق کامل با دامنه شمول تعریف بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون نیست اظهار نگرانی می کند. بند ۱ ماده ۱ ناظر به هرگونه تبعیض، انحصار، محدودیت یا امتیاز بر مبنای نژاد، رنگ، نسب، یا ریشه قومی و ملی است.

۱۰ـ ضمن اینکه کوشش‌های دولت برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق محروم قابل ستایش است، ولی باید با نگرانی متذکر شد که برخی از استانها که بیشتر سکنه آنها را افراد متعلق به اقلیت‌ها تشکیل می‌دهند مانند استان سیستان وبلوچستان، و دیگر مناطق مرزی، همچنان از نظر اقتصادی در محرومیت بسر می برند.

۱۱ـ یادآوری می‌شود که تعدادی از حقوق مدنی و سیاسی که فهرست آنها در ماده ۵ کنوانسیون بند د آمده است، مانند آزادی اندیشه، وجدان و مذهب و آزادی عقیده و بیان طبق مقررات جمهوری اسلامی ایران با ملاحظه برخی قیود و شرایط می تواند مورد استفاده قرار گیرد. کمیته نیاز به اطلاعات بیشتری دارد تا بتواند در خصوص انطباق یا عدم انطباق این قیود و محدودیتها با کنوانسیون ارزیابی داشته باشد.

۱۲ـ هرچند، گزارش حاوی برخی اطلاعات مشروح و مفید در خصوص مقررات قانونی می‌باشد ولی در زمینه اجرای عملی و برخورداری از حقوق مندرج در مواد ۲، ۴، ۵ و ۶ کنوانسیون، فاقد اطلاعات کافی است مخصوصاً در مورد حوادث و مسائل قومیتی و تعداد شکایات مربوط به تبعیض نژادی و پرداخت خسارت برای آسیب‌دیدگان از اعمال تبعیض و نیز رویه عملی قضائی در این زمینه، اطلاعات لازم داده نشده است.

د ـ پیشنهادها و توصیه‌ها

۱۳ـ کمیته توصیه می کند که دولت اقدامات مناسب جهت منطبق ساختن کامل قوانین داخلی خود با مواد ۱ (بند یك) ۴، (بند ب) و ۵ کنوانسیون اتخاذ نماید و مخصوصاً تضمین نماید که مقررات قانونی مربوط به رفتار متفاوت منجر به رفتار تبعیض آمیز بر اساس نژاد، رنگ، نسب، یا ریشه قومی یا ملی نشود.

۱۴ـ کمیته توصیه می کند که دولت به ارتقاء رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق محروم که محل سکونت اقلیت‌ها و گروه‌های قومی و قبیله‌ای هستند، ادامه دهد و مشارکت این اقلیت‌ها را در این رشد و توسعه تشویق نمایند.

۱۵ـ کمیته توصیه می کند که دولت اطمینان دهد سمینارها، دوره‌ها و کارگاههای آموزشی که از سوی کمیسیون حقوق بشر، وزارت آموزش و پرورش و دانشگاهها، سازماندهی می‌شود، مشتمل بر آموزش مقررات کنوانسیون رفع تبعیض نیز باشد و به جمع‌بندی‌های کمیته و قوانین مربوطه داخلی مخصوصاً در ارتباط به دستیابی به طرق جبران خسارت بذل توجه به عمل آید.

۱۶ـ دولت در گزارش آتی خود اطلاعات جامعی در ارتباط با اجرای عملی کنوانسیون مخصوصاً در زمینه شکایاتی که راجع به تبعیض نژادی به دادگاهها، نهادهای اداری یا کمیسیون حقوق بشر اسلامی شده است، ارائه دهد. دولت همچنین باید در گزارش آینده خود، اطلاعاتی در مورد خسارات قابل دستیابی طبق قانون و رویه عملی قضائی، و در مورد محدودیتهای موجود برای برخورداری مساوی از حقوق و آزادیهای مندرج در ماده ۵ کنوانسیون تقدیم نماید. همچنین کمیته مایل است اطلاعات بیشتری در زمینه کار کمیسیون حقوق بشر اسلامی و هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی دریافت نماید.

۱۷ـ کمیته پیشنهاد می کند دولت گامهایی در طریق انتشار وسیع مقررات کنوانسیون و گزارشهای ادواری خود و جمع بندی کمیته بردارد.

۱۸ـ کمیته توصیه می کند دولت اصلاحیه‌های مربوط به بند ۶ ماده ۸ کنوانسیون را که در ۱۵ ژانویه ۱۹۹۲ در چهاردهمین اجلاس دولتهای عضو کنوانسیون پذیرفته شد،

تصویب نماید. (در مورد این بند لازم است یادآوری نمود همچنان که قبلاً در بحث مربوطه به کمیته رفع تبعیض اشاره شد، طبق بند ۶ ماده ۸ مخارج اعضاء کمیته به عهده دولتهای عضو کنوانسیون است و از بودجه معمول و جاری سازمان ملل پرداخت نمی‌شود و در اثر تأخیر دولتهای عضو در پرداخت سهم خود، کمیته دچار مشکلاتی می‌شود که گاه موجب کوتاه کردن جلسات خود و احیاناً عدم تشکیل بعضی از جلسات شده است. براساس ماده ۲۳ کنوانسیون در خصوص نحوه تجدیدنظر و اصلاح مواد کنوانسیون، دولت استرالیا درخواست اصلاح بند ۶ ماده ۸ را نمود که از طریق دبیر کل سازمان ملل به اطلاع دولتهای عضو رسید و در چهاردهمین اجلاس دول عضو کنوانسیون این اصل جدید پذیرفته شد و به مجمع عمومی سازمان ملل منعکس گردید، مجمع عمومی نیز در اجلاس چهل و هفتم خود در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲ طی قطعنامه شماره ۴۷/۱۱۱ آن را تأیید کرد. مفاد اصلاحیه مزبور این است که اعضای کمیته حقوق خود را از بودجه معمول و جاری سازمان ملل دریافت نمایند.

این اصلاحیه جدید نیز باید به تصویب مراجع ذی‌صلاح داخلی کشورهای عضو برسد تا قدرت اجرایی پیدا کند و چون هنوز دولتهای تصویب کننده به حد نصاب (۲۷ دولت) نرسیده‌اند کمیته این درخواست را از دولتها می‌نماید.)

۱۹_یادآوری می‌نماید که دولت ایران اعلامیه مربوط به ماده ۱۴ کنوانسیون (راجع به صلاحیت کمیته برای رسیدگی به شکایت اشخاص) را صادر نکرده است و برخی از اعضاء کمیته درخواست داشتند که مسأله امکان صدور چنین اعلامیه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

۲۰_کمیته توصیه می‌کند که گزارش دوره‌ای آینده دولت که باید در ۴ ژانویه ۲۰۰۰ تقدیم شود گزارشی روز آمد و با در نظر گرفتن نکاتی که در این ملاحظات و جمع‌بندی آمده تهیه و تقدیم شود.

پایداری در برابر ظلم در نظام اسلامی و مبانی حقوق بشری آن

مقدمه

ایستادگی در برابر ستم و ستمگر و کوشش برای محو آن از ویژگی‌های بارز فرهنگ و تعلیمات نظام اسلامی است، این ویژگی در فرهنگ عاشورا و حماسه قیام امام حسین(ع) به نحو بسیار روشنی، متجلی است، و فلسفه اصلی قیام عاشورا را تشکیل می‌دهد، فرهنگ ستم‌ستیزی عاشورا و پایداری عاشوراییان، روحیه مقاومت و تکلیف قیام علیه ظلم و تجاوز به حقوق انسان را در جوامع اسلامی، بخصوص گسترش داد و در طول تاریخ، قیامها و انقلابهایی با الهام از آن حماسه و آن فرهنگ رخ داد که برخی از آنها توانست تأثیرات مهمی در جامعه بشری به جای گذارد.

انقلاب اسلامی ایران، نیز به نحو چشمگیری، متأثر و ملهم از قیام حسینی و فرهنگ عاشورایی است و امام خمینی(ره)، معمار و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، با اتکا بر این فرهنگ پربار و الهام و استفاده به موقع از آن توانست، روحیه قیام و پایداری علیه نظام ظلم و سلطه را در مردم برانگیزد و با جمله حماسی معروف خود: «خون بر شمشیر پیروز است» یا «محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر است». به زیباترین بیان، فرهنگ عاشورایی پایداری در برابر ستم را اعلام داشت و با تثبیت آن فرهنگ در باور مردم، موفق شد نظام حکومتی ظالمانه را فرو ریزد و نظام عدل اسلامی را بنیان دهد.

به مناسبت موضوع، در این مختصر، اشاره‌ای به مبنای اسلامی حق و تکلیف مقاومت در برابر ظلم و نظم حاکم ظالمانه و مقابله با آن، بخصوص در جریان قیام عاشورا و نهضت حسینی و با اتکاء بر آن، انقلاب اسلامی خواهیم داشت و نظری هم به مبنای حقوقی آین حق، به عنوان یکی از قواعد حقوق بشری و مشروعیت حقوقی آن می افکنیم.

مقابله با ظلم در فرهنگ اسلامی

براندازی ظلم و کوتاه کردن دست ستمگران و استقرار نظام عادلانه از مهمترین وظایف انبیاء و اهداف بعثت آنها شمرده شده است، قرآن کریم، در سوره حدید، هدف ارسال پیامبران و انزال کتب را اقامه قسط و عدل می‌داند: (لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط... حدید: ۲۵)

مشروعیت مقابله با نظام ظالمانه در قرآن و سنت

از آیات قرآنی چنین برمی آید که حکومت ظالمانه و حاکم ظالم، مشروعیت ندارد و قیام علیه او و پایداری در برابر او نه تنها حق مردم، بلکه تکلیف آنهاست. در سورهٔ نساء خداوند مسلمانها را مورد عتاب قرار می‌دهد که چرا با ظالمین و در راه دفع شر و ظلم آنها بر مردم مستضعف مبارزه نمی کنند: (و مالکم لاتقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرّجال و النساء و الولدان الّذین یقولون ربّنا اخرجنا من هذه القریة الظّالم اهلها و اجعل لنا من لدنك وليّا و اجعل لنا من لدنك نصيرا. نساء: ۷۵)

پیامبر اسلام(ص) آن گونه که از ایشان نقل شده، به عضویت خود در دوران جوانی در انجمنی که هدفش کمك به مظلوم و جلوگیری از ظالم و ممانعت از تضییع حق مظلوم بود (حلف الفضول) افتخار می کرد و می‌فرمود اگر هم اکنون نیز، تشکیل چنین جمعی مورد داشته باشد و به چنین پیمانی دعوت شوم، بدان ملحق می گردم.[۱]

علی ابن ابیطالب(ع)، مهمترین وجه پذیرفتن مسؤولیت خلافت و رها نکردن آن را

۱. سیره ابن هشام، جلد ۱، ص ۱۴۰.

لزوم توجه به مظلوم و دفع شر ظالم اعلام کرد: (... لولا حضور الحاضر و قیام الحجّة بوجود الناصر و ما اخذ الله علی العلماء ان لایقاروا علی کظة ظالم و لاسغب مظلوم، لالقیت حبلها عل غاربها...)[۱]

فرهنگ مقاومت در برابر ظلم و نادرستی، آن چنان در روحیه مردم مسلمان، جا گرفته بود که معروف است وقتی عمر خلیفه دوم به مردم گفت: اگر دیدید من به راه کج می‌روم، تذکر دهید و به راه راست هدایتم نمایید، مسلمانی از گوشه مسجد بلند شد و گفت: اگر به راه کج رفتی با این شمشیر تو را به راه مستقیم وامی‌داریم. یعنی حق شورش علیه ظلم و نادرستی فرضی خلیفه را برای خود به رسمیت می‌شناخت. همین فرهنگ باعث شد که وقتی مسلمانان دیدند خلیفه سوم عثمان بن عفان، از طریق عدالت اسلامی منحرف شده و کسان و کارگزاران او بر مردم ستم می کنند، علیه او قیام کردند و به دوران خلافتش پایان دادند، نفس مشروعیت این قیام مردمی را کسی نفی نکرده هر چند بر کشتن عثمان، برخی ایراد داشتند.

دوران حکومت مزورانه معاویه و تمهیدات فریبکارانه و سیاستهای ماهرانه‌ای که به کاربرد، کم کم داشت، این روحیه و فرهنگ را از جامعه اسلامی از بین می‌برد و فرهنگ تبعیت از نظام حاکم و عدم جواز مخالفت با آن را به عنوان یك اصل شرعی و فقهی جا می انداخت، مقاومت در برابر دستگاه حاکم و مظالم او به عنوان مخالفت با نظم جامعه اسلامی و تمرد از اولوالامر که اطاعتشان واجب شمرده شده، تبلیغ می‌شد، درحالی که در منطق اسلام و نظام اسلامی که براساس عدل و قسط، حریّت و آزادی و برای رهایی مردم مستضعف از جور ستمکاران به وجود آمده، پیدایش چنین طرز تفکری و رواج آن بسیار خطرناك بود، همانگونه که گفتیم در مکتب انبیاء و منطق اسلام، قیام به حق و دفع ستم و ستمکار و از بین بردن نظم ظالمانه موجود، یك وظیفه و تکلیف است نه اینکه اخلال نظم و فتنه گری باشد. آیات و روایاتی که مردم را به اطاعت از زمامداران دعوت می کند طبعاً منظور زمامدارانی است که به عدل و قسط حکومت می کنند، نه آنان که خود از مصادیق

---

۱. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه شماره ۳، خطبه شقشقیه، ص ۵۲.

طاغوت و ستمگرانی هستند که قرآن، مبارزه و قتال با آنها را برای رفع فتنه بر مسلمین لازم دانسته است (و قاتلوهم حتی لاتکون فتنة. سوره انفال: ۲۹) به فرموده حسین بن علی(ع) (ما الامام الا العامل بالکتاب و القائم بالقسط و الدائن بدین الحق و الحابس نفسه علی ذات الله...)[۱] پیشوا و حاکم مشروع در واقع کسی است که به قرآن عمل کند، قیام به عدل نماید به دین حق پای‌بند باشد. و چنین حاکم و این گونه نظم حکومتی است که باید از آن اطاعت کرد و مقرراتش را محترم شمرد و مخالفت با آن فتنه گری و بی نظمی است و گرنه نظمی که بر اساس باطل و ستم و تجاوز به حقوق ضعفا به وجود آمده، و ادامه دارد، خود عین بی‌نظمی است که باید آن را به هم ریخت.[۲] این فرهنگ مسلم اسلامی را که گفتیم در روحیه مردم رسوخ کرده بود، سیاستها و تعلیمات حکومت ظالم و فریبکار معاویه تضعیف نموده و این امری بسیار خطرناك بود.

تبلور نظری و عملی مقابله با ستم در قیام حسین بن علی(ع)

قیام حسین بن علی(ع) و گفته‌های او در جریان این قیام، نشان‌دهندهٔ این معنی است که نظام حاکم (صرف نظر از اینکه مبنایش چه و چگونه باشد) اگر حقوق اولیه ملت را زیرپا گذارد و به ظلم و ستم روی آورد مشروعیت خود را از دست می‌دهد و مخالفت با آن، حق مردم است، نه اینکه فتنه گری و قانون‌شکنی به حساب آید، در آغاز زمامداری یزید وقتی، امام(ع) از سوی ولید استاندار مدینه دعوت می‌شود که با یزید بیعت کند می‌فرماید: ما خاندان نبوت و معدن رسالتیم و یزید فاسق و فاجر و شرابخوار و قاتل بیگناهان است و کسی چون من با کسی چون یزید بیعت نمی کند. و هنگامی که از مدینه خارج می‌شد و به سوی مکه رهسپار می گردید، ضمن وصیتنامه‌ای که برای برادرش محمد حنفیّه نوشت، حکمت خروج خود و عدم اطاعت از حکومت وقت را امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح طلبی اعلام کرد: (...انّی ما خرجت اشرا و لابطرا... و انّما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدّی و

۱. پرتوی از عظمت حسین (ع)، لطف‌الله صافی، چاپ دوم، تهران، ص ۳۲۸، به نقل از تاریخ طبری.
۲. همان، ص ۴۵۶.

ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر...)[1]

از سخنان معروف او به هنگام مواجهه با سپاهیان حرّ، بیان تکلیف مقابله با حکومت ستمگر و ناقض حقوق مردم است. در آن سخن می‌فرماید: هر کس حاکم ستمگری را ببیند که در میان بندگان خدا به جور و ستم حکم می‌راند و عکس العملی نشان ندهد و مقاومت نکند، گرفتار عذاب الهی خواهد شد:

(ایّها النّاس من رأی سلطانا جائرا مستحلّا لحرام الله، ناکثا لعهدالله مخالفا لسنّة رسول الله یعمل فی عبادالله بالاثم و العدوان فلم یغیّر علیه بفعل و لاقول کان حقّا علی الله ان یدخله مدخله...)[2]

این بیانات و استدلالات در واقع، پاسخی مبنایی و حقوقی بر تبلیغات دشمن و برخی فقیهان درباری بود که عمل امام حسین و قیام او را خروج بر حکومت اسلامی و غیرقانونی می‌دانستند.

تردیدی نیست که انقلاب اسلامی ایران نیز از این روحیه و از این تعلیمات نشأت گرفت و بر این حق مشروع مردم در مقابله با حکومتی که حقوق آنها را محترم نمی‌شمرد و بر آنها ستم می‌کرد استوار بود. و اگر کسی سیری در سخنرانیها و اعلامیه‌های رهبر بزرگ و راحل انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره) مخصوصاً در ماههای نزدیك به پیروزی انقلاب بنماید به خوبی، این معنی را مشاهده می‌کند که امام بر غیر قانونی بودن حکومت ظالم و متکی بر بیگانگان و ناقض حقوق مردم و اقدام کننده بر خلاف مصالح آنها تأکید ورزیده و قیام علیه آن و یا به خرج دادن هر گونه مقاومتی در برابر آن برای دفع شر و ظلم و استقرار حکومت آزاد و صالح و مبتنی بر رأی مردم را حق مشروع ملت تلقی می‌کردند و حتی حکومتی را و رئیس حکومتی را که خود مردم با رأی آزاد خویش بر سر کار آوردند اگر خلاف کرد و ناصالح در آمد، حق مردم می‌دانستند که آن را کنار بگذارند. بنگرید به عنوان نمونه این عبارت را «...قهراً مردم وقتی آزاد هستند، یك نفر صالح را انتخاب می‌کنند کسی

---

۱. نفس المهموم، مرحوم حاج شیخ عباس قمی، ترجمه حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، ص ۳۴.

۲. پرتوی از عظمت حسین(ع)، ص ۳۲۰.

بگوید خوب یك آدم غلطی را گذاشتند، اگر غلطی را گذاشتند، قدم اول را که برداشت، همین ملت عزلش می کنند، تمام شد...[۱] بیانات ۵۷/۱۰/۱۰»

مبنای حقوق بشری ایستادگی در برابر ظلم

و حال بد نیست در این مختصر نظری بیفکنیم بر مباحث حقوقی و مبانی حقوق بشری که در دوره‌های اخیر در مورد حق مقاومت در برابر ظلم و تجاوز به حقوق انسانها از سوی دولتها مطرح شده است، و در مقابل اصل محترم و متبع اطاعت از قانون و عدم مخالفت با نظم عمومی، مشروعیت حق مقابله با ظلم و اجحاف و تجاوز قدرت حاکم مورد بحث قرار گرفته است.

اعلامیه استقلال آمریکا و قانون اساسی ۱۷۹۱ فرانسه

شاید بتوان گفت، در دوره جدید، پرداختن به این بحث و توجیه حق قیام ملتی علیه حکومتی که حقوق انسانی او را نقض می کند نخستین بار در اعلامیه استقلال آمریکا مورخ ۴ ژوئیه ۱۷۷۶ مشاهده می‌شود. در مقدمه اعلامیه مزبور آمده است که: «خداوند متعال، انسانها را آزاد آفریده و حقوق طبیعی غیر قابل سلبی به آنها اعطا کرده است، حکومتها از بین مردم و با توافق و رضایت مردم، به وجود می آیند و باید این حقوق را حفظ کنند و در واقع اجرا و اعمال آنها را تضمین نمایند، و هر وقت حکومتی با هر شکل، به این حقوق لطمه وارد آورد، این حق مردم است که آن را از میان بردارند و حکومت جدیدی بر مبنای این اصول و حقوق بنیان نهند. آنگاه می گوید بر همین مبنا ایالات تحت حکومت دولت بریتانیا، در مقام تغییر حکومت بر آمدند، چرا که تاریخ حکومت شاهنشاهی بریتانیا مشحون از بی‌عدالتی و غصب حقوق و حکومت مطلق ظالمانه بر این ایالات است و از این رو ملت حق دارد که از آن تبعیت نکند و حکومت را تغییر دهد. سپس با بیان موارد و مصادیق مظالم و بی‌عدالتی‌های دولت حاکم بریتانیا، امضاکنندگان اعلامیه، به نمایندگی از مردم ایالات

۱. صحیفه نور، جلد ۴، ص ۱۲۱.

متحده، تشکیل دولت جدید و استقلال آن را از بریتانیا اعلام می‌دارند.

تدوین کنندگان اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه در سال ۱۷۸۹ و بنیان گذاران انقلاب کبیر فرانسه نیز همین مبنا را پذیرفته بودند و آن قدر در این راه پیش رفتند که در قانون اساسی سال ۱۷۹۱، صریحاً حق شورش و قیام علیه حکومت را در صورت تخلف و نقض حقوق ملّت به رسمیّت شناختند. اصل ۳۳ قانون اساسی مزبور حق مقاومت علیه ظلم را جزء حقوق بشر می‌داند و اصل ۳۵ می‌گوید: (وقتی دولت، حقوق مردم را نقض می‌کند، ملت و گروههای مردمی حق و تکلیف دارند که علیه آنهادست به شورش بزنند.)[2]

ART. 35. - "Quand le Gouvernement Viole les droits du peuple, l'insurrection est, pour le peuple et pour chaque portion du peuple, le plus sacré des droits et le plus indispensable des devoirs."

اظهار نظر یک استاد فرانسوی حقوق بشر

در بحث‌های امروزی حقوق بشر نیز حق مقاومت در برابر ظلم را در زمره حقوق بشر به شمار می‌آورند و آثار و تبعات آن را مورد بحث قرار می‌دهند. پروفسور مادیو (Madiot)، استاد حقوق فرانسوی، نویسنده کتاب حقوق بشر (Droit de l'homme) در مورد این حق و نحوه حمایت از آن در کتاب خود بحث نسبتاً مبسوطی ارائه داده است. وی می‌گوید: حق مقاومت در برابر ظلم (le droit de resistance al'oppression) ریشه‌ای قدیمی دارد که منبع آن را باید در حقوق طبیعی و ایده عدالتخواهی جستجو کرد. ابتدا، این مطلب یك امر اخلاقی و فلسفی به حساب می‌آمد ولی به طور جدی در عالم حقوق نیز مطرح شده و به عنوان یك مسأله مهم مورد بحث قرار گرفت، مخصوصاً در رابطه با سرپیچی از مقررات دولت و نظم حاکم و قوانین موضوعه این مسأله ظریف مطرح است که آیا می‌توان به‌استناد حق مقاومت علیه ظلم از مقررات حکومت سرپیچی نمود؟ وی اصل مشروعیت این امر را

1. The American polity P. 676.
2. Mourice Duverger, Constitutions et docouments politiques. P.81

از برخی فلاسفه نقل می کند که گفته است: «اگر عدالت و آزادی اقتضا کند، من از قانون سرپیچی می کنم.» وی اشاره می کند که در دوران معاصر برخی اعمال ضددولتی و مغایر قوانین موضوعه به استناد این حق توجیه شده است. از جمله در جریان جنگ الجزایر، برخی از فرانسویان به استناد این حق از جنگیدن علیه مردم الجزایر، سرپیچی می کردند و تمرّد خود را قانونی می‌دانستند مثلاً اعلامیه شماره ۲۱ تحت عنوان حق تمرّد، اعلام می‌داشت که: «ما امتناع از جنگیدن و سلاح کشیدن به روی مردم الجزایر را محترم و قانونی می‌شماریم.»

یك فرمان قانونی نیز که در سال ۱۹۴۴ در فرانسه صادر شد اعلام داشت هر گونه عملی که افراد، بعد از تاریخ دهم ژوئن ۱۹۴۰ به منظور آزادسازی فرانسه انجام دادند، هرچند، مغایر و ناقض قوانین موضوعه و لازم‌الاجرای حکومت وقت بود، مشروع وقانونی شناخته می‌شود به هر حال، این استاد فرانسوی نتیجه گیری می کند که اجمالاً می توان گفت از لحاظ حقوقی نیز، در برخی موارد می توان به حق مقاومت علیه ظلم استناد کرد و عملی را مشروع یا نامشروع دانست.[1]

تحلیل کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل

مسأله مقاومت در برابر ظلم و قانون‌شکنی و حقی که افراد در این خصوص حتی در رابطه با دولتها دارند مورد بحث و تجزیه و تحلیل کارشناسان حقوق بشری سازمان ملل نیز قرار گرفته است و در بحث مربوط به اطاعت و تبعیت از قانون که به عنوان یك اصل مطرح شده، این مسأله نیز مورد بررسی قرار گرفته که از چه قانونی باید اطاعت کرد؟ و پاسخ داده شده که از قانون عادلانه و درست. قانونی که بدون تبعیض، حافظ حقوق افراد بوده و بر اصول عدالت و تساوی استوار باشد و بدین رو هر فرد، اصولاً این صلاحیت حقوقی و بلکه تکلیف و تعهد دارد که دستوراتی را که دریافت می کند بررسی نماید و قانونی بودن و مشروعیت آن را احراز کند. البته در عمل دادن چنین اختیار وسیعی به افراد، ایجاد اشکال

1. Yves Madiot: droit de l'homme. P. 183.

در نظام جامعه می‌نماید ولی قدر مسلم یکی از عواملی که موجب می‌شود بتوان در قوانین و دستورات صادره از حکومت تردید کرد، عدم مشروعیت خود حکومت است، اگر یك نظام حکومتی بر اصول دموکراسی و آزادی مشارکت افراد ملت بنیانگذاری نشده و بر اساس زور و دیکتاتوری باشد، این حق را مردم دارند که از قوانین ناشی از آن اطاعت نکنند.[1]

حق مقاومت در برابر ظلم و فشار، به طور تلویحی در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز، مورد شناسایی قرار گرفته است، بند دوم مقدمه اعلامیه این گونه تدوین شده است: «...از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد، تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار، مجبور نگردد...» یعنی اگر حقوق انسانی بشر، رعایت نشد، ناچار می‌تواند دست به قیام بزند.

نگرش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به نحوی ظریف به این مطلب پرداخته شده است. اصل ۸ قانون اساسی مسأله وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را مطرح می‌کند و آن را وظیفه عمومی و همگانی می‌داند و از جمله برای مردم در برابر دولت نیز، این وظیفه پیش‌بینی و شناخته شده است، البته شرایط و حدود و کیفیت آن را باید قانون تعیین و مشخص کند که تاکنون چنین قانونی وضع نشده است ولی به هر حال نفس طرح چنین امری در قانون اساسی مبیّن این معنی است که حتی در حکومت مشروع که اساس آن بر مبنای صحیح و با رأی مردم و بر اساس دموکراسی بنیانگذاری شده این حق و بلکه تکلیف به مردم داده شده است که به گونه‌ای بتوانند در برابر خلافهایی که از آن می‌بینند مقابله کنند، اصل هشتم می‌گوید:

«در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت

---

۱. گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون فرعی مبارزه علیه تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها، تحت عنوان: آزادی فردی در حقوق (liberé de l'indiviou en droit) منتشره از سوی سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ مبحث تکالیف مربوط به انسانیت، صفحه ۵۶ تا ۵۹.

به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند...» در همین رابطه اصل نهم قانون اساسی نیز به امر مهمی اشاره می کند. در اصل نهم به اهمیت مسأله آزادی و استقلال و اینکه هیچ یك را نمی توان به بهانه دیگری از بین برد اشاره دارد و ذیل اصل می گوید: «...هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادیهای مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.» مفهوم این فراز از اصل قانون اساسی این است که اگر دولت قانونی وضع کرد که ناقض آزادیهای مشروع مردم بود، آن قانون اعتبار ندارد و لازم‌الاجرا نیست. طبعاً در یك جامعه دمکراتیك و در نظام حکومتی که بر مبنای مشارکت مردم و انتخابات اداره می‌شود، به سادگی نمی توان به افراد حق داد با قوانین مصوب حکومت مخالفت کنند و از آن سرپیچی نمایند ولی این اصل را باید مدّنظر داشت که به هرحال، حق مقابله با زور و ظلم و فشار و بی عدالتی حتی اگر از دولتی که منشأ مشروع دارد ناشی شود یك حق اساسی برای مردم است و اگر از طرق عادی و مکانیزمهای جاری، رفع ظلم نشد، می تواند به صورت تمرّد و سرپیچی و احیاناً قیام و اقدام، اعمال گردد. وقتی اساس حکومتی نامشروع و غیرقانونی باشد، مسلماً حق مقابله با مظالم آن برای مردم روشن‌تر و محرزتر و عملی تر است این معنی را بخوبی می توان در تعلیمات قرآن و سخنان پیامبر(ص) و امیرمؤمنان علی(ع) بخصوص در دوران حکومتش و در رابطه با زمامداری خودش و بخصوص در قیام حسین بن علی(ع) مشاهده کرد. چنانکه دیدیم، امروزه طرفداران حقوق بشر نیز در بحث نظری خود، این حق را جزء حقوق انسانی جامعه و افراد بشری می‌دانند و احیاناً مداخله دولت یا قدرت خارجی را به حمایت از این اعمال حق به عنوان مداخله بشردوستانه توجیه می کنند. یکی از مصادیق بارز مردمی که در اعمال حقوق انسانی و در رابطه با اصول و مبانی حقوق بشر، حق قیام و مقاومت دارند، مردم فلسطین و جنوب لبنان‌اند که در برابر حکومتی که آنها را به زور از سرزمین خود رانده و آواره‌شان کرده و مورد ظلم و فشارشان قرار داده و می دهد، مقاومت می کنند، از مقررات ظالمانه او سرپیچی می کنند و برای دفع ظلم و شر او بر او می‌شورند ولی آیا قدرتهای مدعی طرفداری از حقوق بشر و مدافعان تحلیلهای حقوق بشری سازمان ملل حاضرند، این حق را برای آنها به رسمیت بشناسند؟ و به عنوان مثال کسانی که با گذراندن فرمان قانونی، به

اعمال مغایر قانون کسانی که در جهت آزادی میهن خود فرانسه تلاش می کردند، مشروعیّت بخشیدند، حاضرند اقدامات آزادی‌خواهانه این مظلومین تاریخ را مشروع بدانند یا به عکس این اعمال را خرابکارانه و غیر مشروع دانسته و محکوم ملی کنند و حملات حکومت ظالم و غاصب اسرائیل را توجیه نموده و در جهت حفظ و دفاع از خود بر آن صحه می گذارند؟!

قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران و آزادیهای اساسی

مقدمه

یکی از شعارهای مهم انقلابات مردمی در قرون اخیر که پس از پیروزی انقلاب و استقرار حکومت جدید جزء شعارهای اصولی و ماندنی حکومت شده است، آزادی است، مثلاً در انقلاب کبیر فرانسه سه شعار آزادی، برابری و برادری از شعارهای اصلی انقلاب بود که بعداً جزء اصول قانون اساسی درآمد، اصل دوم قانون اساسی فرانسه که ویژگیهای اصلی حکومت فرانسه را می‌شمارد می‌گوید: . . . شعار جمهوری «آزادی، برابری، برادری» است.

چنانکه می‌دانیم سه شعار اصلی و محوری انقلاب اسلامی، آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی بود. در مقدمه قانون اساسی از این سه شعار اصلی و محوری مردم نام برده شده است و در اصول ۱ و ۹ قانون اساسی مشخصاً جمهوری اسلامی به عنوان نظام حکومتی و آزادی و استقلال به عنوان دو رکن لاینفك این نظام مورد تصریح قرار گرفته است.

نگرش قانون اساسی به آزادی

و حال نگاهی به نوع نگرش قانون اساسی به آزادی بیفکنیم.

الف ـ جایگاه ویژه اصل آزادی در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل آزادی را به طور کلی مورد توجه شدید قرار داده و خواسته است که به طور جدّی و بدون بهانه به حفظ و رواج و بقای آن عنایت شود. اصل دوم قانون اساسی در پی شمردن ۵ اصل به عنوان اصول زیربنائی نظام جمهوری اسلامی ایران که در واقع اصول اعتقادی اسلامی هستند یعنی توحید و نبوت و معاد و عدل و امامت، اصل ششمی را اضافه نموده که عبارت است از کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خداوند. یعنی از دیدگاه قانون اساسی اصل آزادی انسان جایگاهی در کنار اصول اعتقادی پنجگانه در ساختار زیربنائی نظام جمهوری اسلامی دارد و در این روند باید مورد عنایت و توجه قرار گیرد. البته از لحاظ بینشی بر پایه تلقّی مکتبی از دیدگاه اسلامی قانون‌اساسی انسان را آزاد ولی آزاد مسؤول در مقابل خداوند می‌شناسد یعنی از لحاظ اعتقادی این معنی را القا می کند که فرد انسانی باید در عین احساس داشتن آزادی متذکر مسؤول بودن خود در برابر خداوند نیز باشد. مقید کردن آزادی به توأم بودن با مسؤولیت در این اصل، عمدتاً بار فرهنگی و اعتقادی دارد.

اصل نهم قانون اساسی آنچنان به مسأله آزادی و حفظ آن در جمهوری اسلامی اهمیّت داده که آن را با استقلال و وحدت و تمامیت ارضی تفکیك‌ناپذیر دانسته و در ذیل اصل تصریح کرده که هیچ مقامی حتی با وضع قانون و به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور نمی تواند، آزادیهای مشروع را سلب کند.

تدوین کنندگان قانون اساسی با الهام از دیدگاه آزادی بخش اسلام و متأثر از آفات خفقان و محدودیت آزادی در رژیمهای دیکتاتوری و آگاه از اینکه شرط اولیه پیشرفت و ترقی هر ملتی، احساس برخورداری از آزادی فکر و اندیشه و بیان و قلم و فارغ از دغدغه خاطر تحت پیگرد قرار گرفتن به بهانه‌های واهی از سوی حکومت و متولیان قدرت است، اصل وجود آزادی را بدین گونه در دو اصل ۲ و ۹ قانون اساسی مورد تأکید قرار دادند و حتی حکومت را از وضع قانون برای محدود کردن آزادیهای مشروع منع کردند. البته اینکه چه نوع آزادیهائی را نمی توان با قانون هم محدود کرد وملاك مشروعیت آنها چیست جای بحث و تفسیر دارد ولی نفس توجه قانون اساسی به این امر و توجه به این معنی که ممکن است

حتی قانون مصوب مجلس به لحاظ سلب آزادیهای مشروع مردم، مغایر قانون اساسی تشخیص و ردّ شود، اهمیت ویژه قانون اساسی را به اصل آزادی می‌رساند.

بند ۷ اصل دوم قانون اساسی نیز تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون را از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران دانسته است.

بند ۲ اصل ۱۵۶ یکی از وظایف قوه قضائیه را گسترش عدل و آزادیهای مشروع می‌داند و طبق اصل ۱۲۱ در متن سوگند نامه رئیس جمهور هنگام تصدی این مقام حمایت از آزادگی و حرمت اشخاص گنجانده شده است.

ب ـ ذکر برخی آزادیها در اصول قانون اساسی

برخی از آزادیها مشخصاً در بعضی از اصول قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و بر آنها تصریح شده است که مهمترین آنها را می‌توان بدین شرح بیان کرد:

۱ ـ *آزادی عقیده و مذهب*

اصل بیست و سوم قانون اساسی، با بیان خاصی به آزادی داشتن هر نوع عقیده برای افراد پرداخته است، اصل مزبور می‌گوید: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان بصرف داشتن عقیده مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.» هرچند در این اصل طبق بیان متداول در مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر (مواد ۱۸ و ۱۹) و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ماده ۱۸ و ۱۹)[۱] و احیاناً برخی از متون قانون اساسی تصریح نشده که افراد در داشتن هر نوع عقیده مذهبی و سیاسی آزادند شاید این نوع بیان با نوع نگرشی که قانون اساسی برای آزادی انسان قائل است یعنی آزادی توأم با مسؤولیت در برابر خداوند مناسب نبود چرا که از دیدگاه اسلامی انسان در انتخاب عقیده کفرآمیز آزاد نیست بلکه باید کنکاش نماید و عقیده توحیدی را به دست آورد، البته این امر مربوط به خود انسان و وظیفه و مسؤولیت شخصی است که دارد ولی به هر حال چون قانون اساسی از لحاظ مبنائی و مکتبی این دیدگاه را برای انسان پذیرفته نمی‌تواند صراحتاً به او اجازه دهد که هر نوع

---

۱. هم ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و هم ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی با این عبارت آغاز می‌شوند: «هر کس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد....»

عقیده‌ای را می‌تواند برگزیند ولی آنچه مربوط به جنبه عملی و خارجی و برخورد حکومت می‌شود این است که اولاً نباید برای پی بردن به عقیده کسی در مقام تفتیش و جستجو برآمد و ثانیاً اگر به هر طریقی به نوع عقیده‌ای که شخصی به آن معتقد است اطلاع حاصل شد، نباید مورد تعرض و مؤاخذه قرار گیرد، یعنی نه مجازاتی بر شخص به لحاظ داشتن عقیده خاصی وارد می‌شود و نه برخورد نامناسبی باید با او صورت گیرد. به هر حال لازمه این بیان، این است که آزادی افراد در داشتن هر نوع عقیده مذهبی و سیاسی طبق قانون اساسی تضمین شده است و هیچکس نباید به خاطر داشتن عقاید خاصی ولو به هر طریق فاش و کشف شود محاکمه و مجازات گردد و یا احیاناً محرومیت‌هائی از حقوق اجتماعی پیدا نماید. داشتن عقیده باطل هر چند قبیح است ولی امری است مربوط به تکلیف شخصی خود انسان با خدای خود به هر حال طبق مفاد این اصل و لازمه تحقق مضمون آن این است که اگر در اثر تفتیش یا هر طریق دیگر از جمله اظهار خود شخص، معلوم شد عقیده خاص سیاسی یا مذهبی دارد، نمی‌توان او را مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.

به نظر می‌رسد این نوع بیان از آزادی عقیده در اصل ۲۳، صرفاً آزادی داشتن عقیده و بیان آن یعنی حداکثر اظهار ساده داشتن عقیده‌ای را تضمین می‌کند و مقتضای آن این است که اگر معلوم شد کسی عقیده کفرآمیزی دارد که طبق موازین شرعی مرتدّ محسوب می‌شود نمی‌توان او را مجازات کرد ولی این اصل آزادی نشر و تبلیغ عقیده را متضمن نیست حتی آزادی انجام علنی و عمومی مراسم مذهبی را نمی‌رساند، آزادی مربوط به این امور تابع اصول دیگر مربوط به آزادی بیان و قلم و انجام مراسم مذهبی و حدودی که در آن اصول ذکر شده می‌باشد.

در زمینه آزادی مذهبی اصول ۱۲ تا ۱۴ قانون اساسی تکلیف را روشن کرده طبق اصول مزبور پیروان سه دین زرتشتی، مسیحی و یهودی و نیز به طریق اولی پیروان مذاهب اسلامی در انجام مراسم مذهبی خود آزادند و در احوال شخصیه نیز طبق تعلیمات دینی خود عمل می‌کنند، لازمه این بیان این است که پیروان سایر فرقه‌ها و گرایشهای مذهبی، هرچند از اصل آزادی عقیده طبق اصل ۲۳ برخوردارند و بحکم اصل مزبور و اصل ۱۴ باید با آنان با قسط و عدل رفتار کرد و مورد آزارشان قرار نداد و با دید وسیعی اعتقاداتشان را

مانعی برای برخورداری از حقوق شهروندی و اجتماعی ندانست ولی آزادی نشر عقاید خود و تبلیغ آن و انجام مراسم مذهبی که جنبه غیر شخصی و عمومی دارد برای این گروهها در اصول قانون اساسی پیش‌بینی نشده است.

در حالی که اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۸ خود می گوید: «هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب، بهره‌مند شود، این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده، و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است و تقریباً نظیر همین تعبیر در ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دیده می‌شود.

در برخی از قوانین اساسی دنیا نیز آزادی داشتن هر گونه مذهب و انجام مراسم مذهبی به صورت فردی و یا جمعی و حتی تعلیم و تبلیغ مذهب خود در محدوده مقررات مربوط به نظم عمومی به رسمیت شناخته شده است از جمله مثلاً قانون اساسی سوئد در ماده ۱ فصل ۲ آزادی انجام مراسم مذهبی را به صورت فردی یا دسته جمعی برای هر کس و با هر عقیده جزء آزادیهای اساسی می‌داند. و قانون اساسی کشور مالزی نیز با اینکه در بند ۱ ماده ۳ اسلام را به عنوان مذهب فدراسیون مالزی ذکر می کند در ماده ۱۳ می گوید: هر کس آزاد است به هر دینی معتقد باشد و به آن عمل کند و با قیود و شرایطی به تبلیغ آن بپردازد.

۲ـ آزادی بیان

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان در اصل ۲۴ قانون اساسی تحت عنوان آزادی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب ذکر شده است اصل بیست و چهارم می گوید: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می کند.

در متون حقوق بشری و بسیاری از قوانین اساسی حق آزادی بیان و اظهار نظر جزء حقوق و آزادیهای اساسی ذکر شده و آزادی مطبوعات یکی از مصادیق آزادی اظهار نظر و بیان آمده است مثلاً در قانون اساسی سوئد بند ۱ ماده ۱ فصل ۲ از جمله حقوق اساسی تضمین شده آزادی بیان (FREEDOM OF EXPRESSION) ذکر شده و توضیح داده شد که

آزادی بیان عبارت است از: اظهار مطلب، نظر، عقیده و احساس خود، به صورت شفاهی یا کتبی یا تصویری یا به هر طریق دیگر. ماده ۵ قانون اساسی آلمان نیز تحت همین عنوان آزادی بیان (Freedom of Expression) می گوید: هر کس حق دارد آزادانه عقیده خود را اظهار و بیان کند خواه با گفتن یا نوشتن یا تصویر... آزادی مطبوعات و آزادی گزارش دادن از طریق بنگاه‌های سخن‌پراکنی و فیلم نیز تضمین شده است و سانسوری وجود ندارد ولی البته متذکر می‌شود که مقررات قانونی می تواند به لحاظ حفظ و حمایت از جوانان و حیثیت و حقوق افراد محدودیتهائی را وضع کند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصلی برای بیان حق آزادی بیان بطور عام و کلی اختصاص نیافته است. در مورد نمایندگان مجلس در اصل هشتاد و ششم آمده است که نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی کاملاً آزادند. و در اصل ۱۷۵ نیز ذکر شده که: «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.» ولی طبعاً از نحوه بیان اصل ۲۴ در مورد آزادی مطبوعات و اصول کلی دیگر از جمله بند ۷ اصل ۲ در مورد تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی، می توان نظر قانون اساسی را در خصوص آزادی بیان و اظهار نظر بطور کلی با لحاظ نوع محدودیت پیش‌بینی شده در اصل ۲۴ و اصول دیگر دانست.

۳ـ *آزادی احزاب و اجتماعات*

از دیگر مظاهر مهم آزادی، آزادی احزاب یا تشکل‌های سیاسی، اجتماعی، صنفی و تشکیل اجتماعات است در اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی به این دو مهم توجه شده است اصل ۲۶ از یکسو به آزاد بودن تشکیل هر نوع حزب و جمعیتی مشروط به عدم نقض اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی و موازین اسلامی اشاره می کند و از سوی دیگر آزاد بودن همه افراد را به شرکت در این نوع جمعیت‌ها و یا خودداری از شرکت در آنها را مورد تأکید قرار می دهد: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند، هیچکس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.» قانون

اساسی در این اصل و اصول دیگر هیچ فرد از هیچ طبقه و گروه و صنفی را از حق تشکیل و یا ورود به احزاب و جمعیت‌های سیاسی استثناء نکرده است.

البته بعدها در قوانین عادی مربوط به ارتش[1] و سپاه[2] عضویت اعضاء نیروهای مسلح در احزاب سیاسی ممنوع شد و شورای نگهبان هم این مقررات قانون عادی را مغایر قانون اساسی نشناخت.

اصل بیست و هفتم قانون اساسی نیز مقرر می‌دارد: تشکیل اجتماعات و راهپیمائی‌ها بدون حمل سلاح بشرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.

در این اصل نیز با دو قید محدودکننده تشکیل اجتماعات و راهپیمائی‌ها آزاد اعلام شده است یکی شرط نداشتن سلاح که طبعاً به نظم و امنیت عمومی مربوط می‌شود و دیگری مخل نبودن به مبانی اسلام همانگونه که در سایر موارد نیز آمده است و از آن جداگانه بحث خواهیم کرد.

ج- تمهیدات قانون اساسی برای تضمین آزادیهای اساسی

برخی از اصول قانون اساسی حاوی احکام و مقرراتی است که می‌تواند به نوعی تضمین عملی حفظ آزادیهای،مقرر در قانون اساسی باشد. از جمله می‌توان به اصول زیر اشاره کرد:

اصل بیست و پنجم قانون اساسی می‌گوید: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اجرای صحیح این اصل مسلماً کمك مؤثری در حفظ آزادی بیان و اندیشه شهروندان خواهد داشت قانونی که می‌تواند در موارد استثنائی نقض این اصل را اجازه دهد، باید دقیق و صریح تنظیم و تصویب شود که با روح حاکم بر قانون اساسی موافق باشد و

---

۱. بند ب ماده ۶ قانون ارتش مصوب سال ۱۳۶۶: «... پرسنل نیروهای مسلح در خط سیاسی مقام رهبری بوده، عضویت و وابستگی آنان در تشکلهای سیاسی با توجه به فرمان مقام رهبری مطلقاً ممنوع می‌باشد.»

۲. بند د ماده ۱۶ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران مصوب سال ۱۳۷۰: «... عدم عضویت و هواداری از احزاب و گروهها و سازمانهای سیاسی.»

متأسفانه تاکنون قانونی در این زمینه از تصویب مجلس نگذشته است هرچند شنیده شده ضوابطی از سوی برخی مراجع تدوین گردیده است.

اصل ۷۹ قانون اساسی که علی‌الاصول برقراری حکومت نظامی را ممنوع اعلام می‌دارد و در شرایط بسیار استثنائی محدودیتهای ضروری را بطور موقت آنهم با تصویب مجلس شورای اسلامی اجازه می‌دهد یکی از تمهیدات مهم قانون اساسی برای حفظ آزادیهاست زیرا پرواضح است که اعلام حکومت نظامی بزرگترین عامل برای جلوگیری از آزادیهای مردم بخصوص آزادی اجتماعات و مطبوعات و بیان نظرات و عقاید است، قانون اساسی با حساسیتی که نسبت به سوءاستفاده مقامات حکومتی از داشتن اختیار اعلام حکومت نظامی به بهانه حفظ نظم و امنیت داشت و به نحوی این حساسیت در اصل ۹ قانون اساسی که قبلاً از آن یاد شد، منعکس شده است در اصل ۷۹ حکومت نظامی را بالمرّه ممنوع اعلام کرد و برقراری برخی محدودیتها را نیز در موارد مهم استثنائی به تشخیص و تصویب مجلس شورای اسلامی موکول نمود اصل ۷۹ مقرر می‌دارد: «برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری نظیر آن دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی، موقتاً محدودیتهای ضروری را برقرار نماید. ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد، دولت موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.»

اصل ۱۶۸ قانون اساسی که می‌گوید: «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد...» نیز یکی از تمهیدات قانون اساسی برای حفظ آزادی اشخاص است زیرا تخلفات و جرائم مطبوعاتی که به بیان و نشر مطالب و عقاید و تخطی از حدود و موازین آن مربوط می‌شود و جرائم سیاسی که به هر حال مربوط به معارضه با حاکمیت و ابراز و اعمال دیدگاههای سیاسی برای اداره جامعه با نقض قوانین حاکم می‌شود، رابطه تنگاتنگی با آزادی بیان و عقیده دارد و تعیین مرز بین مناطق مشروع و ممنوع بسیار ظریف است ممکن است با تفسیر مضیق و تأویل و توجیه تنگ‌نظرانه بسیاری از نوشته‌ها و اظهارنظرها و فعالیتهای سیاسی را مخلّ به مبانی اسلام و یا مصالح عمومی تشخیص داد و نویسنده و گوینده و فعال حزبی را به پای میز

محاکمه کشاند و محکوم کرد و بدین طریق آزادیها را برخلاف آنچه مورد نظر و تأکید قانون اساسی است بسیار محدود کرد. الزام به تشکیل علنی محاکمات و قراردادن آن در معرض افکار عمومی و دخالت هیأت منصفه که قاعدتاً از طبقات مختلف مردم تشکیل می‌شود و اظهار نظرش منعکس کننده فهم و احساس عموم جامعه است، می‌تواند عامل بسیار مؤثری در تأمین آزادی بیان و قلم باشد و خطر محدودیتها و سخت گیریهای زیاد را کاهش دهد.

د ـ محدودیتهای مربوط به آزادی در قانون اساسی

بغیر از آزادی داشتن عقیده که در متون حقوق بشری و قوانین اساسی بسیاری از دولتها به طور مطلق و بدون هیچ قید و محدودیتی ذکر شده[1] و ظاهراً از اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همین معنا استفاده می‌شود، آزادیهای دیگر از قبیل آزادی بیان، قلم و اجتماعات و انجمن‌ها، مطلق و بدون قید و شرط نیستند. معمولاً آزادیها محدود به عدم مغایرت با نظم یا مصالح عمومی یا حقوق دیگران و یا اخلاق صحیح جامعه می‌باشند یعنی تا هنگامی شخص آزاد است که بگوید و بنویسد و تشکیل اجتماع دهد و فعالیت نماید که امنیت عموم و سلامت اخلاق جامعه و یا حیثیت و اعتبار دیگران را به خطر نیندازد و گرنه آزادی او محدود خواهد شد. بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر می گوید: «... هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادیهای خود، فقط تابع محدودیتهایی است که به وسیله قانون منحصراً به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادیهای دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یك جامعه دموکراتیك وضع گردیده است.» و ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حتی آزادی ابراز عقیده مذهبی را محدود به عدم مغایرت با نظم و امنیت و سلامت اخلاق می‌داند، بند ۳ ماده ۱۸ مزبور می گوید: «آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیتهائی نمود مگر آنچه منحصراً به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت، یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادیهای اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.»

---

۱. ماده ۳۵ قانون اساسی کویت به صراحت مطلق بودن آزادی عقیده را بیان می کند ولی ابراز و انجام مراسم دینی را موکول به عدم اخلال به نظم عمومی می‌داند حریّه الاعتقاد مطلقه، و تحمی الدولة حرية القيام بشعائر الاديان طبقا للعادات المرعية على الايخل ذالك بالنظام العام اوينا فى الاداب.

در این متون، برای محدودیت آزادی از یك سو معیار ذکر شده و از سوی دیگر، تصریح شده که این معیارها باید طبق قوانین مشخص گردند و حتی الامکان روشن و شفاف باشند تا از اعمال سلیقه‌های مختلف و تفسیرهای تنگ نظرانه جلوگیری شود.

با بررسی اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز می توان به این نتیجه رسید که در این قانون اساسی سه معیار؛ مخالفت با موازین اسلام، مصالح عمومی یا حقوق عمومی، و حقوق دیگران محدوده آزادیها را تعیین می کند. مخصوصاً مسأله رعایت موازین اسلام همواره مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. اصل ۲۴ می گوید: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد... طبق اصل ۲۶: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند...» اصل ۲۷ مقرر می‌دارد: «تشکیل اجتماعات و راهپیمائیها، بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است.» به حکم اصل ۲۸: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.» و اصل ۱۷۵ نیز می گوید: «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.»

عناوین مصالح عمومی، حقوق عمومی و مبانی اسلام مفاهیم عام و قابل تفسیر هستند که باید قانون عادی حتی الامکان تعریف و محدوده روشنی از آنها به دست بدهد مخصوصاً در رابطه با مبانی و یا موازین اسلام که در بسیاری از موارد با اختلاف نظر و فتوای فقها مواجه می‌شود و تشخیص اینکه چه امری با موازین اسلام مغایر است یا نیست را دشوار می سازد و لازم است که در حد مقدور ملاکهای روشنی از آن در قانون عادی به دست داده شود.

آزادیهای اساسی در قوانین عادی

اکنون نگاهی به برخی قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران که با آزادی‌های اساسی خاصه آزادی عقیده، بیان به مفهوم عام و احزاب و اجتماعات و محدودیت‌های مربوط به آنها

ارتباط دارند می‌افکنیم. البته قوانین مختلفی به این موضوع ارتباط دارند که فرصت بررسی همه آنها نیست ولی ما عمدتاً سه قانون را که مساس بیشتری با این آزادیها دارند مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهیم.

۱ـ قانون گزینش

در ارتباط با آزادی عقیده و عدم جواز تفتیش عقاید و تعرض به دارندگان عقاید مختلف می‌توان گفت مقررات گزینش و نیز مقررات مربوط به تشخیص صلاحیت داوطلبان نامزدی مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی که اعتقاد و التزام به اسلام و ولایت فقیه را شرط می‌دانند با این امر در تعارض است. قطع نظر از عملکرد گزینش‌ها مخصوصاً در گذشته که داستانها از آن نقل می‌شود و شکایتها مطرح شده و نشان از کندوکاو در عقاید افراد در امور مختلفه دارد به هر حال نفس شرط کردن اعتقاد به امری در قانون، طبعاً اجرای آن کندوکاو و تفتیش عقیده را در پی دارد و اگر تعرض و مؤاخذه موضوع اصل ۲۳ قانون اساسی را منحصر به اعمال مجازاتهای معموله ندانیم، عدم قبول استخدام و یا کاندیدا شدن شخص برای نمایندگی مجلس یا شوراها و امثال آن، در بسیاری از موارد تعرض به افراد به خاطر عقایدشان محسوب می‌شود. قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش مصوب سال ۱۳۷۴ مجلس که بعداً طبق قانون تسری مصوب سال ۱۳۷۵ به سایر کارکنان دولتی نیز تعمیم داده شد در ماده ۲ ضوابط عمومی گزینش اخلاقی، اعتقادی و سیاسی را مطرح می‌کند و این ضوابط را طی چند بند می‌شمارد بند اول آن اعتقاد به دین مبین اسلام و یا یکی از ادیان رسمی و بند ۳ آن اعتقاد و التزام به ولایت فقیه، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی است. تبصره ۱ این ماده اقلیت‌ها را از ضابطه بند ۲ یعنی التزام عملی به احکام اسلام معاف داشته و آنها را تابع مقررات مذهبی خودشان دانسته است. ولی از بندهای دیگر معاف نشده‌اند و در نتیجه اگر یکی از اقلیت‌های مذهبی نیز بخواهد استخدام شود باید به ولایت فقیه هم معتقد باشد. طبق ماده ۱۵، شرایط عمومی گزینش که از جمله همین اعتقادات مزبور بود باید بر مبنای اقرار یا شیاع مفید اطمینان یا قرائن و امارات موجب اطمینان احراز گردد که طبعاً احراز این امر بدون کندوکاو و تفتیش و بررسی میسر نخواهد بود طبق تبصره ۱ ماده ۱۵ گزینش نیروهای غیررسمی و غیرثابت

اعم از روزمزد، قراردادی، پیمانی و عناوین مشابه در چارچوب این قانون صورت می گیرد یعنی حتی اگر دستگاهی بخواهد چند کارگر روزمزد را به کار گیرد باید اعتقاد و التزام او را به اسلام و ولایت فقیه احراز نماید.

اشکال وارد بر قانون گزینش در خصوص امکان برخورد آن با آزادی عقیده موضوع اصل ۲۳ قانون اساسی در مورد شرایط مشابهی که برای داوطلب شدن در انتخابات مجلس شورای اسلامی و یا شوراها و امثال آن درزمینه شرط اعتقادی وجود دارد و عملی که اخیراً در انتخابات اولین شوراهای شهر در تهران از سوی هیأت نظارت بر انتخابات و کمیته حل اختلافات صورت گرفت که برخی داوطلبان ناگزیر شدند علاوه بر پر کردن و امضاء فرم ثبت‌نام اقرارنامه کتبی بر اعتقاد و التزام به ولایت فقیه بنویسند نیز وجود دارد.

۲ـ قانون احزاب

در اجرای اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی و برای تأمین حدود و مقررات مربوط به تشکیل احزاب و جمعیت‌ها و تأمین آزادی مشروع تشکیل و فعالیت آنها و نیز تأمین آزادی راهپیمائی‌ها و تشکیل اجتماعات قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده در شهریور ماه سال ۱۳۶۰ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت.

در این قانون حزب، جمعیت، انجمن، انجمن اسلامی و انجمن اقلیتهای دینی تعریف شده و نحوه ثبت و صدور پروانه برای آنها ذکر شده است.

طبق ماده ۶ فعالیت گروهها آزاد شناخته شده تا وقتی مرتکب تخلفات مندرج در ماده ۱۶ این قانون نشوند و ماده ۱۶ در واقع به نوعی محدودیتهای مندرج در اصل ۲۶ قانون اساسی را بیان و مصادیقی از آن را ذکر کرده است. ماده ۱۶ در ۱۰ بند، محدودیتهای احزاب و گروهها را ذکر نموده که بعضی از آنها در حد همان کلیات مندرج در اصل ۲۶ قانون اساسی و بعضی بیان تفصیلی تر آنهاست. ممنوعیتهای موضوع ماده ۱۶ به طور اجمال عبارتند از: افعال منجر به نقض استقلال کشور، مبادله اطلاعات و مواضعه با سفارتخانه‌ها، دریافت کمك مالی از بیگانگان، نقض آزادیهای مشروع دیگران، ایراد تهمت، افترا و شایعه‌پراکنی، نقض وحدت ملی و طرح‌ریزی برای تجزیه کشور، تلاش برای ایجاد و

تشدید اختلاف میان ملت، نقض موازین اسلامی، تبلیغات ضداسلامی و پخش کتب و نشریات مضلّه، اختفاء، نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیرمجاز.

در ماده ۱۰ این قانون تشکیل کمیسیونی پیش‌بینی شده که تشخیص صلاحیت متقاضیان تشکیل گروهها و تصویب صدور پروانه برای آنها و تشخیص تخلف آنها از مقررات ماده ۱۶ به عهده آن کمیسیون گذاشته شده است. این کمیسیون مرکب است از: ۱ـ نماینده دادستان کل کشور، ۲ـ نماینده شورای عالی قضائی، (که اکنون نماینده رئیس قوه قضائیه خواهد بود) ۳ـ نماینده وزارت کشور، ۴ـ دو نماینده به انتخاب مجلس شورای اسلامی که ممکن است از داخل یا خارج مجلس باشند.

کمیسیون مذکور باید ظرف سه ماه به پرونده‌های متقاضیان که نوبت آنها رسیده است رسیدگی نمایند و تصمیم مقتضی راجع به صدور پروانه برای آنها و یا ردّ مستدل درخواست آنها اتخاذ نمایند. و وزارت کشور نیز طبق ماده ۹ مکلف است پس از تصویب کمیسیون ظرف ده روز پروانه گروهها را با امضای وزیر کشور صادر نماید. در صورتی که پس از گذشت سه ماه کمیسیون موضوع ماده ۱۰ بدون ارائه دلیل در مورد درخواست صدور پروانه گروهی اعلام نظر نکرد وزارت کشور موظف است پروانه درخواست شده را صادر نماید (ماده ۱۲). کمیسیون ماده ۱۰ در صورتی که تشخیص دهد گروهی مرتکب تخلفات مندرج در ماده ۱۶ شده است تا حد توقیف پروانه گروه می‌تواند اقدام کند ولی حق انحلال آن را ندارد لیکن می‌تواند از دادگاه درخواست انحلال گروه را بنماید (ماده ۱۷). مرجع تصمیم گیری در مورد انحلال گروه و نیز رسیدگی به شکایت گروهها از تصمیمات کمیسیون ماده ۱۰ دادگاههای دادگستری هستند که باید طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی با حضور هیأت منصفه تشکیل شوند. (ماده ۱۳)

ماده ۱۹، شورای عالی قضائی را مکلف کرده است که ظرف یکماه پس از تصویب این قانون لایحه مربوط به شرایط هیأت منصفه را تهیه و تنظیم نماید که تابحال این کار انجام نشده است. به نظر می‌رسد قانونگذار تخلفات ارتکابی از سوی احزاب و گروهها را که در ماده ۱۶ برشمرده است از مصادیق جرم سیاسی دانسته که باید رسیدگی به آنها طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی در دادگاههای دادگستری با حضور هیأت منصفه صورت گیرد.

در رابطه با تشکیل اجتماعات و برگزاری راهپیمائی‌ها موضوع اصل ۲۷ قانون اساسی، تبصره ۲ ماده ۶ قانون با دو بیان مختلف، آزادی آنها را اعلام کرده است. تشکیل اجتماعات را منوط به کسب مجوز از وزارت کشور نموده و برگزاری راهپیمائی‌ها را به اطلاع وزارت کشور البته به شرط عدم حمل سلاح و مخل نبودن به مبانی اسلام همانطور که در اصل ۲۷ آمده آزاد اعلام کرده است. تبصره مزبور می گوید: «برگزاری راهپیمائی‌ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ مخل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارکهای عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است.»

شاید ذکر این مطلب خالی از فایده نباشد که تبصره ۲ فوق‌الذکر ابتدا، از سوی مجلس بدین صورت تصویب شده بود: «تشکیل اجتماعات و راهپیمائی‌ها طبق اصل ۲۷ قانون اساسی آزاد است ولی برگزاری آن در پارکها، میادین و معابر عمومی منوط به کسب مجوز از وزارت کشور است.» شورای نگهبان به آن قسمت از تبصره ۲ که راهپیمائی در معابر عمومی را منوط به کسب مجوز از وزارت کشور نموده بود ایراد وارد کرد و آن را مغایر قانون اساسی دانست، نظر شورای نگهبان بدین شرح بود: «آن قسمت از تبصره ۲ ماده۶ که تشکیل راهپیمائی در معابر عمومی را منوط به کسب اجازه قبلی از وزارت کشور دانسته با توجه به اینکه اصولاً راهپیمائی در غیر معابر عمومی مصداق ندارد و طبق اصل ۲۷ قانون اساسی تشکیل راهپیمائی بدون حمل سلاح و در صورتی که مخل به مبانی اسلام نباشد، بدون قید دیگری آزاد است، مغایر قانون اساسی می‌باشد.»[۱]

در واقع نظر شورای نگهبان و استنباط او از اصل ۲۷ قانون اساسی این بود که برای برگزاری راهپیمائی و تشکیل اجتماعات جز دو شرط عدم حمل سلاح و مخل نبودن به مبانی اسلام، چیز دیگری شرط نیست، و قید گرفتن مجوز از وزارت کشور قید اضافه‌ای است که در قانون اساسی نیامده است و آوردن این قید در قانون عادی برقراری محدودیتی است که مورد نظر قانون اساسی نبوده است. در مورد تشکیل اجتماعات چون تشکیل آنها

۱. مجموعه نظریات شورای نگهبان، دکتر حسین مهرپور، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۷۱، جلد ۱، ص ۶۴.

در میادین شهر و پارکهای عمومی و نیز در اماکن خصوصی یا اماکن غیر از میادین و پارکها امکان‌پذیر است، این امر منطقی است که برای تشکیل آنها در میادین و پارکهای عمومی کسب مجوز از وزارت کشور لازم باشد ولی البته تشکیل اجتماعات در غیر میادین و پارکهای عمومی نیاز به کسب مجوز از وزارت کشور ندارد. ولی در موزد برگزاری راهپیمائی‌ها نظر شورای نگهبان این بود که چون اصولاً راهپیمائی جز در معابر عمومی مفهوم و معنائی ندارد و مثل تشکیل اجتماعات نیست که هم در مراکز خصوصی و هم در مراکز و اماکن عمومی امکان برگزاری آنها باشد و قانون اساسی نیز راهپیمائی را بدون قید کسب مجوز آزاد اعلام کرده بنابراین مقید کردن برگزاری راهپیمائی در معابر عمومی به کسب مجوز قبلی از وزارت کشور خلاف نظر قانون اساسی است که آن را بطور مطلق از این حیث، آزاد اعلام نموده است. و لذا در اصلاحی که مجلس در تبصره ۲ به عمل آورد صرف اطلاع دادن به وزارت کشور برای برگزاری راهپیمائی کافی دانست ولی البته تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ را مبنی بر مخل نبودن آن با مبانی اسلام لازم شمرد که محدودیت ناشی از آن هم دست کمی از قید اخذ مجوز از وزارت کشور ندارد. شاید شورای نگهبان نیز بدین جهت که قانع نشده بود اشکال مغایرت با قانون اساسی رفع شده این بار پاسخی در تأیید یا ردّ مصوبه مجلس نداد و در نتیجه با انقضاء مدت ده روز و عدم اعلام نظر از شورای نگهبان مصوبه مجلس طبق اصل ۹۴ قانون اساسی لازم‌الاجرا شد.[۱]

به نظر می‌رسد قانون فعالیت احزاب و جمعیت‌ها مصوب سال ۱۳۶۰ با تشکیل کمیسیون موضوع ماده ۱۰ که اکثریت اعضاء تشکیل‌دهنده آن را نمایندگان مجلس و قوه قضائیه تشکیل می‌دهند و فرض این است که این نهادها بیشتر مدافع آزادی و حقوق قانونی مردم هستند و در اقلیت قرار دادن نماینده قوه مجریه (وزارت کشور) که بنا به فرض بیشتر در مظّان اتهام محدود کردن آزادیهای عمومی است و نیز تأکید بر ارجاع تخلفات احزاب و درخواست انحلال آنها و شکایات احزاب از تصمیمات کمیسیون ماده ۱۰ به محاکم دادگستری و تصریح اینکه این محاکم باید طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی یعنی با حضور

۱. مجموعه نظریات شورای نگهبان، ص ۶۵.

هیأت منصفه و به صورت علنی تشکیل شوند، نشاندهنده این امر است که قانون مزبور سعی داشته در جهت تحقق آزادیهای موضوع قانون اساسی در این زمینه گام بردارد.

۳ـ قانون مطبوعات

یکی از قوانین مهم که ارتباط نزدیکی با آزادی بیان دارد قانون مطبوعات است که از یك سو تأمین کننده آزادی بیان از طریق مطبوعات و نشریات است و از سوی دیگر حدود قانونی مربوط به آزادی بیان را که اصل آن در قانون اساسی پیش‌بینی شده بیان می کند.

بعد از انقلاب اسلامی، نخستین قانون مطبوعات در سال ۱۳۵۸ (۵۸/۵/۳۱) قبل از تصویب قانون اساسی از تصویب شورای انقلاب گذشت. در این قانون، انتشار نشریه موکول به اخذ پروانه انتشار از وزارت ارشاد پس از تأیید صلاحیت متقاضی در کمیسیونی که به همین منظور از نماینده ناشران، نویسندگان، دیوان کشور، اساتید دانشگاه تهران، اساتید حوزه علمیه قم و وکلای دادگستری تشکیل می‌شد، گردید. محدودیتها و موارد ممنوعه‌ای که مطبوعات مکلف به رعایت آنها بودند و نیز مجازاتهای مربوط به تخلف از این حدود ذکر شد، و رسیدگی جرائم مطبوعاتی به دادگاه جنائی با حضور هیأت منصفه موکول شد. قانون مزبور ترکیب اعضاء هیأت منصفه و شرایط آنها و نحوه انجام وظیفه آنها را نیز ذکر نموده بود.

پس از تصویب قانون اساسی، قانون جدید مطبوعات در سال ۱۳۶۴ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت که تقریباً الهام گرفته از همان قانون مطبوعات سال ۱۳۵۸ بود. قانون مطبوعات می‌بایست در اجرای اصل ۲۴ قانون اساسی هم اصل آزادی را از لحاظ قانونی تأمین کند و هم محدودیتهای مربوط به موارد مخل مبانی اسلام و حقوق عمومی را بیان نماید. ماده ۲ قانون مطبوعات تحت عنوان رسالت مطبوعات در پنج بند رسالت مطبوعات را که اجمالاً عبارت است از: روشن ساختن افکار عمومی، پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی بیان شده، تلاش برای نفی مرزبندی‌های کاذب، مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری و حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی و نه غربی بیان کرده و در تبصره آن مقرر داشته هر یك از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق سهیم بوده و با موارد دیگر در تضاد نباشد. و در ماده ۳ تحت عنوان حقوق مطبوعات به آنها حق داده نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها و توضیحات مردم و مسؤولین را با رعایت موازین اسلامی و

مصالح جامعه درج کنند و در ماده ۴ تصریح شده که: «هیچ مقام دولتی و غیر دولتی، حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات بر آید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند. در ماده ۲۹ قانون مطبوعات سال ۵۸ همین معنی ذکر شده و ضمانت اجرای آن هم ذکر شده که برای مرتکب مجازات انفصال ابد از مشاغل دولتی و حبس جنحه‌ای از شش ماه تا دو سال تعیین شده است.

در قانون مطبوعات فصلی تحت عنوان: حدود مطبوعات ذکر شده و در ماده ۶ ضمن تکرار مفاد اصل ۲۴ قانون اساسی که نشریات در بیان مطالب آزادند جز در موارد اخلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی، در ۹ بند موارد اخلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی تبیین و مشخص شده است که اجمالاً عبارتند از: نشر مطالب الحادی، اشاعهٔ فحشاء و منکرات، تبلیغ اسراف و تبذیر، ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، تشویق به اعمال علیه امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران، فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اهانت به دین مبین اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید، افترا به مقامات و اشخاص و سرقتهای ادبی.

در واقع محدوده ممنوعه آزادی مطبوعات که در اصل ۲۴ قانون اساسی با دو عنوان کلی: مخل به مبانی اسلام، و حقوق عمومی بیان شده بود در ماده ۶ قانون مطبوعات تفصیل آن در ۹ بند ذکر شده و اخیراً هم بند دیگری به آن الحاق شده که عبارت است از استفاده ابزاری زن و مرد در مطبوعات. البته برخی از عناوین مقرر در ماده ۶ نیز جنبه کلی و عمومی دارد که تفسیر و تبیین آن طبعاً به عهده مرجع قضائی رسیدگی کننده است و البته وجود هیأت منصفه که در این قانون هم پیش‌بینی شده به لحاظ نوع ترکیب آن که از طبقات مختلف اجتماعی است می‌تواند در تبیین آن مفاهیم کلی و درك اجتماعی صحیح‌تر از آنها مؤثر باشد.

در هر حال در این قانون مطبوعات هم در ماده ۲۴ پیش‌بینی شده که به جرائم ارتکابی به وسیله مطبوعات در دادگاه صالحه با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود.

در این قانون چگونگی تشکیل و ترکیب اعضاء هیأت منصفه و شرایط آنها و حدود صلاحیت و وظایفشان ذکر نشده است و در نتیجه تشکیل هیأت منصفه مطابق مقررات

قانون مطبوعات سال ۱۳۵۸ انجام می‌شود.

از جرایم و تخلفاتی که در این قانون مطبوعات سخت با آن برخورد شده اهانت به مقدسات اسلامی و رهبر و مراجع تقلید است. در مورد اهانت به اسلام و مقدسات اسلامی اگر نحوه بیان مطلب به گونه‌ای باشد که ارتداد نویسنده را برساند مجازات ارتداد درباره او اعمال می‌شود. طبق ماده ۲۶: «هر کس بوسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد در حق وی صادر و اجراءو اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.»

در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران تنها جائی که صریحاً از ارتداد و جرم بودن و مجازات داشتن آن نام برده شده است در همین قانون مطبوعات است. در این قانون هم، مجازات ارتداد تعیین نشده در قوانین جزائی دیگر نیز مجازات ارتداد ذکر نشده است ولی پیداست که در فقه اسلامی و فتاوی فقها مجازات ارتداد، مرگ است. توهین به رهبر یا مراجع مسلم تقلید طبق ماده ۲۷ موجب لغو پروانه نشریه و معرفی مدیر مسؤول و نویسنده به دادگاه جهت اعمال مجازات است. نحوه انشاء و بیان ماده ۲۷ به گونه‌ای است که در صورت توهین به رهبری یا یکی از مراجع تقلید در نشریه‌ای قبل از ارجاع موضوع به دادگاه باید پروانه نشریه لغو شود، ماده ۲۷ می گوید: «هرگاه در نشریه‌ای به رهبر یا شورای رهبری جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسؤول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد.»

در قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ تشکیل هیأتی پیش‌بینی شده است که هم تصمیم‌گیری به دادن پروانه برای متقاضی نشریه را و هم نظارت بر عملکرد مطبوعات در ادامه کار را برعهده دارد.

این هیأت که به نام هیأت نظارت بر مطبوعات موسوم است طبق ماده ۱۰ مرکب از: یکی از قضات دیوان عالی کشور، یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، یکی از اساتید دانشگاه، یکی از مدیران مسؤول مطبوعات به انتخاب آنان و وزیر ارشاد اسلامی یا نماینده تام‌الاختیار او می‌باشد.

طبق ماده ۱۱: رسیدگی به درخواست صدور پروانه و تشخیص صلاحیت متقاضی و

مدیر مسؤول به عهده هیأت نظارت بر مطبوعات است.

و در زمینه عملکرد نظارتی طبق ماده ۱۲: «هیأت نظارت رأساً یا به درخواست وزیر ارشاد اسلامی موارد تخلف نشریات را مورد رسیدگی قرار می‌دهد و در صورت لزوم جهت پیگرد قانونی تقاضای کتبی خود را به دادگاه صالح تقدیم می‌دارد.» استنباط و رویه جاری در هیأت نظارت از مدتی قبل تاکنون این است که در مورد ماده ۲۷ قانون مطبوعات یعنی توهین به رهبری یا مرجع تقلید، هیأت نظارت اگر این امر را تشخیص دهد لغو پروانه نشریه را اعلام و جهت اعمال مجازات متخلف را به دادگاه معرفی می‌نماید.

نتیجه

از مجموع بررسی مختصری که در باب آزادی و مصادیقی از آن در قانون اساسی و برخی از قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران به عمل آمد می‌توان به طور خلاصه این نتایج را به دست داد:

۱ـ اصل آزادی در قوانین جمهوری اسلامی ایران بخصوص قانون اساسی سخت مورد توجه و عنایت بوده و در حدّ قرار گرفتن در کنار اصول اعتقادی به آن نگاه شده است.

۲ـ نگاه قانون اساسی از لحاظ مکتبی و بینشی به آزادی انسان، آزادی توأم با مسؤولیت در برابر خداوند است که هر چند این دیدگاه جنبه شخصی و فردی برای انسان دارد و بیان کننده نوع نگرش فلسفی قانون اساسی است ولی طبعاً از بازتاب آن در قوانین نمی‌توان غافل بود.

۳ـ از دیدگاه قانون اساسی اصل بر آزادی است. در تمام زمینه‌ها از آزادی عقیده، بیان، تشکیل احزاب و جمعیت‌ها ولی طبعاً استثنائات و محدودیتهایی نیز وجود دارد مهمترین استثنا مسأله برخورد با موازین و مبانی اسلامی است که در اصول متعدد قانون اساسی و نیز در قوانین عادی که در این زمینه وضع شده به چشم می‌خورد. می‌توان گفت نفس آزادی عقیده مطلق است یعنی در داشتن عقیده هر کس آزاد است و نمی‌توان در مقام تفتیش عقیده کسی برآمد و کسی را به صرف داشتن عقیده‌ای ولو فاسد و باطل مؤاخذه و عقاب نمود ولی در بیان عقیده و بخصوص نشر و ترویج آن محدودیتهایی وجود دارد که

عمده آن تحت عنوان عدم اخلال به مبانی اسلامی و حقوق عمومی بیان شده است.

۴ـ قانون اساسی و نیز قوانین عادی مثل قانون احزاب و قانون مطبوعات با تمهید راهکارهائی از قبیل تشکیل کمیسیون یا هیأتهایی مرکب از نمایندگان قوه مقننه و قضائیه و مجریه و گاه از طبقات دیگر و نیز پیش‌بینی انجام محاکمه تخلفات و جرایم مربوط به تجاوز از حدود قانون به صورت علنی و با حضور هیأت منصفه، تلاش کرده‌اند با تفسیرهای تنگ‌نظرانه و اعمال نظر یك طرفه قدرت حاکم، استثنا بر اصل فزونی نگیرد و تحقق اصل آزادی لطمه نبیند.

۵ـ حساسیت مقررات محدودکننده آزادی در قوانین نسبت به موارد برخورد با مبانی اسلامی بیشتر است.

۶ـ قوانینی که فاصله زمانی کمتری با پیروزی انقلاب و تصویب قانون اساسی داشتند به نظر می‌رسد با سعه صدر بیشتری با آزادی و محدودیتهای آن برخورد کرده‌اند نمونه آن را در قانون انتخابات مصوب شورای انقلاب ۵۸/۱۱/۱۷[۱] و قانون احزاب سال ۶۰ و قانون مطبوعات سال ۵۸ و بعداً هم قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ می‌توان دید.

۱. قانون انتخابات مجلس شورای ملی، مصوب شورای انقلاب در ۵۸/۱۱/۱۷، مندرج در مجموعه قوانین سال ۵۸، ص۴۹۶.

در شرایط انتخاب شوندگان ماده ۹ آمده است: ۱ـ تابعیت ایران، ۲ـ حداقل سن ۲۵ و حداکثر ۷۵، ۳ـ عدم اشتهار به فساد و نادرستی، ۴ـ اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی، ۵ـ ابراز وفاداری به قانون اساسی، ۶ـ سواد خواندن و نوشتن و در ماده ۱۰ اشخاص محروم عبارتند از: ۱ـ اقدام کنندگان علیه انقلاب و اساس جمهوری اسلامی که حکم محکومیت آنها صادر شده، ۲ـ محرومیت از حقوق اجتماعی، ۳ـ محجورین و ورشکستگان به تقصیر.

حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

شاید امروز کشور و نظام حکومتی ای وجود نداشته باشد که همه افراد و اتباع آن از یک نژاد و قومیت بوده، به یک زبان تکلم کنند و پیرو یک آیین و مذهب باشند. در بیشتر کشورها، یک اکثریتی وجود دارد که دارای تاریخ و فرهنگ و زبان و مذهب و ملیت مشترک هستند. گروههای کوچکتری نیز وجود دارند که ویژگیهای قومی، زبانی، و مذهبی خود را دارند و اقلیت نامیده می شوند. مسأله رعایت حقوق اقلیت‌ها و تبعیض قائل نشدن نسبت به آنها، از جمله اموری است که بخصوص امروزه سخت مورد توجه و بحث نهادهای بین المللی حقوق بشری است و تمهیداتی برای رعایت حقوق اقلیت‌ها و تأمین همزیستی مسالمت آمیز اقوام مختلف اندیشیده شده است و گاه نیز جهان مخصوصاً در این دهه اخیر شاهد برخوردهای خصمانه و خشونت بار و ویرانگر گروههای مختلف و یا اقدام گروه اکثریت برای پاکسازی قومی اقلیت بوده است. در این نوشته ابتدا اشاره‌ای به تعریف و مفهوم اقلیت می شود و آنگاه ذکری از اسناد بین المللی مربوط به حقوق اقلیت‌ها به میان می آید و سرانجام موقعیت و حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی ایران، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تعریف اقلیت

در اینکه تعریف اقلیت چیست و منظور از عنوان اقلیت (MINORITY) چه می باشد،

همواره بحث و جدل وجود داشته است، در واقع دادن یك تعریف جامع و مانع برای اقلیت دشوار است. ولی امروزه در بحثهای سازمان ملل مشخصه‌های برای اقلیت ذکر می‌شود و با آن مشخصه‌ها، گروهی به‌عنوان اقلیت نامیده می‌شوند این مشخصه‌ها عبارتند از: ویژگیهای قومی، ملی، مذهبی یا زبانی یك گروه که با گروههای داخل در حاکمیت متفاوتند در حقیقت برای اینکه جمعیتی به‌عنوان اقلیت شناخته شود باید این مشخصه‌ها را داشته باشد:

۱ـ از لحاظ تعداد کم باشند: اقلیت‌ها قاعدتاً باید از لحاظ تعداد کمتر از سایر اقشار جمعیت که حکومت را در دست دارند، باشند.

۲ـ حاکمیت را در دست نداشته باشند: گروه اقلیت، گروهی است که قدرت حکومت را در دست ندارند. اقلیت یعنی گروهی که از لحاظ تعداد کمتر از گروههای دیگر است و حاکمیت را در دست دارد، طبعاً مصداق اقلیتی که باید مورد حمایت قرار گیرد محسوب نخواهد شد.

۳ـ تفاوت نژادی، ملی، فرهنگی، زبانی و یا تفاوت مذهبی داشته باشند؛ اقلیت‌ها گروههائی هستند که از لحاظ نژادی، زبانی یا مذهبی با دیگران تفاوت دارند.

و البته اقلیت به کسانی گفته می‌شود که اتباع یك کشور محسوب‌اند یعنی افرادی از تبعه یك کشور که از لحاظ: نژاد، زبان و یا مذهب با دیگران تفاوت دارند اقلیت محسوب می‌شوند.[۱] بنابراین اقلیت را می‌توان این گونه تعریف کرد:

«گروهی از اتباع یك کشور که از لحاظ ملی، نژادی، زبانی یا مذهبی از دیگر اقشار مردم متفاوت بوده، از لحاظ تعداد کمترند و قدرت حکومت را در دست ندارند.»

برخی برای تحقق مفهوم اقلیت برای گروهی از اتباع یك دولت، روحیه همبستگی و تعاون و ریشه‌دار بودن آنان در کشور محل اقامت یعنی سابقه طولانی اقامت در کشور را داشتن مثلاً صد سال قدمت، شرط تحقق مفهوم اقلیت دانسته‌اند.[۲]

در ذیل مبحث مربوط به اقلیت‌ها، رعایت حقوق گروههائی چون مهاجرین

---

۱. شماره ۱۸ فکت شیت (fact Sheet)، انتشارات سازمان ملل، ص ۱۰ به بعد.

۲. مقاله آقای لوری هانیکینن (Lauri Hannikainen) استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه تورکو فنلاند در مجله حقوق بین‌الملل شمال اروپا، شماره ۶۵، سال ۱۹۹۶، ص ۳.

(Migrants)، پناهندگان (Refugees)، بومی‌ها (Indigenous Peoples) و امثال آنها نیز مطرح است، هرچند تعریف مصطلح اقلیت و اجرای همه احکام خاص اقلیت شامل آنها نباشد.

البته کمیته حقوق بشر در تفسیر نسبتاً جدید خود در سال ۱۹۹۴ در رابطه با ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اعلام داشته که حق داشتن فرهنگ، زبان و مذهب فقط مربوط به اقلیت‌های شناخته شده و تثبیت شده نیست بلکه افراد متعلق به گروههای جدید مثل گروههائی که کارگران مهاجر را تشکیل می‌دهند نیز شامل می‌شود. کمیته در تفسیر خود شهروند بودن کشور محل اقامت را به عنوان پیش‌شرط برخورداری از حقوق اقلیت به حساب نیاورده است.[۱]

اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق اقلیت‌ها

به هر حال توجه به حقوق اقلیت‌ها از دو جهت مورد عنایت واقع شده و در اسناد بین‌المللی مختلف به آن پرداخته شده است: یکی از جهت رعایت حقوق انسانی آنان و عدم تبعیض در برخورداری از حقوق و آزادیهای اساسی و دیگری حق داشتن و حفظ هویت ملی، قومی، زبانی و مذهبی خود. بسیاری از اسناد بین‌المللی و نهادهای بین‌المللی که دولت ایران هم به برخی از آنها ملحق شده این مهم را به عهده دارند و به آنها اشاره خواهیم کرد:

قبل از تشکیل سازمان ملل متحد و در زمان جامعه ملل، پس از جنگ جهانی اول یك نظام بین‌المللی حمایت از اقلیت‌ها به‌وجود آمده بود. بدین صورت که در معاهداتی که بین دولتها بسته می‌شد مقرر می‌شد، دولتهایی که در آنها اقلیت‌هایی وجود دارند، نسبت به آنها تبعیض روا ندارند و حق استفاده از زبان و مذهب خود را به آنها بدهند.

جامعه ملل به‌عنوان ضامن اجرای این تعهدات محسوب می‌شد و یك کمیته سه نفره از سوی جامعه ملل برای بررسی ادعاهای مربوط به نقض حقوق اقلیت‌ها تشکیل شده بود.[۲]

پس از جنگ جهانی دوم و تشکیل سازمان ملل، اسناد مختلف به نحو عام و یا

---

۱. سند (1994) CCPR/C/21/REV.1/ADD.5، مقاله پیشین.

۲. نظام بین‌المللی حقوق بشر، ص ۲۷.

به‌صورت خاص مسأله رعایت حقوق اقلیت‌ها را مورد توجه قرار دادند.

در منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، نامی از اقلیت برده نشده ولی بر تساوی همه افراد بشری و برخورداری آنان از حقوق و آزادی‌های اساسی بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب تصریح شده است (مقدمه و مواد ۵۵، ۱۳ و ۷۶ منشور ملل متحد و ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر).

همین عنوان عام و کلی در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز آمده است. (ماده ۲ هر دو میثاق). در همین راستا به کنوانسیون حقوق کودك نیز می‌توان اشاره کرد که در آن هم به‌رفع تبعیض از هر حیث اشاره شده است. (ماده ۲)

برخی از اسناد بین‌المللی نیز به‌طور مشخص و ویژه به حقوق اقلیت‌ها اختصاص دارد که از آن جمله می‌توان اسناد زیر را برشمرد: کنوانسیون محو هرگونه تبعیض نژادی مصوب سال ۱۹۶۵ مجمع عمومی، کنوانسیون منع و مجازات ژنوساید (۱۹۴۸) کنوانسیون ضد تبعیض در تعلیم و تربیت (یونسکو ۱۹۶۰) مقاوله‌نامه شماره ۱۱۱ در مورد تبعیض در استخدام و اشتغال (مصوب سازمان بین‌المللی کار ۱۹۵۸) اعلامیه محو هر نوع نابردباری و تبعیض بر اساس مذهب (مصوب سال ۱۹۸۱ مجمع عمومی) و اعلامیه مربوط به حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، نژادی، مذهبی و زبانی مصوب سال ۱۹۹۲ مجمع عمومی.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی علاوه‌بر مقررات کلی مربوط به رعایت حقوق همه افراد بدون تبعیض از لحاظ نژاد، زبان و مذهب و مخصوصاً مواد ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۲۵ و ۲۶، در ماده ۲۷ مشخصاً از اقلیت‌های نژادی، مذهبی و زبانی نام برده و حق برخورداری آنان را از فرهنگ و دین خاص خود به رسمیت شناخته است.

همان‌طور که در ابتدا نیز اشاره شد، امروزه حقوق اقلیت‌ها از دو جهت مطرح و مورد توجه است یکی از جهت عدم تبعیض در اعمال حقوق و آزادیهای اساسی نسبت به آنها و دیگری از جهت حفظ هویت قومی و فرهنگی و مذهبی آنها. بحثها و مناقشاتی هم که در مورد تعریف اقلیت و صدق عنوان اقلیت بر گروههائی از افراد وجود دارد عمدتاً ناظر به همین شق دوم یعنی شناختن و حفظ هویت خاص آنهاست وگرنه از لحاظ عدم تبعیض و

برخورداری از حقوق و آزادیهای اساسی از لحاظ اسناد بین‌المللی نسبت به همه افراد بحثی وجود ندارد.

برای نمونه نقل دو ماده ۲۶ و ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که اولی ناظر به حکم کلی رفع تبعیض و دومی وجهه دیگر حقوق اقلیت‌ها را بیان می‌نماید خالی از فایده نیست: ماده ۲۶: «کلیه اشخاص در مقابل قانون متساوی هستند و بدون هیچگونه تبعیض، استحقاق حمایت بالسویه قانون را دارند، از این لحاظ قانون باید هر گونه تبعیض را منع و برای کلیه اشخاص حمایت مؤثر و متساوی علیه هر نوع تبعیض خصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و عقاید دیگر، اصل و منشأ اصلی یا اجتماعی، مکنت، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین نماید.»

ماده ۲۷: «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی، وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجتمعاً با سایر افراد گروه خاص خودشان از فرهنگ متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند یا به زبان خود تکلم نمایند.»

اعلامیه مربوط به حقوق افراد وابسته به اقلیت‌ها مصوب سال ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل به نحو مشخص‌تر و روشن‌تری توجه به حفظ هویت اقلیت‌ها را مشروحاً بیان کرده که البته هنوز در سطح اعلامیه است و عنوان معاهده به خود نگرفته است ماده ۱ این اعلامیه می‌گوید: «دولتها باید از موجودیت و هویت اقلیت‌های ملی، نژادی، فرهنگی، مذهبی و زبانی واقع در قلمرو خود حمایت نموده، و شرایط و وضعیت مربوط به ارتقاء و رشد هویت آنها را تشویق نمایند...»

یك نهاد خاص حقوق بشری در سازمان ملل نیز به نام کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها از سال ۱۹۴۷ تأسیس شد و با تشکیل اجلاس سالانه در ژنو و داشتن برخی گروههای کاری در زمینه حمایت از اقلیت‌ها تلاش می‌کند.

عضویت ایران در اسناد بین‌المللی

دولت ایران نیز برخی از این اسناد بین‌المللی را که به نحوی به حقوق اقلیت‌ها و عدم

اعمال تبعیض در مورد آنها پرداخته‌اند مورد تصویب قرار داده است و به اجرای مفاد آنها متعهد است از جمله می توان اسناد زیر را برشمرد:

۱ـ منشور ملل متحد مصوب سال ۱۳۲۴

۲ـ دو میثاق بین‌المللی: «حقوق مدنی و سیاسی» و «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» مصوب سال ۱۳۵۴

۳ـ کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات ژنو ساید مصوب ۱۳۳۴

۴ـ کنوانسیون بین‌المللی رفع تبعیض نژادی مصوب سال ۱۳۴۷

۵ـ کنوانسیون حقوق کودك مصوب سال ۱۳۷۲

۶ـ مقاوله نامه شماره ۱۱۱ سازمان بین‌المللی کار مصوب سال ۱۳۴۳

۷ـ کنوانسیون رفع تبعیض در امر تعلیمات (یونسکو) مصوب سال ۱۳۴۶

البته اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز هر چند اعلامیه است و جنبه تعهدآور معاهده را ندارد ولی نقش و نفوذ عمیق آن در جنبه‌های مختلف مربوط به حقوق بشر و در تنظیم کنوانسیونهای الزام‌آور قابل انکار نیست و دولت ایران از امضاء کنندگان و رأی‌دهندگان مثبت به آن بوده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و وضعیت اقلیت‌ها

در اینجا به بررسی اصولی از قانون اساسی که به نحوی به حقوق اقلیت‌ها مربوط می‌شود می‌پردازیم تا ببینیم قانون اساسی چگونه به مسأله اقلیت‌ها برخورد کرده و در زمینه تبعیض و حفظ هویت آنها چه موضعی دارد؟

برای مطالعه بهتر موضوع از دید قانون اساسی بهتر است اقلیت‌های دینی و غیر دینی را جداگانه بررسی نمائیم.

الف ـ اقلیت‌های غیر دینی (نژادی، قومی، زبانی...)

بااینکه در قانون اساسی نامی از اقلیت‌های ملی، قومی، زبانی... برده نشده ولی می‌توان گفت وجود آنها نیز نفی نشده بلکه تلویحاً به وجود آنها اشاره شده است چنانکه در اصول ۱۵ و ۱۹ می توان این اشاره را ملاحظه کرد.

قانون اساسی در رابطه با عدم تبعیض بر اساس زبان، نژاد و قومیت و برخورداری یکسان همه اقوام و نژادها از حقوق و آزادیها تصریح و تأکید دارد، اصل نوزده قانون اساسی بصراحت اعلام می‌دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» و اصل بیستم می‌گوید:

«همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» و چنانکه می‌دانیم در موازین اسلامی هیچ جایی برای تبعیض بر اساس نژاد، زبان و قومیت مطرح نیست، تساوی عموم افراد ملت صرف‌نظر از هرگونه تعلق به اقوام و نژادها و زبانها و عدم تبعیض بر اساس این معیارها را می‌توان از عمومات بسیاری از اصول قانون اساسی فهمید مانند: بند ۸ اصل سوم: «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش»، یا بند ۹ همان اصل: «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی»، و یا بند ۱۴ همان اصل: «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون». اصول مشابه دیگری در قانون اساسی وجود دارد که نیازی به ذکر آنها نیست؛ در هیچیك از اصول قانون اساسی و یا قوانین و مقررات عادی برای برخورداری از هیچ حقی یا احراز شغل و منصب و سمتی، تعلق به قومیت یا نژاد یا زبان خاصی قید نشده و یا وابستگان به آنها ممنوع و محروم نشده‌اند و فکر می کنم به‌خاطر وضوح مطلب نیازی به بحث بیشتر در این زمینه نیست.

و اما در مورد به رسمیت شناختن هویت افراد وابسته به اقلیت‌های قومی، نژادی و زبانی نیز هرچند در قانون اساسی بر این معنی بخصوص تصریح نشده ولی برخی مقررات پیش‌بینی شده در قانون اساسی نشان دهنده این است که قانون اساسی برای حفظ هویت اقلیت‌های مزبور نیز بی‌رغبت نبوده است، چنانکه مثلاً در اصل ۱۵ قانون اساسی آمده است: «زبان و خط رسمی و مشترك مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در

مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.»

مستفاد از این اصل، این است که پیروان اقوام و زبانهای غیر فارسی (اقلیت) نه تنها در تکلم به زبان خویش آزادند بلکه می توانند به زبانهای مزبور نشریه داشته و آن را در مدارس تدریس نمایند. و بدین طریق هویت خویش را حفظ نمایند. البته نمی توان گفت در عمل این اصل به نحو مطلوب اجرا شده ولی قانون اساسی این معنی را پیش‌بینی نکرده است. طبق آخرین اطلاعات دریافتی از وزارت ارشاد حدود ۱۵ نشریه به زبان عربی، سه نشریه به زبان آذری، يك نشریه به زبان کردی، چهار نشریه به زبان ارمنی و يك نشریه به زبان آشوری منتشر می‌شود و البته برخی نشریات نیز صفحاتی به زبانهای فوق و زبان ترکمن دارند.

ب- اقلیتهای دینی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در دو مورد از عنوان اقلیت‌های دینی نام برده است یکی در اصل ۱۳ که تنها اقلیت‌های دینی رسمی را سه دین یهودی، مسیحی و زرتشتی ذکر می کند و دیگری در اصل ۶۷ که مربوط به سوگند خوردن نمایندگان در بدو انتخاب و نخستین جلسه مجلس است که می گوید نمایندگان اقلیت‌های دینی با ذکر کتاب آسمانی خود ادای سوگند می کنند.

در رابطه با اقلیتهای دینی نیز دو مسأله مربوط به تبعیض در حقوق و آزادیها و نیز به‌رسمیت شناختن هویت و موجودیت آنها مطرح است و در اینجا مسأله قدری ظریفتر و نیاز به بحث بیشتر دارد.

قسمت اول - تساوی افراد در برخورداری از حقوق و آزادیهای اساسی و عدم تبعیض

با ملاحظه بسیاری از اصول قانون اساسی شاید این دید کلی را بتوان به دست آورد که حقوق و آزادیهای اساسی برای کلیه شهروندان و اتباع ایرانی در نظر گرفته شده و آنان در برخورداری از این حقوق بدون توجه به وابستگی قومی، نژادی، زبانی و حتی مذهبی مساویند، در بسیاری از اصول قانون اساسی عنوان «هر کس»، «همه»، «هر ایرانی» و نظایر

آن موضوع حکم قرار گرفته است. بغیر از بند ۸، ۹ و ۱۴ اصل سوم و اصل ۱۹ قانون اساسی که قبلاً به آنها اشاره کردیم، برخی از اصول دیگر را نیز مرور می کنیم: اصل ۲۲ می گوید: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص مصون از تعرض است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» طبق اصل ۲۸: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.»

اصل ۲۹ برخورداری از تأمین اجتماعی را حقی همگانی می‌داند و دولت را مکلف می‌نماید خدمات وحمایتهای مربوط به تأمین اجتماعی را برای یك یك افراد کشور تأمین کند.»[۱]

اصل ۳۰ می گوید: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد...» اصل ۳۱: داشتن مسکن متناسب با نیاز را حق هر فرد و خانواده ایرانی می‌داند.

طبق اصل ۳۴: دادخواهی حق مسلم هر فرد ایرانی است و هر کس می تواند به‌منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید.[۲]

در اصل ۴۱ آمده است: «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.»

طبق اصل ۳۲: هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که

---

۱. متن اصل ۲۹ قانون اساسی: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات وحمایتهای مالی فوق را برای یك یك افراد کشور تأمین کند.»

۲. متن اصل ۳۴ قانون اساسی: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است وهر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند اینگونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.»

قانون معین می کند.

در اصل ۳۳ همین تعبیر در مورد تبعید و اقامت اجباری به کار رفته است.[۱]

در اصل ۲۳ نیز آمده است: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.»

اصل ۱۴ قانون اساسی نیز مقرر می‌دارد: «...دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند...»

ملاحظه این اصول، این تصویر را از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دست می‌دهد که در این قانون یك سلسله حقوق اساسی از قبیل تساوی در برابر قانون، محفوظ بودن جان و مال و شغل و مسکن، آزادی عقیده، انتخاب شغل، برخورداری از تأمین اجتماعی، دادخواهی، آموزش و پرورش، برخورداری از روند عادلانه دادرسی، داشتن تابعیت، مشارکت در اداره امور کشور و امثال اینها را برای همه افراد و اتباع کشور و شهروندان ایرانی صرف‌نظر از هر نوع وابستگی قومی، زبانی، و مذهبی به رسمیت می‌شناسد و جملگی بدون تبعیض از این حقوق می توانند بهره‌مند گردند. در اینجا نقل گفتاری از امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی نیز که نظر و سخنش به عنوان منبع قانونی مورد استناد قرار می گیرد نیز خالی از فایده نیست که در راستای تصویری که از این اصول قانون اساسی به دست دادیم می‌باشد ایشان در پی سؤالی که در سال ۱۳۶۲ از سوی شورای عالی قضائی در مورد نحوه اعمال مجازات در مورد غیر مسلمانان ساکن ایران اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب به عمل آمده بود فرمودند: کفار مزبور در پناه اسلام

---

۱. متن اصل ۳۲ قانون اساسی: «هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست‌وچهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

متن اصل ۳۳ قانون اساسی: «هیچکس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.»

هستند و احکام اسلام مانند مسلمانهای دیگر، درباره آنها جاری است و محقون‌الدم بوده مالشان محترم است.[۱]

در عین حال باید متذکر شد که دشواریهائی هم در تحقق و اجرای کامل این دیدگاه از قانون اساسی وجود دارد، زیرا نحوه انشاء اصل ۱۹ قانون اساسی که می گوید: مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود و کلمه مذهب را بصراحت در کنار: رنگ، نژاد و زبان ذکر نکرده ممکن است این شبهه را ایجاد کند که مذهب می تواند سبب امتیاز باشد و تفاوت درمذهب مانع برخورداری از حقوق مساوی گردد. اصل چهارم قانون اساسی و اصول متعدد دیگر نیز به تصویب قوانین براساس موازین اسلامی و اجرای قوانین و حدود و تعزیرات اسلامی تأکید دارند و چنانکه می‌دانیم در مقررات رایج فقه اسلامی تفاوتهایی بین مسلمان و غیرمسلمان وجود دارد که به نحوی در قوانین موضوعه ایران نیز انعکاس یافته است چنانکه مثلاً طبق ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی: علاوه‌بر اینکه کافر از مسلمان ارث نمی‌برد اگر بین ورثه کافری مسلمانی باشد وراث کافر ارث نمی‌برند اگرچه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلمان باشند و یا طبق ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می‌شود، مفهوم این ماده با توجه به فتاوی

---

۱. به نقل از دیدگاههای جدید در مسائل حقوقی، تألیف حسین مهرپور، ص ۱۶۸، متن سؤال و جواب از این قرار است:
«محضر مبارك آیت‌الله العظمی الامام خمینی دام ظله‌العالی علی رئوس المسلمین.
بعدالتحیة و السلام تقاضا می‌شود سؤال ذیل را جواب مرقوم فرمایید. آیا غیر مسلمانان که در مملکت ایران زندگی می نمایند از اهل کتاب یا غیر آنها اگر مرتکب جرمی بشوند که حد یا تعزیر دارند مانند سرقت و زنا یا جاسوسی یا افساد یا محاربه یا قیام علیه حکومت و همانند اینها آیا مانند مسلمانان باید مجازات شوند یا آنکه: مجازات آنها در مانند جاسوسی به بعد احتیاج به اشتراط ترك دارد و یا آنکه چون با مثل جاسوسی حربی می‌شوند به مانند کفاری که شرایط ذمه عمل نکنند با آنان معامله گردد یعنی برگرداندن به مأمن و یا تخییر حاکم بین قتل یا فدیه یا استرقاق که حضر تعالی در مسأله ۸ تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۵۰۳ در تخییر اشکال فرمودید.

از طرف شورای عالی قضایی، ابوالفضل میرمحمدی

امام جواب فرمودند:
بسمه تعالی، کفار مزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمانهای دیگر درباره آنها جاری است و محقون‌الدم بوده و مالشان محترم است.»

رایج فقهی این است که اگر غیر مسلمان عمداً بوسیله مسلمانی کشته شود قاتل قصاص نمی‌شود.[۱]

همچنین طبق ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی اگر غیر مسلمانی با زن مسلمان زنا کند مجازاتش اعدام است ولو اینکه زنای عادی بوده و محصنه یا به عنف نباشد در حالیکه عکس آن یعنی زنای مرد مسلمان با زن غیر مسلمان، این حکم را نخواهد داشت.

در مقررات استخدامی و انتخاب شغل همچنانکه می‌دانیم گاه تفاوتهایی بین مسلمان و غیر مسلمان وجود دارد و شرط احراز برخی مشاغل مسلمان بودن یا متدین بودن به یکی از ادیان رسمی قید شده است.

با این تصویری که از قانون اساسی به دست داده شد و رهنمود کلی که از سخن امام خمینی(ره) به‌عنوان فقیه معتبر و رهبر نظام حکومتی اسلامی می توان گرفت جا دارد تأملی در برخی قوانین و مقررات که ظاهراً تبعیض آمیز هستند صورت گیرد و با پیدا کردن راه‌حل نوین فقهی، همه اتباع نظام جمهوری اسلامی را یکسان مورد حمایت و مشمول قانون قرار داد.

قسمت دوم ـ شناسایی موجودیت و هویت اقلیت های دینی

در این زمینه باید یادآوری نمود که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیروان مذاهب غیر اسلامی و اقلیت‌ها به دو دسته رسمی و غیر رسمی تقسیم می‌شوند.

اصل ۱۲ قانون اساسی دین رسمی را دین اسلام، مذهب جعفری اثنی عشری می‌داند. از پیروان دیگر مذاهب اسلامی چون حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی به اقلیت تعبیر نشده و درهمان اصل عنوان شده که پیروان این مذاهب از احترام کامل برخوردارند ولی پیداست که به‌هرحال آنها هم در برابر اکثریت شیعه مذهب، اقلیت مذهبی به حساب می‌آیند. و اصل ۱۲ موجودیت و هویت آنها و حفظ هویت آنها را به رسمیت شناخته است و به آنها اجازه داده که در مراسم مذهبی خود و تعلیم و تربیت دینی طبق فقه خویش آزادانه عمل نمایند و در احوال شخصیه و دعاوی مربوطه به آن

---

۱. ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می‌شود و معاون در قتل عمد به سه سال تا ۱۵ سال حبس محکوم می‌شود.»

نیز مقررات فقهی خودشان مجری بوده و در دادگاهها برهمین موازین عمل می‌شود. و اما در رابطه با غیرمسلمانان، اصل سیزدهم قانون اساسی می گوید: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می کنند.

در مورد این دسته از اقلیت‌های دینی می توان گفت طبق قانون اساسی علاوه‌بر دید کلی مبنی بر تساوی وعدم تبعیض، در زمینه حفظ موجودیت و هویت و بقای آنها نیز توجه شده است تبلور این امر در جهات زیر مشهود است:

۱ـ آزادی انجام مراسم دینی

در اصل ۱۳ قانون اساسی به آزادی انجام مراسم مذهبی تصریح شده و عملاً نیز پیروان این سه دین با داشتن کلیساها و کنیسه‌های متعدد و آتشکده‌ها به انفراد و اجتماع مراسم و آیین مذهبی خود را به پا می‌دارند. و گاه مراسم مذهبی آنها از سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز پخش می‌شود.

۲ـ اجرای مقررات مذهبی خویش در احوال شخصیه

طبق اصل ۱۳ قانون اساسی[۱] در مورد پیروان این سه دین رسمی، درخصوص احوال شخصیه یعنی ازدواج، طلاق، ارث و وصیت مقررات مربوط به مذاهب خودشان عمل می‌شود وحتی اگر دعوی و مسأله‌ای در دادگاههای ایران مطرح باشد قاضی دادگاه طبق قواعد مسلمه مذهبی آنها، موضوع را فیصله می دهد، علاوه‌بر اصل ۱۳ قانون اساسی، ماده واحده قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه مصوب سال ۱۳۱۲[۲] که مفاد آن در رأی وحدت رویه شماره ۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مورد

---

۱. اصل ۱۳ قانون اساسی: ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون درانجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی برطبق آیین خود عمل می کنند.

۲. ماده‌واحده قانون رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه مصوب سال ۱۳۱۲: نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیّت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیّت شناخته شده محاکم باید قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد، به‌طریق ذیل رعایت نمایند...

حکم قرار گرفته و در مصوبه سوم تیرماه ۱۳۷۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام[1] نیز تحت عنوان قانون رسیدگی به دعاوی مطروحه راجع به احوال شخصیه و تعلیمات دینی ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی مجدداً تصویب شده نیز این منظور را تأمین می کند. علاوه‌بر آن در مواردی اگر امری وفق مذاهب مزبور جرم نباشد مقررات جزایی قانون مجازات در مورد آنها اجرا نمی‌شود، مثلاً با اینکه طبق مواد ۱۶۵ و ۱۷۴ قانون مجازات اسلامی خوردن شراب جرم و مستوجب هشتاد تازیانه است طبق تبصره ماده ۱۷۴ غیر مسلمان فقط در صورت تظاهر مجازات می‌شود و گرنه مجازاتی ندارد.

۳ـ تشکیل انجمن

طبق اصل ۲۶ قانون اساسی، اقلیتهای دینی شناخته شده می توانند مطابق ضوابط دارای انجمن و جمعیت باشند. در قانون فعالیت احزاب مصوب سال ۱۳۶۰ تشکیل انجمن اقلیت‌های دینی، به رسمیت شناخته شده و در ماده ۴ آن آمده است: انجمن اقلیت‌های دینی موضوع اصل ۱۳ قانون اساسی، تشکیلاتی است مرکب از اعضاء داوطلب همان اقلیت دینی که هدف آن حل مشکلات و بررسی مسائل دینی، فرهنگی، اجتماعی و رفاهی ویژه آن اقلیت باشد.»

هم‌اکنون انجمن‌ها و جمعیت‌های متعددی از اقلیت‌های دینی در سراسر کشور وجود دارند و فعالیت می کنند و هویت فرهنگی، مذهبی خود را حفظ می نمایند.

---

۱. مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام که متن رأی وحدت رویّه دیوان کشور را نیز در بر دارد و از مجموعه قوانین سال ۱۳۷۲ چاپ روزنامه رسمی صفحه ۴۱۰ نقل می‌شود، بدین‌شرح است:

ماده‌واحده: رأی وحدت رویّه شماره ۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۹/۱۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، عیناً و به شرح ذیل به تصویب رسید.

نظر به اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اینکه به موجب ماده‌واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب مردادماه ۱۳۱۲ نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیّت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیّت شناخته شده، لزوم رعایت قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان در دادگاهها جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد تصریح گردیده فلذا دادگاهها در مقام رسیدگی به امور مذکور و همچنین در رسیدگی به درخواست تنفیذ وصیّت‌نامه ملزم به رعایت قواعد و عادات مسلّمه در مذهب آنان جز در مورد مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی بوده و باید احکام خود را بر طبق آن صادر نمایند. این رأی برابر ماده ۴۳ قانون امور حسبی و ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مردادماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

۴ـ داشتن نماینده در مجلس

در قانون اساسی پیش‌بینی شده که اقلیت‌های دینی شناخته شده می‌توانند در مجلس شورای اسلامی نماینده داشته باشند و از بین همکیشان خود نماینده‌ای انتخاب نموده به مجلس بفرستند. طبق اصل ۶۴: زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یك نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یك نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یك نماینده انتخاب می کنند.

به غیر از این سه اقلیت دینی که به رسمیت شناخته شده‌اند و همانگونه که گفته شد می‌توان نظر قانون اساسی را هم در زمینه عدم اعمال تبعیض (با درنظر گرفتن برخی ملاحظات که گفته شد) و هم درزمینه حفظ هویت وموجودیت و بقاء آنها مثبت و مساعد دانست، بقیه گرایشهای دینی و اعتقادی، را قانون اساسی به عنوان دین نمی‌شناسد و بنابراین ترتیبی هم برای حفظ هویت آنها پیش‌بینی نکرده است، پیروان این نوع گرایشها و اعتقادات جزء اتباع و شهروندان دولت ایران محسوب‌اند و تابع احکام و قوانین عمومی حکومت می‌باشند، دولت تعهدی بر شناسایی و اجرای قواعد و مقررات مذهبی آنها ندارد وحتی آزادی انجام مراسم مذهبی آنها را به صورت جمعی و علنی تضمین نکرده است هرچند به‌طور معمول مخالفتی با آن ندارد و به دیده اغماض می‌نگرد.

در مورد این دسته از شهروندان چنانکه گفتیم دید کلی و غالب قانون اساسی آن‌گونه که ما استنباط می کنیم این است که باید از حقوق و آزادیهای اساسی انسانی برخوردار باشند و در اجرا و اعمال حق مورد تبعیض واقع نگردند، اما درعمل طبق برخی قوانین عادی و مقررات و آیین‌نامه‌ها و رویه‌های اجرایی در زمینه اشتغال و استخدام و آموزش و حتی گاه مصونیت مال و جان، مشکلاتی وجود دارد و تبعیضاتی صورت می گیرد که لازم است دستگاههای تصمیم گیرنده، برای حل آنها چاره‌ای بیندیشند.

مقاوله‌نامه شماره ۱۱۱ در ۴ ژوئن ۱۹۵۸ به تصویب کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار رسید و طی ماده واحده‌ای در تاریخ ۹ دی ماه ۱۳۴۲ به تصویب مجلس سنا و در ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۴۳ مورد تصویب مجلس شورای ملی قرار گرفت. *

مقاوله نامه شماره ۱۱۱

مربوط به تبعیض در امور مربوط به استخدام و اشتغال

کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار بنا بدعوت هیأت مدیره دفتر بین‌المللی کار چهل و دومین دوره اجلاسیه خود را در تاریخ ۴ ژوئن ۱۹۵۸ در ژنو منعقد ساخت.

پس از اتخاذ تصمیم درباره پیشنهادات واصله که به موضوع تبعیض در امور مربوط به استخدام و اشتغال ارتباط داشت و چهارمین موضوع مذکور در جلسه کنفرانس را تشکیل می‌داد تصویب نمود که این مقررات به صورت یك مقاوله نامه بین‌المللی تنظیم گردد.

و با توجه به اینکه اعلامیه فیلادلفی اعلام می‌دارد که کلیه افراد بشر صرف‌نظر از نژاد و عقیده و جنسیت حق دارند که ترقیات و پیشرفتهای مادی و معنوی خود را در عین آزادی و احترام با برخورداری از امنیت اقتصادی و تساوی احتمال موفقیت ارائه دهند.

در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۵۸ این مقاوله‌نامه را که مقاوله راجع به تبعیض در امور مربوط

---

* از مجموعه قوانین سال ۱۳۴۳، چاپ روزنامه رسمی، صفحه ۷۶ به بعد نقل شده است.

به استخدام و اشتغال نامیده می‌شود به تصویب رسانید.

ماده۱

۱ـ از لحاظ این مقاوله‌نامه (تبعیض) عبارت است از:

الف ـ هر گونه تفاوت محرومیت یا تقدم که برپایه نژاد ـ رنگ پوست ـ جنسیت ـ مذهب ـ عقیده سیاسی و یا سابقهٔ ملیت آباء و اجداد یا طبقه اجتماعی برقرار بوده و در امور مربوط به استخدام و اشتغال تساوی احتمال موفقیت و رعایت مساوات در شرایط سلوك با کارگر را بکلی از میان برده و یا بدان لطمه وارد سازد.

ب ـ هر گونه تفاوت دیگر یا محرومیت و یا تقدم که نتیجه آن از میان بردن یا محدودیت تساوی احتمال موفقیت و شرایط سلوك و رفتار با کارگران باشد و پس از استماع نظریه سازمانهای کارگری کارفرمائی ذینفع از طرف مقامات صلاحیتدار به این عنوان شناخته و معرفی گردد.

۲ـ تفاوت یا محرومیت یا حق تقدمی که برپایه صلاحیت حرفه‌ای جهت اشتغال به حرفه معینی لازم شناخته شده باشد تبعیض محسوب نخواهد شد.

۳ـ از لحاظ این مقاوله‌نامه اصطلاح «استخدام» (Emploi et Profession) و «اشتغال» حق استفاده از راهنمائی حرفه‌ای و آموزش حرفه‌ای و حق استخدام و اشتغال به حرفه‌های مختلف و همچنان شرایط کار را شامل خواهد بود.

ماده۲

هر يك از دولتهای عضو که این مقاوله نامه را تصویب نموده است مقید و موظف است که طبق اصول معین که با شرایط و رسوم و سنن محلی مطابق باشد يك سیاست عمومی و ملی که هدف آن استقرار تساوی احتمال موفقیت در استخدام و اشتغال در شرایط سلوك با کارگر باشد و هر گونه تبعیض را از بین ببرد اتخاذ نماید.

ماده۳

هر يك از دول عضو که مقررات این مقاوله‌نامه درباره وی قابل اجرا می‌باشد موظف است که با اتخاذ روش معینی که با شرایط و رسوم محلی منطبق باشد:

الف ـ همکاری و مساعدت سازمانهای کارگری و کارفرمائی و سازمانهای مربوطه

دیگر را به منظور قبول و اجراء سیاست سابق‌الذکر جلب نماید.

ب ـ مقرراتی تصویب نموده و تنظیم و اجرای برنامه‌هائی را تشویق نماید که قادر باشند قبول و رعایت اصل مزبور را تأمین بنمایند.

ج ـ کلیه مقررات قانونی و اصول معمول اداری را که با اصل فوق مباینت دارد لغو یا اصلاح نمایند.

د ـ در مورد مشاغل و حرفه‌هایی که تحت نظر مستقیم مقامات ملی هستند این اصل را رعایت بنمایند.

هـ ـ در سازمان‌های راهنمائی حرفه‌ای و آموزش حرفه‌ای و کاریابی که تحت نظر مستقیم مقامات ملی انجام وظیفه می نمایند رعایت اصل را کاملاً تأمین بنمایند.

ز ـ ضمن گزارشهای سالیانه خود اجرای مقررات این مقاوله‌نامه و اقداماتی را که در اثر اتخاذ این سیاست معمول می گردد ذکر کنند.

مادهٔ ۴

اقداماتی که علیه شخص معینی که انفراداً مورد سوءظن واقع شده است و احتمال داده می‌شود که علیه امنیت مقامات دولتی اقدام می‌نماید ـ یا مسلم شده است که به یك چنین فعالیتی می‌پردازد تبعیض محسوب نمی‌شود لیکن بدیهی است که شخص مورد نظر باید حق و اجازه داشته باشد که در این خصوص به یك مقام صلاحیت‌دار ملی که طبق اصول و آئین مرسوم محلی مستقر گردیده است رجوع کند.

مادهٔ ۵

۱ـ مقررات مخصوص مربوط به حمایت و تعاون که ضمن مقاوله‌نامه‌ها یا توصیه‌نامه‌های دیگری که از طرف کنفرانس تصویب شده است ذکر گردیده‌اند تبعیض محسوب نمی‌شوند.

۲ـ هریك از دول عضو می تواند پس از استماع نظریه سازمانهای کارگری و کارفرمائی ذینفع (در صورتی که چنین سازمان‌هائی وجود داشته باشد) اقدامات یا مقرراتی که به منظور مساعدت و یا حمایت از بعضی اشخاص به عمل می آید و نظر به احتیاجات مخصوص این افراد از لحاظ جنسیت یا سن یا شخصیت و موقعیت اجتماعی و تحمیلات

خانوادگی یا موقعیت فرهنگی آنها لازم به نظر می‌رسد تعیین نموده و از جمله عملیاتی که تبعیض نامیده می‌شود خارج سازد.

مادهٔ ٦

هریك از دولتهای عضو که این مقاوله‌نامه را تصویب می‌نماید موظف است که مطابق مقررات اساسنامه بین‌المللی کار مفاد آنرا در سرزمینهائی که خارج از سرزمین اصلی کشور هستند نیز اجراء کند.

مادهٔ ۷

تصویب رسمی این مقاوله نامه به مدیر کل دفتر بین‌المللی کار اعلام و از طرف نامبرده به ثبت خواهد رسید.

ماده ۸

۱ـ تنها آن عده از دولت‌های عضو که الحاق آنان به این مقاوله‌نامه از طرف مدیر کل دفتر بین‌المللی کار به ثبت رسیده است به اجرای مقررات آن مقید می‌باشند.

۲ـ این مقاوله‌نامه مدت دوازده ماه بعد از اینکه الحاق دو کشور از کشورهای عضو به ثبت رسید وارد مرحله اجرائی خواهد شد.

۳ـ سپس درباره هریك از دولتهای عضو مدت دوازده ماه پس از ثبت الحاق آن دولت قابل اجرا خواهد بود.

مادهٔ ۹

۱ـ هریك از کشورهای عضو که به این مقاوله‌نامه ملحق می‌شود می‌تواند پس از انقضاء مدت دهسال از تاریخ الحاق اولیه خود با ارسال اعلامیه‌ای که در دفتر بین‌المللی کار ثبت خواهد شد الحاق خود را لغو نماید. الغای مقاوله‌نامه یك سال پس از تاریخ ثبت آن رسمیت خواهد یافت.

۲ـ هریك از کشورهای عضو که این مقاوله‌نامه را تصویب نموده باشد تا یکسال پس از انقضاء مدت دهساله مذکور در فوق از حق‌الغاء آن استفاده ننماید تا مدت ده سال دیگر به اجرای مقررات آن مقید می‌باشد و بعداً نیز پس از انقضاء هر دورهٔ ده ساله طبق شرایط این ماده حق الغای آنرا خواهد داشت.

ماده‌ ۱۰

۱ـ مدیر کل دفتر بین‌المللی کار ثبت کلیه اعلامیه‌های مربوط به الحاق یا الغاء این مقاوله‌نامه را که از طرف کشورهای عضو جهت وی ارسال می گردد به اطلاع کلیه دول عضو خواهد رسانید.

۲ـ ضمن اعلام الحاق دومین کشور عضو مدیر کل دفتر بین‌المللی کار نظر اعضاء سازمان را به تاریخ ورود این مقاوله‌نامه به مرحله اجرائی جلب خواهد کرد.

ماده‌ ۱۱

مدیر کل دفتر بین‌المللی کار به منظور ثبت طبق مفاد مادهٔ ۱۰۲ اساسنامه سازمان ملل اطلاعات جامعی درباره هریك از اعلامیه‌های مربوط به الحاق یا الغاء که طبق مواد سابق‌الذکر ثبت نموده است جهت دبیر کل سازمان ملل ارسال خواهد داشت.

ماده ۱۲

هیأت مدیره دفتر بین‌المللی کار هربار که لازم بداند گزارشی درباره اجرای این مقاوله‌نامه به کنفرانس عمومی تقدیم و تصمیم خواهند گرفت که آیا لازم است که مسأله تجدیدنظر در مفاد آن جزو دستور جلسه قرار گیرد یا خیر؟.

ماده‌ ۱۳

۱ـ در صورتی که کنفرانس مقاوله‌نامه جدیدی مبنی بر تجدید نظر در تمام یا قسمتی از این مقاوله‌نامه به تصویب برساند جز در مواردی که مقاوله‌نامه جدید بنحو دیگری مقرر داشته باشد.

الف ـ تصویب مقاوله‌نامه جدید مبنی بر تجدیدنظر از طرف هر کشور عضو رسماً و طبق مادهٔ ۹ سابق‌الذکر به منزله الغاء این مقاوله‌نامه خواهد بود مشروط به اینکه مقاوله‌نامه جدید وارد مرحله اجرائی شده باشد.

ب ـ از تاریخ ورود مقاوله‌نامه جدید مبنی بر تجدید نظر الحاق به این مقاوله‌نامه دیگر میسر نخواهد بود.

۲ـ با وجود این مقاوله‌نامه از لحاظ کشورهائی که آنرا تصویب نموده و مقاوله‌نامه جدید را تصویب نکرده باشند قابل اجراء خواهد بود.

ماده ۱۴

متن فرانسه و انگلیسی این مقاوله‌نامه هر دو رسمیت دارند متن فوق متن صحیح مقاوله‌نامه‌ایست که رسماً از طرف کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار ضمن چهل و دومین دوره اجلاسیه که در ژنو در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۵۸ پایان یافته به تصویب رسیده است به اعتبار مراتب فوق به امضاء می‌رسد.

مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد.
طی ماده واحده‌ای در تاریخ ۶ خرداد ماه ۱۳۴۷ به تصویب مجلس سنا و در تاریخ ۳۰ تیر ماه ۱۳۴۷ مورد تصویب مجلس شورای ملی قرار گرفت.*

قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی

دول عاقد این قرارداد

نظر به اینکه منشور ملل متحد مبتنی است بر اصول حیثیت ذاتی و تساوی کلیه افراد انسانی و کلیه دول عضو ملل متحد متعهد شده‌اند که منفرداً و مشترکاً با همکاری سازمان برای نیل به یکی از هدفهای ملل متحد یعنی توسعه و تشویق احترام جهانی و واقعی به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان - بدون تمایز نژاد یا جنس یا زبان و یا مذهب اقدام نمایند.

نظر به اینکه اعلامیه جهانی حقوق‌بشر اعلام می‌دارد که کلیه افراد انسانی به طور آزاد و یکسان از لحاظ حیثیت و حقوق متولد می‌شوند و باید بتوانند از کلیه حقوق و آزادیهای مندرج در آن اعلامیه بدون تمایز بخصوص از حیثیت نژاد و رنگ و یا ملیت برخوردار شوند.

نظر به اینکه کلیه افراد بشر در پیشگاه قانون برابر بوده و حق دارند علیه هر نوع تبعیض و هر نوع تحریک به تبعیض از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند.

---

* از مجموعه قوانین سال ۱۳۴۷، چاپ روزنامه رسمی، صفحه ۲۲۳ به بعد نقل شده است.

نظر به اینکه ملل متحد استعمار و کلیه روشهای تفکیك و تبعیضی را که به همراه دارد به هر شکل و در هر محلی که موجود باشد محکوم نموده و اعلامیه مورخ چهاردهم دسامبر ۱۹۶۰ راجع به اعطای استقلال به کشورها و ملل مستعمره (قطعنامه ۱۵۱۴ دوره پانزدهم مجمع عمومی) لزوم ختم سریع و بی‌قیدو شرط استعمار را تأییدو رسماً اعلام نموده.

نظر به اینکه اعلامیه مورخ بیستم نوامبر ۱۹۶۳ ملل متحد (قطعنامه ۱۹۰۴ ـ دوره هجدهم مجمع عمومی) راجع به رفع هر نوع تبعیض نژادی رسماً لزوم رفع سریع کلیه اشکال و همه مظاهر تبعیضات نژادی را در سراسر گیتی و همچنین لزوم تأمین تفاهم و احترام به حیثیت شخص انسانی را مورد تأیید قرار داده.

با اطمینان به اینکه فرضیه سیادت و تفوق مبتنی بر اختلاف بین نژادها عملاً مردود و اخلاقاً محکوم و از نظر اجتماعی غیرعادلانه و خطرناك بوده و تبعیض نژادی نه از لحاظ نظری و نه از لحاظ عملی قابل توجیه نمی‌باشد با تأیید مجدد اینکه تبعیض بین افراد بشر به جهات مبتنی بر نژاد و رنگ و یا ریشه قومی سدی در برابر وجود روابط دوستانه و مسالمت آمیز در میان ملل بوده و امکان دارد صلح و امنیت بین ملل و همچنین همزیستی هم آهنگ اشخاص را در داخل یك دولت مختل سازد.

با اطمینان به اینکه وجود موانع نژادی با آرمانهای جامعه بشری قابل جمع نیست.

با احساس خطر از مظاهر تبعیض نژادی که هنوز در برخی از نواحی جهان مشهود است و نیز از سیاستهای حکومتی مبتنی بر برتری یا تنفر نژادی از قبیل آپارتاید ـ و تفکیك و جدائی مصمم به اتخاذ کلیه تدابیر لازم برای امحاء سریع کلیه اشکال و تمامی مظاهر تبعیض نژادی و مصمم به پیش گیری و مبارزه با فرضیه‌ها و رویه‌های نژادی ـ بمنظور تسهیل حسن تفاهم بین نژادها و مبنای یك جامعه بین المللی که از قید کلیه اشکال تبعیض و تفکیك نژادی آزاد باشد.

با تذکار مفاد قرارداد مربوط به رفع تبعیض در مورد شغل و حرفه مصوب سازمان بین المللی کار در سال ۱۹۵۸ و با توجه به قرارداد مربوط به مبارزه با تبعیض نژادی در زمینه تعلیم که از طرف سازمان فرهنگی و علمی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) در سال ۱۹۶۰ به تصویب رسیده

با تمایل به اجرای اصول مقرر در اعلامیه ملل متحد راجع به رفع کلیه انواع تبعیضات نژادی و حصول اطمینان از اتخاذ سریع تدابیر عملی در این راه به شرح زیر موافقت نمودند:

بخش اول

مادهٔ۱

در قرارداد حاضر اصطلاح «تبعیض نژادی» اطلاق می‌شود به هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت و یا رجحانی که بر اساس نژاد و رنگ یا نسب و یا منشأ ملی و یا قومی مبتنی بوده و هدف یا اثر آن از بین بردن و یا در معرض تهدید و مخاطره قراردادن شناسائی یا تمتع و یا استیفاء در شرایط متساوی از حقوق بشر و آزادیهای اساسی در زمینه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و یا در هر زمینه دیگری از حیات عمومی باشد.

۲ـ قرارداد حاضر ناظر به تمایزات و ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها و یا رجحاناتی که هریك از دول عاقد قرارداد بین اتباع خود و اتباع سایر دول قائل می‌شوند نخواهد بود.

۳ـ مقررات قرارداد حاضر را نباید طوری تفسیر نمود که در مقررات قانونی دول عاقد راجع به تابعیت و ملیت و قبول تابعیت به نحوی از انحاء مؤثر واقع شود. مشروط بر اینکه مقررات مزبور علیه ملیت خاصی قائل به تبعیض نباشد.

۴ـ تدابیر خاصی که صرفاً به منظور تأمین ترقی شایسته برخی از گروههای نژادی یا قومی یا افرادی که برای تمتع و استیفاء از حقوق بشر و آزادیهای اساسی در شرایط متساوی محتاج حمایت‌اند اتخاذ شده باشد ـ به منزله تدابیری که جنبه تبعیض نژادی دارند تلقی نخواهد گردید مشروط بر اینکه این اقدامات منجر به برقراری حقوق متمایز برای گروههای نژادی مختلف نشود و پس از حصول هدفهائی که موجب اتخاذ تدابیر مذکور گردیده بود ادامه نیابد.

مادهٔ۲

۱ـ دول عاقد تبعیض نژادی را محکوم می‌نمایند و متعهد می‌شوند که با توسل به کلیه وسائل مقتضی و بدون درنگ سیاستی را دنبال کنند که هدف آن از بین بردن هر نوع تبعیض نژادی و تسهیل توافق و تفاهم در بین کلیه نژادها باشد ـ و برای نیل به این مقصود:

الف ـ هریك از دول عاقد متعهد می‌شود که به هیچ نوع اقدام و یا رفتار تبعیض نژادی علیه اشخاص و گروههای افراد و یا مؤسسات مبادرت نورزد و ترتیبی فراهم آورد که کلیه مقامات و مؤسسات دولتی اعم از مملکتی یا محلی این تعهد را رعایت نمایند.

ب ـ هریك از دول عاقد متعهد می‌شود که هیچ روش تبعیض نژادی را که از طرف فرد یا سازمانی اتخاذ گردیده ـ مورد تشویق و دفاع و یا تأیید قرار ندهد.

ج ـ هریك از دول عاقد موظف است تدابیر مؤثری اتخاذ نماید که سیاستهای مملکتی و محلی تجدیدنظر و مقرراتی را که موجب ایجاد و یا تثبیت و استمرار تبعیضات نژادی گردد در هر کجا که باشد اصلاح یا ابطال و یا فسخ کند.

د ـ هریك از دول عاقد مکلف است به کلیه وسائل مقتضی و منجمله در صورت اقتضا از طریق تدابیر تقنینیه اعمال هر نوع تبعیض نژادی را از ناحیه افراد یا دسته‌ها یا سازمانها ممنوع سازد و بدان پایان دهد.

هـ ـ هر یك از دول عاقد متعهد می‌شود عنداللزوم تشکیلات و نهضت‌های طرفدار یگانگی نژادها و سایر وسایل از میان بردن موانع بین نژادها را مورد تشویق قرار دهد و موجبات عدم ترغیب هر عملی را که باعث تقویت تفرقه نژادی می‌شود فراهم آورد.

۲ـ دول عاقد در صورت اقتضا در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و غیره تدابیر خاص و معینی برای تأمین رشد و توسعه مطلوب برخی گروه‌های نژادی یا افراد وابسته به آنها و حمایت از این گروهها و افراد اتخاذ می‌نمایند. این تدابیر بدین منظور اتخاذ می‌گردد که استیفای کامل حقوق بشری و آزادیهای اساسی در شرایط متساوی برای ایشان تضمین شود ولی نباید پس از نیل به هدف موجب و منشأ حفظ حقوق غیر متساوی و متمایز برای گروه‌های نژادی گردد.

مادۀ ۳

دول عاقد بخصوص تفکیك نژادی و اعمال روشهای آپارتاید را تقبیح و محکوم می‌کنند و متعهد می‌شوند که در کلیه اراضی که در قلمرو صلاحیت قضائی آنهاست انجام این قبیل اعمال و روشها را قدغن و ممنوع ساخته و آنرا ریشه کن سازند.

ماده ۴

دول عاقد هر نوع تبلیغات و تشکیلاتی را که از افکار و نظریه‌های مبتنی بر تفوق یك نژاد و یا گروهی از اشخاصی که رنگ و یا منشأ قومی معین دارند الهام بگیرد و یا هر نوع تنفر و تبعیض نژادی را توصیه یا تشویق کند ـ تقبیح می‌نمایند و متعهد می‌شوند که به منظور ریشه کن ساختن این چنین تحریکات یا تبعیضات و به‌طور کلی برای محو هر قسم تبعیض نژادی سریعاً تدابیر لازم را اتخاذ نمایند ـ و در این راه اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز حقوقی را که در ماده پنجم این قرارداد تصریح گردیده است مورد توجه قرار دهند.

دول عاقد مخصوصاً متعهد می‌شوند که:

الف ـ نشر هر نوع افکار مبتنی بر تفوق یا نفرت نژادی و تحریك به تبعیض نژادی و همچنین اعمال زور یا تحریك بزور علیه هر نژاد و یا هر گروه که از حیث رنگ و قومیت متفاوت باشند و نیز بذل هر نوع مساعدت منجمله کمك مالی به فعالیتهای تبعیض نژادی را قانوناً از جرائم قابل مجازات اعلام نماید.

ب ـ سازمانها و فعالیتهای تبلیغاتی متشکل و هر قسم فعالیت تبلیغاتی دیگر را که محرك تبلیغات نژادی بوده و یا آن را تشویق نماید و عضویت در این چنین سازمانها را قانوناً از جرائم قابل مجازات اعلام نماید.

ج ـ به مقامات مسؤول یا مؤسسات عمومی از مملکتی و یا محلی اجازه ندهند تبعیضات نژادی را ترغیب یا تشویق نمایند.

ماده ۵

دول عضو طبق تعهدات اساسی مندرج در ماده ۲ متعهد می‌شوند که تبعیضات نژادی را به هر شکل و صورتی که باشد ممنوع و ریشه کن سازند و حق هر فرد را به مساوات در برابر قانون و بویژه در تمتع از حقوق زیر بدون تمایز از لحاظ نژاد یا رنگ یا ملیت یا قومیت تضمین نمایند.

الف ـ حق برخورداری از رفتار مساوی در برابر محاکم و سایر مراجعی که اجرای عدالت را به عهده دارند.

ب ـ حق برخورداری از امنیت شخصی و حمایت دولت در برابر تجاوز و صدمه جسمی از ناحیه مأمورین دولت و یا هر فرد یا دسته یا تشکیلات.

ج ـ حقوق سیاسی و بخصوص حق شرکت در انتخابات و رأی دادن و نامزد شدن بر اساس سیستم اخذ رأی همگانی و یکسان و حق مشارکت در حکومت و اداره امور عمومی و حق نیل به مشاغل عمومی دولتی به هر رتبه و مقام در شرایط مساوی.

د ـ سایر حقوق مدنی ـ خصوصاً:

۱ـ حق رفت و آمد آزاد و انتخاب اقامتگاه در داخله یك کشور.

۲ـ حق ترك هر کشور و منجمله ترك میهن خود و بازگشت به آن.

۳ـ حق داشتن یك تابعیت.

۴ـ حق ازدواج و انتخاب همسر خود.

۵ـ حق تملك چه بصورت فردی و چه بشکل مشارکت.

۶ـ حق توارث.

۷ـ حق آزادی فکر و وجدان و مذهب.

۸ـ آزادی عقیده و بیان.

۹ـ حق آزادی اجتماع و تشکیل جمعیت‌های مسالمت آمیز.

هـ ـ حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خصوصاً:

۱ـ حق کار کردن و انتخاب آزاد شغل و استفاده از شرایط عادلانه و رضایت‌بخش کار و برخورداری از حمایت در برابر بیکاری و دریافت دستمزد مساوی برای کار مساوی و دریافت پاداش منصفانه و رضایت‌بخش.

۲ـ حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی و عضویت در آنها.

۳ـ حق مسکن.

۴ـ حق استفاده از بهداشت عمومی و مراقبتهای پزشکی و بیمه‌های اجتماعی و خدمات اجتماعی.

۵ـ حق تحصیل و کارآموزی حرفه‌ای.

۶ـ حق مشارکت در فعالیتهای فرهنگی با شرایط یکسان.

و ـ حق دسترسی به کلیه امکنه خدماتی که به عموم عرضه می‌شود از قبیل وسایط نقلیه و هتل‌ها و رستورانها و کافه‌ها و تماشاخانه‌ها و پارکها.

مادهٔ ٦

دول عاقد برای کلیه افراد مشمول صلاحیت قضائی خود در برابر هر نوع تبعیض نژادی که حقوق بشر و آزادیهای اساسی افراد را برخلاف مقررات این قرارداد مورد تجاوز قرار دهد حمایت‌و یك طریقه دادرسی مؤثر در برابر محاکم ذیصلاحیت ملی و سایر مراجع صلاحیتدار مملکتی تأمین خواهند کرد و همچنین حق افراد را در مطالبه غرامت و جبران عادلانه و متناسب خساراتی که براثر اعمال تبعیضات نژادی وارد می‌گردد تضمین خواهند نمود.

مادهٔ ۷

دول عاقد متعهد می‌شوند به‌منظور مبارزه با تعصباتی که منجر به تبعیضات نژادی می‌شود و نیز برای تعمیم و بسط تفاهم و روح گذشت و سازش و مودت در میان ملل و گروهها و نژادها و اقوام مختلف و ترویج نیات و اصول منشور ملل متحد و مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه ملل متحد درباره رفع تبعیضات نژادی و مفاد این قرارداد اقدامات مؤثر علی‌الخصوص در زمینه تعلیم و تربیت و فرهنگ و نشر اخبار معمول دارند.

بخش دوم

مادهٔ ۸

کمیته‌ای به منظور رفع تبعیضات نژادی (که از این پس «کمیته» نامیده می‌شود) مرکب از هجده نفر کارشناس واجد صفات عالی اخلاقی و بیطرفی که من‌باب اهلیت و مقام شخصی انجام وظیفه خواهند نمود و از طرف دول عاقد با توجه به لزوم توزیع جغرافیائی عادلانه و دربرگرفتن اشکال مختلفه تمدن و سیستم‌های عمده قضائی انتخاب می‌شوند تشکیل خواهد شد.

۲ـ اعضای کمیته با رأی مخفی از بین کسانیکه دول عاقد برای عضویت کمیته نامزد کرده‌اند انتخاب می‌شوند. هر دولت عضو می‌تواند یکنفر را از میان اتباع خود نامزد کند.

۳ـ نخستین انتخابات شش ماه پس از تاریخ اجرای این قرارداد انجام می گیرد. حداقل سه ماه قبل از تاریخ هر دوره انتخاباتی دبیر کل ملل متحد کتباً از دول عضو دعوت خواهد کرد تا نامزدهای انتخاباتی خود را ظرف دو ماه معرفی نمایند.

دبیر کل ملل متحد فهرست اسامی کلیه کسانی را که بدین ترتیب نامزد شده‌اند بترتیب حروف الفباء و با ذکر نام دول عضوی که آنها را نامزد کرده‌اند تهیه و به دول عاقد این قرارداد تسلیم می کند.

۴ـ انتخاب اعضای کمیته در جلسه‌ای متشکل از کلیه دول عضو که از طرف دبیر کل ملل متحد در مقر ملل متحد دعوت می‌شوند انجام خواهد گرفت.

در این جلسه که با حضور دو سوم دول عضو حائز اکثریت می‌شود کسانی به عضویت کمیته انتخاب می‌شوند که تعداد بیشتر و اکثریت مطلق آراء نمایندگان حاضر و رأی دهنده دول عضو را به دست آورند.

۵ـ الف ـ اعضای کمیته برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند. معذلك دوره عضویت نه نفر از کسانیکه در نخستین انتخابات به عضویت برگزیده می‌شوند پس از دو سال منقضی می گردد و رئیس کمیته بلافاصله پس از انجام نخستین انتخابات اسامی این نه عضو را به حکم قرعه تعیین می‌نماید.

ب ـ برای جانشینی کارشناسی که به علل غیر منتظره از ادامه وظایف خود در کمیته دست کشیده، دولت متبوع او کارشناس دیگری را از میان اتباع خود مشروط به تصویب کمیته منصوب می کند.

۶ـ پرداخت هزینه و مخارج اعضای کمیته، مادامی که در کمیته انجام وظیفه می کنند به عهده دول عضو خواهد بود.

مادۀ ۹

۱ ـ دول عاقد متعهد می‌شوند گزارشی درباره اقدامات قانونی و قضائی و اداری و غیره که به منظور اجرای مقررات و مفاد این قرارداد معمول داشته‌اند در مواعد زیر به دبیر کل تسلیم نمایند که مورد مطالعه و بررسی کمیته قرار گیرد.

الف ـ ظرف یك سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قرارداد در مورد هر یك از دول.

ب ـ متعاقباً هر دو سال یك بار و بعلاوه هر وقت که کمیته چنین تقاضائی بنماید. کمیته می تواند از دول عاقد تقاضای اطلاعات تکمیلی بنماید.

۲ـ کمیته هر سال گزارش اقدامات و فعالیتهای خود را توسط دبیر کل به مجمع عمومی تسلیم می‌دارد و می تواند بر اساس مطالعه و بررسی گزارشها و اطلاعات واصله از دول عضو پیشنهادها و توصیه هائی که دارای جنبه عمومی است بنماید. این پیشنهادها و توصیه‌های عمومی در صورت لزوم همراه با ملاحظات دول عضو به مجمع عمومی گزارش خواهد شد.

مادهٔ ۱۰

۱ـ کمیته آئین‌نامه و مقررات داخلی خود را تعیین و تصویب خواهد کرد.

۲ـ کمیته هیأت رئیسه خود را برای مدت دو سال انتخاب خواهد نمود.

۳ـ دبیرخانه کمیته به عهده دبیر کل ملل متحد خواهد بود.

۴ـ جلسات کمیته عادتاً در مقر سازمان ملل متحد منعقد خواهد گردید.

مادهٔ ۱۱

۱ـ هرگاه یکی از دول عضو، چنین تشخیص دهد که یکی دیگر از دول عضو مقررات قرارداد حاضر را مرعی و مجری نمی‌دارد. می تواند توجه کمیته را به موضوع جلب کند کمیته مراتب را به اطلاع دولت مربوطه می‌رساند. دولت مربوطه ظرف سه ماه توضیحات کتبی برای روشن شدن قضیه و عنداللزوم اقداماتی که ممکن بود به عمل آید تسلیم کمیته می کند.

۲ـ هرگاه ظرف شش ماه پس از اطلاع اولیه به دولت دریافت کننده موضوع از طریق مذاکرات دوجانبه یا از هر طریق دیگری که برای دو دولت مقدور باشد به صورت مرضی‌الطرفین حل و فصل نشود هر یك از دو دولت مزبور حق خواهد داشت که موضوع را مجدداً به وسیله یادداشتی به کمیته مرجوع دارد و مراتب را به دولت دیگر نیز اطلاع دهد.

۳ـ کمیته فقط در صورتی می تواند در مورد یك اختلاف طبق بند ۲ این ماده رسیدگی نماید که قبلاً اطمینان حاصل کرده باشد که کلیه طرق دادخواهی در حقوق داخلی که

براساس اصول کلی مورد قبول حقوق بین المللی استوار باشد، مورد استفاده و توسل قرار گرفته است این قاعده در مواردی که آئین دادخواهی متضمن مواعد طولانی غیر معقولی باشد اعمال نمی گردد.

۴ـ کمیته می تواند در مورد هر موضوعی که به آن ارجاع می شود اطلاعات تکمیلی دیگری که لازم بداند از دول مربوطه بخواهد.

۵ـ در مواقعی که کمیته به موجب ماده حاضر مشغول بررسی موضوعی می باشد هریك از دول ذینفع می توانند نماینده‌ای تعیین کند که بدون داشتن حق رأی در تمام مدت رسیدگی در جلسات کمیته شرکت نماید.

ماده ۱۲

۱ـ الف ـ پس از آنکه کمیته کلیه اطلاعاتی را که لازم تشخیص می دهد تحصیل نمود و مورد بررسی و مداقه قرار داد، رئیس کمیته کمیسیون سازش ویژه‌ای (که منبعد «کمیسیون» نامیده می شود) مرکب از پنج تن که ممکن است عضو کمیته باشند و یا نباشند تعیین خواهد کرد، اعضای کمیسیون با رضایت کامل طرفین اختلاف انتخاب می شوند و کمیسیون مساعی جمیله خود را به منظور یافتن راه‌حل دوستانه موضوع، که مبتنی بر احترام و مراعات مفاد قرارداد حاضر باشد، برای دول ذینفع بکار خواهد برد.

ب ـ هرگاه طرفین اختلاف ظرف سه ماه در خصوص ترکیب کمیسیون جزئاً یا کلاً به توافق نرسند آن عده از اعضاء کمیسیون که مورد توافق طرفین اختلاف قرار نگرفته‌اند با رأی مخفی و به اکثریت دو ثلث آراء اعضای کمیته از بین اعضای خود کمیته انتخاب خواهند شد.

۲ـ اعضای کمیسیون من‌باب اهلیت و مقام شخصی خود خدمت می کنند و نباید از اتباع دول طرف اختلاف و یا از اتباع دول غیرعضو قرارداد حاضر باشند.

۳ـ کمیسیون رئیس خود را انتخاب و روش کار و آئین‌نامه داخلی خود را تعیین و تصویب خواهد نمود.

۴ـ جلسات کمیسیون عادتاً در مقر سازمان ملل متحد یا محل مناسب دیگری که کمیسیون تعیین کند منعقد خواهد گردید.

۵ـ دبیرخانه مذکور در بند ۳ ماده ۱۰ قرارداد حاضر درصورتی که اختلاف بین دول موجب تشکیل کمیسیون شود خدمات خود را در اختیار کمیسیون می‌گذارد.

۶ـ دول طرف اختلاف هزینه اعضای کمیسیون را براساس صورت برآوردی که به‌وسیله دبیرکل تسلیم می‌شود بالسویه پرداخت خواهند نمود.

۷ـ دبیرکل اختیار دارد در صورت لزوم پیش از آنکه دول طرف اختلاف هزینه‌های متعلقه را طبق بند ۶ این ماده تأدیه نمایند ـ هزینه اعضای کمیسیون را پرداخت نماید.

۸ـ اطلاعاتی که کمیته تحصیل و بررسی نموده است در اختیار کمیسیون قرار خواهد گرفت و کمیسیون می‌تواند از دول ذیربط تقاضای ارسال اطلاعات مربوطه دیگری را بنماید.

مادهٔ ۱۳

۱ـ کمیسیون پس از بررسی همه جوانب موضوع گزارشی تهیه و به رئیس کمیته تسلیم می‌کند این گزارش مشتمل بر استنتاجات کمیسیون در مورد واقعیات مربوطه به اختلاف بین طرفین بوده و متضمن توصیه‌هائی که برای حل دوستانه اختلاف مناسب تشخیص می‌شود خواهد بود.

۲ـ رئیس کمیته گزارش کمیسیون را به هر یك از دول طرف اختلاف ارسال خواهد داشت. دول مذکور ظرف سه ماه موافقت یا مخالفت خود را با توصیه‌های مندرج در گزارش کمیسیون به رئیس کمیته اطلاع خواهند داد.

۳ـ پس از انقضای مهلت مقرر در بند ۲ این ماده رئیس کمیته گزارش کمیسیون را به انضمام اظهاریه‌های دول ذینفع برای سایر دول عاقد قرارداد ارسال خواهد داشت.

مادهٔ ۱۴

۱ـ هر یك از دول عاقد قرارداد می‌تواند در هر موقع اعلام نماید که صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی به شکایات و عرایض افراد یا دسته‌هائی از اشخاصی که تابع آن دولت بوده و مدعی باشند که با نقض یکی از حقوق مصرحه در قرارداد حاضر از طرف آن دولت در معرض تعدی قرار گرفته‌اند به رسمیت می‌شناسد. کمیته هیچ عریضه یا شکایت راجع به دولتی را که مبادرت به اعلام چنین اعلامیه‌ای ننموده باشد، دریافت نخواهد داشت.

۲ـ هر یك از دول عاقد این قرارداد که شناسائی صلاحیت کمیته را طبق بند ۱ این ماده اعلام دارد می‌تواند در داخل نظام قضائی مملکتی خود، برای دریافت و رسیدگی به شکایات افراد یا دسته‌هائی از اشخاص که تابع آن دولت می‌باشند و مدعی هستند که با نقض یکی از حقوق مصرحه در قرارداد حاضر از طرف دولت مذکور در معرض تعدی قرار گرفته‌اند و سایر طرق دادخواهی که در دسترسشان بوده مراجعه نموده‌اند، مرجعی را ایجاد یا تعیین نماید.

۳ـ اعلام شناسائی که طبق بند ۱ این ماده صورت می‌گیرد و نام مرجعی که به موجب بند ۲ این ماده ایجاد و یا تعیین می‌شود توسط دولت مربوط به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم می‌شود و مشارالیه رونوشت آنرا برای سایر دول عاقد قرارداد می‌فرستد. اعلام شناسائی را می‌توان هر موقع از طریق ارسال یادداشت به دبیر کل سازمان ملل متحد مسترد داشت لیکن این استرداد در مورد عرایضی که کمیته تا آن تاریخ دریافت داشته مؤثر نخواهد بود.

۴ـ مرجعی که طبق بند ۲ این ماده ایجاد و یا تعیین می‌شود موظف است شکایات واصله را در دفتری به نام دفتر عرایض ثبت کند و نسخه‌های مصدق و متحدالشکل این دفتر همه ساله از طریق مناسب در اختیار دبیر کل قرار دهد محتویات دفتر مزبور افشاء نخواهد شد.

۵ـ هر گاه مرجعی که طبق بند ۲ این ماده ایجاد و یا تعیین می‌شود نتواند موجبات رضایت عارض یا شاکی را فراهم سازد عارض حق دارد ظرف شش ماه مراتب را به استحضار کمیته برساند.

۶ـ الف ـ کمیته هر عریضه‌ای را که به آن ارجاع گردد محرمانه به نظر دولت عاقدی که شاکی مدعی است مقررات این قرارداد را نقض کرده است می‌رساند لیکن هویت شخص و یا گروه افراد شاکی را بدون رضایت صریح شخص و یا گروه مذکور نمی‌توان فاش ساخت.

کمیته شکایاتی را که فاقد امضاء صریح باشد نخواهد پذیرفت.

ب ـ دولت مربوطه ظرف سه ماه پس از اطلاع از مفاد شکایت توضیحات و اظهارات

لازم را که برای روشن شدن موضوع و عنداللزوم اقداماتی که ممکن بود به عمل آید کتباً به اطلاع کمیته می‌رساند.

۷ ـ الف ـ کمیته با توجه به اطلاعاتی که دولت مربوطه و شخص شاکی در اختیار گذارده‌اند عرایض و شکایات را مورد بررسی قرار می‌دهد کمیته در صورتی شکایتی را مورد بررسی قرار خواهد داد که قبلاً اطمینان حاصل کرده باشد که شخص شاکی کلیه طرق دادخواهی داخلی ممکن را مورد استفاده و توسل قرار داده است این قاعده در مواردی که آئین دادخواهی متضمن مواعد طولانی غیر معقول باشد، اعمال نمی‌گردد.

ب ـ کمیته پیشنهادها و توصیه‌های احتمالی خود را به اطلاع دولت مربوطه و شخص عارض خواهد رسانید.

۸ ـ کمیته خلاصه عرایض واصله و در صورت اقتضا خلاصه توضیحات و اظهارات دول مربوطه و نیز پیشنهادها و توصیه‌های خود را در گزارش سالانه منتشر خواهد کرد.

۹ ـ کمیته فقط در صورتی صلاحیت خواهد داشت وظایف مقرره در این ماده را انجام دهد که حداقل ده دولت عاقد این قرارداد صلاحیت آنرا طبق مفاد بند ۱ این ماده به رسمیت شناخته باشند.

مادهٔ ۱۵

۱ ـ تا نیل به هدفهای اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و ملل تحت استعمار مندرج در قطعنامه ۱۵۱۴ (دوره ۱۵) مجمع عمومی مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ مقررات قرارداد حاضر به هیچوجه در برخورداری ملل مذکور از حق دادخواهی و شکایت که به موجب سایر اسناد بین‌المللی یا از طرف سازمان ملل متحد و سازمانهای تخصصی به آنان اعطاء گردیده است محدودیتی ایجاد نخواهد کرد.

۲ ـ الف ـ کمیته متشکل طبق بند ۱ ماده ۸ قرارداد حاضر رونوشت شکایات واصل از ارگانهای سازمان ملل متحد را که مشغول به مسائلی می‌باشد که با اصول و هدفهای قرارداد ارتباط مستقیم دارد دریافت خواهد داشت و درباره شکایات رسیده از سکنه اراضی تحت قیمومیت و یا غیر خودمختار و یا به طور کلی از سایر سرزمینهای مشمول قطعنامه شماره ۱۵۱۴ (دوره پانزدهم) مجمع عمومی که با مسائل منظور در قرارداد حاضر ارتباط

دارد و ارگانهای مذکور راجع به آن اقدام و رسیدگی می نمایند اظهار عقیده کرده و راجع به موضوع آن شکایات توصیه‌هائی به عمل خواهد آورد.

ب ـ کمیته رونوشت گزارشهای ارگانهای صالحه سازمان ملل متحد را در زمینه اقدامات قانون گذاری و قضائی و اداری یا هر اقدام دیگری که مستقیماً به اصول و هدفهای این قرارداد مربوط می‌شود و توسط قوای اجرائی سرزمینهای مذکوره در جزء (الف) این بند معمول گردیده است دریافت خواهد داشت و عقاید و پیشنهادهای خود را به اطلاع ارگانهای مزبور خواهد رسانید.

۳ ـ گزارش کمیته به مجمع عمومی حاوی خلاصه عرایض و گزارشهای رسیده از ارگانهای ملل متحد بوده و همچنین عقاید و توصیه‌های کمیته در خصوص عرایض و گزارشهای مذکور خواهد بود.

۴ ـ کمیته از دبیر کل سازمان ملل تقاضا می کند که کلیه اطلاعات مربوطه به هدفهای این قرارداد و همچنین هر گونه اطلاعاتی که راجع به سرزمینهای مذکوره در بند ۲ (الف) این ماده در اختیار دارد به کمیته ارسال دارد.

مادهٔ ۱۶

مقررات قرارداد حاضر در مورد تدابیری که بایستی برای حل اختلافات و رسیدگی به شکایات اتخاذ شود. بدون خلل به سایر طرق حل اختلاف و رسیدگی به شکایات راجع به موضوع تبعیضات که در اسناد اساسی سازمان ملل و یا اسناد مربوط به تأسیس مؤسسات تخصصی آن و یا در قراردادهای مصوبه سازمان ملل متحد در نظر گرفته شده، اجراء می شود و مقررات مذکور مانع از آن نخواهد بود که دول عاقد به سایر طرق حل اختلاف طبق موافقتنامه‌های بین‌المللی عمومی و یا خصوصی که بین آنان منعقد و مجری است توسل جویند.

بخش سوم

مادهٔ ۱۷

۱ ـ قرارداد حاضر برای امضای هر دولتی که عضو سازمان ملل متحد یا یکی از مؤسسات تخصصی آن بوده یا هر دولتی که اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری را امضاء

کرده باشد و همچنین هر دولتی که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای عضویت در قرارداد حاضر دعوت شود. مفتوح خواهد بود.

۲ ـ قرارداد حاضر به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب آن به دبیر کل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده ۱۸

۱ ـ قرارداد حاضر برای الحاق هر یك از دول مذکور در بند ۱ ماده ۱۷ مفتوح خواهد بود.

۲ ـ الحاق با تسلیم سند الحاق به دبیر کل ملل متحد انجام می گیرد.

ماده ۱۹

۱ ـ قرارداد حاضر سی روز پس از تاریخ تسلیم بیست و هفتمین سند تصویب و یا الحاق به دبیر کل سازمان ملل متحد لازم‌الاجرا خواهد شد.

۲ ـ قرارداد حاضر برای دولی که آنرا تصویب کنند و یا پس از تسلیم بیست و هفتمین سند تصویب یا الحاق بدان ملحق شوند. سی روز پس از تاریخی که سند تصویب یا سند الحاق خود را به دبیر کل ملل متحد تسلیم نمایند لازم‌الاجرا خواهد بود.

ماده ۲۰

۱ـ دبیر کل سازمان ملل متحد متن قیود و شروطی را که احتمالاً دول در موقع تصویب این قرارداد یا الحاق به آن قائل شوند دریافت داشته و به کلیه دول عاقد یا دولی که ممکن است به قرارداد ملحق شوند کتباً اطلاع خواهد داد. هر دولتی که به شرایط مذکور معترض باشد ظرف نود روز پس از تاریخ اطلاعیه مذکور، به دبیر کل اطلاع خواهد داد که شرط مورد بحث را نمی‌پذیرد.

۲ـ قیود و شروطی که با موضوع و هدف قرارداد حاضر غیرقابل جمع است و همچنین شروطی که اثر آن فلج ساختن فعالیت یکی از ارگانهای مخلوق قرارداد حاضر باشد مجاز نخواهد بود و شروطی دارای وصف فوق تلقی می گردد که مورد اعتراض حداقل دوسوم دول عاقد قرار داد واقع شود.

۳ـ قیود و شروط را می توان هر موقع با اطلاع کتبی به دبیر کل مسترد داشت اطلاعیه مذکور از تاریخ وصول نافذ و معتبر خواهد بود.

مادهٔ ۲۱

هریك از دول عاقد می تواند این قرارداد را با اطلاع کتبی به دبیر کل ملل متحد فسخ کند.

فسخ قرارداد یك سال پس از تاریخ وصول اعلامیه مذکور به دبیر کل نافذ خواهد بود.

مادهٔ ۲۲

اختلافات بین دو یا چند دولت عاقد راجع به تفسیر و یا اجرای قرارداد حاضر که از طریق مذاکره یا از طریق دیگر مصرح در این قرارداد حل و فصل نشود بنا به درخواست هریك از طرفین اختلاف به دادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد تا راجع به آن رأی دهد مشروط بر اینکه طرفین اختلاف در مورد راه‌حل دیگری توافق نکرده باشند.

مادهٔ ۲۳

۱ـ هریك از دول عاقد می تواند هر موقع کتباً از دبیر کل ملل متحد تقاضای تجدیدنظر در قرارداد حاضر را بنماید.

۲ـ مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره اقداماتی که باید عنداللزوم در مورد چنین تقاضائی اتخاذ گردد، تصمیم خواهد گرفت.

مادهٔ ۲۴

دبیر کل سازمان ملل متحد جزئیات ذیل را به اطلاع کلیه دول مذکوره در بند ۱ مادهٔ ۱۷ قرارداد حاضر خواهد رسانید:

الف ـ امضاء و تصویب و یا الحاق به قرارداد طبق مواد ۱۷ و ۱۸.

ب ـ تاریخ اجرای قرارداد حاضر طبق ماده ۱۹

ج ـ اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌ها و مکاتبات واصله طبق مواد ۱۴ و ۲۰ و ۲۳.

د ـ موارد فسخ طبق ماده ۲۱

مادهٔ ۲۵

۱ـ قرارداد حاضر که متون انگلیسی و چینی و اسپانیائی و فرانسه و روسی آن دارای

اعتبار یکسان می‌باشد در بایگانی سازمان ملل متحد ضبط خواهد شد.

۲ـ دبیر کل ملل متحد نسخه‌های مصدق این قرارداد را برای کلیه دولی که به یکی از طبقات مذکوره در بند ۱ ماده ۱۷ تعلق داشته باشد ارسال خواهد داشت.

در تاریخ ۱۳۵۶/۴/۸ به تصـــویب مـــجلس سنا و در تاریخ ۵۶/۴/۳۰ مورد تصویب مجلس شورای ملی قرار گرفت. *

قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی

مادهٔ۱

نشر هر نوع افکار مبتنی بر تبعیض بر اساس نژاد و یا جنس و نفرت نژادی و تحریك به تبعیض بر اساس نژاد و یا جنس از طریق یکی از وسائل تبلیغ عمومی علیه هر گروه که از حیث نژاد، جنس و رنگ و قومیت متفاوت باشند و نیز هر نوع مساعدت منجمله کمك مالی به فعالیتهای تبعیض نژادی ممنوع است و مرتکب بحبس جنحه‌ای تا ششماه یا بپرداخت جزای نقدی از ده هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد مگر اینکه عمل به موجب قوانین دیگر مستوجب مجازات شدیدتری باشد که در این صورت مجازات اشد قابل اعمال خواهد بود.

تبصره - منظور از وسائل تبلیغ عمومی در این ماده عبارت از نطق در مجامع عمومی یا رادیو یا تلویزیون، انتشار اعلامیه، چاپ و نشر کتاب و روزنامه و مجله، نمایش فیلم و امثال آنها است.

مادهٔ۲

هر کس به منظور تبلیغ تبعیض بر اساس نژاد یا قوم و یا جنس یا به منظور ایجاد نفرت

---

* از مجموعه قوانین سال ۱۳۵۶، چاپ روزنامه رسمی، ص ۲۰۴.

یا دشمنی و یا به منظور ایجاد نفاق بر اساس نژاد و قوم و یا جنس جمعیتی تشکیل دهد یا اداره نماید به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یك سال یا به پرداخت جزای نقدی از ده هزار تا یکصد هزار ریال محکوم می‌شود مجازات قبول عضویت در جمعیت فوق حداقل مجازات مذکور خواهد بود.

In this connection according to the constitution, their own religious rules are applied in their personal status affairs. they may have associations and societies, schools and are entitled to have their representatives at the islamic consultative assembly (parliament).

NOTE:

1 - All of these articles were published in some of the majour newspapers and magzines soon after their presentation.

2 - For more awareness of the public in relation to the articles:
Number 5 and 6 I published the persian text of the I.L.O Convention number 111 and convention on the elimination of racial discrimination and the Iranin law of punishment of propagation on racial discrimination as annexes.

sis of the articles of the convention, the tasks and the performance of the committee, Iran's perudical report and the conclusion and recommendations of the committee in relation to the commitments of Iran to the convention.

7 - The resistance against injustice in the islamic system and its foundations human rights.

This article was presented at the international conference of Imam Khomeini and the Ashura Culture, held in Tehran University in June 1997. It elucidates the legitimacy of resisting against injusice and illgitimate powers according tio the islamic culture and the universal standards of human rights.

8 - The Islamic Republic of Iran's statutes and the fundamental liberties.

This article was presented at the seminar on Freedom and its Realization in the Islamic Republic of Iran held in Tarbiat Modarres University-Tehran, may 1999. The article elucidates the outlook of the constitution of the Islamic Republic of Iran on the concept of liberty and its limitation and reflection of this concept on some of the enacted statutes.

It presents a critical examination and disscussion of some of limitations which exist in some such statutes.

9 - Minorities Rights under the Islamic Republic of Iran Constitution:

A one-day seminar entitled: ''Constiution and Rights of the Nation'' was held on 29 november 1999 by the ''committee for follow up and supervision on the implementation of constitution'' in tehran. ''Minorities Rights under the constitution'' was the topic of the paper presented by me at the seminar. In this paper some reference has been made to the definition of minorities and minorities rights under the human rights international documents and upon reviewal of some principles of constitution, it has been commented that from the viewpoint of Islamic Republic of Iran constitution, tribal, racial and lingual minorities are entitled to enjoy all constitutional rights without any discrimination while maintaining their identities and existence.

Principles of constitution also allow for enjoyment of rcligious minorities, whether official or unofficial, from the constitutional rights without discrimination. Official Religious minorities namely Christians, the Jews and Zoroastrians are furthermore entitled to maintain their religious identities.

past years. In the article, first, the Human Rights Commission and its composition and practice in this session will be reviewed and then its attitude towards the Human Rights conditions in Iran will be discussed.

3 - The seminar on islamic viewpoints concerning the universal declaration of human rights.

On the occasion of the fiftieth anniversary of adnoption of the universal declaration of human rights a two - day seminar was held in the United Nation Office in Geneva with the cooperation of the United Nations High Commissioner for Human Rights and the Organization of Islamic Conference. Some twenty specialists from islamic countries made speeches and Held disscussions in this seminar and elucidated the Islamic viewpoints with regard to various issues concerning Human Rights. The title of this seminar was:

Enriching the universality of Human Rights: Islamic perspectives on the universal declaration of Human Rights.

4 - The last meeting of the Human Rights Commission in the twentieth century.

The report is presented about the fifty - fifth session of the Human Rights Commission: the issues which were on its agenda, some of the decisions reached at this particular session, the position of the Islamic Republic of Iran and resoloution on the question of Human Rights in Iran.

5 - The International Labor organization and the Human Rights criteria.

In this article the International Labor organization (I.L.O), its tasks and styles of work are described and its role in the promotion of Human Rights in the world examined. In addition, this article analyzes the convention number 111 concerning employment discrimination, provides the information about the 87th general conference of I.L.O and committee of standards and informs about the situation of Iran in the committee.

6 - The committee on the elimination of racial discrimination and the examination of the report presented by the Islamic Republic of Iran.

This article is composed in connection with the fifty-fifth session of the committee for the elemination of racial discrimination, held in united nations office in Geneva, agust 1999. It presents certain pieces of information about the convention on the elimination of racial discrimination, the analy-

The present compilation consists of some reports and articles on the issues of Human Rights and the fundamental liberties.

The title and the very brief summary of each article or report are prsented below:

1 - Human Rights in the land of Deities.

This is a report on a meeting held in katmandu. Nepal (feb. 1996) for purpose of examining and dealing with the Human Rights issues in Asia and Oceania. In this report the measures taken by the united nations organization in relation to the regional Human Rights arrangefments and the national Human Rights institutions are elucidated and the Islamic Rights Commission is introduced as a national human rights institution in Iran.

2 - Report of the 54th session of human rights commission

The 54th session of Human Rights Commission was held in Geneva, U.N. European Headquarters, for six weeks from march 16th to april 24th of this year (1998). this session ci-occured with the commemoration of 50th anniversary of the ratification of International Declaration of Human Rights. One of the issues discussed in the commission was to examine human rights conditions in different countries which is dealt with under the article 10 of agenda of the commission. One of the countries of which human rights situation has been long discussed by the lecturers and special reporters and has been the subject of resolutions of the commission is the Islamic Republic of Iran. In this session, the Human Rights conditions in the Islamic Republic of Iran was discussed in a different and new atmosphere, compared with the

HUMAN RIGHTS

AND ITS IMPLEMENTATION'S INSTRUMENTS

BY:

DR. HOSSEIN MEHRPOUR

از همین نویسنده منتشر شده است:

۱ ـ بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران

انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ اول: ۱۳۶۸، چاپ سوم: ۱۳۷۶

۲ ـ مجموعه نظریات شورای نگهبان (در ۳ جلد)

انتشارات کیهان، تهران: ۱۳۷۱

۳ ـ دیدگاههای جدید در مسائل حقوقی

انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ اول: ۱۳۷۲، چاپ دوم: ۱۳۷۴

۴ ـ حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران

انتشارات اطلاعات، تهران: ۱۳۷۴

۵ ـ منتخبات من المباحث الفقهیّة

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران: ۱۳۷۶

۶ ـ نظام بین‌المللی حقوق بشر

انتشارات اطلاعات، تهران: ۱۳۷۷